آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی

رشد جوانه ۶۱

فصل‌نامهٔ تخصصی سامان‌دهی
منابع آموزشی و تربیتی

یادداشت سردبیر
جشنواره در کلیدواژه‌ها ۲

گفت‌وگو
والدین باید از مدرسه عشق، امید، صلح و شادی بخواهند نه نمره / هماهنگی و وحدت رویه مانع سودجویی می‌شود ۴

میزگرد
جشنواره از آثار برگزیده پشتیبانی کند / فرصت انتخاب بیشتر، یعنی خواندن کتاب‌های بیشتر ۱۲

یادداشت داوران
از خودرو حمایت می‌شـــود، از فرهنگ نه / رشد کیفی، تنزل کمّی / سنگک ماشینی و کتاب‌های مهارت‌های زندگی / آزاد کردن انرژی پنهان و متراکم معلمان با تربیت معلمان مؤلف / کتاب‌هایی شبیه روغن، شامپو و برنج... / بازی یک ضرورت اســـت، نه وسیله‌ای برای اوقات فراغت / پنجره‌هایی به گلستان آسمانی / اهمیت زبان و ادبیات / در جذابیت منابع آموزشی / بازار نشر در سیطره ترجمه‌های ضعیف / کتاب‌ها را ساده، کاربردی و کم‌حجم بنویسیم ۲۳

گفت‌وگو با نویسندگان
کودکان بدون مرز، ســـیّال و آزاد به دنیا می‌آیند / می‌گویند زیاد ســـخت می‌گیری! / با بچه‌ها هم‌بازی می‌شـــوم / کتاب‌های خوب به دســـت بچه‌ها نمی‌رســـند / غول ترافیک را با دانش‌افزایی مهار کنیم! / پول بچه‌ها یا پول خدا؟ / اسلام در پرداختن به اقتصاد جلوتر از دیگر ادیان / منعطف چون طناب، بی‌شمار همچو سنگ و بخشنده مانند چوب / مدرسه‌های آینده چند منظوره‌اند ۳۳

نقد کتاب
کتابی با زبان برنامه‌نویسی تصویری برای کودکان / سهیم‌شدن مخاطب در کشف پیام پنهان / تمرینات اصلاحی برای ده ناهنجاری قامتی / کلیشه را از پریز بکشـــیم / "اعتماد به‌نفس" با شیوه‌ای خلاقانه و سرگرم‌کننده / پیکارجویان بی‌نام و نشان! ۵۲

گزارش نشست داوران
بیش از هزار کتاب زیر ذره‌بین ۹۰ داور ۶۳

گفت‌وگو با سرگروه داوران جشنواره
مخاطب به کتاب خوب کمتر رغبت دارد / ضرورت نیازســـنجی پیش از تولید کتاب‌های دینی / نویسنده باید روایت و نگاه معاصر داشـــته باشـــد / دوری فیزیک از زندگی / کتاب خوب خواننده را به تفکر وامی‌دارد / نیاز واقعی و گم شده / معلمان توانمند دیده شوند / تغییر رویکرد کتاب‌های عربی / از قاعده‌محوری به درک متن / حوزه‌ای با موضوعات متنوع و کتاب‌های کم ۶۶

جشن جهانی کتاب
بزرگ‌ترین رخداد کتاب در جهان ۷۹

کتاب و کتاب‌خوانی در دنیا
جایزه کتاب مدرسه ۱۰۶۶ ۸۲

گزارش
کار جمعی پر رنج اما اطمینان‌بخش ۸۴

گفت‌وگو
عروسک‌هایی که می‌خواهند بدانند ۹۰

تدبیر
تدبیر جمعی برای حسن اجرای مصوبهٔ شورای عالی آموزش‌وپرورش ۹۲

کارنامهٔ علمی-اجرایی و بیانیه‌های گروه‌های داوران ۹۷

تا مرز برگزیدگی ۱۵۹

یادبود صادق صندوقی ۱۸۹

وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

مدیر مسئول:
محمد ناصری
سردبیر:
فریبا کیا
شورای برنامه‌ریزی:
فریبرز بیات
بهروز رضایی
دکتر محمود معافی
ناصر نادری
محبت‌الله همتی
حبیب یوسف‌زاده
مدیر داخلی:
مهتاب میرایی آشتیانی
ویراستار:
بهروز راستانی
طراح گرافیک:
سید جعفر ذهنی
کاریکاتوریست:
سعید رزاقی
عکاس‌ها
رضا بهرامی
اعظم لاریجانی

نشانی پستی دفتر مجله:
تهران، ایرانشهر شمالی، پلاک ۲۷۰
صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵

تلفن: ۸۸۳۰۶۰۷۱
دورنما: ۸۸۳۰۶۰۷۱
پیامک: ۳۰۰۰۸۹۹۵۱۸

وبگاه: samanketab.roshdmag.ir
پیام‌نگار: javaneh@roshdmag.ir

جشنواره در کلیدواژه‌ها

فریبا کیا

در جهان امروز، تقریباً در همه نظام‌های آموزش و پرورش، متمرکز یا غیرمتمرکز، فرایند یاددهی یادگیری بر محور برنامه درسی که در کتاب‌های درسی و منابع آموزشی کمکی تبلور می‌یابد، صورت می‌پذیرد.

در کشور ما، به دلایل گوناگون فرهنگی و اجتماعی، این بار سنگین، سال‌های متمادی بر دوش کتاب‌های درسی قرار داشته است که به صورت متمرکز از سوی سازمان پژوهش منتشر می‌شده است. وجود کتاب‌های درسی واحد، شـــرایط فرهنگی و اجتماعی جامعه که طبقات گوناگون را به تحصیلات دانشگاهی تشویق می‌کرد، و نبود امکانات کافی برای پاسخ‌گویی به سیل گستردهٔ مشتاقان، منجر به تشدید رقابت‌های آموزشی و متعاقب آن رواج انواع کتاب‌ها و آزمون‌های کمکی به منظور گذر از مانع کنکور شد. کتاب‌هایی که بی‌توجه به حداقل اصول یاددهی یادگیری و حتی چهارچوب‌های ظاهری و فنی قابل قبول، در شمارگان انبوه و صرفاً با هدف فرونشاندن تقاضای بازار، منتشر می‌شدند و نه تنها با رویکردهای تعلیم و تربیت همسویی و همنوایی نداشتند که اغلب در تضاد با آن‌ها بودند، آموزش و پرورش را واداشت تا پا در میدان بگذارد و بکوشد به وضعیت این کتاب‌ها سر و سامانی بخشد و جشنواره کتاب رشد این چنین شکل گرفت.

امروز که دســـت‌به‌کار برگزاری شانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشـــدیم، مروری بر بیانیه‌های دبیر جشنواره و گروه‌های داوری آن، خصوصاً در شـــش دورهٔ اخیر که دامنه داوری‌ها، همه دوره‌های آموزشی و حتی پیش‌دبســـتانی و کودکان استثنایی را دربرمی‌گرفته اســـت، خالی از فایده نیست. این بیانیه‌ها به‌واقع آیینه‌ای هستند که انتظارات آموزش و پرورش و سازمان پژوهش را به عنوان متولی برنامه‌ریزی رسمی این نهاد برمی‌تابند.

آشـــکار است که تماشای تمام دغدغه‌های دســـت‌اندرکاران و داوران، در مجال این مقاله میسر نیست و ناگزیر باید به نکات عمده و کلیدواژه‌های اصلی بسنده کرد.

سند تحول بنیادین

ســـند تحول بنیادین آموزش و پرورش مهم‌ترین سند بالادستی نظام تعلیم و تربیت کشور اســـت که هفت سال از ابلاغ آن سپری شـــده است. توجه به این ســـند و اصول و رویکردهای آن، از سوی پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشـــی، از محورهـــای مورد تأکید در دوره‌های مختلف جشـــنواره بوده اســـت: «با تصویب ســـند تحول بنیادین نظام آموزشی، فصل تازه‌ای در مسیر سرعت‌بخشی و تثبیت و تعمیق یادگیری و تربیت دانش‌آموزان گشـــوده شده است. به تبع آن ســـند برنامه درســـی ملی نیز به عنوان راهنمای فرایند یاددهی یادگیـــری، رویکردهـــای نوینی را برای تولید محتوای آموزشـــی و تربیتی مناســـب ترسیم کرده اســـت. توجه به همه ابعاد وجودی و ساحت‌های تربیتی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های درون و برون مدرســـه‌ای، از جمله این جهت‌گیری‌هاست که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به عنوان متولی اصلی محتوای آموزشی، خود را مکلف به اجرای آن می‌داند.» (جشنواره دهم)

همسویی با رویکردهای برنامه درسی

همسویی پدیدآورندگان و ناشران با اصول، رویکردها و هدف‌های برنامه درســـی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین اهداف جشنواره کتاب رشد بوده است. تدوین راهنماهای تولید کتاب‌های آموزشی، از نخستین جشـــنواره‌ها آغاز شد. پس از تصویب سند تحول و به تبع آن برنامه درسی ملی، بازتولید راهنماهای پیشین و در موضوعات تازه، تدوین راهنماهای جدید در دســـتور کار قرار گرفت؛ و البته پیش از تدوین ایـــن راهنماها یا هم‌زمان با آن‌ها، برنامه‌های متعدد برای آشـــنایی ناشـــران و پدیدآورندگان با رویکردهای جدید برنامه درسی ترتیب یافت.

در هـــر حـــال، داوران همواره انتظـــار داشـــته‌اند، پدیدآورندگان کتاب‌های آموزشـــی، خصوصاً کتاب‌های کمک‌درسی که مستقیماً برای دانش‌آموزان تدوین می‌شـــوند، پیـــش از تدوین کتاب، برنامه درســـی مربوط را و اگر نمی‌توانند دست کم این راهنماها را که در وبگاه سامان‌کتاب در دسترس همگان قرار دارد، از نظر بگذرانند.

در بیانیه‌های جشـــنواره، ناشران و نویســـندگان به طور مکرر از رویکرد حافظه‌محوری پرهیز داده شـــده‌اند. مکرر از آن‌ها خواسته شده است ضمن پرهیز از طرح مباحث نامناسب با سطح ذهنی، به اصل تنوع قالب‌ها و تنوع شـــیوه‌ها اهتمام ورزند و در این مسیر، به جای تولید کتاب کمک‌درســـی، به تدوین بسته آموزشی بیندیشند که متضمن قالب‌های غیرمکتوب نیز هست: «خواهش ما این است ناشران در تولید سایر اجزای بسته آموزشی همت بیشتری به خرج دهند.» (جشنواره سیزدهم) «امروزه حوزه‌های تازه و جدیدی مانند تفکر و پژوهش، کار و فـــن‌آوری و آموزش‌های مربوط به مهارت‌ها و سبک زندگی بســـترهای تازه‌ای را در این زمینه گشوده‌اند... این حوزه‌های جدید قالب‌ها و سبک‌های جدیدی را می‌طلبند که باید با دقت و هوشمندی مورد توجه ناشران قرار گیرد.» (جشنواره یازدهم)

تألیف و فرهنگ بومی

یکی از سیاست‌هایی که در جشـــنواره‌های کتاب رشد، به‌صورت مســـتمر دنبال شده است، تشویق ناشران به سرمایه‌گذاری بر تولید آثار تألیفی به جای آثار ترجمه‌ای بوده است.

آثار ترجمه‌ای آب و رنگ بهتر و در نتیجه در جلب توجه مخاطب قدرت بیشـــتری دارند و هزینه تمام شـــده تولید آن‌ها در مقایسه با آثار تألیفی کمتر اســـت؛ اما حقیقت آن اســـت که مسائل مطرح شـــده در بیشتر آن‌ها، به این دلیل که در زمینه فرهنگی متفاوت و برای مخاطبی دیگر نوشـــته شده‌اند، آثاری را که باید و شاید، برجا نمی‌گذارنـــد و ضمن آن‌که به نیاز مخاطب ایرانی پاســـخی درخور

نمی‌دهند، ممکن است آثار تربیتی سوء نیز در پی داشته باشند. بنابراین کتاب تألیفی، خصوصاً اگر مقدمات تدوین آن صحیح طی شده باشد، با حال و هوای دانش‌آموز ایرانی به‌مراتب سازگارتر خواهد بود.

جشنواره در تشویق معلمان به تألیف، تا بدان‌جا پیش‌رفت که در دوره یازدهم، جایزه آن‌ها را به دو برابر مقدار معمول افزایش داد و دبیر جشنواره با اشاره به این اتفاق مبارک گفت: «توجه ما بیشتر معطوف به معلمانی بوده است که گچ در دست دارند و به عنوان معلم رسمی آموزش و پرورش، با حضور در کلاس درس، ارتباط مستقیمی با دانش‌آموز، مدرسه و کلاس درس دارند.»

البته این بدان معنی نیست که تمام آثار ترجمه شده نامناسب‌اند. هم در روند ارزیابی مستمر کتاب‌ها و هم در داوری‌های جشنواره نسبت به کتاب‌های خوب ترجمه، واکنش مثبت و درخور نشان داده شده است. گرچه کوشیده شده، در شرایط برابر، کفه ترازوی داوری به نفع آثار تألیفی سنگینی کند.

خلاقیت و نوآوری

از دیگر توصیه‌های همیشگی داوران، به ناشران و نویسندگان پرهیز از تکرار مکررات است. تولید کتاب‌های مشابه پس از حوزه کمک‌درسی، در حوزه‌های مهم دینی و مذهبی، چشم‌گیر است و آثار جالب توجه و بدیع در این حوزه اندک‌شمارند. داوران کتاب‌های دینی و قرآن، ضمن انتقاد از فقر مشهود در تولیدات دینی و قرآنی خصوصاً در حوزه کودک و نوجوان، همواره از این نکته گلایه کرده‌اند که نویسندگان و ناشران این آثار از نوآوری و ورود به فضاهای جدید و استفاده از قالب‌های نو و خلاقانه و حتی از به‌کار گرفتن زبان و ادبیات تازه نپرهیزند: «... گویی برای انتقال مفاهیم قرآنی فقط باید از زبان وعظ و خطابه استفاده کنیم. ادبیات به کار رفته در آثاری که توسط داوران بررسی شده‌اند نشانگر آن است که این موضوع نیاز به بازنگری جدی دارد و یکی از مهم‌ترین دلایلی که کتاب‌های این حوزه مورد استقبال لازم قرار نمی‌گیرند، این است که ادبیات به‌کار رفته در آن‌ها با مخاطب ارتباط برقرار نمی‌کند.» (بیانیه دبیر جشنواره دوازدهم)

تولید براساس نیازسنجی

تکیه بر نیازسنجی و توجه به نیازهای مخاطب و عدم انتشار آثار با مضامین تکراری بدون مخاطب مشخص، یکی دیگر از توصیه‌های داوران در طول این سال‌ها بوده است: «داوران پس از بررسی آثار تأکید داشتند که میان محتوا و ادبیات آثار با نیازهای مخاطب ارتباط عمیقی وجود ندارد. در واقع ناشران بر اساس پژوهش و نیازسنجی دست به تولید آثار نمی‌زنند.» (جشنواره دوازدهم)

کنکور

کنکور زدگی و توجه مفرط به فوت و فن‌های تست‌زنی، به قیمت بی‌توجهی به یادگیری عمیق، مؤثر و پایدار یکی از گلایه‌های پیوسته داوران جشنواره بوده است که در بیانیه دبیر جشنواره نیز نمود و بازتاب یافته است: «متأسفانه انتشار کتاب‌های حل‌المسائل ... به‌گونه‌ای است که خود فریاد می‌زنند هدفشان سودجویی است و معلوم است که دردی از فرهنگ و آموزش و پرورش دوا نخواهند کرد.» (جشنواره یازدهم)

این کتاب‌ها ضمن آن‌که روح گرسنه و تشنه دانش‌آموز را به معنای واقعی سیر و سیراب نمی‌کنند، به‌تدریج ذائقه‌ها را تغییر و ذهن‌ها را به پخته‌خواری، تنبلی و فعالیت‌های حافظه‌مدارانه بی‌ارزش و سطحی، عادت می‌دهند و مانع از شکوفایی توانایی‌های مخاطب می‌شوند و دریغا که در این مسیر، خانواده‌ها نیز ندانسته با موج تبلیغات همراه و به دست خود موجب نابودی استعدادهای فرزندان می‌شوند: «متأسفیم که در جامعه، بازاری با عنوان بازار کتاب‌های کمک‌درسی وجود دارد که توسط تبلیغات گسترده حمایت می‌شود. ذائقه دانش‌آموز به شکل بیمارگونه‌ای به این بازار معطوف می‌شود و اولیا هم از این موضوع حمایت می‌کنند.» (جشنواره چهاردهم)

و اگر در سال‌های پایانی دوره متوسطه دوم، این رویکرد به بهانه ورود به آموزش عالی توجیه می‌شود، برای ترویج این شیوه‌ها در سال‌های پایین‌تر چه دلیلی می‌توان تراشید؟ دبیر جشنواره کتاب رشد، در سال ۱۳۹۶ در جشنواره پانزدهم با اشاره به گسترش دامنه استفاده از کتاب‌های نامناسب کمک‌درسی به پایه‌های پایین‌تر و از جمله دوره‌های ابتدایی، تذکر می‌دهد که تداوم این جریان با اهداف وزارت آموزش و پرورش مغایرت قطعی دارد و قابل چشم‌پوشی نیست. و اتفاقاً دیری نمی‌پاید که آموزش و پرورش مجبور می‌شود راه‌ها را برای ورود کتاب‌های کمک‌درسی به مدارس ابتدایی سد سازد. پیش از آن نیز مشفقانه از ناشران خواسته شده بود با همراهی و همکاری هم، خود عرصه را بر سودجویان تنگ کنند و دریغا این اتفاق رخ نداد. در همین زمینه، موضوع خودداری رسانه‌ها از تبلیغ کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی نامناسب نیز قابل ذکر است که به شکل مکرر طرح شده است.

توجه به ظرافت‌های فنی و هنری

داوران، افزون بر دغدغه‌هایی که درباره محتوا و سازمان‌دهی آن دارند، در بسیاری از بیانیه‌های خود ناشران کتاب‌های آموزشی را به استفاده از ظرفیت‌های گرافیکی و استانداردهای فنی و زیباشناسانه فراخوانده‌اند. تردید نیست که یکی از رازهای جذابیت آثار فرنگی در همین نکته است که آن‌ها در تولید کتاب از انواع ظرفیت‌های هنری و فنی مانند طراحی جلد، تصویرگری، گرافیک، صفحه‌آرایی و حتی قطع و صحافی و بهره می‌گیرند. این موضوع در جشنواره‌های متعدد و از جمله در جشنواره یازدهم مورد تأکید قرار گرفته است.

کوشش برای خرید کتاب‌های مناسب

داوران جشنواره در کنار انتظاراتی که از ناشران و نویسندگان برشمرده‌اند، مکرر بر حمایت و پشتیبانی از کتاب‌های خوب و مناسب از طرق مختلف از جمله معرفی آن‌ها در کتاب‌های درسی و عرضه کتاب‌های مناسب در نمایشگاه‌های کتاب مدارس از سوی متولیان پای فشرده‌اند. این دغدغه هم در گفته‌های داوران و هم در بیانیه دبیر جشنواره دیده می‌شود. برای نمونه در جشنواره یازدهم از آغاز فعالیت "پخش مدرسه" به منظور تکمیل و توسعه فعالیت‌های حمایتی و در دسترس قرار دادن کتاب‌های مناسب برای خرید، در قالب نمایشگاه و فروشگاه دائمی کتاب‌های مناسب سخن به میان می‌آید.

چنان که گفته شد، این کلیدواژه‌های تکرار شونده، بازتاب بخشی مهم از دغدغه‌های جشنواره‌ای است که در هجده سال گذشته دوام یافته است. با این آرزو که روزبه‌روز کیفیت کتاب‌های آموزشی و تربیتی در این سرزمین تعالی یابد و رونق کتاب‌های خوب و خواندن آن‌ها، عرصه را بر کتاب‌های معیوب و نامرغوب و خصوصاً گندم‌نمایان جوفروش تنگ سازد، در انتظار اتفاق‌هایی شیرین و دل‌پذیر در هفدهمین جشنواره کتاب رشد می‌مانیم.

محمد دشتی

والدین باید از مدرسه عشق، امید، صلح و شادی بخواهند نه نمره

نشستی با دکتر حیدرتورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

شانزدهمین دوره جشنواره کتاب‌های آموزشی تربیتی رشد در حالی برگزار می‌شود که سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، سیاست‌های راهبردی و اجرایی را برای نیل سریع‌تر این سازمان به اهداف خود اعلام کرده است. بنا به گفته دکتر تورانی این سیاست‌ها واجد برنامه جدیدی نیستند و اهداف سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی را دنبال می‌کنند. در این گفت‌وگو کوشیده‌ایم تأثیر سیاست‌های اعلام شده را از دیدگاه معاون محترم وزیر آموزش و پرورش بر تولید کتاب‌های آموزشی بررسی کنیم.

■ **یکی از راهبردها سیاست‌های شش‌گانه سازمان، که جناب‌عالی مطرح کرده‌اید، سیاست چندتألیفی است که البته پیش از این هم اعلام شده بود. به نظر می‌رسد پی‌گیری این سیاست، موجب می‌شود زمینه و فرصتی مهم برای مشارکت ناشران فراهم آید تا به جای تولید کتاب‌های کمک‌درسی در تدوین و تألیف کتاب‌های درسی مشارکت کنند. لطفاً سیاست مشخص سازمان را در این موضوع تبیین بفرمایید.**

بحث چندتألیفی یک فرایند است و از سیاست‌های اجرایی سازمان محسوب می‌شود و البته باید توجه داشت که سیاست چندتألیفی باید هم‌زمان با چند سیاست دیگر به اجرا درآید. ما برای اینکه به اهداف و منویات سند تحول بنیادین آموزش و پرورش برسیم، لازم است در سازمان چندین سیاست را در دستور کار قرار دهیم. منظور از سیاست، مجموعه‌ای از قوانین و مقررات و بایدها و نبایدهایی است که برنامه‌ها را برای رسیدن به هدف همسو می‌کند. سیاست مانند حفاظ یا پرچین‌های تعبیه شده در بزرگراه است که به خودروها برای حرکت در مسیری واحد و جلوگیری از انحراف به خارج از جاده کمک می‌کند. می‌توان گفت «اهداف» ارتباط عمودی و «راهبرد» ارتباطات افقی را برقرار می‌کند و نقش راهبردها برای همسو شدن برنامه‌ها و منابع بسیار مهم است. عملکرد جزیره‌ای بسیاری از بخش‌ها، در این مشکل ریشه دارد که فاقد سیاست و جهت‌گیری درست و واحدند.

سیاست‌های راهبردی و اجرایی که ما در سازمان دنبال می‌کنیم، یکدیگر را کامل می‌کنند و سیاست چندتألیفی و

تولیدات چند رسانه‌ای یکی از ملموس‌ترین آن‌هاست. نباید غافل شد که موضوعی مانند چندتألیفی و چند رسانه‌ای، در اولین گام، تابع سیاست ماندگاری کتاب‌های درسی است. در همین ارتباط، قرار گذاشتیم بعد از اینکه کتاب‌های درسی پایه دوازدهم نگارش شد، تا سال ۱۴۰۰ کتاب جدیدالتألیف نداشته باشیم تا بتوانیم ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و فرایندی و ساختاری سازمان را تقویت کرده، برای دوره جدید آماده شویم.

عمده نکاتی که در این مدت باید به آن پرداخته شود این است که اهداف دوره‌های تحصیلی را که بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تصویب شده است، تبیین کنیم؛ برنامه درسی ملی را اشاعه داده، مورد پایش قرار دهیم؛ راهنمای برنامه درسی حوزه‌های یازده‌گانه تربیتی-یادگیری را به تصویب برسانیم؛ راهنمای تولید بسته‌های آموزشی را تدوین و منتشر کنیم و برنامه‌های نیمه تجویزی و اختیاری و برنامه ویژه مدارس و آموزش مستمر معلمان و مدیران مدارس را پی بگیریم، چون اگر معلمان ما از توانمندی بالایی برخوردار نباشند، کاری از پیش نخواهد رفت.

■ یکی از فعالیت‌هایی که در دوره ماندگاری کتاب انجام می‌شود، حمایت از تولید و پخش رسانه‌های آموزشی است. بفرمایید برای توسعه و گسترش رسانه‌های آموزشی منطبق با سیاست‌های سازمان و دسترسی به آن‌ها، چه حمایت‌هایی در نظر گرفته شده است؟

در دوره ماندگاری کتاب و جلوگیری از تغییر مداوم کتاب‌ها، ما فرصت خواهیم داشت از «همسویی با سند تحول بنیادین» به «انطباق با سند تحول بنیادین» گذر کنیم. انطباق با برنامه درسی ملی، کاری سخت‌تر، دقیق‌تر و مؤثرتر از همسویی است. برای این منظور ما باید نقشه دقیق و چارچوب مفهومی برای کار خود داشته باشیم و شاخص‌ها و استانداردهایی داشته باشیم که چگونگی انطباق تولیدات را برای ما روشن سازد. وقتی استانداردها و راهنمای برنامه درسی را در اختیار داشته باشیم، می‌توانیم به سمت تولید چندتألیفی و چند رسانه‌ای (در حوزه تولیدات الکترونیکی) برویم. این اهداف سال‌ها در برنامه‌های سازمان بوده، ولی به آن پرداخته نشده است. بنده این اهداف و برنامه‌ها را احیاسازی کردم. ما معتقدیم سازمان‌ها و مؤسساتی (اعم از ناشران، انجمن‌ها، سازمان‌های مردم نهاد، دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و...) هستند که از توانمندی تولید کتاب‌های درسی بر اساس استانداردها برخوردارند. ما باید به این ظرفیت‌های بیرون از سازمان اعتماد کنیم. مقام معظم رهبری در نشستی که با دولت داشتند، بر برون‌سپاری امور و فعال کردن بخش‌های خصوصی و بردن تصدی‌گری دولتی به سمت مدیریت کارها تأکید داشتند. خب تا کی می‌توان تصدی همه امور را بر عهده داشت؟ بخش‌های خصوصی، دوستان ما هستند و رقیب و دشمن ما نیستند و باید به این افراد علاقه‌مند و دلسوز تعلیم و تربیت، فرصت داده شود که در این مسیر مشارکت کنند. هنگامی که ما به عنوان مشتری، کالای درخواستی خود را با دقت سفارش دهیم، تولید کنندگان به سمت تولید آن خواهند رفت. متأسفانه گاهی ما تعریف و تصویر درستی از نیازهای خود یا استانداردهای مشخصی نداریم و در ابهام حرکت می‌کنیم. اگر سیاست چندتألیفی اجرا شود، تنوع موضوعات و منابع اتفاق می‌افتد و محیطی سرشار از نوآوری و رقابت سالم شکل می‌گیرد. اگر ما ندانیم و نگوییم چه می‌خواهیم، تولیداتی که مورد نیاز ما نیست منتشر می‌شوند. اگر زمین شخم زده شود و بذری در آن کاشته نشود، علف هرز در آن رشد خواهد کرد. بذر ما شاخص‌ها و استانداردها هستند.

آموزشگاه‌هایی در کشور هستند که کالا و محصولات آموزشی نامناسب تولید می‌کنند که آسیب زننده هستند و آموزش و پرورش هم با آن‌ها مخالفت می‌کند. این تولیدات بیشتر رنگ و بوی تجاری دارند و به یادگیری واقعی و پداگوژی (هنر یاددهی یادگیری) توجهی ندارند. آن‌ها به جای مواد مغذی، در شب امتحان به بچه‌ها مواد نیروزا می‌خورانند؛ مثل ورزش‌کارانی که با دوپینگ و تقلب رکورد می‌شکنند. به آن‌ها یاد می‌دهند به جای آموختن، با مهارت‌های تست‌زنی وارد دانشگاه‌ها شوند. محصولات غیراستاندارد مانند فست فودها، ظاهر و مزه خوشی دارند و خیلی زود خانواده‌ها و دانش‌آموزان را جذب می‌کنند، اما نهایتاً سودمند نیستند و بلکه آسیب‌رسان‌اند. با این آموزشگاه‌ها باید مقابله شود و راه آن هم اشاعه کارهای درست است، نه فقط برخورد با کارهای نادرست. برخورد با کارهای نادرست، راه حل کاملی نیست و بهترین راه حل هم نیست. ما باید به مصرف کنندگان آموزش دهیم که چه کالاهایی خوب و چه کالاهایی مضر هستند و آن‌ها باید چه کالایی را مصرف کنند.

■ به سیاست انطباق با سند تحول بنیادین به جای سیاست همسویی با آن اشاره فرمودید. لطفاً در این خصوص بیشتر توضیح دهید و در ضمن بفرمایید که در موضوع حمایت از مؤلفانی که کتاب‌های مناسب و همسو با برنامه درسی تولید می‌کنند، چه اقداماتی در دستور کار سازمان است؟

من تأکید دارم که دفاع همه‌جانبه از تولیدات استاندارد ضروری و لازم است. اساساً یکی از اهداف طرح سامان‌دهی، حمایت از تولیدکنندگان همسو با برنامه درسی است. گرچه در حال حاضر، عملاً ناشرانی هستند که همسو و هم‌راستا با ما حرکت می‌کنند، اما حمایتی از آن‌ها نمی‌شود. مثلاً آن‌ها کتاب‌هایی را تولید می‌کنند که پرسش و پاسخ صرف نیستند و به پرسش‌ها به صورت مستقیم پاسخ نمی‌دهند. ولی از این کتاب‌ها به دلیل ناآگاهی مشتریان، استقبال نمی‌شود. ما باید از کتاب‌هایی که بر اساس استاندارد تولید می‌شوند، حمایت کنیم. ما خودمان را

ما باید نیازهای سازمانی خودمان را - با استانداردهایی که در نظر داریم- به مؤسسات و اشخاص توانمند بخش خصوصی سفارش بدهیم

موظف به پشتیبانی از این کتاب‌ها و توسعه آن‌ها می‌دانیم.

یکی از راهکارهای ما برای حمایت از ناشران، معرفی کتاب‌های منتخب جشـــنواره کتاب رشد در کتاب‌های درسی است. در این کار حتی به تأیید دفتر تألیف هم نیازی نیست. نکته دیگر حضور در نمایشگاه‌هاست. ما می‌توانیم نمایشگاه‌هایی را مثلاً با همکاری پخش مدرسه در کل کشـــور راه‌اندازی کنیم و سالی دو سه بار، این کتاب‌هـــا را در معرض دید مردم قرار دهیم. در این زمینه با معاونت پرورشـــی هم صحبت کرده‌ایم. این‌ها از جمله گام‌هایی هستند که می‌توانیم برداریم.

گرچـــه به اعتقاد مـــن، اگر آموزش و پـــرورش هیچ‌یک از این حمایت‌ها را هم نداشـــته باشـــد، همین که مانع و بازدارنده کار ناشران نباشد، ناشران خود خواهند توانست مسیرشان را بیابند. چون مشکل این ناشران همیشه عدم حمایت آموزش و پرورش نیســـت، بلکه گاهی مشکل ناشی از این اســـت که در مسیرکار آن‌ها ســـنگ‌اندازی می‌شـــود. پس از طرفی بایـــد میدان برای محصولات استاندارد فراهم شود و از طرف دیگر باید به خانواده‌ها و دانش‌آموزان و مـــدارس آگاهی داد تا خانواده‌ها مطالبات خود را به ســـوی نیازهای واقعی تغییر دهنـــد؛ زیرا تا زمانی که ذائقه خانواده‌ها اصلاح نشود، در خصوص مقابله با آثار غیر استاندارد و مضر برای دانش‌آموزان کار زیادی از ما برنخواهد آمد.

با کمال تاســـف در حال حاضر همه مطالبات والدین از مدرسه نمره اســـت و از آن عشـــق، امید، صلح و شادی طلب نمی‌کنند. محیط هـــم (مانند فضای مجازی) در این امر تأثیرگذار اســـت. نگرش دانش‌آموزان نسبت به رشته‌های پول‌سازی مثل پزشکی نیز به شکل‌گیری چنین فضایی دامن می‌زند. بنابراین اگر همه با هم هماهنگ نشویم، اتفاقات مطلوب و مؤثر رخ نمی‌دهد.

قرار بر این است که تا سال ۱۴۰۰ کتاب جدیدالتألیف نداشته باشیم تا بتوانیم ابعاد سخت‌افزاری و نرم‌افزاری و فرایندی و ساختاری سازمان را تقویت کرده، برای دوره جدید آماده شویم

■ **راهبرد دیگری که شـــما مطرح کرده‌اید، چابک‌ســـازی و متناسب‌سازی برنامه درسی اســـت که در حقیقت به کاستن حجم کتاب‌های درســـی و برخی از عناوین منجر خواهد شد. چنین اقدامی می‌تواند به این معنا باشد که کتاب‌های درسی به موضوعات کمتری بپردازند، در نتیجه موضوعات بیشتری وجود خواهد داشت که دستمایه کار ناشران آموزشی و تربیتی برای تولید آثار مناسب قرار بگیرد. لطفا بفرمایید برای اینکه از این تولیدات در مدارس بهره‌برداری شـــود، شما چه همکاری‌های بین بخشی را پیش‌بینی کرده‌اید تا محصولی که وارد مدرسه**

می‌شود، در نهایت مورد استفاده مخاطبان قرار گیرد و نیازهای آنان را برطرف کند؟

مواردی را که ذکر کردم، بحث تحولی قضیه است و مسیر آینده ما را نشان می‌دهد. اما در وضع موجود هم ما نیازمند منابع آموزشی و تربیتی غیر رسمی هستیم. همین حالا هم بخش‌هایی در خارج از آموزش و پرورش، با هدف کمک به یادگیری و پرورش بچه‌ها فعال هستند. ما شاید در همه مدارس کتابخانه داشته باشیم، اما در کتابخانه‌های مدارس کتاب وجود ندارد؛ حال آنکه وجود کتاب‌های علمی، آموزشی، داستانی و فرهنگ‌نامه‌ها در مدارس لازم و مفید است و بچه‌ها در کنار کتاب‌های درسی باید کتاب‌های غیر درسی هم بخوانند. بنابراین باید به ناشرانی که در این زمینه کار می‌کنند، توجه و به کارشان بها داده شود. از طرفی ما باید کاری کنیم که تولیدات این ناشران استاندارد و همسو با آموزش و پرورش باشند؛ کاری که ما در سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و جشنواره کتاب رشد دنبال می‌کنیم.

البته ما نه تنها باید با آزمون‌های زاید و مهارت‌های غیرمفیدی مثل تست‌زنی و... مبارزه کنیم، بلکه باید با آموزشگاه‌هایی که با تبلیغات سمی و با اهداف صرفاً تجاری خود می‌کوشند به صورت غیر علمی وارد منازل و خانواده‌ها شوند، نیز برخورد کنیم. متأسفانه در جامعه ما با این موارد کمتر برخورد می‌شود و علاوه بر آن در صدا و سیما هم برای آن‌ها تبلیغ می‌شود. این‌گونه آموزشگاه‌ها حتی ممکن است با مدارس سروکاری نداشته باشند، و فقط بچه‌ها و خانواده‌ها را هدف قرار دهند.

ضمناً همین‌جا از فرصت استفاده کنم و یادآوری کنم که ما با ممنوعیت بهره‌گیری از کتاب‌های کمک‌درسی در دوره ابتدایی، در حقیقت راه را بر مؤسساتی هم که درست کار می‌کردند، بستیم. این مؤسسات مهجور شدند، اما متأسفانه مؤسسات غیر حرفه‌ای همچنان می‌کوشند به شکل‌های ناسالمی به فعالیت و حیات خود ادامه دهند و متأسفانه شاهدیم که خانواده‌ها و بچه‌ها فریب تبلیغات آنان را می‌خورند. ما برای حمایت از فعالیت آموزشگاه‌ها و ناشران سالم و حرفه‌ای، باید کمی متعادل‌تر حرکت کنیم و فرصت مشارکت را از آن‌ها نگیریم.

البته در آینده ما در بحث چند تألیفی و چندرسانه‌ای، بیشتر به سوی بخش خصوصی خواهیم آمد و از این بخش مدد خواهیم گرفت. طبیعتاً کسانی می‌توانند بیشتر به ما کمک‌کنند که سابقه بهتری در تولید منابع مناسب و استاندارد دارند. ما در برون‌سپاری و دادن نقش به بخش خصوصی و تولید کتاب‌ها و رسانه‌ها، سراغ آموزشگاه‌ها و بخش‌های بزرگ و نامدار نخواهیم رفت؛ بلکه به سمت بخش‌هایی می‌رویم که استاندارد هستند و سابقه درخشانی دارند.

■ **اشاره فرمودید که در حال حاضر به جای سیاست همسوسازی، در پی سیاست انطباق با برنامه‌های درسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش هستید. هم‌زمان رویکرد ماندگاری کتاب‌های درسی نیز دنبال می‌شود. به نظر شما دنبال کردن هم‌زمان این دو با یکدیگر منافات ندارد؟ چون تلاش برای انطباق، مستلزم تغییر خواهد بود.**

باید توجه داشت که انطباق یک مفهوم و رویکرد است و یک فعالیت جدید محسوب نمی‌شود. در حال حاضر کتاب‌های جدیدالتألیف همسوسازی شده‌اند، ولی منطبق نشده‌اند. ما می‌خواهیم کتاب‌هایی که در آینده تولید می‌شوند، برگرفته از منویات اسناد تحولی باشند. مدل آینده ما بر اساس متن سند تحول ۳-۳-۳-۳ خواهد بود، نه ۶-۳-۳. چون ما سه سال اول بتدایی را دوره‌ای و یکپارچه می‌بینیم و بعد از آن سه سال دوم ابتدایی مطرح است. در این نگاه پایه‌ها باید اهداف مشترک داشته، به صورت یکپارچه باشند. در این صورت نظام را از نظر ساختاری متفاوت از قبل می‌بینیم. البته مفاهیم و معانی هم باید با هدف‌گذاری برنامه درسی ملی سازگار باشد. خاطرتان هست که ما در دوره همسویی هنوز اهداف مصوب و راهنمای حوزه یادگیری نداشتیم و برنامه‌ها فقط بر اساس تجربه و خبرگی مؤلفان نوشته شدند. اما در دوره انطباق، هم هدف، هم راهنمای حوزه یادگیری و هم چارچوب عمل و اهداف دروس را خواهیم داشت. یعنی خود را برای دوره انطباق کاملاً مجهز می‌کنیم و به ترتیب، کتاب‌ها به شیوه‌ای جدید طراحی خواهند شد.

■ **مدتی است که از کاهش یا حذف مشق شب و جایگزین کردن آن با تکالیف و فعالیت‌های مهارت‌محور صحبت می‌شود. این کار می‌تواند اختیارات بیشتری را در حوزه مدارس ایجاد کند، ولی ممکن است مشکلاتی را هم به وجود آورد و یک‌دستی و وحدت برنامه‌ها در این زمینه حفظ نشود. شما در سازمان چه تمهیداتی برای عملیاتی شدن این سیاست و همین‌طور حرکت در مسیر صحیح به‌خصوص در بستر طرح سامان‌دهی منابع آموزشی اندیشیده‌اید؟**

می‌توان گفت درباره مشق شب بچه‌ها، نظرات متناقض زیادی مطرح می‌شود. به نظر بنده، باید در این خصوص سبک‌سازی و متناسب‌سازی شود و اساساً برای بچه‌ها تکالیف زیادی در نظر نگیریم و اجازه دهیم که یادگیری بچه‌ها، به‌خصوص در دوره ابتدایی، در کلاس درس تثبیت شود، نه در منزل؛ که به این روش «یادگیری معکوس» هم گفته می‌شود. یادگیری سنتی این است که معلم سر کلاس آموزش می‌دهد و بچه‌ها در منزل مشق می‌کنند و به این ترتیب تثبیت یادگیری صورت می‌گیرد. اما دیدگاه غالب کنونی درپی آن است که معلم بچه‌ها را به کنجکاوی ترغیب کند و بچه‌ها در مورد موضوعی که کنجکاوی و جست‌وجو کرده‌اند بحث کنند و یادگیری در کلاس تثبیت شود. برنامه مشق زندگی که معاونت آموزش ابتدایی آن را طراحی کرده است، ویژه سه سال اول ابتدایی است. طبق این

با کمال تاسف در حال حاضر همه مطالبات والدین از مدرسه نمره است و از آن عشق، امید، صلح و شادی طلب نمی‌کنند

طـــرح، بچه‌ها در کلاس‌هایی با جمعیـــت ۱۶ تا ۲۵ نفر، تکالیف و مشـــق خود را در کلاس می‌نویســـند و وقتی به منزل می‌روند فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند کـــه به افزایش مهارت‌های آن‌ها منجر می‌شـــود. مثلاً تکلیف دانش‌آموز این است که تعریف کند وقتی به منزل رفت، چه کمکی به مادر خود می‌کند؛ یا اگر برنامه کودک تماشـــا کرده، چه نکاتی از آن فراگرفته است؛ یا به همراه خانواده به خرید و مهمانی رفت، چه چیزهایی آموخته اســـت؛ یا اتاقش را چگونه نظم داده اســـت و یا چگونه به پدرش در مزرعه کمک کرده اســـت و.... یعنی به جای مشق، به دانش‌آموز فعالیت بدهیم. البته لازمه ایـــن کار، تمام وقت بودن معلم و مهیا بودن امکانات اســـت. این طرح آزمایشی اســـت، ولی به‌طور کلی نباید بچه‌ها را با تکالیف زیاد خسته کرد.

برنامه بعدی، برنامه ویژه مدرســـه اســـت که اختصـــاراً به آن «بوم» می‌گوییم و مربوط به برنامه‌های نیمه تجویزی و اختیاری مدارس است که در سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی نیز به آن توجه شده است. در این طرح به مدیران مدارس اجازه داده می‌شود طبق تشخیص خود، هفته‌ای دو ساعت از ساعات درسی را کم کنند تـــا بچه‌ها بتوانند در آن دو ســـاعت به فعالیت‌های متنوع (در ســـاحت‌های هنر، خلاقیت، کارآفرینی و...) بپردازند، البته بدون اینکه برای این دو ســـاعت نمـــره یا امتحانی در نظر گرفته شود. مدارس باید خودشان برای این دو ساعت برنامه‌ریزی کنند و منتظر دیکته کردن برنامه‌ای از بیرون نباشند. بخش‌نامه مربـــوط، که در راســـتای واگذاری برخی اختیـــارات به مدیران مدارس اجرا می‌شـــود، با تأیید وزیر محترم مستقیماً به مدارس ارسال شده است و امسال به صورت آزمایشی اجرا می‌شود.

■ **آخرین پرســـش ما مربوط به منابع آموزشی غیرمکتوب اســـت. با عنایت به لزوم ایجاد تنوع در شیوه‌ها و قالب‌های آموزش از سویی و کمبود یا گرانی کاغذ از سوی دیگر، انتظار می‌رود به موازات محدودتر شـــدن قالب‌هـــای مکتوب، این منابع گسترش بیشـــتری پیدا کنند. با عنایت به این موضوع سیاست‌های ســـازمان و وزارت آموزش و پرورش در استفاده از این منابع به کدام ســـمت خواهد رفت؟ خصوصاً که بیشتر تولیدات سازمان مکتوب است و مدارس به طور سنتی اغلب از منابع مکتوب به عنوان منابع آموزشی سود می‌برند.**

الکترونیکی و چند رسانه‌ای شدن کتاب‌ها و منابع آموزشی ما، منافاتی با تولید کتاب‌های مکتوب ندارند. ما باید در کنار تألیفات مکتوب، رسانه‌های غیر مکتوب هم داشته باشیم و همان‌طور که ناشران و تولیدکنندگان بیرون از سازمان، کتاب‌هایی را برای ما تألیف می‌کنند، باید بتوانند مواد و وسایل آموزشی استاندارد هم تولید کنند. البته کل ســـازمان باید به این ســـمت برود. خاطرم هســـت یک بار در زمان ریاست مرحوم مهندس علاقه‌مندان در ســـازمان پژوهش، خدمت رهبر معظم انقلاب رســـیدیم. در آن زمـــان آقای محرابی (مدیر وقت دفتر تکنولوژی آموزشـــی) یک فیلم آموزشـــی که در دفترشان ســـاخته بودند، به آقا دادند که ببینند. ایشـــان همان جا فرمودند مگر شما فیلم می‌سازید؟ این کار را بایـــد به بخش‌های دیگر بدهید؛ بایـــد با بخش‌های دیگر قرارداد ببندید. این به معنای برون‌ســـپاری کارهاســـت که هنوز ما در اجرای مناســـب آن موفق نبوده‌ایم. چـــرا این کار را انجام نمی‌دهیم و اصولاً چرا فکر می‌کنیم که دیگران دلسوز نظام تعلیم و تربیت و کشـــور و انقلاب نیستند و فقط ما دلسوزیم و فقط ما می‌توانیم؟

ما در ســـازمان پژوهـــش و برنامه‌ریزی آموزشـــی و در وزارت آموزش و پرورش اعتقاد راســـخ داریم که باید با بیرون از سازمان ارتباط مطلوبی برقرار کنیم و نیازهای ســـازمانی خودمان را - با استانداردهایی که در نظر داریم- به مؤسسات و اشخاص توانمند خارج از سازمان ســـفارش بدهیم. بعد از انجام کار هم، با اجرای داوری مـــورد قبول دو طرف، اگر کار مورد تأیید باشـــد، هزینه قرارداد پرداخت شود.

ما کارهای جاری، اصلاحی و تحولی در ســـازمان داریم که باید به هر سه پرداخته شـــود و باید مشخص شود در این سه سطح چه کارهایی انجام شـــده یا در حال انجام اســـت. اگر سازمان در اجرای درســـت امور پیشتاز باشد، سایرین هم پیروی می‌کنند و این یک اصل مهم است که در طرح سامان‌دهی کتاب‌ها و منابع آموزشـــی و تربیتی هم باید به دقت مورد نظر و ملاک عمل قرار گیرد. ان‌شاءالله.

محمد دشتی

هماهنگی و وحدت رویه مانع سودجویی می‌شود

پای صحبت محمد ناصری، دبیر جشنواره و مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی

نخستین دورهٔ «جشـــنوارهٔ کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی رشد» در سال ۱۳۷۹ برگزار شد و اکنون پس از گذشت ۱۸ سال از این آغاز هدفمند، شانزدهمین دورهٔ این جشنواره در آذرماه ســـال ۱۳۹۷ برگزار می‌شود. در همین ارتباط با محمد ناصری، مدیر کل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و دبیر این جشنوارهٔ دیرپا به گفت‌وگو نشسته‌ایم. آنچه می‌خوانید گزارش این گفت‌وگوی صمیمی است.

بعد از گذشـــت ۱۸ سال و پیش رو داشتن شانزدهمین دورهٔ جشـــنوارهٔ کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی رشد خوب است که به این پرســـش بنیادی پاسخ داده شود کـــه: مهم‌ترین امتیاز این جشـــنواره و وجه تمایز آن با جشنواره‌های مشابه چیست؟

در مورد مهم‌ترین امتیاز و وجه تمایز جشـــنوارهٔ رشـــد با سایر کارهـــای مشـــابه باید عـــرض کنم کـــه این جشـــنواره و تمام جشـــنواره‌هایی که ما در «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» به نمایندگی از ســـازمان برگزار می‌کنیم، به واقع در پاســـخ به یک نیـــاز و مطالبهٔ اجتماعی فراگیر شـــکل گرفته‌اند. یعنی به غیر از جشـــنوارهٔ بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد که جشـــنواره‌ای دیرپا و قدیمی اســـت و البته آن هم در زمان پایه‌گذاری خود براســـاس یک نیاز طراحی و برگزار شده است جشـــنواره‌های دیگر ما، اعم از جشنواره‌های عکس رشد، جشنوارهٔ تولید محتوای الکترونیکی و جشنوارهٔ کتاب رشد، همه براســـاس یک نیاز و ضرورت بنیان‌گذاری شده‌اند. در حقیقت، فلسفهٔ وجودی مشـــترک همهٔ آن‌ها پاسخ به یک نیاز است. اما من با اعتقاد کامل می‌گویم که اگر قرار باشد فقط یک جشنواره در ســـازمان پژوهش و برنامه‌ریزی باقی بماند و استمرار داشته باشـــد، قطعاً جشنوارهٔ کتاب رشد اســـت که به دلیل نیازی که هنوز هم وجود دارد، نمی‌تواند تعطیل شود. به این دلیل که این جشنواره پاسخ به نیازی بوده که در روزگار خود مهم بوده و در حال حاضر به نحوی مهم‌تر و الزام‌آورتر هم شده است.

اطـــلاع دارید که این جشـــنواره به منظـــور معرفی بهترین کتاب‌ها در حوزه‌های متفاوت یاددهی یادگیری طراحی و اساساً در گذر زمان قرار شـــد به همـــهٔ نیازها، حتی نیازهای مطرح در بخش فوق برنامه یا غنی‌سازی برنامهٔ مطالعاتی بچه‌ها در حوزهٔ کتاب، پاسخ دهد. البته در یک برههٔ زمانی، چون بازار کتاب‌های آموزشـــی و کمک‌درســـی رونق گرفته بود، فلسفهٔ وجودی این جشـــنواره این بود که بیشـــتر به آن‌ها بپـــردازد و همین کار را

جشنواره کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی رشد ناشی از نیازی است که از کلاس درس و زندگی دانش‌آموزان و جامعه معلمان منبعث شده است

انجام داد. اما با گذشت زمان و رونق یافتن کتاب‌های آموزشی و کمک‌آموزشی و تهیهٔ اسناد تحولی در فضای تعلیم‌وتربیت، این ضرورت شکل و شمایل جدیدی به خود گرفت. عنایت دارید که در اسناد تحولی «کلاس درس» به مفهوم سنتی و قدیمی خود و محدود به یک کلاس بسته با یک معلم متکلم وحده نیست. پس نگاه ما به کتاب درسی و ارائهٔ خواندنی‌های مناسب به دانش‌آموزان موضوع بسیار مهمی است که امکان دارد، «کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان» و یا حتی جشنواره‌ای خصوصی مانند «جشنوارهٔ انتخاب کتاب شهید غنی‌پور»، یا جشنواره‌های دیگر که موضوعشان کتاب است، از این منظر به کتاب‌ها نگاه نکنند. این وجه تمایز و یا سیاست خاص، خودش موجب تفاوت‌های اساسی بین این جشنواره با جشنواره‌های مشابه می‌شود. پس ما موظف هستیم که این کار را به صورتی مستمر و پویا دنبال کنیم و انجام دهیم. به همین دلیل، دبیرخانهٔ جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد در سامان‌دهی مواد و منابع آموزشی و تربیتی دبیرخانه‌ای دائمی و مستمر است. این دفتر در حال حاضر به دلیل گستردگی کار آن در حال حاضر با بیش از ۱۰۰۰ ناشر به‌طور دائم در حال همکاری است.

■ در صحبت‌هایتان به اسناد تحولی آموزش‌وپرورش اشاره کردید و در گفت‌وگویی که در همین زمینه و در هفتهٔ گذشته با آقای دکتر حیدر تورانی، سرپرست محترم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی داشتیم، ایشان هم بر انطباق این فعالیت‌ها با سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش خیلی تأکید داشتند. لطفاً در این خصوص هم بیشتر توضیح دهید.

این موضوع نکتهٔ مهم و ظریفی است که از سیاست‌های محوری و اساسی وزارت آموزش‌وپرورش محسوب می‌شود. درواقع ادامهٔ همان صحبت قبلی بنده هم این است که این موضوع یعنی تشکیل دبیرخانهٔ دائمی جشنوارهٔ کتاب رشد برایند ۱۶ سال فعالیت مستمر و همین‌طور اسناد تحولی است که در چند سال اخیر به‌عنوان راهنمای راه تحول در آموزش‌وپرورش تهیه و ابلاغ شده است. ضمناً برگرفته از مصوبه‌ای در «شورای عالی آموزش‌وپرورش» است که به‌عنوان مصوبهٔ ۸۲۸ تهیه و ابلاغ شده و به مثابه قانون لازم‌الاجراست. پس امتیاز و وجه تمایز جشنوارهٔ ما این است که با همان جدیتی که باید «عمل تعلیم‌وتربیت» در تمام حیطه‌های خود مورد توجه و اهتمام باشد، این بخش نیز باید با همان استواری و قوت پیگیری و انجام شود. جالب این است که ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، هنوز هم مهم‌ترین بخش در حوزهٔ منابع آموزشی تربیتی «کتاب» است. البته این نکته هم درست است که فیلم‌ها، رسانه‌ها و محتواهای الکترونیکی آموزشی دیگر خیلی مؤثرند، ولی آنچه که در وضعیت فعلی جایگاه و رونق جدی دارد، بخش کتاب است و به همین سبب ناشران مهم و فعالی در حال فعالیت در این حیطه هستند.

■ درخصوص اشکالاتی که ناشی از نوعی نگاه سودجویانه است و امکان دارد آسیب‌رسان باشد، نوع برخورد و رویکرد شما چیست؟

ما تلاش می‌کنیم که برخوردمان هدایتی و سازنده باشد. اگر ارائه‌کنندگان این آثار به دنبال تعامل و کار سازنده باشند، به کمک آنان می‌رویم. اما معمولاً درخصوص مسائلی که حیثیت مدرسه را بازیچه قرار دهد و مثلاً معلم را مسخره کند و یا با مفاخر فرهنگی ما شوخی‌های سخیف و تحقیرآمیز کند، به گونه‌ای دیگر عمل کرده و آن‌ها را در ارزیابی‌های صورت گرفته رد می‌کنیم. مشکل هم این است که گروهی از ناشران که خاستگاه آن‌ها کتاب‌های کمک‌درسی است گاه با ورود به حوزه‌های دیگر، باز هم بر ادامهٔ تولیدات غیراستاندارد خود اصرار دارند و برای رسیدن به منافع و سودهای نامشروع هنجارشکنی می‌کنند. برای مثال، در یکی از این کتاب‌ها، مؤلف با لودگی و دستاویز قرار دادن مفاخر ما و در ظاهر برای خنداندن و جذب بچه‌ها، با این بزرگان شوخی می‌کرد (شوخی‌های سخیف با **حافظ، سعدی** و ...). خب طبیعی است که این کار برخلاف هدف‌های آموزشی ماست. این مفاخر که قله‌های زبان و ادبیات فارسی هستند، جایگاه والا و مهمی دارند و نباید اجازهٔ تولید و انتشار چنین آثاری به این افراد و یا مؤسسه‌ها داده شود.

پس جمع‌بندی صحبت بنده در این بخش می‌تواند چنین باشد که جشنوارهٔ کتاب‌ها و منابع آموزشی و تربیتی رشد ناشی از نیازی است که از کلاس درس و زندگی این گروه سنی و جامعهٔ معلمان منبعث شده است. ضمناً این جشنواره در فرایند بررسی و داوری خود و با حضور داوران و ارزیابان متخصص و آگاه، بهترین‌ها را به جامعه معرفی می‌کند. در همین ارتباط در اثر فعالیت‌های مستمر و هدفمندی که صورت گرفته است، مثلا در این دوره ۵۰۰۰ کتاب به دست ما رسیده که از این تعداد کتاب حدود نیمی از آن‌ها مناسب هستند. ضمناً در همین زمینه، کتاب‌های درجهٔ یک، دو و سه نیز به رقابت می‌پردازند که این جشنواره به‌صورت نمادین آن‌ها را معرفی می‌کند. البته علاقه‌مندان و مخاطبان می‌توانند کتاب‌های دیگر را در فهرستگان و یا سامانه کنترل کیفیت منابع آموزشی و تربیتی مکتوب، ببینند.

■ لطفاً دربارهٔ سیاست‌های اعلام شده از سوی آموزش‌وپرورش در مورد ممنوعیت استفاده از کتاب‌های کمک‌آموزشی به‌خصوص در دورهٔ ابتدایی و در کنار آن، توجه ویژه به داستان‌خوانی، داستان‌گویی و داستان‌نویسی، صحبت بفرمایید.

باید اذعان کنیم که رویکرد منع ورود کتاب‌های کمک‌درسی به دبستان یکی از شجاعانه‌ترین اقدامات دو دههٔ اخیر در آموزش‌وپرورش بوده است. صرف‌نظر از تمامی مزایای احتمالی

در مورد برخی از کتاب‌های استاندارد در دبستان به سبب مضراتی که این نفوذ تجارت در پی داشت، به نظر من کاری شجاعانه و مقتدرانه بود و دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی قطعاً حامی این سیاست است. بعد از اعلام عمومی این رویکرد توسط وزیر آموزش‌وپرورش و معاونان محترم وزارتخانه، اولین کاری که ما انجام دادیم، اعلام رسمی نپذیرفتن کتاب‌های کمک‌درسی ابتدایی در سایت سازمان و فرایند بررسی این‌گونه کتاب‌ها بود.

■ چرا اعلام چنین سیاستی این همه مورد توجه قرار گرفته و توانسته است، دفتر و سازمان را با این قاطعیت با خود همراه کند؟

زیرا ورود این‌گونه کتاب‌های کمک‌درسی به دبستان، باعث تداخل در امر تعلیم‌وتربیت می‌شود و با وجود ظاهری که در حمایت از فعالیت‌های معلم دارند، عرصه را برای کارهای اثرگذار معلمان تنگ می‌کنند. ما یک شورای سیاست‌گذاری داریم و براساس مصوبهٔ ۸۲۸ تقریباً تمام معاونان وزیر در این شورا حضور دارند. باید عرض کنم در آخرین جلسهٔ این شورا، سرکار خانم **حکیم‌زاده**، (معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش‌وپرورش) که از این رویکرد و سیاست دفاع می‌کردند، تصریح کردند که با وجود تأکید بر ممنوعیت ورود این منابع به مدرسه‌های ابتدایی، از حضور مجله‌ای مانند رشد نه‌تنها حمایت می‌کنند، بلکه استفاده و خواندن آن را توسط معلمان و دانش‌آموزان تشویق هم می‌کنند. دلیل این موضوع را هم این‌گونه ذکر کردند که مجلات رشد، خواندنی، مقوم و مشوق هدف‌های برنامهٔ درسی هستند. ایشان تأکید کردند که: اما، ما در برابر کتاب کمک‌درسی می‌ایستیم، چون کتاب‌های کمک‌درسی عملاً فعالیت‌های معلمان را در کلاس درس کاهش داده بودند. این کتاب‌ها ظاهراً کار معلم را راحت‌تر کرده بودند، اما در عمل کار بچه‌ها را پیچیده‌تر کرده و به‌عنوان باری اضافه به اقتصاد خانواده تحمیل شده بودند. ضمناً افراط بسیاری در پرداختن به کتاب‌های کمک‌درسی اتفاق افتاده بود و این موضوع به‌خصوص در دبستان امری خطرناک بود.

تأکید و توصیهٔ سیاست‌های وزارت آموزش‌وپرورش، اسناد بالادستی، کتاب‌های درسی و برنامهٔ درسی رسمی این است که از ساعات برنامهٔ درسی، به میزان مناسب برای درس‌ها در نظر گرفته شود، ولی کتاب‌های کمک‌درسی این‌گونه‌ای، به‌خصوص در مدرسه‌های ابتدایی، توازن موجود را بر هم زده بودند. طبیعی است که اشاعهٔ این امر تعادل روحی و روانی دانش‌آموزان را بر هم می‌زند و در نتیجه، رقابت‌های غیرموجه و ناعادلانه شکل می‌گیرد. به همین سبب ما نیز از سیاست کنار گذاشتن کتاب‌های کمک‌درسی پیروی کردیم و در راستای این امر کتاب‌های داستانی، علمی، آموزشی و تربیتی رونق پیدا می‌کنند.

■ به نظر می‌رسد این رویکرد که رویکرد و سیاستی نسبتاً جدید و مؤثر است. به همراهی و تعامل همهٔ بخش‌های داخلی آموزش‌وپرورش نیاز دارد. نگاه شما در این زمینه چیست؟

همین‌طور است. طبیعی است که این کار در صورتی محقق می‌شود که تمام بخش‌های آموزش‌وپرورش با یکدیگر همکاری داشته باشند. هفتهٔ گذشته در جلسه‌ای که به همراه آقای دکتر تورانی و تعدادی از معاونان محترم دفتر، خدمت آقای **کاظمی** رسیدیم، من خدمت معاون محترم پرورشی وزارت آموزش‌وپرورش عرض کردم که لازم است دوستان و همکاران ما در آن معاونت، به‌عنوان متصدی امر خرید، به بخش گزینش، فهرستگان و نقد و بررسی کتاب‌ها کاملاً وفادار بمانند. ایشان هم استقبال بسیار خوبی کردند و تأکید کردند که این اتفاق بیفتد.

خب وظیفهٔ ما انتخاب و معرفی کتاب‌های مناسب است و معاونت پرورشی نیز وظیفهٔ خرید این کتاب‌ها را بر عهده دارد. درواقع این قطعه از این کار متعلق به ما و قطعهٔ اجرایی نیز متعلق به معاونت پرورشی است. هنگامی که بخش‌های متفاوت با هم هماهنگی داشته باشند، انسجام لازم رخ خواهد داد. جالب است بدانید و توجه کنیم که متأسفانه از همین نبود انسجام و در سایهٔ نبودن وحدت روش و رویه است که زمینه سودجویی‌ها فراهم می‌شود. یعنی وقتی یک نظام یکپارچه که اجزای آن باید یکدیگر را تقویت کنند، وجود نداشته باشد، بازار سودجویی شکل می‌گیرد و گسترده می‌شود. بازار سودجویی در کتاب‌های کمک‌درسی از آنجا شروع شد که وارد حریم مدرسه شدند (از مسیر مدیریت، معلمان و آموزگاران مدرسه‌ها). معلم ابتدا فکر می‌کرد که با این کتاب‌ها کارش راحت‌تر می‌شود، در حالی‌که استفادهٔ افراطی از این کتاب‌ها باعث آسیب به روند آموزش شد. پس سازمان پژوهش همان سیاستی را که وزیر محترم اعلام و تصریح کرده‌اند، دنبال می‌کند.

■ در پایان اگر نکته و مطلبی هم درخصوص جشنوارهٔ شانزدهم دارید، بفرمایید.

چون نکته‌ها و گزارش‌ها درخصوص موضوع‌های مربوط به جشنوارهٔ شانزدهم در قالب‌های گوناگون و در حین برگزاری جشنواره بیان خواهند شد، شاید خوب باشد که در پایان نکتهٔ مهمی را در ارتباط با جشنواره عرض کنم: در کمیتهٔ داوری که در چند جلسه تشکیل شد، هیچ کتاب کمک‌درسی از کتاب‌های دیگر (کتاب‌های علمی، آموزشی و یا هر کتاب دیگری در حوزهٔ ۳۰گانهٔ کتاب‌های مورد نظر در جشنواره) پیشی نگرفت. البته کتاب‌هایی بودند که در حد نامزد شدن مطرح شدند، ولی در داوری نهایی کتاب‌های کمک‌درسی نتوانستند بر دیگر کتاب‌ها مقدم شوند. به گمانم این موضوع نشان‌دهندهٔ سیاست واحدی است که وزارت آموزش‌وپرورش در این خصوص اتخاذ کرده است. این اتفاق می‌تواند نویدبخش آینده‌ای بهتر برای آموزش و پرورش کشور باشد.

ما نیز از سیاست کنارگذاشتن کتاب‌های کمک‌درسی پیروی کردیم و در راستای این امر کتاب‌های داستانی، علمی، آموزشی و تربیتی رونق پیدا می‌کنند

در میزگرد اعضای کمیته علمی جشنواره مطرح شد:

جشنواره از آثار برگزیده پشتیبانی کند

کمیته علمی جشـــنواره کتاب رشد، بر فرایند داوری و انتخاب کتاب توسط گروه‌های داوری نظارت می‌کند. این کمیته برگه‌های داوری را از نظر می‌گذراند، دلایل داوران را در توجیه انتخابشـــان می‌شنود و در صورتی که دلایل را قانع کننده نیابد موضوع را با گروه در میان می‌گذارد. ما برای بررسی آگاهی از دیدگاه اعضای محترم کمیته علمی، سه پرسش درباره جایگاه جشنواره، کم و کیف داوری‌ها و گام‌هایی که باید برداشته شـــود، مطرح کردیم. پاسخ اعضای محترم کمیته به این سه پرسش مشترک را می‌خوانید. گفتنی است برای آگاهی از دیدگاه‌های آقای محمد ناصری دبیر محترم جشنواره و مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، گفت‌وگوی جداگانه‌ای ترتیب داده شده است که در صفحات پیش از نظرتان گذشت. در این میزگرد آقایان محمود امانی طهرانی مدیرکل دفتر تألیف و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری، احمدرضا دوراندیش مدیرکل دفتر تألیف فنی و حرفه‌ای و کاردانش، سیاوش شایان سردبیر رشد آموزش جغرافیا، سید محسن گلدان‌ســـاز مدیرعامل شرکت سهامی افست و ناشر کتاب‌های درسی و خانم‌ها شهناز هاشمی مدیرگروه پژوهش مشارکت‌ها و ارتباطات پژوهشگاه سازمان و فریبا کیا معاون سامان‌دهی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی شرکت داشتند.

۱

بـه نظر شـما جشـنواره کتاب‌هـای آموزشـی و تربیتی رشـد چه نقـش و جایگاهـی دارد و امتیاز یـا امتیازهای آن نسـبت به جشـنواره‌های مشـابه یا تفـاوت آن با این جشـنواره‌ها در چیست؟

امانـی طهرانی: دربـاره جایگاه جشـنواره رشـد باید گفـت اولاً هر جشـنواره‌ای جایـگاه خود را به‌تدریج و در اسـتمرار خود پیدا می‌کنـد. جشـنواره‌ای کـه اسـتمرار می‌یابـد، به‌تدریـج جایـگاه خـود را در بیـن گروه‌هـا و لایه‌هـای مختلـف مخاطبیـن خـود، تولیدکننـدگان، سیاسـت‌گذاران و پشـتیبانان خـود بـه دسـت مـی‌آورد. شـرط اول کار ایـن اسـت کـه جشـنواره بـا اسـتحکام، کیفیـت و بهبـود روزبـه‌روز کاسـتی‌هایش، دوام یابـد و تـن بـه رکـود و کاهـش سـطح کیفیـت و فراموش شـدن اهـداف ندهد. جشـنواره کتـاب رشـد بـه نظـر مـن از چنـد جهـت بـا سـایر جشـنواره‌های داخـل کشـور متمایـز می‌شـود: اول اینکـه یـک گـروه مخاطـب هـدف‌دار سـه‌گانه‌ای دارد کـه عبارتنـد از دانش‌آمـوزان، معلمـان و والدیـن، کـه همه حول محـور آموزش و برنامـه درسـی قـرار می‌گیرنـد. نکتـه مهـم دیگر این اسـت که جشـنواره بـرای خـود یـک رسـالت ترویجـی نـوع خـاص قائـل

است؛ یعنی یک جشنواره بی‌هویت نیست. بر این باور است که در امر آموزش و پرورش و محتوای یادگیری وضع مطلوب‌هایی وجود دارد که باید به آن وضع مطلوب‌ها رسید. جشنواره رسالت و مأموریت خود می‌داند که در رسیدن به اهداف کلان نظام آموزش و پرورش کشور ایفای نقش کند. ویژگی دیگر جشنواره این است که معمولاً بدنه‌ای در این کار درگیر می‌شود که از بدنه حرفه‌ای کتاب فاصله دارد. مثلاً در جشنواره‌هایی که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کانون پرورش فکری و مجامع صنفی حوزه کتاب و نشر برگزار می‌شود، بیشتر کسانی درگیر کار هستند که در حوزه کتاب فعال‌اند. در این جشنواره دست‌اندرکاران عمدتاً از جنس معلمان هستند. مخاطبان ما هم از جنس مدرسه‌ای هستند و این ویژگی‌ها جشنواره کتاب رشد را از بقیه جشنواره‌ها ممتاز می‌کند. در یک جمله، جشنواره رشد کاملاً هدف‌دار است و هویت و مأموریت خود را از هدفش دریافت می‌کند.

شایان: من شخصاً بر این باور هستم که جشنواره رشد مقام والایی در معرفی کتاب‌های ارزشمند و متناسب با برنامه‌های درسی دارد و شاید تنها جشنواره‌ای است که اولیا و مربیان و دانش‌آموزان با فراغ بال و راحتی خیال، برگزیده‌ها و تقدیری‌های این جشنواره را برای مطالعه خود انتخاب یا به دیگران معرفی می‌کنند و یا در کلاس‌های درس و به هنگام نیاز به مطالعات بیشتر از آن‌ها بهره می‌گیرند. علت این اقبال، سابقهٔ طولانی و چندین سالهٔ جشنواره و مشاهدهٔ خروجی‌های معتبر آن طی سال‌های اخیر و اعتماد به داورانی است که کتاب‌ها را برمی‌گزینند و معرفی می‌کنند. وجه دیگر ارزشمندی جشنواره در این است که نویسندگان کتاب‌های آموزشی و ناشران این گونه کتاب‌ها، الگوهای ارزشیابی جشنواره را به عنوان مبناهای قابل اتکاء برای تألیف و انتشار کتاب مد نظر قرار می‌دهند و می‌توان گفت که این جشنواره هم برای تولیدکنندگان کتاب (ناشران، مؤلفان، مترجمان و ...) و هم برای مخاطبان کتاب‌های آموزشی (دانش‌آموزان، معلمان، مربیان، والدین، کتاب‌داران مدارس و...) منشأ خیر و برکت است.

تفاوت این جشنواره با جشنواره‌های دیگر، نگرش و جهت‌گیری خاص آن نسبت به کتاب‌های آموزشی و مرتبط با برنامه‌های درسی، و به منظور گسترش و تعمیق مفاهیم کتاب‌های درسی از طریق انتخاب کتاب‌ها و مواد آموزشی معتبر و مطابق با استانداردهای آموزشی و تربیتی است.

دوراندیش: اگر اجازه دهید از زاویه رشته‌های فنی و حرفه‌ای و مهارتی به این سؤال پاسخ دهم. همان‌طور که می‌دانید آموزش فنی و حرفه‌ای در رویکرد جدید با چرخش‌های اساسی همراه بوده است. «تعدیل دروس فنی و حرفه‌ای و تلفیق دانش، مهارت و نگرش در عناوین و محتواهای دروس»؛ «کاهش حجم کتاب‌های درسی و بهره‌مندی از اجزای بسته آموزشی در کنار کتاب درسی»؛ «آموزش و ارزشیابی مبتنی بر شایستگی»؛ «آموزش کل‌نگر و تلفیق شایستگی‌های فنی و غیرفنی» و «عبور از حافظه محوری» از جملهٔ این چرخش‌هاست که همگی در اسناد بالادستی مورد تأکید قرار گرفته است.

بنابراین با رویکرد جدید، در دورهٔ فنی و حرفه‌ای و مهارتی کتاب‌های درسی با تغییرات وسیعی همراه شد. کتاب‌های درسی نونگاشت به‌گونه‌ای به رشته تحریر درآمده‌اند که در سراسر محتوای کتاب فعالیت‌های یادگیری طراحی شده است. در این روش تألیف، یادگیری محتوای کتاب‌های درسی نیازمند تعامل بین هنرجو و هنرآموز و متن کتاب درسی است؛ و پاسخ فعالیت‌ها را در خارج از کتاب درسی و در محیط واقعی زندگی و کار باید جست‌وجو کرد. علاوه بر این، پیشرفت فناوری در حوزهٔ مشاغل و حرف، خود نیازمند کسب دانش است که فرایند یادگیری آن از طریق سایر اجزای بسته آموزشی امکان‌پذیر است.

یکی از ویژگی‌های آموزش فنی و حرفه‌ای، تناسب این آموزش‌ها با نیازهای دنیای کار و موقعیت‌های محلی است و محتواهای آموزشی باید به گونه‌ای تنظیم شود که پاسخ‌گوی آن باشد. به عنوان مثال در رشته‌های کشاورزی، در شایستگی‌های مربوط به کاشت و برداشت، محصول‌ها در مناطق مختلف کشور متفاوت است؛ بنابراین نمیتوان یک محتوای واحد برای همهٔ هنرجویان تنظیم کرد. به عبارت بهتر، کتاب‌های آموزشی و تربیتی می‌توانند تکمیل کننده اجزای بسته آموزشی در رشته‌های فنی و حرفه‌ای باشند و این جشنواره نقش مهمی در انتخاب و معرفی کتاب‌های مناسب دارد.

البته در ماده ۱۲ سند برنامه درسی ملی که بر سیاست‌های تولید مواد و رسانه‌های یادگیری می‌پردازد بر توسعه سیاست چند تألیفی و زمینه‌سازی برای مشارکت استان‌ها، و بخش‌های غیردولتی در تولید، تکمیل و غنی‌سازی مواد و منابع تأکید دارد. این مهم در مدل رهبری اثربخش سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تحت عنوان سیاست چند تألیفی و سیاست مرزگستری نیز به دفاتر تألیف تکلیف شده است. بنابراین در آیندهٔ نزدیک و با فراهم شدن بسترهای لازم، شاهد مشارکت بیش از پیش ذی‌نفعان این آموزش‌ها در تدوین کتاب‌های آموزشی فنی و حرفه‌ای خواهیم بود.

کیا: جشنواره کتاب‌های رشد تنها جشنواره‌ای است که برمحور کتاب‌های آموزشی و با عنایت به بحث یاددهی و یادگیری برگزار می‌شود

امانی طهرانی: داورها باید بدانند کتابی که در جشنواره انتخاب می‌شود، قرار نیست کتاب دانشگاهی و متن درسی دانشگاه یا یک کتاب پژوهشی باشد و حیث کاربردی بودن کتاب، برای ما بسیار مهم است

کیا: جشنواره کتاب رشد تنها جشنواره‌ای است که بر محور کتاب‌های آموزشی و با عنایت به بحث یاددهی و یادگیری برگزار می‌شود. دیگر جشنواره‌های کتاب، اغلب بر محور کتاب‌های غیرآموزشی شکل می‌گیرند و اگر در آن جشنواره‌ها به این کتاب‌ها هم پرداخته شود، به نقش آن‌ها در فرایند یادگیری توجه نمی‌شود. بنابراین می‌توان گفت جشنواره از این نظر منحصربه‌فرد است. البته اشتراکاتی با جشنواره‌های دیگر هم دارد؛ مثلاً در جشنوارهٔ رشد، کتاب داستانی هم ممکن است مورد داوری قرار گیرد، اما همان اثر داستانی هم صرفاً از دریچهٔ تکنیک‌های داستانی یا قدرت خیال‌انگیزی یا خلاقیت نویسنده نگریسته نمی‌شود.

یکی دیگر از ویژگی‌های جشنوارهٔ رشد دو مرحله‌ای بودن انتخاب کتاب در آن است که در این بخش هم با جشنواره‌های دو مرحله‌ای مشابه تفاوت دارد. معمولاً در این جشنواره‌ها، کار در مرحلهٔ نخست آسان‌تر است و کتاب‌ها از طریق غربالگری بالا می‌آیند. یعنی داوران کتاب‌ها را ورق می‌زنند و با مروری نسبتاً سریع کتاب‌ها را به داوران مرحلهٔ بعد می‌سپارند. در جشنوارهٔ رشد، داوری مرحلهٔ اول هم بسیار دقیق و در مقایسه با جشنواره‌های دیگر بسیار طولانی است. کتاب‌هایی که به جشنواره می‌رسد، با حوصلهٔ تمام و توسط تقریباً ۲۰۰ کارشناس موضوعی در طول سال مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و کتاب‌هایی به مرحلهٔ بعد می‌رسد که مناسب و استاندارد شناخته شده باشد. در مرحلهٔ بعد، بهترین کتاب‌ها در هر موضوع از بین کتاب‌های مناسب انتخاب می‌شوند.

موضوع قابل توجه دیگر درباره جشنوارهٔ رشد تنوع موضوعی کتاب‌های جشنواره است و به لحاظ حجم کار و تنوع موضوع شاید تنها با جایزه کتاب سال قابل مقایسه باشد. برای نمونه در هر جشنواره، حداقل ۳۰ گروه داوری داریم و از حدود ۱۰۰ داور کمک می‌گیریم و ممکن است به‌طور متوسط چهارصد جلسه برای داوری برگزار کنیم. البته اگر بخواهیم برای هر موضوع یک گروه کاملاً تخصصی داوری تشکیل دهیم، تعداد گروه‌ها ممکن است از چهل هم بالاتر برود.

۲

به نظر شما، کم و کیف داوری‌ها در این دوره از جشنواره چگونه بوده است؟

امانی طهرانی: به نظر من داوری را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد: یکی سازوکار داوری است که من فکر می‌کنم سازوکار داوری هم به لحاظ مراحل کار داوری و هم فرم‌های داوری، به نقطه پختگی خودش رسیده است. دوم، انتخاب داوران است که در این زمینه هم، با شناختی که نسبت به داوران داشتیم، در اغلب گروه‌ها از داوران مناسبی بهره گرفته شده بود؛ گرچه امسال با توجه به شرایطی که درباره همکاری با نیروهای بازنشسته و رسمی سازمان پیش آمد، محدودیت‌هایی در انتخاب داور وجود داشت. اما در بخش

سوم و نکات کیفی داوری، تصور می‌کنم باید اهتمام بیشتری در توجیه داوران نسبت به اهداف جشنواره و مخاطبان سه‌گانه جشنواره (معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها) صورت بگیرد. داورها باید بدانند کتابی که در جشنواره انتخاب می‌شود، قرار نیست کتاب دانشگاهی و متن درسی دانشگاه یا یک کتاب پژوهشی باشد و حیث کاربردی بودن کتاب، برای ما بسیار بسیار مهم است. البته در مجموع، خوش‌بختانه در داوری‌ها شاهد انحراف‌های جدی نبودیم.

شایان: از نظر من، داوران جشنواره همواره افرادی با صلاحیت و دارای تجربهٔ آموزش و تألیف کتاب‌های درسی و آموزشی بوده‌اند و بررسی سوابق علمی و آموزشی داوران این دوره از جشنواره نیز نشان می‌دهد که آن‌ها افرادی آشنا به استانداردهای کتاب‌های آموزشی و ارزیابی آن‌ها بوده‌اند. البته این طور نیست که همه آثار و مواد آموزشی باید بر اساس چهارچوب‌های تعریف شده و مشخص تولید شوند و راه برای ارائهٔ ایده‌های نو و خلاقیت نویسندگان کتاب‌ها نیز باز است.

به نظر من نقطه ضعف جشنواره، ورود و حضور اندک آثار در برخی حوزه‌های آموزشی است که به واقع شاید نقطه ضعف جشنواره هم محسوب نشود و بیشتر به عدم تولید آثار در این حوزه‌ها یا عدم اقبال ناشران آن‌ها به حضور در جشنواره برمی‌گردد؛ ولی به هر حال باید با همت کارشناسان، معلمان و مؤلفان این گروه‌ها و این حوزه‌ها برطرف گردد و تعداد ورودی‌های این گروه‌ها مانند شیمی، علوم و... افزایش پیدا کند تا داوران آثار برگزیده را از میان تعداد قابل توجهی از آثار انتخاب و معرفی کنند.

هاشمی: آنچه که مشخص است سعی شده است افراد برجسته‌ای برای داوری انتخاب شوند و سعی شده افراد حداقل در مراحل اولیه به طور مستقل و بدون تأثیر گرفتن از داوران دیگر نظر دهند که این خیلی خوب است. منتها ممکن است اسم نویسنده‌ها یا ناشران سرشناس مقداری تأثیرگذار باشد؛ خصوصاً وقتی که نویسنده یا ناشر رقیب این کتاب، سرشناس نباشد. به نظر من، اگر ما بتوانیم حداقل در مراحل ابتدایی، اسم نویسنده و ناشر را پنهان نگه‌داریم و محتوا بدون تأثیر گرفتن از این عوامل داوری شود، شاید بهتر باشد. کاری که ما معمولاً در ارزیابی مقالات علمی می‌کنیم؛ اسم نویسنده را می‌پوشانیم تا از تأثیر اسم‌ها بر داوری جلوگیری کنیم.

اما اتّفاق خوبی که در این جشنواره حس کردم، دو سه مورد رفت و برگشتی بود که بین کمیته علمی و گروه‌های داوری رخ داد. این کار، موجب شد در برخی موارد، عنایت داوران محترم، بیشتر از قبل به سوی اهداف اصلی و رویکردهای جدید آموزش و پرورش جلب شود.

البته تعداد کم کتاب‌های رسیده نشان می‌دهد که ما در برخی زمینه‌ها ضعیف هستیم و کتاب کافی مثلاً در علوم پایه برای داوری و انتخاب کتاب برگزیده ارسال نمی‌شود. شاید بهتر باشد در این زمینه امتیازات و اهرم‌های تشویقی بیشتری را برای ناشران و نویسندگان در نظر بگیریم. مثلاً من خیلی تعجب کردم که چرا کتاب شیمی خیلی کم به جشنواره رسیده است و گروه شیمی کتابی را انتخاب نکرده است، در حالی که شیمی از رشته‌هایی است که کشور ما بیشترین مقالات علمی و پژوهشی را در آن دارد. پس نیامدن کتاب به این معنی نیست که نویسنده‌ای در این حوزه نداریم. به نظر می‌رسد به این دلیل است که ما نتوانسته‌ایم این مقاله‌ها را کاربردی کنیم و سیاستی در پیش بگیریم که کتاب‌ها برای پشتیبانی از برنامه درسی تولید شود. شما می‌دانید علوم پایه چه اهمیتی دارد و تمام پیشرفت و توسعه کشور در گروه توسعه علوم پایه است. به نظر می‌رسد جشنواره بتواند نیازهای آموزش و پرورش را به ناشران اعلام کند تا آن‌ها بر اساس این نیازها به تولید کتاب مبادرت کنند.

دوراندیش: فرایند داوری جشنوارهٔ کتاب رشد، توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی به‌خوبی تعریف شده است. بهره‌مندی از داوران با تجربه و متخصص موضوعی که با داوری کتاب‌های آموزشی و تربیتی هم آشنا هستند، از ویژگی‌های فرایند داوری در این جشنواره است. خوش‌بختانه شاخص‌ها و ملاک‌های داوری که توسط این دفتر تدوین شده و حاصل سال‌ها تجربه و پژوهش‌های علمی است، خود فرایند داوری کتاب را آسان‌تر و با روایی بیشتر همراه می‌سازد. با این وجود یک کمیته علمی در جریان داوری‌های کتاب‌ها در این جشنواره وجود دارد که بر فرایند داوری نظارت و از آن مراقبت می‌نماید.

کیا: از آن‌جا که من در فرایند اجرایی جشنواره هم نقش دارم،

بهره‌مندی از داوران با تجربه و متخصص موضوعی که با داوری کتاب‌های آموزشی و تربیتی هم آشنا هستند، از ویژگی‌های فرایند داوری در این جشنواره است

از فاصله‌ای بسیار نزدیک در جریان داوری‌ها هستم. هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید کار ما بی‌عیب است؛ ما هم این ادعا را نداریم. اما تمام کوشش‌مان را کرده‌ایم که کیفیت داوری روزبه‌روز افزایش پیدا کند، و فرایند داوری همواره با روشنی و وضوح کامل دنبال شود. ما از داورانی بهره می‌گیریم که در وهله اول حتی‌الامکان بی‌طرف‌اند و خودشان در گروهی که داوری می‌کنند، ذی‌نفع نیستند. در وهلهٔ دوم این داوران نسبت به برنامه‌های درسی آگاهی دارند و در صورت امکان از تجربهٔ حضور در کلاس درس نیز برخوردارند. داوری که نسبت به اصول و رویکردهای سند تحول و برنامه درسی و حتی کتاب درسی شناخت ندارد، نمی‌تواند کتاب مناسبی برای دانش‌آموز انتخاب کند. منظورم این است که در انتخاب داوران به جز سابقه علمی و تجربی و داشتن وقت برای همکاری، توجه به عناصر دیگری هم لازم است. امسال البته محدودیت‌هایی نیز در استفاده از همکاران بازنشسته سازمان و حتی کارشناسان رسمی شاغل در سازمان ایجاد شد که کار انتخاب داوران را سخت‌تر کرد.

گلدان‌ساز: تبیین دقیق نیازها و خواسته‌های آموزش‌وپرورش برای ناشران، تبیین دقیق معیارهای سنجش و ارزیابی برای ارزیابان، ترویج آثار منتخب و معرفی آن‌ها به شکل گسترده، از جمله راه‌هایی برای بهبود کیفیت برگزاری جشنواره است

۳

به نظر شما جشنواره کتاب رشد برای اثرگذاری بیشتر چه گام‌هایی باید بردارد؟

گلدان‌ساز: خوش‌بختانه جشنواره رشد طی سال‌های اخیر جایگاه با اهمیتی برای ناشران یافته و تا حدودی در جهت‌دهی به تولید آثار مناسب آموزشی مؤثر بوده و به هم‌گرایی ناشران با برنامه‌های آموزش و پرورش از جمله برنامهٔ درسی کمک کرده است. اما این سخن بدان معنی نیست که بهبود پیوستهٔ جشنواره مد نظر دست‌اندرکاران قرار نداشته باشد. به نظر من برای این امر، چند نکته باید مورد توجه باشد:

ابتدا تبیین دقیق‌تر نیازها و خواسته‌های آموزش و پرورش برای ناشران و مؤلفان؛ این کار باید در گام اول با تدوین دقیق نیازها و سپس با برپایی جلسات توجیهی و با مدد رسانه‌ها فراگیرتر شود؛

در مرحلهٔ بعد باید شیوهٔ دریافت آثار بازبینی شود به نحوی که همهٔ ناشرانی که منابع آموزشی تولید می‌کنند، مکلف باشند نسخه‌ای از آن را برای آموزش و پرورش بفرستند تا رقابت بین تمام آثار شکل بگیرد؛ چرا که در غیاب آثار قوی، ناگزیر آثار ضعیف‌تر انتخاب می‌شوند و این کار به جشنواره لطمه می‌زند.

گام بعدی، تبیین دقیق‌تر معیارهای سنجش و ارزیابی برای ارزیابان است تا علاوه بر آن‌که مقایسهٔ آثار با مؤلفه‌های دقیقی صورت می‌گیرد، کتاب‌های مناسب و استاندارد معرفی شده بیشترین ارتباط را با برنامه‌های آموزش و پرورش داشته باشند.

ترویج آثار منتخب و معرفی آن به جامعه به شکل گسترده، گام بعدی است. این انتظار به‌جایی است که هر ناشر و مؤلفی در پی انتخاب اثر خود، از آموزش و پرورش دارد. سازمان گسترده آموزش و پرورش هم توان برآوردن چنین انتظاری را دارد. در این خصوص، به رغم تلاش‌های صورت گرفته توسط دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، نیازمند کار بیشتری هستیم.

در گام آخر باید دربارهٔ نوع و میزان جوایز جشنواره نیز تجدید نظر شود و در این خصوص هم شأن آموزش و پرورش و هم ناشر و پدیدآورنده لحاظ شود. در حال حاضر این جوایز خیلی برازندهٔ آموزش و پرورش و جشنوارهٔ کتاب رشد نیست.

امانی طهرانی: من تصورم بر این است که اولاً مهم‌ترین عامل اثرگذاری همان استمرار است که در پاسخ پرسش قبل اشاره کردم. یعنی همه بتوانند روی این موضوع حساب کنند که جشنواره به طور منظم و هر سال جدی‌تر از سال قبل برگزار می‌شود. نکته دوم این است بتوانیم از تمام امکان‌های موجود در جامعه که روزبه‌روز هم بیشتر می‌شود (مثل فضای مجازی) استفاده کنیم تا کتاب‌هایی که در جشنواره، به سطوح مختلف برگزیده شدن می‌رسند، به مخاطبین خود معرفی شوند. مثلاً از فضای مجازی استفاده کنیم و کتاب‌های برگزیده را به مخاطبان آثار معرفی کنیم. یعنی کاری کنیم که برگزاری جشنواره به اقتصاد کتاب‌های خوب کمک کند. همه به این امید به جشنواره وارد شوند که اگر کتابشان در جشنواره موفقیتی حاصل کرد، یک چاپ، دو چاپ، سه چاپ بیشتر منتشر می‌شوند. این مهم‌ترین عاملی است که در جشنواره باید دنبال شود. باید مذاکره‌ای با نهادهای پشتیبان انجام شود که از کتاب‌های برگزیده و منتخب حمایت کنند. این اتفاق مثلاً در انتخاب کتاب سال توسط وزارت ارشاد رخ می‌دهد. این خیلی مهم‌تر از جوایز نقدی اندکی است که ما به نویسنده می‌دهیم. ناشر اولاً کتاب را برای پول منتشر نمی‌کند؛ منتشر می‌کند تا کتاب به دست مخاطبان آن برسد؛ پس هرچه شمارگان کتاب بیشتر شود ناشر خرسندتر است.

ثانیاً در بحث مالی، فروش کتاب برای ناشر اهمیت بیشتری نسبت به آن جایزه مختصری دارد که جشنواره می‌دهد. ضمناً باید از تیم برگزاری جشنواره تشکر کرد. این نوع کارها در بخش‌های دولتی معمولاً به‌تدریج کم‌اثر می‌شود، اما در این جشنواره سال به سال بر کیفیت کار افزوده شده است. من خیلی مایلم مجریان این جشنواره گزارشی از حجم کارهای انجام شده ارائه بدهند. این جشنواره، جزء جشنواره‌هایی است که با صرفه‌جویی بسیار زیاد و با اندک‌ترین بودجه برگزار می‌شود. نشریاتی هم که در حاشیه این جشنواره نشر می‌شود، معمولاً حاوی پیام‌ها و اطلاعات ارزنده و آموزنده‌ای برای ناشران و نویسندگان آثار آموزشی و تربیتی است.

دوراندیش: متأسفانه امسال هم کتاب‌های فنی و حرف‌های و مهارتی در جشنواره نقش پررنگی ندارند؛ حال آن‌که در کشور، موضوعات بسیار متنوعی در آموزش حرفه‌ای و در دنیای کار وجود دارد که ناشران می‌توانند به آن ورود کنند. شاید لازم باشد جشنواره در نحوهٔ دریافت کتاب از ناشران فنی و حرفه‌ای گام‌های متفاوت‌تر یا بیشتری بردارد. البته چنان‌چه ناشران کتاب‌های فنی و مهارتی، اطمینان نسبی از حمایت‌های بعدی در فروش کتاب‌هایشان داشته باشند، امکان مشارکت بیشتر آن‌ها در بخش فنی دور از انتظار نیست؛ گرچه این موضوع نیاز به آموزش و اطلاع‌رسانی هم دارد.

شایان: به نظر می‌رسد اطلاع‌رسانی بیشتر به ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌ها و مواد آموزشی و مخاطبان آن‌ها (معلمان، دانش‌آموزان و...) می‌تواند به اثرگذاری جشنواره کتاب رشد در سطح ملی کمک بیشتری کند. همچنین قرار دادن معیارها و استانداردهای ارزیابی در دسترس تولید کنندگان کتاب‌ها و مواد آموزشی، می‌تواند آن‌ها را در تولید و انتشار کتاب‌های ارزشمند آموزشی یاری دهد. افزایش جوایز جشنواره و چشمگیر کردن آن‌ها نیز به هر حال می‌تواند مشوقی برای گسترش فعالیت‌های حوزهٔ تولید باشد و سرانجام معرفی آثار منتخب از رسانه‌های جمعی و گروهی و با کمک ابزارهای جدید و سنتی (به‌ویژه از طریق رسانه‌های آموزشی مثل شبکه آموزش تلویزیون) یا هر وسیلهٔ دیگری، بر اثرگذاری جشنواره می‌افزاید.

هاشمی: برای اثرگذاری بیشتر، باید تولید محتوا افزایش پیدا کند و افزایش تولید محتوا منوط به وجود تقاضا از سوی مخاطب است. بحث مطالعه کتاب، بحث عمیقی است که به فرهنگ مطالعه در کشور بازمی‌گردد و واقعاً نظام آموزش و پرورش ما نیاز زیادی به گسترش فرهنگ کتاب‌خوانی در بین دانش‌آموزان دارد و حتی می‌توان ساعت‌های خاصی را برای مطالعه در نظر گرفت. ظاهراً در سند برنامه درسی ملی هم به این موضوع توجه شده است که ساعت‌هایی را برای مطالعه آزاد دانش‌آموزان در نظر بگیرند. اگر آن فضای مطلوب شکل بگیرد، فکر می‌کنم کتاب‌های آموزشی و پشتیبان برنامه درسی، جایگاه مناسب خود را بیابند. اگر آن فضای مطلوب ایجاد شود، این کتاب‌ها می‌توانند به عنوان خوراک ساعت‌های مطالعه بچه‌ها به‌خوبی نقش‌آفرینی کنند.

نکته دیگری که آقای دکتر امانی هم فرمودند این است که شما نباید فکر کنید با برگزاری مراسم اختتامیه جشنواره، کارتان تمام می‌شود. پایان هر دور از جشنواره در واقع شروع کار شماست. می‌توان کتاب‌های منتخب را در شبکه‌های اجتماعی یا سایت‌ها منتشر کرد و می‌دانید در شبکه‌های اجتماعی پیام‌های کوتاه و جذاب به‌راحتی دست به دست می‌شوند.

کیا: از نظر من مهم‌ترین گام، ایجاد انسجام کافی بین بخش‌های گوناگون آموزش و پرورش و همراهی آن‌ها با سازمان پژوهش در این حوزه است. وقتی همکاران من با زحمت تمام کتاب‌های مناسب را انتخاب و فهرست کتاب‌های مناسب را منتشر می‌کنند، باید از این فهرست با قدرت حمایت کرد. حمایت از این فهرست، حمایت از ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌های مناسب و استاندارد است؛ حمایت از پدیدآورندگانی است که سرمایه‌ها و مساعی خود را در مسیر همسویی با نظام آموزش و پرورش به‌کار بسته‌اند. کتابی که در جشنواره انتخاب می‌شود، باید به سادگی به کتاب‌های درسی و به کتاب‌خانه‌های مدارس راه یابد.

اگر هم اشکالی در کار ما وجود دارد، یا حوزه‌هایی از پوشش لازم برخوردار نشده است، باید با گفت‌وگو به اصلاح و گسترش کارها پرداخت. اینکه هر کس کار خود را بکند، راه حل مناسبی نیست. اگر ما بتوانیم این همدلی و همراهی را بین معاونت‌ها و بخش‌های گوناگون آموزش و پرورش ایجاد کنیم، گام بزرگی برداشته‌ایم. خوش‌بختانه سرپرست محترم سازمان در همین مدت کوتاهی که مسئولیت سازمان را بر عهده گرفته‌اند، تلاش‌های خوبی را در این زمینه انجام داده‌اند که امیدواریم دوام یابد و فعالیت‌های موازی جای خود را به هم‌افزایی نیروها و تسریع حرکت و کامیابی بیشتر بدهد. پس از آن می‌ماند همراه کردن نهادهای فرهنگی دیگر مانند صدا و سیما با قانون.

کیا: کتابی که در جشنواره انتخاب می‌شود، باید به سادگی به کتاب‌های درسی و به‌کتاب‌خانه‌های مدارس راه یابد

فرصت انتخاب بیشتر، یعنی خواندن کتاب‌های بیشتر

میزگردی با حضور ناشران کتاب‌های مناسب

شنیدن مواضع، سخنان و ایده‌های ناشران، از دغدغه‌های همیشگی ما در دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی است. همانند سال‌های گذشته، برگزاری جشنواره کتاب رشد را برای این کار بهانه می‌کنیم و تا جای ممکن می‌کوشیم دوستانی را به میزگرد دعوت کنیم که در میزگردهای پیشین کمتر حضور داشته‌اند. در عین حال مراقبیم ناشران محترم، در حوزه‌های مختلف نشر فعال باشند. البته ناشران دیگری نیز به این نشست دعوت شده بودند که از حضورشان محروم ماندیم. محمدرضا توکل صدیقی، مدیر مسئول انتشارات صابرین، علی خاکبازان، معاون انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، داریوش هفت‌برادران، مدیر مسئول انتشارات فرای علم، فاطمه جمالی مدیر انتشارات پیک ادبیات و امیرصادق فراش‌بندیان، مدیر تهران انتشارات خط سفید در این میزگرد حضور یافته‌اند. در لحظاتی از این نشست فریبا کیا، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی نیز حاضر شده است.

جوانه: چقدر با این موضوع موافق هستید که عده‌ای کارشناس در یک مرکز بنشینند و کتاب‌هایی را انتخاب و به دانش‌آموزان معرفی کنند و این کار احیاناً چه محاسن و آسیب‌هایی دارد؟

توکل: حدود سال‌های ۷۲، ۷۳، در برابر ورود کتاب‌های غیر درسی به مدارس مقاومت می‌شد. بعدها آهسته آهسته این در باز شد و خوش‌بختانه اکنون این وضعیت بهتر و فضا بازتر شده است. اما در پاسخ به پرسش شما باید دید انتخاب با چه هدفی صورت می‌گیرد. اگر ما به انتخاب مخاطب توجه کنیم، طبعاً خیلی راه بهتری است تا اینکه برای مخاطب کتاب انتخاب کنیم. هر انتخابی نوعی اعمال سلیقه است و اینکه ما بخواهیم با سلیقه خودمان بچه‌ها را قالب بزنیم و حق آن‌ها را در انتخاب نادیده بگیریم، در واقع آن نظام هدایت درونی را که خداوند در انسان‌ها قرار داده که با آن دست به انتخاب می‌زنند و همان موجب رشد انسان‌ها می‌شود، به نوعی مختل می‌کنیم. خب البته برخی کتاب‌ها مشخص است که با سن مخاطب متناسب نیستند و موازین اخلاقی و اجتماعی را رعایت نکرده‌اند. اما به‌طور کلی باید اجازه داد دانش‌آموزان خودشان کتاب‌هایشان را انتخاب کنند.

جوانه: آیا پیش آمده است که کتابی برای انتشار به شما عرضه شده باشد و شما آن را به این دلیل که برای مخاطب مناسب نمی‌دانید، منتشر نکنید؟ یعنی پیش

از آنکه خواننده درباره کتاب اظهار نظر کند، شما درباره خوب یا بد بودن کتاب نظر بدهید و نظرتان را اعمال کنید؟

توکل: بله این اتفاق افتاده است؛ ولی من ناشر خصوصی هستم. جایگاه من با شما تفاوت دارد. ما در خانه خودمان می‌توانیم هر طور که دلمان می‌خواهد بچرخیم. ولی وقتی بیرون از خانه پا می‌گذاریم، موازینی را باید رعایت کنیم. جایگاه دولت با یک ناشر خصوصی فرق دارد. دولت باید بسترساز و فرصت‌ساز باشد. گاهی دولت این نقش را فراموش می‌کند و خودش وارد بازی می‌شود. این‌جاست که یک رقابت نابرابر شکل می‌گیرد. من در نقش و جایگاه خودم، سیاست‌ها و تشخیص و سلیقه خودم را دارم؛ از جایی هم برای این کار بودجه نمی‌گیرم. اما یک ناشر دولتی چون از بودجه عمومی استفاده می‌کند، مسئول است و حق ندارد طبق سلیقه خودش فعالیت کند. من اگر کتاب خوبی منتشر نکنم، جامعه مرا اصلاح می‌کند. مثلاً کتاب مرا نمی‌خرد و نقد می‌کند.

اتفاقاً یکی از نقش‌هایی که نهادهای دولتی می‌توانند ایفا کنند ایجاد فرصت نقد برای جامعه است. دولت باید فضای مناسب را برای تعامل ناشر و مخاطب ایجاد کند و نباید نگران این موضوع هم باشد که مثلاً چهار تا کتاب هم منطبق بر سلیقهٔ او نباشد. حتماً چهارچوب‌ها و خط قرمزهایی هم باید داشت؛ اما این چهارچوب‌ها نباید آن‌قدر تنگ باشد که کتاب‌ها فقط مطابق با یک سلیقهٔ خاص منتشر و خوانده شوند؛ این در جامعه رشد ایجاد نمی‌کند. البته معنی‌اش این هم نیست که جامعه حتماً کتاب‌های خوب را می‌خرد. من باید به عنوان بازیگر این صحنه سعی کنم سلیقهٔ جامعه را هم رشد بدهم و راه‌هایی را پیدا کنم که جامعه کتاب خوب مرا بپسندد و انتخاب کند.

خاکبازان: من با جناب آقای توکل موافقم که این سازمان، به عنوان یک بخش دولتی باید بستر مناسب را برای ناشران خصوصی فراهم کند، اما به هر حال ما ناگزیر از انتخاب هستیم. حتی اگر بخواهیم جشنواره‌ای برگزار کنیم که هدفش بسترسازی باشد، باید از بین کتاب‌هایی که در حوزه‌های مختلف و موضوعات گوناگون منتشر می‌شود، تعدادی را انتخاب و معرفی کنیم. نفس انتخاب مشکلی ایجاد نمی‌کند. چگونگی انتخاب و راهکارها هستند که باید حساب‌شده و دقیق باشند تا به هدفی که یکی از آن‌ها بسترسازی است برسیم.

کانون پرورش فکری، خودش برگزار کنندهٔ جشنواره است و سازوکارها و استانداردهای خودش را دارد. گرچه نمی‌شود گفت این سازوکارها بی‌اشکال است، و خود من هم معتقدم یک جاهایی بهتر می‌توانست عمل کند، اما همواره تلاش کرده این سازوکارها را روزبه‌روز بهتر کند که باید دیگران بگویند چقدر موفق بوده است. اما به‌طور کلی اصل انتخاب کتاب را نمی‌شود کنار گذاشت. وقتی قرار است جشنواره‌ای عده‌ای را به عنوان نویسنده، مترجم یا تصویرگر یا کتاب شاخص به جامعه معرفی کند، طبعاً باید دست به داوری و انتخاب بزند.

هفت‌برادران: من هم با اصل و ذات انتخاب موافقم. به نظرم ما باید به جامعه کمک کنیم. در جامعه‌ای که کتاب‌خوان نیست، باید ورود و کمک کنیم که کتاب‌های بهتر در اختیار مخاطب قرار بگیرد. اگر حرفی هست، بر سر چگونگی انجام کار است. من در این زمینه حرف‌هایی دارم که در ادامه می‌گویم. البته می‌دانم در انجام یک کار، نمی‌شود همهٔ سلیقه‌ها را در نظر گرفت و همهٔ ناشران را راضی نگه‌داشت.

کیا: هدف ما همین است که فرمودید: ایجاد یک بستر مناسب برای تولید منابع مناسب توسط ناشران. الحمدلله این صحبت‌هایی که تا بدین‌جا از ناشران محترم شنیدیم نشان می‌دهد که ناشران هم با سازمان پژوهش هم‌راستا و هم‌نظرند. همهٔ ما قبول داریم که برای پرورش کودکان اصول و چهارچوب‌های خاصی وجود دارد و از طرفی تعداد کتاب‌هایی که منتشر می‌شود خیلی زیاد است و احتمالاً خود دانش‌آموز نمی‌تواند همهٔ کتاب‌ها را ببینند و از بین آن‌ها کتاب‌های بهتر را انتخاب کند؛ یا معلمان و والدین او نمی‌توانند همه را ببینند و کتاب‌هایی را که حداقل این چهارچوب‌ها را رعایت کرده‌اند، به او معرفی کنند. البته ما منابع بسیار متنوعی را به مخاطب معرفی می‌کنیم و در نهایت او خودش از بین آن‌ها دست به انتخاب می‌زند و منابع دلخواهش را برمی‌گزیند. اگر آموزش و پرورش به اصل لزوم تنوع منابع باور نداشت، می‌توانست انتشار کتاب‌ها را در انحصار بگیرد و فقط کتاب‌هایی را به دانش‌آموز معرفی کند که توسط ناشران آموزش و پرورش منتشر می‌شوند؛ ولی امروز بیش از ۱۰۰۰ ناشر، هر سال ۵۰۰۰ عنوان کتاب برای ما می‌فرستند که نیمی از آن تأیید و معرفی می‌شود؛ این یعنی پذیرش سلیقه‌های متفاوت و احترام به تفاوت ذائقه‌ها. اتفاقاً گاهی پیش می‌آید که ما کتاب‌های تولید شده توسط ناشران آموزش و پرورش را به دلیل بروز برخی اشکالات یا کوتاهی‌ها تأیید نمی‌کنیم. ما هم به اصل تنوع منابع و تنوع ذائقه‌ها معتقدیم و اگر در مسیر دست‌یابی به این هدف اشکال داریم، شاید یکی از بهترین راه‌ها برای تصحیح اشکال، گفت‌وگوهایی مانند این با ناشران محترم باشد. باز هم از حضور شما ممنون و سپاس‌گزارم.

جمالی: من می‌خواهم سؤال شما را با سؤال جواب بدهم. در ایران نهادهای غیر دولتی با سابقه‌ای، مانند شورای کتاب کودک، دست به انتخاب و معرفی کتاب می‌زنند. چرا آموزش و پرورش از نتایج و خروجی‌های این نهادها بهره نمی‌گیرد و چه نیازی می‌بینند که خودش دست به انتخاب کتاب بزند. در حالی که می‌توانست به آن‌ها کمک کند این کار به صورت گسترده‌تر انجام شود و آموزش و پرورش به همان نتایج اعتماد کند و دچار موازی‌کاری نشود.

خاکبازان: نفس انتخاب مشکلی ایجاد نمی‌کند. چگونگی انتخاب و راهکارها هستند که باید حساب‌شده و دقیق باشند تا به هدفی که یکی از آن‌ها بسترسازی است برسیم

توکل: یک فرهنگ پویا با جشنواره‌های مستقل و مردمی شکل می‌گیرد. نقش دولت باید نقش بسترسازی باشد

جوانه: به نظر می‌رسد تقریباً هیچ یک از نهادهای فعال در انتخاب کتاب، توجهی به انتخاب کتاب‌های آموزشی و خصوصاً کمک‌درسی نداشتند و دغدغهٔ اغلب آن‌ها معرفی آثار غیرآموزشی و داستانی بود که بعدها اغلب همان گروه‌ها هم کارشان را تعطیل کردند. طرح سامان‌بخشی در زمینه‌ای شکل گرفت که جامعه با انتشار گستردهٔ کتاب‌های کمک‌درسی روبه‌رو بود و از نظر کارشناسان، بسیاری از این کتاب‌ها، فاقد کمترین کیفیت لازم و گاه صرفاً کپی از منابع دیگر و گردآوری سؤال‌های امتحانی مدارس یا خلاصه کردن مباحث کتاب بودند.

هفت‌برادران: کانون پرورش فکری برای کتاب‌خانه‌ها و فروشگاه‌هایش کتاب خرید می‌کند، اما کارش به جامعیت و گستردگی سازمان پژوهش نیست. سازمان هم به ارزیابی و انتخاب کتاب‌های آموزشی می‌پردازد، هم به کتاب‌های تربیتی و داستانی در حوزه کودک و نوجوان.

جمالی: استنباط من این است که چهارچوب‌های خاصی مد نظر آموزش و پرورش است که می‌خواهد آن‌ها اعمال شود.

خاکبازان: اینکه خانم جمالی فرمودند نهادهای موازی، به نظر من این موازی‌کاری نیست. درست مثل این است که ما بگوییم مثلاً چون بیست تا ناشر کتاب کودک منتشر می‌کنند، پس این‌ها دارند موازی‌کاری می‌کنند. گاه اتفاق افتاده که یک کتاب را دو یا سه تا ناشر هم‌زمان ترجمه کنند، اما نمی‌شود گفت چون ناشری مانند کانون کتاب کودک منتشر می‌کند، پس هیچ ناشر دیگری نباید وارد این حوزه شود. رویکرد و کارکرد آن‌ها با هم متفاوت است. بنابراین جشنواره‌های متعدد که هر کدام انتخاب‌های خودشان را هم دارند، هرچه بیشتر شوند، می‌توانند نظرهای مختلفی را نمایندگی کنند. این انتخاب‌های متنوع نافی هم نیستند و در یک فضای سالم، به یک رقابت سالم و افزایش کیفیت کار منجر می‌شود.

جمالی: کاری که آموزش و پرورش انجام می‌دهد، با انتشار کتاب توسط بخش خصوصی، تفاوت ماهوی دارد. آموزش و پرورش نقش سیاست‌گذار دارد و با شورای کتاب کودک یا لاک‌پشت پرنده فرق می‌کند. حالا من یک سؤال دیگر می‌پرسم و آن اینکه وقتی شما فهرست کتاب‌های مناسب را منتشر می‌کنید، فکر می‌کنید حوزه تأثیرگذاری شما چقدر است و کجاهاست؟

جوانه: شما چون با فاصله و از بیرون تماشا می‌کنید، شاید بهتر بتوانید پاسخ این سؤال را بفرمایید. نظر خود شما چیست؟

فراش‌بندیان: اساتید عزیز همهٔ حرف‌ها را زدند. من هم موافقم که مرجعی باشد که کتاب‌ها را ببیند و محصولات بهتر را به مخاطب معرفی کند. بچه‌ها نیاز دارند که محصول باکیفیتی را دریافت کنند. متأسفانه واقعیتی است که بخشی از ناشران هدف صرفاً تجاری دارند. ممکن است سازمان‌های انتشاراتی هر کدام در داخل خودشان بررسی‌هایی انجام دهند، اما اینکه سازمانی کتاب‌های رقبای مختلف را مستقل از تبلیغات هر ناشر بررسی کند، ضرورت دارد.

جوانه: سؤال بعدی این است که چه کنیم که همسویی بین ما و ناشران یا تولید کنندگان منابع آموزشی و مخاطبان یا مصرف‌کنندگان این منابع استاندارد و مناسب یعنی دانش‌آموزان و معلمان بیشتر شود؟

توکل: من ابتدا یک توضیحی درباره صحبت قبلی‌ام بدهم. ما یک انتخاب نفئی داریم یک انتخاب اثباتی. انتخابی که در جشنواره‌ها انجام می‌شود از نوع اثباتی است؛ یعنی ما بقیه را نفی نمی‌کنیم. می‌گوییم این کتاب‌هایی که انتخاب کرده‌ایم، حداقل از نظر ما بهتر از بقیه‌اند. اما انتخاب نوع اول در صدد نفی است. یعنی می‌گوید این کتاب‌ها به درد نمی‌خورند و فکر می‌کنیم که مناسب نیستند و شما نباید سراغشان بروید. البته جایگاه شما بین این دوتاست. اساساً به نظر من کار دولت جشنواره برگزار کردن نیست. حالا بر عکس شده است؛ اتفاقاً اکثر جشنواره‌های ما دولتی است! ولی یک فرهنگ پویا با جشنواره‌های مستقل و مردمی شکل می‌گیرد. نقش دولت باید همان نقش بسترسازی باشد که گفتیم. دولت باید به این جشنواره‌ها کمک کند و شما از خروجی این جشنواره‌ها استفاده کنید.

اما عملکردی که بوده، خوش‌بختانه با توجه به شرایط، تا به حال خوب بوده است. این کارها در آموزش و پرورشی انجام می‌شود که یک زمانی، کتاب‌های غیر درسی را به مدارس راه نمی‌داد. حالا این‌قدر فضا باز است که ۵۰ درصد کتاب‌های منتشر شده امکان ورود به مدارس را دارند. حرف‌های ما نباید باعث شود که این روند را نبینیم و تقویت نشود. همین تلاشی که شده، جای قدردانی دارد. من خودم هم که کتاب‌ها را می‌بینم احساس می‌کنم واقعاً بیش از پنجاه درصدش به لحاظ محتوا یا چاپ مناسب نیست.

من فکر می‌کنم این نگاهی که به جامعه اجازه انتخاب بیشتر می‌دهد به کتاب‌خوانی بیشتر کمک می‌کند. چون اصولاً انسان از داشتن فرصت انتخاب بیشتر، استقبال می‌کند. احساس می‌کند برای تشخیص او احترام قائل‌اند. وقتی شما برای خرید مایع ظرف‌شویی به مغازهٔ سر کوچه می‌روید، برندهای محدودی در آن‌جا هست که ممکن است برند دلخواه شما در بین آن‌ها نباشد؛ اما اگر به یک فروشگاه بزرگ بروید، ده‌ها برند مختلف را می‌بینید. الان استقبال مردم از فروشگاه‌های بزرگ کتاب مثل باغ کتاب در تهران خیلی زیاد است. خب در این فضا چون مردم قدرت انتخاب بیشتری دارند، کتاب‌های بیشتری هم می‌خرند و بیشتر هم می‌خوانند. این است که هر چه فیلترهای ما طوری تعریف شوند که مثلاً چند کتاب متوسط هم از آن رد شوند،

خیلی بهتر است.

در بحث انتخاب از نوع اثباتی، نهادهای انتخاب کننده مثل شورای کتاب کودک، جشنواره کتاب برتر انجمن فرهنگی ناشران کودک، لاک‌پشت پرنده، شهید حبیب غنی‌پور و... هر چه بیشتر بشوند، به نظر من بهتر است. این موازی‌کاری نیست. این به معنای تضارب افکار و سلیقه‌ها و ایجاد فضای گفت‌وگوست.

جمالی: من که به موازی‌کاری اشاره کردم، منظورم انتخاب یک نهاد دولتی در مقابل نهاد خصوصی بود؛ و الا در بخش خصوصی هرچه نهادهای متفاوت بیشتری حضور داشته باشند، بهتر است.

هفت‌برادران: به نظر من حضور نهادهای دولتی در بخش نظارتی مشکلی ایجاد نمی‌کند؛ اساساً وظیفهٔ دولت نظارت است؛ ما بیشتر با انتشار کتاب توسط آموزش و پرورش مشکل داریم. ناشران دولتی از سرمایهٔ عمومی بهره می‌برند و معمولاً دغدغهٔ بازار یا توجه به نگاه و سلیقهٔ مخاطب ندارند. اغلب هم سرمایه را هزینه می‌کنند و از بین می‌برند و سال بعد دوباره سرمایهٔ جدید جذب می‌کنند.

البته از نظر من، اینکه شما بیش از ۵۰ درصد کتاب‌ها را تأیید می‌کنید، خوب نیست و فایدهٔ زیادی ندارد. وقتی ۵۰ درصد کتاب‌های موجود در بازار تأیید می‌شود، از نظر من، وجود نهادی مانند شما ضرورت ندارد. شما وقتی به عنوان یک نهاد واسط بین تولید کننده و مخاطب قرار می‌گیرید، باید به تمام معنا نقش خودتان را ایفا کنید. قرار این است که کتاب‌ها همسو با سند تحول و برنامه درسی باشند. من یک بنگاه اقتصادی فرهنگی هستم، اما نگاه شما تربیتی است. شما باید از هجمهٔ اطلاعات و مفاهیم و کتاب‌های آموزشی نامناسب به مخاطب جلوگیری کنید.

زمانی "راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی" منتشر می‌کردید که خیلی خوب بود. در آن زمان، اوایل توجه روی کتاب‌های آموزشی بود. بعدها کتاب‌های غیرآموزشی هم به منابع مورد ارزیابی اضافه شد.

اتفاقاً شما فقط باید به ۳۰ درصد کتاب‌ها مجوز ورود به مدرسه بدهید تا ناشران به تولید کتاب‌های خوب ترغیب شوند. از این طرف ساختار کتاب خوب را مجدداً تعریف کنید و البته خودتان را با چهارچوب‌ها و نیازهای امروز بازار منطبق کنید.

آزمون بین‌المللی پرلز یک معیار است. ما در آزمون‌های پرلز همواره در ردیف‌های آخر جهان هستیم؛ اما سال ۲۰۱۶ م. برای ما فاجعه بود. ما در این سال، در آزمون سواد خواندن، که به معنای خواندن، درک و استفاده از اطلاعات است، ۴۱ نمره نسبت به میانگین خودمان در ۲۰۱۱ افت داشتیم. این نشان می‌دهد وضعیت خواندن در کشور ما اسف بار است و یکی از مشکلات نبود کتاب خوب است.

یکی دیگر از نقدهای من مربوط به ناهماهنگی‌های موجود بین بخش‌های آموزش و پرورش است. شما کتاب را تأیید می‌کنید، اما از آن طرف بازرسی و ارزیابی عملکرد، معاونت آموزش ابتدایی و دیگران می‌گویند کتاب کمک‌درسی وارد مدرسه نشود. می‌گوییم این کتاب "داستان" است؛ می‌گویند به ما گفته‌اند با هیچ‌کس قرارداد امضا نکنیم. اگر قرار است کتابی وارد مدرسه نشود، پس فلسفه مصوبه ۸۲۸ و فلسفهٔ حضور شما چیست؟

من سالی بیست تا کتاب بیش‌تر تولید نمی‌کنم، چون نمی‌خواهم کیفیت کتاب‌هایم آسیب ببیند. شما همه کتاب‌های مرا تأیید کرده‌اید؛ چون می‌دانم که بر اساس چه اصول و ساختاری کتاب تولید کنم. کانون پرورش فکری هم کتاب‌های مرا تأیید می‌کند... خب شما چه حمایتی از من ناشر می‌کنید؟ از "پخش مدرسه" به من زنگ زده‌اند که بیا و به ما کتاب بفروش. می‌پرسم کدام کتاب‌ها را می‌خواهید؟ می‌گویند این پنج‌تا کتابی که اخیراً تأیید شده‌اند. می‌پرسم چطوری می‌خرید؟ می‌گویند دوماهه می‌گیریم امانی. خب بودجهٔ شما از ما و از ملت است. می‌گویند کتابت را بفروش و شش ماهه پولش را می‌دهیم. در این بازاری که من باید کاغذ را نقد بخرم، باید شش ماهه بفروشم.

جمالی: ما ده ماهه هم می‌فروشیم.

متولی: معمولاً پخش‌های خیلی بزرگ هم در همین حدود کار می‌کنند.

هفت برادران: آن‌ها مربوط به بخش خصوصی‌اند؛ این پخش مربوط به دولت است و باید از من ناشر که کتاب خوب تولید می‌کنم، حمایت کند. باید بگوید من دو ماهه تسویه می‌کنم و تو برو در راستای برنامه درسی کتاب خوب تولید کن؛ من می‌شوم مرکز فروش شما.

فراش‌بندیان: برگشت کتاب هم باز است. یعنی هر قدر که فروش نرود برمی‌گردانند که این شیوه شاید برای کتاب‌های غیرآموزشی و عمومی اشکالی نداشته باشد، اما کتاب‌های کمک‌درسی بازه زمانی خاصی برای استفاده دارد و اگر فروش نروند باید به تبع کتاب درسی تغییر کنند. کتاب‌های آموزش و پرورش هم که در این چندسال تغییرات زیادی داشته است.

هفت برادران: این انتظار زیادی نیست که آموزش و پرورش به عنوان متولی آموزش و جریان‌ساز تربیتی در کشور، بکوشد انسجام درون‌سازمانی و بین بخش‌هایش را حفظ کند. وقتی شما کتاب ما را تأیید می‌کنید، مؤسسه محترم منادی تربیت باید بین کتاب‌های تأیید شده و کتاب‌هایی که تأییدیه شما را نگرفته‌اند، فرق بگذارد. به کتاب‌های تأیید شده مثلاً پنج ستاره بدهد و امکان بدهد به کارشناس استان که ۷۰ درصد کتاب‌هایش را از کتاب‌های تأیید شده و خوب بخرد.

خاکبازان: با این موضوع که باید از ناشران خصوصی حمایت کرد، خیلی مخالف نیستم. ولی ناشران خصوصی بی‌دقتی‌ها و سهل‌انگاری‌های زیادی هم در کار دارند. من یک بار برای بازدید

هفت برادران: این انتظار زیادی نیست که آموزش و پرورش به عنوان متولی آموزش و جریان‌ساز تربیتی در کشور، بکوشد انسجام درون‌سازمانی و بین بخش‌هایش را حفظ کند

از کتاب‌خانه‌های اســـتان‌های کانون رفته بـــودم. کتابدار یکی از کتاب‌خانه‌ها کتابی را از یک ناشـــر موفق به من نشان داد و گفت: آخر چرا چنین کتابی تأیید شـــده؟ من نگاه کردم در صفحه اول این داســـتان پنج تا قتل اتفاق افتاده بود! یکی از بهترین ناشران، کتابی درآورده که ترجمه اســـت. نوشته دوشنبه اولین روز هفته اســـت! این‌ها فقط چند نمونه اســـت. برخی از ناشرانی که پانزده بیست سال هم ســـابقهٔ کار دارند، اشتباه‌هایی دارند که نمی‌شود گفت. ما نمی‌توانیم عنان اختیار را به بخش خصوصی بدهیم که هر چه خواســـت تولید کند و ما فقط نظارت کنیم. خب ممیزی الان هم وجود دارد و چنین کتاب‌هایی منتشر می‌شود. به نظر من باید اجازه داده چند ناشر دولتی به عنوان رقیب بخش خصوصی باقی بمانند تا سره از ناسره جدا شود. درست است که ناشر دولتی بودجهٔ دولتی می‌گیرد و مسئله فروش برایش مهم نیست و ممکن است برخی ناشـــران دولتی، کتاب‌های فروش نرفته را انبارکنند و در همـــان زمان کتاب‌های جدیدی را منتشـــر کنند؛ این عیب هســـت، اما اینکه ناشـــر دولتی نگاه صرف به بازار ندارد، خودش می‌تواند یکی از محسنات آن باشد. مشکل از نبود سازوکار صحیح برای نظارت بر کیفیت است، نه دولتی بودن ناشر.

هفت برادران: من می‌گویم همه ظرفیت‌ها را متمرکز کنید در جهت تولید کتاب خوب. این بخشی را که در اختیار شماست، در جهت حمایت از کتاب خوب به کار بگیرید تا ناشر به تولید کتاب خوب تشویق شود. ما می‌خواهیم کتاب خوب تولید شود؛ ناشرها کتابـــی تولید نکنند که در صفحه اولش پنج تا قتل اتفاق بیفتد؛ کتابـــی تولید نکنند که در آن، بچه پدرش را به غول بدهد که با سیب‌زمینی و سس بخورد!

جمالی: اینکه به نهادهای خصوصی انتقاد وارد اســـت، تردید نیســـت. ما نباید کار را برایشان را ســـخت‌تر کنیم. کمک کنیم اصلاح شـــوند و کارشـــان را بهتر انجام دهند. نبود کتاب خوب هم مشـــکل نیســـت. به نظر من کتاب خوب زیاد اســـت؛ اما به دســـت مخاطب و دانش‌آموزان نمی‌رسد. به نظر من این حرکت مثبتی است که سامان‌دهی کتاب‌های بیشتری را تأیید می‌کند. هرچه این دایره گسترده‌تر باشد، به قول آقای توکل حق انتخاب بیشتری به مخاطب داده می‌شـــود. انتظاری که داریم این است که ایـــن کتاب‌های خوب را به دانش‌آمـــوزان معرفی کنید. قبلاً در انتهای کتاب‌های درســـی کتاب‌هایی را معرفی می‌کردید که فهرست کوتاهی بود، اما مورد توجه توده مردم بود و افراد زیادی بـــرای خرید آن کتاب‌ها مراجعه می‌کردند. مثلاً ما یک مجموعه شـــش جلدی داریم که در کتاب درسی معرفی شده است و بعد از ده ســـال، هنوز که هنوز اســـت افرادی برای خرید آن مراجعه می‌کنند. شما زحمت زیادی می‌کشید، فهرستگان تولید می‌کنید و به مدارس می‌فرستید، اما آیا دیده می‌شود؟ تعامل بیشتری با مدارس داشته باشید و بپرسید که این فهرستگان کجاست و آیا در اختیار معلمان گذاشـــتند و آیا از آن استفاده می‌کنند؟ کاری کنید که دانش‌آموز وقتی می‌خواهد با مادرش برود خرید کتاب، از فهرست شما خرید کند.

هفت برادران: می‌شود یک اپلیکیشن ساخت.

جمالی: کتاب خوب زیاد است؛ اما به دست مخاطب و دانش‌آموزان نمی‌رسد این کتاب‌های خوب را به دانش‌آموزان معرفی کنید

جوانه: اتفاقاً ساخت اپلیکیشن هم در برنامهٔ دفتر هست و سفارشش داده شده اســـت. بخش مجلات رشد آماده شده و الان در اپ‌اســـتورها قابل نصب است و انشاءالله بخش کتاب هم به زودی ارائه می‌شود.

فراش‌بندیان: به نظر من هم مهم‌ترین موضوع ایجاد هماهنگی و هم‌راستایی بین بخش‌هاست. ما جایی مراجعه کردیم و گفتیم کتاب ما در کتاب‌نامه رشد آمده است. به ما گفتند رئیس منطقه به ما گفته فلان کتاب‌ها را استفاده نکنید. یعنی یک اعمال سلیقه یا دستور شخصی، مصوبه آموزش و پرورش را تحت تأثیر می‌دهد.

هفت برادران: من در پاســـخ به ســـؤالی کـــه کردید، چند تا خواسته و پیشنهاد دارم:

ـ لطفاً فهرستی کامل از کتاب‌های مناسبمان را به ما بدهید؛

ـ در جشنواره فقط ناشران خوب را انتخاب نکنید؛ بررسی کنید ناشـــرانی را هم که در مسیر خوب شدن هستند، تشویق کنید تا دنبال کتاب‌های بهتر بروند؛ این تقســـیم جوایز به ناشران انگیزه می‌دهد؛

ـ در بحث داوری‌ها، مراقب کتاب‌های ترجمه‌ای باشید. در کشور ما سند ۲۰۳۰ کنار گذاشته شده، اما در کشورهای دیگر کتاب‌ها را بر این اساس می‌نویسند و باید خیلی مراقب این کتاب‌ها بود. شما می‌توانید به آثار بومی امتیاز و ستاره‌های بیشتری را بدهید تا مورد حمایت بیشتری قرار بگیرند؛

ـ یک کتابچه راهنمای تولیـــد کتاب‌های ادبیات کودک، مثل راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی، تدوین کنید؛

ـ معیارهای داوری را به‌روز کنید و سعی کنید نگاه‌های داوران به نیازها و خواسته‌های مخاطب نزدیک‌تر شود؛ این نزدیکی هم باید شامل محتوا باشد، هم تصویر؛

ـ و آخرین خواســـته‌ام اینکه بستهٔ آموزشـــی را جدی بگیرید. بسته‌های آموزشی می‌توانند به دانش‌آموزان بسیار کمک کنند.

جوانه: فقط برای اطلاع دوستان عرض کنیم که در پایان هر سال فهرست کتاب‌های مناسب سال به همه ناشرانی که کتاب مناسب داشته‌اند، تقدیم می‌شود. در حوزه داستان جلسه‌ای را با حضور ناشران برگزار کردیم که گزارشش در جوانه آمده است؛ و موضوع بسته‌های آموزشی هم به طور جدی در جلسات کارشناسان سازمان دنبال می‌شود.

خاکبازان: موضوع تفاوت سلیقهٔ داوران، که اشاره شد، در همهٔ جشنواره‌ها اجتناب‌ناپذیر است و هر کسی که کتابی منتشر کرده است، فکر می‌کند خوب است.

توکلی: من چند ســـالی دبیر جشـــنواره کتاب برتر بودم. در جشـــنواره داوران یک بحث‌اند، شـــیوهٔ داوری یـــک بحث دیگر. ضوابط داوری و فرایند داوری خیلی مهم اســـت و تا جای ممکن باید کیفیت به کمیت تبدیل شود تا از حالت سلیقهٔ صرف خارج شـــود. ضمن این‌که فرایند داوری هر چند ســـال یـــک بار باید بازنگری شود.

جوانه: از حضور همهٔ شما در این نشست سپاس‌گزاریم.

مصطفی خرامان داور گروه داستان نوجوان

چند نکته درباره داستان‌های نوجوانان

از خودرو حمایت می‌شود، از فرهنگ نه

نوجوانان امروز به دلیل فضای مجازی و اطلاعاتی که کسب می‌کنند با نوجوانان گذشته تفاوت دارند. من در کارگاه داستان‌نویسی که با آن‌ها دارم، سعی می‌کنم کتاب‌های خوب مربوط به سن‌شان را در اختیارشان بگذارم، ولی می‌گویند به ما کتاب بزرگ‌سال دهید. در واقع علاقه‌مندند که جلوتر از خودشان باشند. از نظر روحیه هم اغلب نوجوانان همین‌طورند. مثلاً شعرهای شاعری را که برای نوجوانان شعر می‌گوید نمی‌خوانند؛ در عوض سراغ شعرای دیگری مثل فروغ می‌روند. دوست دارند بگویند ما بزرگ شده‌ایم. از سوی دیگر نویسندگان ما هم طوری داستان می‌نویسند که انگار اصلاً با حال و هوای نوجوان آشنایی ندارند. یک داستان بچگانه می‌نویسند و به عنوان داستان نوجوان ارائه می‌کنند. معلوم است که چنین داستانی مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. گاهی برخی نویسندگان فکر می‌کنند اگر قرار است با نوجوان ارتباط برقرار کنیم، باید داستان عشقی بنویسیم. درحالی‌که این‌طور نیست. باید جمعی از عناصر، از جمله هیجان، در داستان نوجوان کنار هم قرار بگیرند تا یک داستان خوب نوجوان شکل بگیرد. رمان نوجوان هم باید پیچیدگی‌های خاص خود را داشته باشد؛ اما چون ما نمی‌توانیم در داستان کشش ایجاد کنیم، سعی می‌کنیم با نصیحت کردن حجم کار را بالا ببریم که به اثر لطمه می‌خورد.

تعداد کتاب‌های تألیفی در این دوره از جشنواره کم نبودند؛ اما معمولاً تعداد آثار ترجمه بیشتر است و اشکالش هم در این است که این کتاب‌ها، غالباً آثار منتخب نیستند. ما وقتی به ناشران مشورت می‌دهیم می‌گوییم اگر قرار است کتاب تألیفی خوب باشد، کتاب ترجمه باید عالی باشد. اما مترجمان ما نمی‌توانند به کشورهای انگلیسی زبان بروند و کتاب‌ها را مطالعه و از بین آن‌ها برای ترجمه انتخاب کنند. بنابراین از فهرست‌هایی استفاده می‌کنند که انجمن‌ها یا کتابخانه‌ها یا مراکز فعال در حوزهٔ کتاب پیشنهاد می‌دهند. مترجمان از میان کتاب‌های معرفی شده، تعدادی را انتخاب و ترجمه می‌کنند. بنابراین این‌طور نیست که مترجمان در میان کتاب‌ها بگردند و کتاب خوب را انتخاب کنند. زمانی آقای ابراهیمی الوند ۲۰۰ کتاب می‌خرید و از بین آن‌ها ۲۰ کتاب ترجمه می‌شد؛ خیلی گزیده کار می‌کردند. اگر قرار است ما کتابی را ترجمه کنیم، باید هم گزیده باشد؛ اما الان ناشران دنبال چاپ مجموعه‌ها هستند که فروش بهتری دارد. این طور کتاب منتشر کردن برای ناشر سود دارد، برای مترجم هم صرفه دارد؛ اما برای بچه‌ها معلوم نیست مفید باشد.

ذهنیتی در جامعه ما وجود دارد که جنس خارجی را بهتر از جنس ایرانی می‌داند؛ حتی کالای فرهنگی‌اش را. حال سؤال این است که چرا برای حمایت از تولید داخلی بر خودروهای خارجی تعرفه می‌گذارند، اما برای کار فرهنگی این کار را نمی‌کنند. چرا آنقدر که از خودروسازان داخلی حمایت می‌شود، از نویسندگان داخلی حمایت صورت نمی‌گیرد؟ آخرین جایی که به آن بودجه می‌دهند، مراکز فرهنگی، آن هم مراکز وابسته به دولت است. نوشتن کار سختی است و گاه نویسنده طی یک سال یک رمان می‌نویسد؛ بنابراین باید از نویسنده حمایت کرد؛ اما حتی مسئولان فرهنگی هم امتیازی برای تألیف قائل نیستند. الان بخش فرهنگی ما روی حرکت اتوماتیک است؛ خودش حرکت می‌کند و کسی با آن کاری ندارد.

این ذهنیت بر ناشران ما هم اثرگذاشته است. آن‌ها بیشتر مجموعه‌های خارجی را تهیه و ترجمه می‌کنند و کمتر کتاب‌های تألیفی را می‌پذیرند، چون معتقدند کتاب‌های تألیفی خوب نیستند. ناشر به طور طبیعی دنبال کسب‌وکار و سود است، ولی بعضی بی انصافی می‌کنند و فقط کسب‌وکار می‌کنند. بالاخره ناشر وارد حوزهٔ کار فرهنگی شده، و برای کار فرهنگی معیارهایی وجود دارد. مثل حمایت از نویسندگان داخلی و تشویق نوجوانان به خواندن داستان ایرانی. البته این نکته غیرقابل انکار است که داستان ایرانی اگر جذاب باشد نوجوانان استقبال می‌کنند.

رشد کیفی، تنزل کمّی

شانزدهمین «جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد» در حالی برگزار می‌شود که تگناها و رکود اقتصادی و اجتماعی تأثیر خود را بر حوزهٔ فرهنگ و نشر نیز بر جای گذاشته است. در چنین شرایطی که تأمین نیازهای اولیه اولویت پیدا می‌کند، اولین کالایی که از سبد خانوار حذف می‌شود، اقلام و کالاهای آموزشی و فرهنگی چون کتاب هستند. از همین رو شاهد رکود فعالیت نشر و محدود شدن عنوان‌ها و شمارگان کتاب‌ها در حوزه‌های متفاوت، از جمله حوزهٔ علوم اجتماعی، در این دوره از جشنواره هستیم.

اما با وجود این نزول کمّی عنوان‌ها و شمارگان، معدود کتاب‌هایی که در این حوزه به جشنواره رسیده‌اند، از نظر کیفی از ویژگی‌ها و برجستگی‌های چشمگیری برخوردار بوده‌اند که برخی از مهم‌ترین آن‌ها را چنین می‌توان برشمرد:

● فرهنگ‌ها و دایرةالمعارف‌های عمومی و موضوعی و تخصصی کودک و نوجوان در حوزهٔ علوم اجتماعی، در این دوره از رشد قابل توجه و کیفیت قابل قبولی برخودار بوده‌اند.

● آشنایی با مفاهیم حقوقی، به‌ویژه، حقوق شهروندی، موضوع برخی از کتاب‌های این دوره از جشنوار در حوزهٔ علوم اجتماعی بود. با توجه به اهمیت موضوع حقوق و مسئولیت‌های شهروندی و نیز پیچیدگی‌ها و مسائل و مشکلات زندگی اجتماعی، این دسته از کتاب‌ها برای معلمان و دانش‌آموزان بسیار مفید و کاربردی خواهد بود.

● طرح مهارت‌های اساسی زندگی اجتماعی در قالب‌های غیرمستقیم و داستانی برای کودکان، یکی از گرایش‌های مثبت و قابل تقدیر حوزهٔ نشر علوم اجتماعی در این دوره است.

● تولید کتاب به شکل چندرسانه‌ای همراه با «DVD»، فیلم و معرفی سایت‌ها و اپلیکیشن‌های مناسب و مرتبط، یکی دیگر از گرایش‌های جدید در حوزهٔ نشر کتاب‌های آموزشی علوم اجتماعی است که در این دوره از جشنواره، با وجود شمار اندک، روند آن آغاز شده است.

● تلاش‌های اولیه‌ای از بعضی ناشران و نویسندگان برای شرح مفاهیم، نظریه‌ها و مکاتب جامعه‌شناسی، متناسب با فضای فرهنگی جامعه آغاز شده است که ضمن تقدیر، جای تقویت و تلاش بیشتری دارد.

● تلاش برای تجسم تصویری و گرافیکی مفاهیم و موضوع‌های اجتماعی و نوعی «اطلاع‌نگاری» همراه با بهره‌مندی مناسب از تصویرسازی و رنگ در مجموعه‌ای از کتاب‌های حوزهٔ علوم اجتماعی این دوره از جشنواره دیده می‌شود.

چشم‌انداز زیبا و خوش‌آب و رنگ شدن کتاب‌ها از یک‌سو و طرح مباحث در قالب طرح و اطلاع‌نگاری از سوی دیگر، افزایش علاقه و رغبت مخاطبان کودک و نوجوانان را به مطالعه، و توسعهٔ فرهنگ خواندن را بیش از پیش دامن می‌زند و جای تقویت، توسعه و تقدیر دارد.

سنگک ماشینی و کتاب‌های مهارت‌های زندگی

علیرضا متولی، عضو گروه داوری مهارت‌های زندگی، تفکر و سبک زندگی

مدتی است مسابقه‌ای بی‌امان در میان ناشران ایران برای انتشار کتاب‌هایی پیرامون مهارت‌های زندگی درگرفته است. بازنشر چنین کتاب‌هایی شبیه از تنور درآوردن نان سنگک ماشینی شده است؛ نه از آرد مناسب و حرارت پخت به‌اندازه بهره‌ای دارد و نه لذت کندن سنگ‌های چسبیده به نان با آن همراه است. این‌گونه کتاب‌ها هم همین‌طورند. ممکن است مزه‌ای داشته باشند، اما بسیاری از آن‌ها خالی از محتوای مؤثرند.

ناشران از رویکرد جدید وزارت آموزش‌وپرورش مطلع شده‌اند و حالا سیل کتاب‌های خارجی در این زمینه است که به سمت واحدهای تولید ناشران سرازیر شده و سیل دانشجویان زبان و متخصصان استفاده از مترجم «گوگل» به سمت ناشران و در نتیجه کتاب‌هایی بیرون می‌آیند که نه بافرهنگ بومی ما سازگارند و نه مطلب مفیدی در این زمینه در آن‌ها یافته می‌شود. ناشران محترمی هم هستند که حساب‌شده‌تر با این مقوله برخورد می‌کنند و رعایت اصول حرفه‌ای در آثارشان هویداست. اما در این مسابقه آن‌ها برنده‌ترند که هیچ اصلی جز تجارت کتاب در اندیشه ندارند.

در شش ماه گذشته بیش از ۲۰۰ کتاب در موضوع مهارت‌های زندگی خوانده و بررسی کرده‌ام. با قاطعیت می‌توانم بگویم، نزدیک به صددرصد آن‌ها ترجمهٔ آثار خارجی‌اند. آن‌ها هم که حکم تألیف دارند، برگرفته از آثار خارجی‌اند.

بالا رفتن از نردبان رویکردهای وزارت آموزش‌وپرورش و سودجویی‌های تعدادی از ناشران فضای کار را چنان آلوده کرده است که دیگر صدای متخصصان این رشته به هیچ جا نمی‌رسد.

ظاهراً نگاه به موضوع مهارت‌های زندگی هنوز تخصصی و جدی نشده است. تنها کسانی که این موضوع را جدی گرفته‌اند، سودجویان هستند و به‌نظر می‌رسد، تنها کسانی که مهارت‌های زندگی! را خوب بلدند، همین ناشران سودجو هستند.

سوی دیگر ماجرا مربوط به فهم عمومی ما از مقولهٔ مهارت‌های زندگی است. متأسفانه هر چندگاه واژه‌هایی باب می‌شوند و خلایق با این واژه‌ها زندگی می‌گذرانند. واژه‌ها مد می‌شوند و این مدگرایی افراطی سرنوشت مبهم کودکان معصوم ما را هم هدف قرار داده است.

در گذشته والدین علاقه داشتند بگویند بچه‌شان «باهوش» است. امروزه علاقه دارند بگویند فرزندشان «خلاق» است. چون واژهٔ خلاق و خلاقیت امروزی‌تر و مُدتر است. مدتی هم «هوش هیجانی» (EQ) مد شده بود و امروزه هوش‌های چندگانه مد روز است. هوش‌های چندگانه بدون بستر مطالعاتی مناسب، ورد زبان معلمان، والدین و مربیان شده است. واضع نظریهٔ هوش‌های چندگانه، هوارد گاردنر است. خودش عقیده دارد که هنوز این نظریه کامل نیست، ولی در ایران آن را کامل می‌دانند و بر اساس آن برنامه‌های گسترده‌ای اجرا می‌شود.

هنوز هیچ کتاب عالمانه و دانشگاهی در این زمینه در هیچ دانشگاهی تدریس نشده است، اما به برکت رقابت مدرسه‌های غیردولتی با هم، همه متخصص این رشته از دانش شده‌اند که هنوز به‌صورت شبه‌علم است. هنوز هم وقتی از مهارت‌های زندگی صحبت می‌شود، موارد ده‌گانهٔ «سازمان بهداشت جهانی» یادآوری می‌شود. در حالی‌که امروزه این ده مورد برای توجه به آموزش مهارت‌های زندگی کافی نیست. امروزه مدل «۴H» در حال گسترش است که تمامی موارد مهارت‌های زندگی، مهارت‌های شهروندی، مهارت‌های مدیریتی و مهارت‌های سازمانی را در برمی‌گیرد.

شعار ۴H «آموزش از طریق عمل کردن» است. منظور از این شعار این عبارت است: «یادگرفتن چگونه انجام دادن از طریق به انجام رساندن.» اگر به این عبارت توجه کنیم، می‌بینیم بیشتر کتاب‌هایی که منتشرشده‌اند، حتی در کشورهای دیگر، به این موضوع توجه ندارند. بیشتر آن‌ها درواقع بچه‌ها را با دانش کلی مهارت‌های زندگی آشنا می‌کنند و آن‌ها را در زندگی کردن ماهر نمی‌سازند. این موضوع نگران‌کننده است.

پیشنهاد من این است که ستاد یا کمیته‌ای در «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» ایجاد شود و با دعوت از همهٔ کسانی که در این زمینه کار علمی کرده‌اند و حتی دعوت از کارشناسان بین‌المللی، یک برنامهٔ جامع آموزش مهارت‌های زندگی منطبق با زیست‌بوم و سبک زندگی ایرانی ـ اسلامی طراحی و تدوین کنند و از ناشران خواسته شود که در این چارچوب عمل کنند.

آزاد کردن انرژی پنهان و متراکم معلمان با تربیت معلمان مؤلف

شانزدهمین جشنواره کتاب‌های رشد در بخش فرهنگ و هنر دستاوردهای قابل اعتنایی دارد. هدف جشنواره، سامان‌دهی به منابع تربیتی و آموزشی است که دانش‌آموزان و معلمان به‌عنوان سرمایه‌ای ارزنده از کتاب‌های بخش خصوصی بهرهٔ لازم را در شکوفایی هر چه بهتر فرایند آموزش به‌کار بندند. اگر بخواهیم یک‌راست و بدون کلمه‌تراشی به سراغ اصل مطلب برویم، مأموریت جشنواره تحقق یک «مدل آرمانی» است که در کتاب‌های حوزه فرهنگ و هنر، ابتکار، خلاقیت و نوآوری متبلور می‌شود. این مدل آرمانی هر چند که دیرپای است اما دور از دسترس نیست. همواره و همیشه در کتاب‌ها شاهد رگه‌های ارزنده‌ای از مؤلفه‌های پیش‌گفته بوده‌ایم. در عین حال مسیر مطلوبی که باید طی شود باز پیش‌روی رهروان است.

ارزیابی کارشناسانه و نگاه تحلیلی به تولیدات کتاب‌های حوزهٔ فرهنگ و هنر با رویکرد آموزشی این است که در این نوع از کتاب‌ها وجود نویسندهٔ حرفه‌ای بسیاربسیار محدود دیده می‌شود. هر مؤلف یا فرهنگ‌ور یا هنرمند عزیزی بعد از دلدادگی به یک هنر یا پس از چند سال تدریس، به این فکر می‌افتد که یافته‌ها و دریافت‌های خود را در قالب کتابی قلم‌بند کند تا به همین‌سان دیگران نیز از تجربیات وی نیز بهره گرفته، در آن سهیم شوند. این نیت خوب و ارزنده گرچه گوشه‌ای از نیازهای کمک‌آموزشی هنر را در عرصه تعلیم‌وتربیت هنری پوشش می‌دهد اما بخش عمده آن را بی‌پاسخ می‌گذارد. همین نکته موجب می‌شود که در بررسی آثار و تولیدات و کتاب‌های هنری، هر ارزیاب منصفی نتواند به رضایت مورد نظر برسد و دلیل این امر نیز این است که کاستی‌های کتاب‌های تألیفی کم نیست.

برای رفع این کاستی مهم چه باید کرد؟ سال‌ها پیش در سازمان پژوهش دوره‌های تربیت مؤلف برگزار می‌شد. مخاطبان این دوره‌ها عموماً از همکاران فرهنگی باذوق و اهل قلم بودند. مدرسان تربیت‌معلم و حتی فضلای حوزه در آن شرکت می‌کردند. در آن دوره‌ها که ظرف دو تا سه هفته برگزار می‌شد؛ اصول کتاب‌نویسی با در نظر داشتن هدف‌های آموزشی و ویژگی‌های مخاطب به بحث گذاشته می‌شد. به نظر می‌رسد احیای این دوره‌ها برای همکاران اهل قلم مفید خواهد بود، زیرا تجلی آن‌ها را می‌توانیم در کتاب‌های تولید شده به توسط بخش خصوصی دریابیم. اگر هدف نهایی ابتکار و نوآوری و منحصر بودن کتاب به لحاظ محتوایی است، گریزی از این موضوع نخواهد بود. بر این نکته باید افزود هر کتابی که به قلم مؤلفان غیر معلم تنظیم می‌شود در نهایت شماری از مؤلفه‌ها را نخواهد داشت. بنابراین استفاده از بدنه عظیم آموزش‌وپرورش همانند حفر چاه‌هایی است که در کم‌عمقی به آب سرشار می‌رسند. یا حداقل کار این خواهد بود که ناشران فعال در بخش فرهنگ و هنر نویسندگان خود را برای طی دورهٔ تربیت مؤلف معرفی کنند که با اطمینان باید گفت نتیجهٔ دوره به نگرش مثبت و نگاه کیفی آن‌ها خواهد انجامید.

نکتهٔ دیگری که براساس تجربیات داوری قابل ذکر است موضوع ترجمه کتاب‌های هنری است. زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی هر جامعه در شکل‌گیری آثار هنری و تولیدات آموزشی آن‌ها نقش مستقیم دارد. به‌عنوان مثال کتاب‌های هنری فرهنگ غرب از این ویژگی برخوردارند. به‌طور نمونه تجربه کشور ما با تجربه غرب از اختراع پدیده چاپ یا ورود به دنیای مجازی و الکترونیک الزاماً خطی و بر هم منطبق نیست. به‌عبارتی ترجمه مستقیم و بی‌افزود و کاست کتاب‌های هنری غربی نمی‌تواند با نیازها و مقتضیات مخاطب ایرانی پیوند طبیعی بخورد. این پیوند، پیوندی عاریتی و شکننده است. به همین دلیل ضروری است انتخاب متون ترجمه‌ها با داشتن ویژگی مهم «سازگاری با محیط هنری کشور» مورد توجه قرار گیرد. هر ترجمه‌ای الزاماً مفید و مؤثر نیست و حتی مؤلفان می‌توانند با گرفتن ایده و براساس نیازهای جامعه نسبت به تدوین و تهیهٔ متون هنری اقدام کنند. این کار حداقل از معایب ترجمهٔ مستقیم و غیرمفید خواهد کاست.

سخن پایانی این است که در این عرصه نیازمند تکاپو و تلاش دبیران و مدرسان هنرکشور هستیم. به دست دادن تولیدات و کتاب‌های هنری که به اصول و معیارهای جشنواره نزدیک باشند امری دشوار نیست؛ زیرا این انرژی فوق‌العاده برای بروز در این عرصه کاملاً موجود است و فقط به همراهی همکاران و ایجاد بستر به توسط مسئولان وابسته است.

سپیده چمن‌آرا، عضو گروه داوری ریاضی

کتاب‌هایی شبیه روغن، شامپو و برنج...

گزارش گونه‌ای از وضعیت کتاب‌های کمک‌درسی ریاضی

در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران هستم. مانند هر سال رفته‌ام سری بزنم و ببینم چه کتاب‌هایی به تازگی چاپ شده‌اند. همچنین سراغی بگیرم از ناشران قدیمی که سال‌هاست در حوزهٔ آموزش بنام و مطرح هستند، ولی همچنان در نمایشگاه‌های کتاب، در غرفه‌های ناشران عادی حضور دارند. این دو سه ناشر غرفه‌هایشان کم‌وبیش پُرمراجعه است و همیشه حرفی برای گفتن داشته‌اند.

کمی از سالن ناشران عادی دور می‌شوم و می‌روم به سمت سالن‌های ناشران آموزشی. کم‌کم ازدحام جمعیت بیشتر و بیشتر می‌شود. گویی وارد دنیایی دیگر شده‌ام! صف‌های طولانی سفارش کتاب، صف‌های خرید و پرداخت صندوق، همهمه و هیاهو، پوسترهای عجیب و غریب، واژه‌های متفاوت برای تبلیغ غرفه یا یک کتاب یا مجموعهٔ کتابی خاص، و ... ظاهراً دنیای «کمک‌درسی» با دنیای نشر و کتاب بسیار تفاوت دارد.

شاید بگویید: خُب باید هم متفاوت باشد! کتابی که قرار است به‌صورت تخصصی به کمکِ آموزشِ کودکان و نوجوانان و جوانان بیاید، با یک کتاب عمومی برایِ مطالعه قطعاً تفاوت دارد، و ناشرش هم با یک ناشر عادی. ولی مگر ناشری که به‌صورت تخصصی برای احیای فرهنگ ایران و ایرانی، به چاپ کتاب‌های نفیس دست می‌زند، یا ناشری که به‌صورت تخصصی کتاب‌های تألیفی یا ترجمه‌ای فلسفه را منتشر می‌کند، یا ناشری که فقط در حوزهٔ کودک کار می‌کند، کار تخصصی نمی‌کنند؟ خب این‌ها هم دارند کار تخصصی می‌کنند و به‌هرحال با ناشران عادی که تخصصی کار نمی‌کنند، تفاوت‌هایی دارند. ولی این همه تفاوت در حوزهٔ کمک‌درسی، چرا؟ آنقدر که حتی واژه‌هایی که برای تبلیغ و معرفی به کار می‌روند، این قدر عجیب و دور از دنیای کتاب باشند؟ و شاید بیشتر نزدیک به دنیای کالاهای مصرفی، مانند روغن، شامپو و برنج؟!

آری! کتاب کمک‌درسی با کتاب معمولی تفاوت دارد و اتفاقاً نوشتن آن خیلی‌خیلی دشوارتر از نوشتن یک کتاب عادی است. به تک‌تک کلمات آن باید فکر کرد، به محتوای آشکار و پنهانی که مطالعهٔ آن به دانش‌آموز می‌دهد، باید توجه داشت، به فرهنگ آموزشی زیرپوستی آن باید حواسمان باشد؛ و خلاصه نوشتن چنین کتابی، از تدریس هم سخت‌تر است. مخاطب تدریس یک معلم، سی چهل نفر هستند؛ اما مخاطب هریک از این کتاب‌های کمک‌درسی، به صدها هزار نفر می‌رسند.

هنوز میان همهمهٔ آدم‌ها در غرفه‌های کمک‌درسی هستم. کتاب‌های مربوط به ریاضی دورهٔ اول متوسطهٔ بعضی از ناشران را برمی‌دارم و فقط روی جلدهایشان را می‌خوانم: «لقمه تیزهوشان ۱۰۰ نکتهٔ ریاضی هشتم هندسه»؛ «پرش معدل ریاضی ۹»؛ «کتاب کار ریاضی پایهٔ ۷ـ اُم یک قدم تا ۲۰»؛ «با استفاده از نرم‌افزار واقعیت افزوده جواب تو مشتته دفتر ریاضی هشتم»؛ «آپ ریاضی ۷»؛ «کتاب‌های روبیک کتاب آموزش و تمرین ریاضی پایهٔ نهم درس‌نامهٔ کامل و جامع نمونهٔ سؤالات بدون پاسخ حل مثال‌های مفهومی»؛ «ریاضی نهم آس»؛ «۴۰قدم همراه با اپلیکیشن رایگان ۱۲۴ درس‌نامهٔ آموزشی ۹۸۸ پرسش چهارگزینه‌ای ۱۲۰۰ دقیقه فیلم آموزشی»؛ «مجموعهٔ کتاب‌های آیکیو ویژهٔ دانش‌آموزان برتر آموزش کامل+ تست‌های مدارس برتر و سری IQ»؛ «تابستانه اولین کتاب با قابلیت دریافت کارنامه ویژه کار در تابستان هفتم به هشتم»؛ «کتاب کار و تمرین ریاضی ۸ درس‌نامه تمرین‌های فراوان و گوناگون پرسش‌های استاندارد چندگزینه‌ای و بیش از این‌ها برای چیرگی بر مفاهیم درسی»؛ «بانک سؤال هوش و استعداد تحلیلی نهم»؛ و ...

بگذارید هیچ‌چیز دربارهٔ محتوای کتاب‌هایی که واژگان روی جلدهای آن‌ها این‌ها هستند، نگویم. حتی دربارهٔ فرهنگ یاددهی‌ـیادگیری و عادت‌هایی که در آموزش این مملکت ایجاد کرده‌اند و می‌کنند نیز هیچ نمی‌گویم. تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

به راستی به کجا داریم می‌رویم؟

بازی یک ضرورت است، نه وسیله‌ای برای اوقات فراغت

به گمان من بازی و سرگرمی برای هر انسانی، از آغاز سن تشخیص تا پایان عمر، یک ضرورت است و نه‌تنها وسیله‌ای برای پر کردن اوقات فراغت. درواقع انسان اوقات فراغت ندارد! و بازی و سرگرمی خود هدف است. از بازی‌های سنتی و معمولاً گروهی دوران کودکی (لی‌لی و گرگم‌به‌هوا و ...) تا بازی‌های رایانه‌ای، همه و همه باید هدفمند و سنجیده انتخاب و اجرا شوند. البته در این میان کتاب‌هایی هم با هدف سرگرم کردن خواننده اغلب کودک و نوجوان تألیف و ترجمه شده‌اند و بسیاری از نشریات و به‌خصوص نشریات ویژهٔ این سنین هم صفحه‌ای ویژه این منظور دارند. به نظر من این قبیل سرگرمی‌ها و بازی‌های مکتوب نخست باید به قدر کافی جذاب باشند تا کودک و نوجوان را جذب و ارضا کنند و دیگر آنکه کودک یا نوجوان و والدین احساس کنند که پس از چالش با این سرگرمی‌ها چیزی آموخته‌اند و یا مهارتی در آن‌ها تقویت شده است. برای رسیدن به این هدف، توصیه‌ام این است که موارد زیر در نگارش یا انتخاب این‌گونه آثار برای ترجمه، مدنظر قرار گیرد:

۱. اگر در کتاب معمایی مطرح می‌کنید یا از خواننده می‌خواهید کاری را انجام بدهد، تصویری رسم کند، مسیری را مشخص کند و ... برای او وضعیت موجود و شرایط حل معما و محدودیت‌ها را بدون کمترین ابهام و به روشنی بیان کنید تا به‌راحتی بتواند مسئله (معما) را حل کند. به بهانه پرهیز از اطناب کلام، هیچ نکته‌ای را ناگفته باقی نگذارید!

۲. تصویرگری کتاب‌های بازی و سرگرمی کاری بس تخصصی و حرفه‌ای است. برای این کار نباید عجله به خرج داد. تصاویر باید جذاب و زیبا باشند. علاوه بر آن نباید بی‌دقت رسم شده و باعث اشتباه مخاطب شوند. لازم است در تصاویر،حتماً اندازه‌ها و فواصل و تقاطع خطوط و نیز فرم اشیا به دقت رسم شوند تا کمترین ابهامی ایجاد نشود. حساسیت این کار به مراتب از حساسیت و دقت لازم در ترسیم اشکال کتاب‌های هندسه بیشتر است!

۳. از ایده‌های تکراری و کهنه شده حتی‌الامکان پرهیز کنید. معماهایی همچون یافتن نقاط اختلاف دو شکل مشابه، خطای دید، رسم یک شکل بدون برداشتن قلم از کاغذ و ... در مجلات دهه سی و چهل شمسی هم دیده می‌شدند!

۴. با طرح معماها و سرگرمی‌های وقت‌گیر و خسته‌کننده، تنها جذابیت کتابتان را کم می‌کنید! شمردن مثلث‌های یک شکل پیچیده و تودرتو احساس خوبی به کودک یا نوجوان نمی‌دهد!

۵. در برگردان لغات و اصطلاحات از زبان‌های بیگانه به فارسی بسیار دقت کنید. گاهی یک لغت در زمینه‌های گوناگون کاربردی خود، معانی مختلفی دارد. باید با اصطلاحات تخصصی این بخش و معادل‌های فارسی آن‌ها به خوبی آشنا بود و بعد دست به ترجمه زد!

سیدمحمد مهاجرانی، عضو گروه داوری قرآن

پنجره‌هایی به گلستان آسمانی

نگاهی به کتاب‌های قرآنی کودکان

کتاب‌هایی که تاکنون برای آشناسازی کودکان با قرآن کریم نوشته شده‌اند، به چند دسته تقسیم می‌شوند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: دانش‌نامه‌ها، داستان‌های قرآن، ضرب‌المثل‌های قرآن و آثاری که به موضوع خاصی از قرآن کریم اشاره دارند؛ مانند گیاهان قرآنی.

شکی نیست که پژوهش‌ها و نگارش‌های قرآنی تعطیل‌بردار نیستند و در هر برهه‌ای، نویسندگانی پیدا خواهند شد که با نگاهی نو، پنجره‌ای نو به سوی این گلستان آسمانی خواهند گشود. قرآن کریم کتابی است ابدی (برای همهٔ نسل‌ها و عصرها) و جامع (دربردارندهٔ همهٔ بنیان‌های اعتقادی و اخلاقی). همین دو رکن مهم، زمینه‌ساز آفرینش آثار متنوع و متعددی شده‌اند و خواهند شد.

بین آثار قرآنی، داستان‌های قرآنی بیشترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. کودکان نیز به این بخش علاقهٔ بیشتری نشان می‌دهند. داستان‌های قرآنی به خاطر داشتن شخصیت‌های متنوع و گاه متضاد (پیامبران و حاکمان ظالم؛ خداپرستان و بت‌پرستان؛ و...) فضاهای متنوع (کوه، دریا، غار، چاه، شکم نهنگ و...) پدیده‌های متنوع (سیل، توفان، زلزله، آتش‌سوزی و...) ماجراهای شگفت‌انگیز و خارق‌العاده (شکافته شدن دریا، نبرد پرندگان و فیل‌ها، تبدیل عصا به مار و ...) حضور اثربخش حیوانات در داستان (هدهد، پرنده‌های کوچک، شتر و ...) همیشه برای کودکان جذاب بوده‌اند. داستان‌های قرآن نقش برجسته‌ای در رشد اعتقادی، اخلاقی، تربیتی و ذهنی کودکان دارند.

این روزها که بحث «فلسفه برای کودکان» مورد اقبال عموم است، داستان‌های قرآن از این نظر نیز جالب‌اند و خیلی خوب می‌توانند به این حوزه کمک کنند. کودکان در این داستان‌ها با شخصیت‌هایی آشنا می‌شوند که با تکیه بر ایمان به خدای مهربان و با تلاش و پشتکار همراه با صبر، بحران‌های متعدد را پشت سر می‌گذارند و به پیروزی می‌رسند.

داستان‌های قرآنی را می‌توان به شکل کامل یا با انتخاب برخی از بخش‌های آن داستان بیان کرد. مثلاً از داستان حضرت ابراهیم(ع)، فقط ماجرای برخورد ایشان با بت‌پرستان و شکستن بت‌ها را بگوییم و به شکل غیرمستقیم به ارزش توحید اشاره کنیم.

در داستان‌های قرآنی لازم است از منابع معتبر بهره بگیریم و از خیال‌پردازی‌های بیش از اندازه که ما را از هدف اصلی داستان دور می‌کند، بپرهیزیم.

اهمیت زبان و ادبیات در جذابیت منابع آموزشی

ادبیات فارسی سند افتخار ملّت بزرگ ما و چکیدهٔ تمام آمال و اندیشه‌های جامعهٔ ایرانی در طول تاریخ پرفراز و فرود خویش است. آثار گران‌سنگ ادبی شاه‌کلید دستیابی به گنجینه‌های ارزشمند هویت ایرانی و اسلامی تلقّی می‌شود و عامل پیوند میان مردم فارسی زبان در همه کشورها به شمار می‌آید.

شعر و نثر فارسی را نباید صرفاً از منظر هنر کلامی و بیانی نگریست، زیرا ادبیات محصول تجربه‌های زیستهٔ بشری در تمام ابعاد زندگی است که رنگ هنری به خویش گرفته است تا پایدار و زیبا بماند. افسانه و تاریخ، علم و دین، سیاست و اجتماع، ناسوت و ملکوت، رویا و واقعیت و به‌طور عام، تمام آموزه‌ها و احساسات آدمی در ادبیات تجلّی آشکاری دارند.

از دیدگاه هرمنوتیک، شاید اساسی‌ترین ویژگی اجتماعی ادبیات، پیام‌رسانی و آموزش جنبه‌های گوناگون زندگی به شیوه‌ای غیرمستقیم باشد. امروزه کارکردهای گوناگون ادبیات را میتوان در پاسخگویی به نیازهای متفاوت جامعه به روشنی دید؛ از جمله در ادبیات کودک، ادبیات نوجوان، ادبیات عامه‌پسند، ادبیات رسانه‌ای و در فرم‌های متفاوتی از قبیل قصّه، داستان، فیلمنامه، وبلاگ و حتی ترانه و سرود؛ با این تفاوت که در دوران جدید مفاهیم و اهداف گوناگون بیشتر به صورت پوشیده و از طریق دلالت ضمنی به مخاطبان القا می‌گردد.

همین ویژگی ادبیات است که اهمیت توجه به آن را در اجتماع امروزی بسیار ضروری ساخته است. هجوم فراگیر افکار و اندیشه‌های متفاوت و متعارض و تأثیر شدید رسانه‌های مختلف، در بسیاری از موارد فرزندان و خانواده‌ها را درگیر بحران‌ها و تنش‌های عمیق و احتمالاً زیان‌بار نموده است. اگر نخواهیم از واژهٔ «استحالهٔ فرهنگی و اجتماعی» استفاده کنیم، لااقل می‌توانیم انواع تعارضات فرهنگی و اجتماعی را به روشنی در سطوح متفاوت اجتماعی و به اشکال مختلف ببینیم.

بی‌تردید اگر بخواهیم عوامل اتّحاد و انسجام فرهنگی و اجتماعی در مباحث آموزشی و تربیتی را ریشه‌یابی کنیم، یکی از مهمترین زمینه‌های آن ادبیات ملّی ماست. ادبیاتی که از لالایی‌های مادرانه شروع می‌شود و با قصّه و داستان و حماسه و افسانه و اسطوره تا نمایش و فیلمنامه ادامه می‌یابد. خلاصه آنکه ادبیات در تمام دوران زندگی و در تمامی اجزای زندگی اجتماعی به نحوی از انحاء حضوری پررنگ دارد.

برآیند مجموع تلاش‌ها و اقدامات وزارت آموزش‌وپرورش و به تبع آن، تمامی واحدهای این نهاد عظیم، برآوردن نیازهای آموزشی و تربیتی فرزندان این مرز و بوم و گسترش سواد اطّلاعاتی و به‌روز در میان آینده‌سازان ایران زمین است. پیچیدگی‌های فناوری‌های نوین و گسترش دسترسی به رسانه‌های دیداری و شنیداری، لزوم اتّخاذ روش‌های تازه‌ای در امر آموزش‌وپرورش را دو چندان کرده است. در سال‌های اخیر شاهد تلاش گستردهٔ دست‌اندرکاران امر آموزش در به‌کارگیری شیوه‌های نوین و ایجاد تحوّل اساسی در روش‌های آموزشی و تربیتی هستیم و گواه این امر تغییرات بنیادینی است که در ساختار مقاطع تحصیلی و تدوین منابع آموزشی و پرورشی پدید آمده است.

ناگفته پیداست که صرف تغییر مقاطع تحصیلی و منابع آموزشی و حرکت نظام آموزشی براساس این تغییرات و سرفصل‌ها نمی‌تواند تمام اهداف و آرمان‌های سیاست‌گذاران آموزشی را برآورده سازد. در کنار آموزش رسمی و کلاسی، منابع دیگری تدوین یا تأیید می‌شوند که برای قشر عظیم دانش‌آموزان و اولیای آن‌ها و تمامی کسانی که به نوعی دست‌اندرکار امر تعلیم و تربیت هستند، آگاهی‌بخش و تأثیرگذار باشند. شاخص‌ترین مصداق این ادّعا برگزاری جشنواره رشد کتاب‌های درسی است که قریب دو دهه سابقه دارد و نشان‌دهنده عزم جدّی مسئولین ذیربط در شناسایی و معرّفی آثار و تولیداتی است که با توجه به نیازهای روز مخاطبان و همسو با اهداف نظام آموزشی پدید می‌آیند.

این تولیدات عموماً به شیوه‌ای ضمنی و غیرمستقیم به عرصهٔ تعلیم‌وتربیت پیوند می‌خورند. بی‌تردید یکی از سنجه‌های تأیید اعتبار این آثار تطابق آن‌ها با ویژگی‌های زبانی، ادبی، نگارشی و ویرایشی زبان فارسی است؛ تا علاوه بر همسویی با جهت‌گیریهای اتّخاذ شده از طرف نظام آموزشی، شیوه بیانی متناسب با شرایط مخاطب خود داشته و هنر و خلاقیت و ابتکار در روش‌های ارائه محتوا را به کار گرفته باشند. طبعاً چنین آثاری جذاب‌تر، سودمندتر و قابل پذیرش‌تر خواهند بود.

نتیجه آنکه در تولید چنین آثاری ضرورتاً ادبیات، زبان و هنر بیان تأثیری غیرقابل انکار در جلب مخاطب و نیل به اهداف والای آموزشی و تربیتی خواهد داشت. بنابراین بایسته است تولیدکنندگان و ناشران محترم، همسو با وزارت آموزش‌وپرورش، این موازین ادبی، هنری و بیانی را در آثار و محصولات فرهنگی خویش به‌کار گیرند.

بازار نشر در سیطره ترجمه‌های ضعیف

داوری کتاب‌های رشد برای هر داور فرصت مناسبی است تا شمایی کلی از کتاب‌هایی که برای کودکان و نوجوانان چاپ می‌شوند، به دست بیاورد.

در داوری امسال آنچه برای من ناراحت‌کننده بود، کمبود کتاب‌های تألیفی در مقابل کتاب‌های ترجمه‌ای بود. من مخالف ترجمه نیستم که حتی آن را برای ادبیات کودک و نوجوان ایران ضروری می‌دانم؛ چرا که کتاب‌های خوب بخشی از میراث فرهنگی تمام ملت‌ها هستند. اما اگر در جامعه‌ای دیدید که تعداد کتاب‌های ترجمه‌ای بر کتاب‌های تألیفی می‌چربد، نشان از این دارد که آن سرزمین قادر به تولید فراورده‌های فرهنگی نیست و این خود ضعف بزرگی است. به اعتقاد من، روح هر سرزمینی با روح سرزمین دیگر فرق دارد و طبعاً هر سرزمینی خوراک فرهنگی خاص خودش را نیاز دارد. وقتی جامعه‌ای نتواند خوراک مناسب روح سرزمین خودش را تأمین کند، نشان از ضعف آن جامعه خصوصاً در بخش فرهنگی دارد.

متأسفانه این روزها بازار نشر پرشده است از کتاب‌های ترجمه‌ای. به‌خصوص آنچه به‌عنوان مجموعه یا سریال وارد بازار نشر می‌شود، گاهی چنان ضعیف است که حتی نمی‌شود نام ادبیات بر آن گذاشت. این‌ها نه‌تنها چیزی به ذهن کودک و نوجوانان ما اضافه نمی‌کنند، بلکه باعث می‌شوند آنچه هم دارند، از آن‌ها گرفته شود. البته نمی‌توان منکر چاپ آثار ترجمه‌ای خوب هم شد، اما به نظرم سیطره در دست آثار بی‌کیفیت و ضعیف است.

مشکل وقتی حادتر می‌شود که می‌بینیم، بعضی از دوستان نویسنده با توجه به پسند ناشر و بازار رو به‌سوی نوشتن چنین آثاری آورده‌اند که گاهی حتی از آثار خارجی هم ضعیف‌ترند. به‌هرحال اگر فکری به حال تألیف شود و بازار از آثار خوب و ماندنی پر بشود، چنین آثار ضعیفی نمی‌توانند این‌گونه ذهن مخاطب و حتی نویسنده را درگیر خودشان کنند. به نظرم باید یک آسیب‌شناسی جدی در این زمینه انجام شود تا ببینیم اشکال کار کجاست.

هرچند هدف اصلی امسال جشنواره رشد حمایت از آثار تألیفی بود، اما این کافی نیست. باید کارهای اساسی‌تری در این زمینه کرد. لازمهٔ این کار هم آن است که با نظرخواهی از مؤلفان، منتقدان و کسانی که متصدی تولید کتاب کودک هستند، چاره‌ای اساسی اندیشید؛ آن‌هم با یک برنامهٔ درست و درازمدت. امید که این اتفاق بیفتد و خوراک روح جامعهٔ ما توسط مؤلفان داخلی تهیه شود.

کتاب‌ها را ساده، کاربردی و کم‌حجم بنویسیم

ضمن تشکر از تمامی اهل قلم، ناشران و کسانی که در حوزهٔ آموزش به کودکان و دانش‌آموزان استثنایی فعالیت دارند مانند متخصصان، معلمان، مربیان، دانشجویان و والدین، از نکات قابل توجه درکتاب‌های معرفی شده از سوی ناشران برای داوری در حوزهٔ استثنایی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بیشترین عنوان‌های کتاب‌ها در خصوص معرفی، روش‌های مداخله‌ای، ارتباط و ... در مورد افراد دارای اختلال طیف اتیسم و مشکلات ویژهٔ یادگیری، و کمترین توجه به کتاب‌ها در حوزهٔ کم‌توان ذهنی و چندمعلولیتی جسمی- حرکتی بود.
- کمترین توجه به دورهٔ نوجوانی و آموزش‌های این دوره برای تمامی گروه‌های کودکان و دانش‌آموزان استثنایی شده بود.
- کتاب‌های کاری که برای دانش‌آموزان استثنایی تألیف شده بودند، متأسفانه از هرگونه نگاه تخصصی و ویژه خالی بودند.

نکاتی که توجه به آن‌ها باعث رشد هرچه بهتر کتاب‌های این حوزه می‌شود، به شرح زیرند:

- از ترجمه و تألیف کتاب‌های تکراری بپرهیزند.
- مباحث کتاب‌ها با نیازهای آموزش‌وپرورش دانش‌آموزان استثنایی هم‌سویی بیشتری داشته باشند.
- کتاب را ساده و روان بنویسند و از ارائهٔ حجم زیاد مطالب خودداری کنند.
- ساختار کتاب‌های تألیفی بر اساس پایه‌های نظری نیست و درواقع برش یا بخشی از موضوع است. بر همین اساس کتاب‌های مزبور برای خواننده مفید نیستند.
- به یکسان‌سازی واژه‌ها در کتاب‌های تألیفی توجه بیشتری شود.
- با توجه به تغییرات گسترده در طبقه‌بندی و نوع ارائهٔ خدمات به دانش‌آموزان استثنایی، کتاب‌های جدیدی ترجمه شوند و از چاپ کتاب‌های ترجمه‌ای قدیمی جلوگیری شود.
- کتاب‌هایی در خصوص آگاهی‌سازی جامعه در مورد شناخت هرچه بیشتر دانش‌آموزان استثنایی به زبان ساده تألیف شوند.
- در کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای، بخش منابع به‌طور کامل مورد توجه قرار گیرد.
- قبل از تألیف و ترجمهٔ کتاب‌ها از دست‌اندرکاران، والدین و جامعهٔ دانشگاهی نیازسنجی به‌عمل آید.
- به کتاب‌های کاربردی توجه بیشتری شود.

ام لیلا صمدی

کودکان بدون مرز، سیّال و آزاد به دنیا می‌آیند

گفت‌وگو با دکتر عبدالعظیم کریمی
نویسنده کتاب «بازی و فراغت به مثابه خلاقیت و معنویت»

دکتر عبدالعظیم کریمی، مدیر مطالعات بین‌المللی تیمز و پرلز در ایران و عضو هیئت علمی پژوهشگاه تعلیم‌وتربیت است. کتاب‌های «در ستایش هیچ‌آموزی»، «تربیت چه چیز نیست»، «تربیت به مثابه بودن»، «آموزه‌های غیرمنطقی»، «مدیریت چه چیز نیست»، «تعلیم‌وتربیت نامرئی»، «کودک و مدرسه»، «فضیلت نایادگیری»، «آسیب‌شناسی آموزش خلاقیت»، «تربیت در آینهٔ تأویل خویش»، «نابـاب و نایاب»، «راهبردها و روش‌های سلبی در آموزش» و «روان درمانی سلبی» از جمله آثار ارزشمند اوست. دل‌مشغولی وی کارهای تربیتی و روان‌شناختی در فضاهای غیررسمی است. وی کتاب «بازی و فراغت به مثابه خلاقیت و معنویت» را بهترین ترجمان افکار خود می‌داند و معتقد است باید در فضایی گشوده و عاری از هرگونه رسمیت و قید و بندهای بازدارنده، به مسئلهٔ تربیت پرداخت که بهترین بستر آن بازی است.

شما برای ما چهره شناخته شده‌ای هستید. اما علاقه‌مندیم معرفی‌تان را از زبان خودتان بشنویم.

«مرد آن است که در سینه بُوَد نه در کیسه بُوَد». من در روستایی به دنیا آمدم که در حد فاصل استان مرکزی و اصفهان و در ناکجاآباد است. در نقشه اسمی از آن نیست و دچار نوعی خودکم‌بینی مکانی هستم. در واقع بچهٔ پشت کوه هستم و از پشت کوه آمده‌ام. از کودکی تا پنجم ابتدایی در روستای خودمان بودم. چون آنجا کلاس ششم نداشت، باید به شهر رفت و آمد می‌کردم. اما چون فقر بر خانوادهٔ ما حاکم بود، این امکان نبود و پدرم مجبورشد مرا به تهران بیاورد تا روزها کار کنم و شب‌ها درس بخوانم. بعد از پایهٔ پنجم، دوره‌های بعدی تحصیلم در مدرسهٔ شبانه گذشت. در دورهٔ فوق‌دیپلم در رشتهٔ «ایمنی صنعتی» در دانشگاه پذیرفته شدم و در ادامه بعد از وقفهٔ چند ساله (دنبال کردن رسالت‌های اجتماعی و انقلابی)، به ادامهٔ تحصیل در رشتهٔ علوم تربیتی (کارشناسی) و روان‌شناسی تربیتی (کارشناسی ارشد و دکترا) پرداختم. روان‌شناسی کمک کرد ذهنم را با صورت‌بندی‌های علمی و قالب‌های دانشگاهی تنظیم کنم، اما دغدغه‌های شخصی‌ام مسائل تربیتی، ادبی و عرفانی بود. در مجموع، این حیطه‌های دانشی و بینشی فضایی ایجاد کردند که به سیاه‌مشق‌های تألیفی که با یک ذوق نااهلی و وحشیانه همراه است، تن دادم.

کتاب «بازی و فراغت» چگونه خلق شد؟

من حقیقتاً از هر کار رسمی و جدی به معنای اینکه انسان را از سیال بودن، خلاق بودن و فضای گشوده باز می‌دارد، بیزارم. هر چه رسمی شود، از ریشه خشک می‌شود. با تجربهٔ زیسته و مطالعات پراکنده به این نتیجه رسیده‌ام که نقطهٔ عطف تحول افراد در کشف و پدیدآیی خلاقانهٔ یک تفکر، در بزنگاه «بازی» بوده است. بازی فعالیتی خودجوش است که هدفی جز آنچه در ذاتش هست، ندارد. اما بزرگسالان به نام تعلیم‌وتربیت، حتی به بازی‌های نونهالی نیز رنگ رسمیت آموزشی داده‌اند. مثلاً می‌گویند: چطور هنگام بازی به کودک جدول ضرب بیاموزیم. کتاب من معکوس این تعلیم‌وتربیت است. بازی به معنی یک فعالیت بی سر و ته، بی‌جهت و آزاد است.

بازی به معنای لحظهٔ رهایی انسان از انجماد و انسداد ذهنی است. به معنای play اســت و game نیست. بازی باعث توسعهٔ ظرفیت ذهنی کودک می‌شــود، اما آموزش موجب مسدود و محدود شدن می‌شود. ابتدا باید ذهن را بسط دهیم و راه بسط ذهنی، بازی است. «الّذی خَلَقَ فَسَــوّی»، ابتدا که خدا خلق می‌کند، توســعه، تعدیل و تنظیــم می‌کند. بعــد از آن فرمود: «الّذی قَــدّرَ فَهَدی». به این معنا که بعد از استعدادگســتری و اســتعدادورزی، استعدادسنجی می‌کنیم و جهت می‌دهیم. بعد از هدایت نیز شکوفایی رخ می‌دهد: «وَ الّــذی أَخْرَجَ الْمَرْعی». ما فارغ از همهٔ تعالیم دینی و آموزه‌های قرآنی، می‌خواهیم زودتر از موعد فطری، در کودکی دســت به کار رسمی برای تربیت جهت‌دار شده بزنیم که خطری بزرگ است. در این شــرایط بود که احساس اضطرار و اضطراب کردم و تصمیم به نوشــتن این کتاب گرفتم. هیچ‌کدام از کتاب‌هایم را از روی تفنن ننوشته‌ام.

بازی به معنای play چه تفاوتی با بازی به معنای game دارد؟

play فعالیتی آزاد، خودانگیخته، خودجوش و لذت‌بخش اســت که هدف آن در خود آن است. هیچ مخترع، نویسنده و عنصر خلاق و کاشفی در لحظهٔ کشــف و اختراع به فکر کشف و اختراع نیست. یعنی در یک عالم خلســه و فراغت ناب به یکباره تجلی و ایده‌ای به ذهنش می‌رســد که ما به آن لحظه، بازی می‌گوییم. این برداشت و خوانش از بازی، به یکباره در ذهنم جرقه‌ای زد که با نگاهی متفاوت بــازی را به‌عنوان جدی‌تریــن فعالیت بازی‌گونه یا پرمشــغله‌ترین فعالیت بی‌مشغله مطرح کنم. در واقع با این انگیزه شروع به تدوین یک مجموعه گفتارهای «پارادوکســیکال»، ناباب، نایاب، نامأنوس و نامألوف با آنچــه که در گفتمان‌های رایج از بازی گفته می‌شــود، پرداختم که نتیجهٔ آن این کتاب بود.

در کتــاب گفته‌اید: «زمانی‌که کــودک را به بازی وادار می‌کنیم، یا از بــازی به نفع آمــوزش و تربیت آن‌ها بهره می‌گیریم، مرگ بازی آغاز می‌شــود»، این به چه معناست و آیا در تناقض با روش‌های تدریس مرسوم نیست؟

کودک‌آزاری فقط به معنای آزار جســمی، سوءاستفادهٔ جنسی و استثمار نیســت. خطرناک‌تر از همهٔ این‌ها، سوءاستفاده از نیازهای روان‌زادی و فطــری کــودک در جهت خواســته‌های خودمدارانه، آرزوهای فروخورده و تجربه‌های نازیستهٔ خود (والدین و بزرگ‌سالان) اســت. زمانی که کودک در بازی و نقاشــی بی‌جهــت و بدون الگو کنش‌ورزی می‌کند، در اینجا فاعلیــت دارد. ولی زمانی که ما به او قالب می‌دهیم و می‌گوییم که از چی نقاشی کند یا چطور بازی کند، کودک منفعل می‌شود. یعنی فاعل، الگوی بیرونی می‌شود و کودک فقط طبق قواعد بیرونی ذهن خود را جهت می‌دهد.

باده از ما مست شد نی ما از او
قالب از ما هست شد نی ما از او

تربیت عمل نیســت، عکس‌العمل است. یعنی بزرگ‌سال باید تابع عمل کودک باشــد. عمل از جانب کودک باشــد و ما عکس‌العمل نشان دهیم و منفعل باشیم. زمانی‌که کودک در حال خود نقاشی و بازی می‌کند، عمل است، اما وقتی ما او را جهت و سامان می‌دهیم، او عکس‌العمل می‌شــود و آنچه ما می‌خواهیم را منعکس می‌کند. زمانی‌که مداخلهٔ ما شروع می‌شود، مداخلهٔ کودک تعطیل می‌شود. این کار بزرگ‌ترین خیانت و انحراف و نوعی فاجعهٔ دلسوزانه و البته مهربانانه، ولی در ذاتش ســنگ‌دلانه است که ما نسبت به فرزند یا کودک انجام می‌دهیم. موقعی که کار ما با کودک آغاز می‌شود، کار کودک با خود تعطیل می‌شــود. موقعی که هدایت، کنترل و نظارت ما شروع می‌شــود، خودکنترلی، خودنظارتی و خودگستری کودک تعطیل می‌شود.

در مدل تربیتی مد نظر شــما، معلم یا مربی چه نقش و جایگاهی دارد؟

معلم کنش‌یار اســت. کــودک را یاری می‌دهد تــا کنش‌گذاری کنــد. امــا در تعلیم‌وتربیــت مــا اتفاقــی وارونــه رخ می‌دهد و معلــم کنش‌گــذار و کــودک کنش‌پذیــر می‌شــود. معلــم باید لحظه به لحظه و هوشــمندانه مراقب باشــد که کاری انجام ندهد. به محــض اینکه کودک به بازی خود هوشــیار می‌شــود، از بازی خارج می‌شــود. لازم است معلم به‌عنوان یک مراقب بازدارنده، مانع مداخله‌هایی باشــد که روند طبیعــی و ارتجالی کار خلاق را به هم می‌زنند. سخت‌ترین کار هم همین است که آب را گل نکنیم.

چــرا در عنوان و همین‌طور درونمایــهٔ کتابتان، بازی و فراغت را به مثابه خلاقیت و عبادت مطرح کرده‌اید؟

پیشــانی این کتاب آیهٔ « فَــإِذا فَرَغْتَ فَانْصَبْ» اســت. یعنی آن موقع که فارغ می‌شوی و از خود منفصل می‌شوی، می‌توانی متصل شــوی. لازمهٔ اتصال، انفصال از رســمیت‌ها، تکلف‌هــا، دغدغه‌ها و دل‌مشغولی‌های فروکاهندهٔ روزمره است. نام کتاب «بازی و فراغت به مثابه خلاقیت و معنویت» اســت. یعنی اگر کسی واقعاً بتواند به مقام بازی برسد، از خود بی‌خود شده است. کودک هنگام بازی، غرق در آن عمل اســت و خود را فرامــوش می‌کند. ما موقعی می‌توانیم عبادت کنیم که از خود رها شــویم. تقوا یعنی پارسایی ذهن و دل و این زمانی حادث می‌شود که از دغدغه‌های شخصی، کار، اجبارها و مادیــات و آنچه که به ما هویت کاذب داده اســت، آزاد شــویم. کتاب یک لایهٔ عرفانی، یک لایهٔ عبادی و یک لایهٔ علمی، به معنای کشــفیات علمی دارد. یک لایه برای بچه‌هــا و یک لایه هم دربارهٔ بچه‌هاســت. هر کسی از منظری می‌تواند برداشــت خود را از این کتاب داشته باشد.

مخاطب بازی و فراغت در کتابتان شامل چه گروه سنی است؟

بــازی به معنایی که در کتابم تعریف شــده، یــک کنش دایمی درون‌زای انســانی است و تقویم ســنی ندارد. مخاطب آن افراد عام اُمی هستند؛ عام‌هایی که هنوز آلوده نشدند.

به نظر می‌رسد کتاب شما هم یک بازی است. درست است؟

درود بر شــما. ایــن کتاب هم نوعی بازی اســت. یک قطره روی

تقوا یعنی پارسایی ذهن و دل و این زمانی حادث می‌شود که از دغدغه‌های شخصی، کار، اجبارها و مادیات و آنچه که به ما هویت کاذب داده است، آزاد شویم

کاغذ پهن می‌شـــود و به مرور تمام کاغذ را فرا می‌گیرد. یک جملهٔ اتم‌واژه را می‌گیرم و آن خود به خود پخش می‌شـــود. جوهر وقتی پخش می‌شود، بی‌مرز و بی‌هدف است. من برای جوهر، قالب تعیین نمی‌کنم. اراده نمی‌کنم و قصد و غرضی ندارم.

چون غرض آمد، هنر پوشیده شد
صد حجاب از دل به سوی دیده شد

بازی یعنی فعالیت بدون غرض و به همین خاطر یک هنر اســـت. تا زمانی‌که آموزش از رســـمی به غیررسمی و برنامه‌ریزی درسی از آشکار به پنهان تبدیل نشود، هیچ‌گاه به هدف‌های تربیتی معنی‌دار فطری به معنای اصیل آن وارد نمی‌شویم و همواره در رسمیت‌های تکلیف‌مدار، ســـرمایه‌گذاری‌ها را به هدر می‌دهیم. کودک بدون مرز به دنیا می‌آید، اما ما او را مرزبندی می‌کنیم. کودک ســـیال به دنیا می‌آید، اما ما او را مســـدود می‌کنیم. کودک آزاد به دنیا می‌آید، اما ما او را اسیر می‌کنیم. به قول مولوی:

خویشتن نشناخت مسکین آدمی
از فزونی آمد و شد در کمی

کودک با فزونی می‌آید و ما او را می‌کاهیم. صداقت کودک، دروغ شـــد. کنجکاوی کودک، نمره و رتبه شد و پرسش‌مداری کودک به پاسخ‌مداری درسی تبدیل شد.

چرا در عنوان بســـیاری از آثار شما عبارت‌های سلبی به‌کار رفته‌اند؟ از جمله: «چگونه جدی نباشـــیم؟»، «تربیت چه چیز نیست»، «در ستایش هیچ‌آموزی».

حقیقتاً مـــن در مورد تربیت، از الهیات ســـلبی کمک گرفتم که چه کار نکنیم. فطرت ما پاک اســـت و بُن ما الهی اســـت. «نَفَخْتُ فِیـــهِ مِن رُّوحِی.» همهٔ پاکی‌هـــا و خلاقیت‌ها در وجود ما به ودیعه نهاده شـــده‌اند. ما با مداخلات محدود و مســـدود خود، این کودک را از راه فطـــرت به در نبریم. هزار تیم مراقبتی می‌خواهد تا مواظب باشـــیم در این جوی آب، کســـی چیزی نریزد و آن را آلوده نکند. شـــما در تربیت می‌توانید بخوابید، امـــا در تربیت نکردن خواب هم ندارید. دائماً باید بیدار باشـــید. لذا تربیت نکردن و مداخله نکردن به معنای بی‌عاری، لاابالیگری و بی‌کاری نیســـت، بلکه صدها برابر مراقبت، انرژی و فعالیت بیشتر می‌خواهد.

آیـــا افرادی بوده‌اند که در نوشـــتن از آنان تأثیر و ایده گرفته باشید؟

قطعاً بوده‌اند، اما ناهشیار است. یعنی ای بسا من مطلبی را خوانده باشـــم و در ذهنم اثر گذاشته باشـــد و بعدها به‌صورت ناخودآگاه از آن اثر به ایده‌ای رســـیده باشـــم، اما ندانم که متأثر از آن اثر است. اگر بخواهم هشـــیارانه نام ببرم، ممکن است در حوزهٔ روان‌شناسی از پیاژه، و در حوزهٔ فلســـفه از گادامر (که بازی را رها شدن از خود می‌دانـــد) و در عرفان از عارفـــان بزرگی چون مولوی و خیام که در کتابم هم از آنان نقل قول داشته‌ام، اثر پذیرفته باشم.

با افرادی که علاقه‌مندنـــد کتابتان را مطالعه کنند، چه صحبتی دارید؟

به هیچ وجه ســـراغ این کتاب نروند و این کتاب را نخوانند؛ زیرا با آنچه که هستند، بیگانه می‌شوند. این بیگانگی به یگانگی‌شان منجر می‌شود و این یگانگی، کار دستشان می‌دهد.

چه اندازه از کتاب بازی و فراغت استقبال شده است؟

من دو نوع کتاب دارم: ابتدا کتاب‌هایی می‌نوشتم که علمی و قابل لمس بودند و اســـتقبال زیادی از آن‌ها می‌شـــد. سپس کتاب‌هایی که در چند ســـال اخیر می‌نویســـم و دلخواه من هســـتند. می‌دانم مخاطبشـــان کم خواهد بود، اما همان مقـــدار نیز کیفی‌اند. اگر این کتابم (بازی و فراغت) به ســـرعت به چاپ دوم برسد، من در کتابم شکســـت خورده‌ام. چون معلوم است که مخاطب، کتاب را نفهمیده اســـت. لذا بعید می‌دانم از این کتابم استقبال شود. به این خاطر که کتاب با زبانی بیگانه با زبان رایج اســـت و آن کسی که با این کتاب اهلیت یافت، یگانه می‌شـــود. و در دوران عادت‌زده و هنجار شدهٔ ما، سخت است که بخواهیم با این زبان ناهنجار انس و الفت بگیریم. لذا باید ببینیم در طی مسیر چه رخ می‌دهد.

با کاربست کتاب شما در عرصهٔ تربیت چه اتفاقی می‌افتد؟

ســـؤال خوب و خطرناکی است. هنگام اجرای آن، ابتدا با مقاومت هنجارهای حاکم، افکار عمومی و نزدیکانتان روبه‌رو می‌شـــوید که چرا این بچه بلد نیست خوب نقاشی بکشد یا شعر آموزنده بخواند. غافل از اینکه این بچه فعلاً در حال توســـعهٔ ظرف اســـت. در این حوض آب نیســـت، اما ما در حال کاویدن حوض هســـتیم تا آن را عمیق‌تر و وسیع‌تر کنیم. تربیت بچه در چنین فضایی، ابتدا پسرفت اســـت، اما پیشرفتی مضاعف را در پی دارد. یک گام پس و دو گام به پیش.

می‌خواهم خودتان کتابتان را نقد کنید.

نقد من بر کتابم، می‌تواند هم حســـن و هم عیب باشد. این کتاب به زبان کاربردی نوشـــته نشده اســـت. منطق ساختاری و ساختار منطقی ندارد. این کتاب به جای مبنای علمی و پژوهشـــی، بیشتر ذوقی، ادبی و عرفانی اســـت و برای مربیـــان و والدین توصیه‌ها و پندهای شـــفاف و مســـتقیم ندارد. اگر این‌طور بود، با ســـبک من هم‌خـــوان نبود. صحبت‌های من فله‌ای، وحشـــی و فارغ از آداب و ترتیب منطق جاری است. حرف‌هایم تدوینی و پایش شده نیست؛ تکوینی و زاینده اســـت. حتی نقدی که بر کارگاه‌هایم می‌شود، این است که قانع کننده نیست. به عمد قانع نمی‌کنم. اگر در کارگاهم همـــه را قانع کنم، یک قتل فکری انجام داده‌ام. چرا که اقناع یعنی ایســـتایی تفکر که مانع پویایی و تحرک فکر است. وظیفهٔ معلم بر هم زدن اقناع شده‌هاست.

و سخن آخر؟

ســـخن آخرم این اســـت که آخری در کار نیست. تازه آغاز است. شـــهامت زیادی می‌خواهد که انسان جدی نباشد و همچون کودک رها باشـــد و این قهرمانانه‌ترین کنش یک انسان است که از جدیت فرو بشکند و از تکلف به در آید.

بازی یعنی فعالیت بدون غرض و به همین خاطر یک هنر است. تا زمانی‌که آموزش از رسمی به غیررسمی و برنامه‌ریزی درسی از آشکار به پنهان تبدیل نشود، هیچ‌گاه به هدف‌های تربیتی معنی‌دار فطری به معنای اصیل آن وارد نمی‌شویم

حمیدرضا داداشی

می‌گویند زیاد سخت می‌گیری!

گفت‌وگو با سوسن طاقدیس، نویسندهٔ قصه‌های «گیلی‌گیلی»

سوسن طاقدیس، نویسندهٔ کتاب‌های کودک و نوجوان، سال ۱۳۳۸ در شیراز به دنیا آمد. فعالیت داستان‌نویسی حرفه‌ای خود را با نوشتن داستان «بابای من دزد بود» در مجلهٔ کیهان بچه‌ها آغاز کرد. او آثار متعددی در حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان نوشته که برای بسیاری از آن‌ها جایزه‌های معتبری هم گرفته است. «قدم یازدهم»، «زرافهٔ من آبی است»، «پشت آن دیوار آبی»، «تو هم آن سرخی را می‌بینی»، «دخترک و فرشته‌اش»، «بزغاله‌های سبز»، «یکی بود»، «دست‌ها از خاک روییدند» و «جوراب سوراخ» تعدادی از آثار او هستند.

خانم طاقدیس از جملهٔ نویسندگانی است که بر کار کودک و نوجوان تمرکز کرده و علاوه بر داستان، شعر هم برای کودکان سروده است. جایزهٔ کتاب جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۸۶ برای کتاب «قدم یازدهم» بر رأس تابلوی افتخارات او نشسته است. علاوه بر آن، جایزه‌هایی چون لوح تقدیر دانشگاه الزهرا(س) برای مجموعه فعالیت هنری، لوح سپاس از «مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری» سال ۱۳۷۹، جایزهٔ پروین اعتصامی برای کتاب «شما یک دماغ زرد ندیدید؟» در سال ۱۳۸۴ دریافت کرده است. به تمام این بهانه‌ها و به بهانهٔ مجموعهٔ کتاب‌های «گیلی‌گیلی» گفت‌وگوی مختصری با این بانوی نویسنده داشته‌ایم که دعوت می‌کنیم حاصل آن را بخوانید.

به نظر می‌رسد داستان‌های مجموعه‌ای که به‌صورت دنباله‌دار و مجموعه‌کتاب منتشر می‌شوند، از جمله همین مجموعهٔ کتاب «گیلی‌گیلی»، تأثیرگذاری بیشتر و بهتری بر مخاطب دارند و پیام‌هایشان ماندگارترند.

بله، کاملاً درست است. کارهای مجموعه‌ای قطعاً موفق‌ترند. به دلیل تکرار، شخصیت در ذهن کودک ماندگارتر است و کودک بیشتر با شخصیت انس می‌گیرد.

بازخوردهایی هم از طرف مخاطب گرفته‌اید؟ اینکه چقدر با این نوع قصه‌ها ارتباط برقرار می‌کنند؟

به نظر من این نوع شخصیت‌ها باید بیشتر در قصه‌ها نمود داشته باشند و آن هم نه در یک کتاب و چند قصه. از این نوع شخصیت‌ها به آسانی می‌توان صدها قصه ساخت و از آن‌ها به‌عنوان یک همراه ماندگار اسم برد. درحالی‌که قصه‌های پراکنده این تأثیر را ندارند.

نکتهٔ دیگری که در قصه‌های گیلی‌گیلی برایم جالب بود، این است که پیام‌های این قصه‌ها بسیار غیرمستقیم و هنرمندانه بیان شده‌اند، تا جایی که نویسنده حداقل ردپایی هم از خود در داستان به‌جا نگذاشته است و در داستان‌ها و القای پیام‌های آن‌ها دخالت ندارد. این موضوع اگرچه بسیار بدیهی است و اصلاً قصه و داستان قرار است پیام غیرمستقیم و هنرمندانه داشته باشند، اما آنچه اهمیت و زیبایی کار شما را مضاعف می‌کند، این است که روش شما بسیار علمی است. از روشی برای بیان پیام داستان‌های این مجموعه استفاده کرده‌اید که روان‌شناسان کودک استفاده می‌کنند. کمی به این موضوع بپردازیم و بفرمایید چگونه به این روش رسیده‌اید.

قصه‌های من از همان اوایل کارم دارای این خصوصیت بودند و بر این روش اصرار داشته‌ام. بدون کارکردهای روان‌شناسی و درک درستی از آن، نمی‌توان قصه‌ای با تأثیرگذاری واقعی و مؤثر نوشت. نوشتن برای کودک تنها با تمرکز بر ادبیات، بدون روان‌شناسی، و روان‌شناسی بدون پیشینهٔ فرهنگی، تاریخی و جامعه‌شناسی نمی‌تواند اثرگذار باشد و من تلاش کرده‌ام، در همهٔ این زمینه‌ها مطالعه داشته باشم. مطالعه در این زمینه‌ها، تطبیق یافته‌ها با زمان حال، و اینکه کودک امروز در چه خانواده‌ای بزرگ می‌شود و مشکلاتش چیست، طالب چیست و در معرض چیست، از روش‌های همیشگی من بوده است. این روش را لازمهٔ کار خود و ماندگاری آن می‌دانم. با این روش کوشیده‌ام، از یک نوشتهٔ بی‌هدف، به قصه‌ای هدفمند و در بهترین شکل آن برسم و آن را با شیرینی‌های خاص نوشتن برای کودک توأم کنم.

نویسندگی، آن هم نویسندگی برای کودکان و خردسالان، کاری علمی است که هم تجربه می‌خواهد و هم دانش و آگاهی. درحالی‌که این روزها می‌بینیم متأسفانه کسانی برای کودکان دست به‌قلم می‌برند که کم‌ترین دانشی در این زمینه ندارند. نویسنده قصه‌اش را تعریف می‌کند و بعد، انگار که به خودش شک داشته باشد که آیا مخاطب پیام داستانش را گرفته یا نه، مستقیم وارد داستان می‌شود و با یک جملهٔ اخلاقی قصه‌اش را می‌بندد که مثلاً این است عاقبت طمع کردن و یا گوش نکردن به حرف بزرگ‌ترها و... جدا از درست یا غلط بودن این روش و عیار پایین این نوع کتاب‌ها، دوست دارم نظرتان را در این باره بدانم و اینکه این نوع آثار را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در اینکه نویسندگان بسیاری در ادبیات امروز ما حضور دارند و حتی خیلی مطرح هم هستند و مورد قبول، شکی نیست و این موضوع به بی‌اطلاعی ناشران، حتی ناشران مطرح و کارشناسان و کل جامعه برمی‌گردد. بی‌اغراق، شما جزو چند نفر کمتر از تعداد انگشتان یک دست هستید که به این موضوع اشاره کرده‌اید. من هم رک و راست می‌گویم که جامعهٔ ادبی ما این موضوع را نمی‌فهمد. وقتی به یک نویسنده می‌گویی باید در زمینه‌های متفاوت، اطلاعات عمیقی داشته باشی، مثلاً روان‌شناسی و یا تاریخ بدانی، ناباورانه به تو نگاه می‌کند و بعضی رک و راست می‌گویند: شما زیادی سخت می‌گیری!

در مورد این‌گونه آثاری هم که اشاره کردید، متأسفانه این آثار به دلیل بی‌اطلاعی جامعه، گاهی حتی بیشتر از قصهٔ غیرمستقیم و چندلایه، با پیام پنهان در متن، مورد توجه قرار می‌گیرند.

کودک که خودش توانایی انتخاب ندارد. از طرف دیگر، بسیاری از پدر و مادرها هم بلد نیستند برای بچه‌ها کتاب انتخاب کنند و به صرف اینکه کتابی از طرف نهادهای مسئول مجوز نشر گرفته و به بازار آمده است، آن را می‌خرند. واقعاً راهکاری برای اصلاح این معضل هست؟

تا وقتی جامعهٔ ما به آن حد و حدودی که لازمهٔ این درک است نرسد، متأسفانه به جای درستی نمی‌رسیم. فقط هم پدر و مادرها نیستند که کتاب را انتخاب می‌کنند. نهادهای مسئول و حتی کسانی که به شکلی اساسی‌تر در این زمینه نقش دارند هم درک درستی از قضیه ندارند.

وقتی به یک نویسنده کودک می‌گویی باید درزمینه‌های متفاوت، اطلاعات عمیقی داشته باشی، مثلاً روان‌شناسی یا تاریخ بدانی، ناباورانه به تو نگاه می‌کند و بعضی رک و راست می‌گویند: شما زیادی سخت می‌گیری!

اکرم کشایی

با بچه‌ها هم‌بازی می‌شوم

پای صحبت مصطفی رحماندوست درباره مجموعهٔ ترانه‌های نیایش

دعا کردن برگرفته از فطرت انسان‌هاست و به دورهٔ سنی یا فرهنگ ویژه‌ای اختصاص ندارد. گفت‌وگو با پروردگار گاهی به شکل بیان یک آرزوست و گاهی جنبهٔ تشکر و شکرگزاری پیدا می‌کند. در این میان، قابلیت تفکر شهودی در کودکان و توجه آن‌ها به خداوند تأمل‌برانگیز است. تاکنون نیز کتاب‌هایی که در برگیرندهٔ نامه‌های بچه‌های کشورهای جهان به خداست، چاپ شده‌اند. بچه‌ها در نامه‌هایی که برای خدا می‌نویسند، دعاها، آرزوها، اندیشه‌ها و پرسش‌هایشان را با او مطرح می‌کنند. مجموعه پنج جلدی ترانه‌های نیایش مصطفی رحماندوست روایتی شاعرانه از این راز و نیازهای کودکانه است. به بهانه حضور این مجموعه در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد پای صحبت او نشسته‌ایم.

شما سال‌ها پیش در مصاحبه‌ای گفته‌اید: «بیش از ۳۰ سال است که می‌دوم تا خودم را به بچه‌ها برسانم و تلاش می‌کنم که کودکی و معصومیتِ ازدست‌رفته‌ام را بازیابم.» برای شاعرانِ کودک هم‌نسل من بگویید که به این منظور چه تلاش‌هایی می‌توان کرد و چطور می‌توانیم افقِ دیدمان را به افقِ دید بچه‌ها نزدیک‌تر کنیم؟

شاید سخت‌ترین کار هنرمند و نویسنده‌ای که برای کودکان می‌نویسد، همین باشد که بتواند افق دید خودش را به افق دید آن‌ها نزدیک‌تر کند. من مطمئن نیستم که توانسته باشم؛ هر چند بعضی وقت‌ها استقبال بچه‌ها از شعرهایم به من می‌گوید تا حدی موفق شده‌ام. امیدوارم همین‌طور باشد. اما در پاسخ به این سؤال و اینکه چه کارهایی به این منظور انجام می‌دهم باید بگویم، من سعی می‌کنم از بچه‌ها زیاد فاصله نگیرم و با آن‌ها مأنوس باشم. مأنوس بودن به این معنا نیست که مثلاً فقط بروم به مدرسه‌ای و برایشان شعر بخوانم. من با بچه‌ها هم‌بازی می‌شوم تا آن‌ها خودشان را بروز بدهند. سعی می‌کنم در بازی‌هایشان شرکت کنم؛ بنشینم با آن‌ها بحث کنم؛ بخندانمشان؛ به شوخی بترسانمشان و خلاصه از هیجاناتشان و از طریق انس گرفتن با آن‌ها، متوجه شوم در درونشان و در فکرشان چه می‌گذرد.

مجموعهٔ حال حاضر شما، نیایش‌هایی برای کودکان سال‌های ابتدای دبستان است. به‌طورکلی مضامین نیایشی برای شعر کودکان را از کجا پیدا می‌کنید؟ آیا برای سرودن این شعرها به کودکی خودتان و تجربه‌هایی از نگرش مذهبی در آن دوران بازمی‌گردید؟ آیا در این خصوص از خودِ مخاطبان هم کمک می‌گیرید؟

من علاوه بر هم‌نشینی با بچه‌ها، برای نوشتن ترانه‌های نیایش به سراغ نیایش‌های موجود خودمان هم رفته‌ام. ریشهٔ نیایش‌های من در آیات قرآن، صحیفهٔ سجادیه، دعای سمات و دعاهای دلنشین دیگر است. البته در هیچ یک از این دعاها صحبت از موش و خرگوش و جوجه و تعطیلات نیست و من در ترجمهٔ مفهوم این دعاها به زبان خردسالان، موش و خرگوش و جوجه... را هم وارد کرده‌ام.

توجه دادن مخاطب کودک به رحمت الهی و صفت

رحمانیت پروردگار چه نقشی در ایجاد حس آرامش درونی و رشد عاطفی او دارد؟

بچه‌های ما به آرامش نیاز دارند؛ آرامشی که حتی گاهی احساس می‌کنم آن را چندان که لازم است، از طرف خانواده هم دریافت نمی‌کنند. بچه‌های ما در عصر جدید به شدت تنها هستند. من اخیراً داستان‌ها و شعرهای زیادی نوشته‌ام و در آن‌ها به تنهایی بچه‌ها اشاره کرده‌ام. این بچه‌های تنها باید در تنهایی خودشان پشتوانهٔ عاطفی داشته باشند. اعتماد به رحمت و مهربانی پروردگار می‌تواند پشتوانهٔ خوبی برای آن‌ها باشد. بچه‌ها می‌توانند با تکیه بر مهربانی خدا، بخشی از تنهایی خودشان را نادیده بگیرند و یا جایی برای لبخند درونی داشته باشند.

در سرودن شعر برای کودکان به‌ویژه شعرهایی با درون‌مایهٔ نیایشی و مذهبی تا چه اندازه به حوزهٔ شناختی کودکان و مسائل روان‌شناسی آن‌ها مراجعه می‌کنید؟ با توجه به اینکه هنوز تفکر انتزاعی در کودکانی که مخاطب این مجموعه هستند، شکل نگرفته و آن‌ها از طریق هوش شهودی‌شان با خدا ارتباط برقرار می‌کنند، شیوهٔ پرداختن شما به موضوع خدا برای این مقطع سنی خاص چگونه است؟

اصلاً نمی‌شود اثری برای بچه‌ها خلق کرد فرقی نمی‌کند مضمونش نیایشی باشد یا غیر از آن و به مسائل حوزهٔ شناختی و روان‌شناسی مخاطب توجه نکرد. اگر چنین توجهی نداشته باشیم، مسلماً بازخورد خوبی از طرف مخاطب دریافت نمی‌کنیم و اثرمان موردتوجه او قرار نمی‌گیرد. اما شکل نگرفتن تفکر انتزاعی در بچه‌ها باعث نمی‌شود، نتوانیم دربارهٔ خدا با آن‌ها حرف بزنیم. خدا برای کودک خدایی انتزاعی و دور از دسترس نیست. اتفاقاً خدا خیلی به او نزدیک است. خدا برای او کسی مثل خودش، مثل مادرش، پدرش، خواهرش و برادرش است. کودکان از خدا درک انتزاعی ندارند، اما به جایش در آن‌ها کشف و شهود بیشتری وجود دارد تا بزرگ‌سالان. برای همین عرفا سعی می‌کنند به دوران کودکی خود برگردند تا به کشف و شهود برسند. از طرف دیگر، ما در شعر نیایشی برای بچه‌ها به دنبال اثبات وجود خدا نیستیم. آن‌ها به صورت فطری خداشناس، خدادوست و خداپرست هستند. ما فقط این حس را تقویت می‌کنیم.

آیا هنگامی که شعر می‌گویید به موضوع ترجمه‌پذیر بودن آن هم فکر می‌کنید؟

زمانی که شعر می‌گویم، به ترجمه‌پذیر بودن آن فکر نمی‌کنم. اما معتقدم هر چه شعر من ترجمه‌پذیرتر باشد، به دنیای عام کودکان در جهان یا همان کودکِ جهانی نزدیک‌تر است. شعرهایی بوده‌اند که در کشورهای دیگر آن‌ها را خوانده‌ام، ترجمه شده‌اند و موردتوجه قرار نگرفته‌اند. در آن زمان متوجه شده‌ام آن شعر ترجمه‌پذیر نبوده است. گاهی هم شعری می‌گویم و می‌بینم عیناً قابل ترجمه است. مثلاً شعر «انار» و شعر «زردآلو» از جمله شعرهایی هستند که هر جا آن‌ها را خوانده‌ام و ترجمه شده‌اند، مورد استقبال قرار گرفته‌اند. بسیاری از شعرهای نیایشی نیز این‌گونه‌اند؛ چون با درون مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. به‌طورکلی معتقدم، ما شاعران کودک و نوجوان بهتر است طوری بنویسیم که بیشتر ترجمه‌پذیر باشد.

آیا به نظر شما شعر کودک و نوجوان ایران شاخصه‌های جهانی شدن را دارد؟

نه تنها شعر، بلکه به‌طورکلی ادبیات کودک و نوجوان ایران، شاخصه‌های جهانی شدن را دارد. البته مثل همهٔ جای دنیا، قصه و داستان بیشتر از شعر از این ویژگی برخوردار است. چون شعر لحظه‌ها و ریزه‌کاری‌هایی دارد که مبتنی بر فرهنگ بومی کشور است و همچنین صنایع ادبی که آن هم تا حدی بومی است، و این کارِ ترجمه را سخت می‌کند. اما به‌طورکلی شعر و داستان کودک ایران شاخصه‌های جهانی شدن را دارد. یکی از دلایل ناشناخته ماندن ادبیات کودک ما در جهان، محدودیت جغرافیایی زبان فارسی است. ما حتماً باید یک زبان واسطه مثل زبان انگلیسی یا عربی پیدا کنیم تا آثارمان را از طریق آن زبان واسط به زبان‌های دیگر ترجمه کنیم.

شما علاوه بر اینکه شاعرِ صاحب نام و موفق کودکان هستید، تجربهٔ مدیریت فرهنگی و سوابق اجرایی زیادی در این زمینه و در حوزهٔ کودکان داشته‌اید. لذا افت‌وخیزهای آن را به خوبی می‌شناسید و در این زمینه صاحب‌نظرید. به‌طورکلی، چه نظر و پیشنهادی در جهت برنامه‌ریزی فرهنگی برای رشد عاطفی، اجتماعی و معنوی کودکان دارید؟

برنامه‌ریزی فرهنگی باید جنبهٔ ملی داشته باشد و تمام دستگاه‌ها موظف به اجرایش باشند. من فکر می‌کنم هنوز هم این شاعران و نویسندگان کودک و نوجوان هستند که دارند ادبیات کودک را پیش می‌برند. هنوز مسئلهٔ کودکان در میان انبوه مسائل مختلف گم است و کودکان هنوز به رسمیت شناخته نشده‌اند. گاهی در این خصوص گفت‌وگوها و نشست‌هایی برپا می‌شوند و کتاب‌هایی در این زمینه نوشته شده‌اند، اما کافی نبوده است. ما برای رشد فرهنگی، عاطفی، اجتماعی و معنوی کودکان به برنامه‌ریزی‌های کلان کوتاه‌مدت و بلندمدت و همه‌جانبه نیاز داریم. برنامه‌هایی که با تعامل سازمان‌های دولتی و بقیهٔ مؤسسه‌هایی پیش برود که در حوزهٔ کودکان فعالیت می‌کنند.

خدا جونم چی می‌شه
شنبه‌ها جمعه باشه
جمعه که تعطیلیه
شنبه روزِ تلاشه

جمعه که رفت تموم شد
جمعه بشه دوباره
دو جمعه توی هفته
وای که چه کیفی داره!

بابا بمونه خونه
منم تو خونه، به‌به
مامان بمونه خونه
خنده، سه‌تایی، به‌به

خدایی که خنده رو
تو قلبمون گذاشتی
کاش سه چهارتا جمعه
تو هفته می‌گذاشتی

مصطفی رحماندوست
قطعه‌ای از ترانه‌های نیایش

بچه‌ها می‌توانند با تکیه بر مهربانی خدا، بخشی از تنهایی خودشان را نادیده بگیرند و یا جایی برای لبخند درونی داشته باشند

بهروز رضایی

کتاب‌های خوب به دست بچه‌ها نمی‌رسند

گپ و گفتی با کلر ژوبرت، نویسنده و تصویرگر مجموعهٔ «یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی»

کلر ژوبرت، نخستین فرزند و البته تنها دختر یک خانوادهٔ شش نفرهٔ فرانسوی، در سال ۱۹۶۱ م. (۱۳۴۰ ش.) در پاریس چشم به جهان گشود. در ۱۹ سالگی پس از جست‌وجو و تحقیق به اسلام رسید و اندکی پس از آن با جوانی ایرانی، پیوند زناشویی بست و از ایران سردرآورد. حالا دیگر ۳۵ سال می‌شود که از هوای تهران تنفس می‌کند. می‌توان گفت نسبتاً دیر به سراغ نوشتن و تصویرگری برای کودکان آمده است، ولی عشق دوران کودکی‌اش به کتاب‌خواندن، همراه با تحصیل در حوزهٔ «علوم تربیتی» و «ادبیات کودک» در دورهٔ کارشناسی و کارشناسی ارشد، به او امکان داده است با سرعتی خوب و به هر دو زبان فارسی و فرانسه بنویسد و پیش برود. او دو پسر دارد که با دو سال تفاوت سنی، در اواخر سومین دههٔ زندگی خود هستند. خانم ژوبرت در یازدهمین جشنوارهٔ رشد، جایزه برگزیدهٔ گروه داستان را برای «خداحافظ راکون پیر» به خود اختصاص داد و در این دوره با مجموعهٔ هشت جلدی «یک داستان تخیلی با مفهوم قرآنی» حضور دارد. مجموعه‌ای که بنا بر اعلام ناشر آن (به‌نشر)، ظرف کمتر از یک سال به چاپ دوم رسیده و به دو زبان ترکی استانبولی و آلمانی ترجمه شده است. حضور این مجموعه در جشنواره، بهانهٔ این گفت‌وگوست.

شما قبلاً هم کتاب‌هایی با موضوعات دینی و قرآنی نوشته بودید؛ این مجموعه هشت جلدی جدید با چه انگیزه یا انگیزه‌هایی شکل‌گرفت؟ گرچه می‌شود گفت تقریباً در تمام آثارتان، بدون انقطاع، تم معنوی و اخلاقی دیده می‌شود.

به نام خدای مهربان و با سلام به شما و خوانندگان عزیز. جرقه‌ای که باعث شد به نوشتن داستان‌هایی با مفهوم قرآنی بپردازم، درخواست آقای سادات، مدیر مسئول نشریه نبات بود. ایشان از من خواستند آیاتی را که از نظر مفهومی، مناسب و قابل درک برای کودکان باشند، انتخاب کنم و بر اساس هر کدام از این مفاهیم، یک داستان کاملاً تخیلی بنویسم تا به صورت ماهانه در نشریه چاپ شود.

راستش در ابتدا با نگرانی و واهمه پذیرفتم. احساس کردم مسئولیت سنگینی است. به خدا توکل کردم و دست به کار شدم. اما پیشنهاد پر برکتی بود و از آن پس، این روند را با تعدادی حدیث هم ادامه دادم و هنوز هم تلاش می‌کنم در این دو زمینه یعنی مفاهیم قرآنی و روایی، داستان بنویسم.

اولین داستانی که سال‌های پیش از من چاپ شد، بر اساس یک حدیث بود؛ اما خود حدیث را در داستان آورده بودم و این نکته باعث شده بود که داستان جلوه شعاری پیدا کند. در این مجموعه هشت جلدی، آیه قرآن بعد از داستان و در انتهای کتاب آورده شده تا این اتفاق نیفتد. تمام تلاشم را کردم که از مستقیم‌گویی در این داستان‌ها پرهیز کنم.

وقتی می‌خواهید یک قصه دینی و قرآنی بنویسید، به عنوان یک نویسنده، چه نکاتی را در نظر می‌گیرید؟ یا اجازه بدهید این‌طور بپرسم که در نوشتن یک اثر دینی مهم‌ترین اولویت‌هایتان چیست؟

در نوشتن داستان با محتوای دینی، به طور کلی، دو اولویت از همان ابتدای شکل‌گیری داستان دارم: یکی انتخاب درست مفهوم و ارائه آن به بهترین وجه و دیگر پرهیز از مستقیم‌گویی و شعارزدگی.

زمانی که تصمیم می‌گیرم بر اساس یک موضوع دینی کار کنم، اول سعی می‌کنم وجوه مختلف موضوع را استخراج و تفکیک کنم تا در یک داستان، تنها به یکی از آن‌ها بپردازم. این نکته کمک می‌کند تا داستان هم عمق بیشتری پیدا کند، هم انسجام بیشتری داشته باشد. البته رعایت این نکته برای موضوعات غیر دینی هم لازم است، اما به نظرم برای نوشتن داستان دینی بسیار ضروری است.

برای بررسی جنبه‌های مختلف یک موضوع و جست‌وجوی نکاتی که در نوشتن داستان می‌تواند راهگشا باشد (مانند سؤالات بچه‌ها و پاسخ‌های

پیشنهادی به آن‌ها)، سعی می‌کنم مطالعات متنوعی داشته باشم و از منابع مختلف استفاده کنم. در خصوص موضوعات اخلاقی، از منابع روان‌شناسی مرتبط برای پیدا کردن گره و گره‌گشایی مناسب کمک می‌گیرم. آن‌وقت تلاش می‌کنم تا با توجه به موضوع، مناسب‌ترین موقعیت داستانی و مناسب‌ترین شخصیت اصلی را انتخاب کنم و...
خیلی دلم می‌خواست مهارتی در طنزنویسی داشتم و می‌توانستم داستان‌های دینی‌ام را با رگه‌هایی از طنز برای بچه‌ها شیرین‌تر و جذاب‌تر کنم. در این زمینه هم دارم تلاش می‌کنم تا شاید روزی به یاری خدا به آن برسم...

با این وصفی که فرمودید، در بین این هشت عنوان، خود شما از کدام عنوان راضی‌تر هستید و فکر می‌کنید از حیث ساختار و محتوا، شمایل خوبی یافته است؟

اول این نکته را بگویم که تعداد داستان‌های نوشته شده، برای ارائه به ناشر بیشتر از هشت تا بود؛ من آن‌هایی را به ناشر دادم که احساس کردم قوی‌ترند. ناشر هم چند داستان را رد کرد تا رسید به هشت تا. اما در میان این هشت تا، **مسابقه کوفته‌پزی** را بیشتر دوست دارم. یکی از دلایلش این است که احساس می‌کنم پایان قوی‌تری نسبت به دیگر داستان‌های مجموعه دارد.
اما از کتاب **راز پاپاپا** بازتاب‌های بیشتری گرفتم. هم پویانمایی کوتاهی از آن ساخته شد، هم در دو کتابخانه توسط بچه‌ها نقد و بررسی شد، هم چند بازتاب از دوستان درباره ارتباط کودکشان با کتاب دریافت کردم. در نتیجه متوجه شدم که تعدادی از بچه‌ها شخصیت پاپاپا را دوست دارند.

چقدر پیش آمده است، داستانی دینی بنویسید و احساس کنید خوب از کار درنیامده است و بهتر است کنارش بگذارید؟

این اتفاق زیاد می‌افتد. چون نوشتن داستان برای کودکان دشواری‌های خاص خودش را دارد و نوشتن داستان دینی دشواری‌های خاص‌تری. حتی پیش آمده که خودم احساس کنم داستان به کیفیتی رسیده که قابل چاپ شده، اما بازتابی خلاف آن را از دوستان نویسنده دریافت کرده‌ام. در چنین مواردی، داستان را لااقل به صورت موقت کنار می‌گذارم، چه برسد به داستانی که خودم رضایت کامل از آن نداشته باشم. اما این اتفاق هم افتاده که برای داستان‌های کنار گذاشته شده، راهکاری یافته‌ام و بعد از مدتی آن‌ها را بهتر و کامل‌تر کرده‌ام.

از دیدگاه شما نویسندگان مذهبی‌نویس ایرانی یا شاید ناشران آثار آن‌ها به کدام اولویت‌ها بهایی کمتر از حد لازم داده‌اند و به طور خیلی خلاصه بیش‌ترین و مهم‌ترین اشکال آثار دینی چیست؟

به گمانم داستان‌های دینی برای کودکان به سه نوع قابل تقسیم‌اند: اول داستان‌های تاریخی و مستند درباره پیامبران و معصومین و بزرگان دین؛ دوم داستان‌های تخیلی بر اساس مفاهیم دینی، اخلاقی و احیاناً عرفانی؛ سوم داستان‌های ترکیبی، یعنی داستان‌های تاریخی در قالب یک روایت خیالی (مثلاً از زبان یا زاویه دید یک شخصیت داستانی و غیر تاریخی).
در ادبیات کودک ایران و تا جایی که می‌دانم خیلی از کشورهای مسلمان و مسیحی، به نوع اول فراوان پرداخته شده است. در میان این کتاب‌ها، آثار خیلی خوبی دیده می‌شوند؛ اما شاید بزرگ‌ترین ایراد اکثرشان کلی‌گویی و پرداختن به برهه زمانی طولانی باشد. در نتیجه، مطالبی کلی و غیر ملموس بیان می‌شوند که با زندگی روزمره کودکان انطباق ندارد. یکی از راه حل‌های این مشکل به نظرم رو آوردن به نوع سوم داستان‌های دینی است. یعنی برهه‌ای کوتاه از زندگی آن پیامبر یا آن معصوم، با توجه به نیازهای کودکان امروز، با دقت انتخاب شود و با روایتی خلاقانه، در عین تکیه به منابع موثق به تصویر کشیده شود.
در مورد داستان‌های نوع دوم و سوم هم به گمانم بزرگ‌ترین اشکال کم بودن تعدادشان است که این کمبود می‌باید به همت نویسندگان و حمایت ناشران جبران شود.

در گفت‌وگو با یک خبرگزاری گفته بودید یکی از دلایل بی‌علاقگی کودکان ایرانی به کتاب‌خوانی، کم بودن کتاب‌های خوب است. از نظر شما یک کتاب خوب، به‌خصوص کتاب‌های دینی خوب چه ویژگی‌هایی دارد؟

به اعتقاد من بی‌علاقگی کودکان به کتاب‌خوانی دو عامل اصلی دارد: اول همراهی نکردن بزرگ‌ترها با بچه‌ها در کتاب خواندن است تا جایی که بچه‌ها به حدی برسند که این کار برایشان لذت‌بخش شود؛ دوم هم دسترسی نداشتن بچه‌ها به کتاب‌های خوب است.
خیلی بعید می‌دانم جایی گفته باشم کتاب‌های خوب کم‌اند، چون اصلاً چنین اعتقادی ندارم. بارها پیش آمده و حرف‌هایی از قول من در مصاحبه‌ها بیان شده که هنگام بازنویسی تغییر کرده و دیگر حرف من نبوده است. اعتقاد من این است که کتاب‌های خوب کم نیستند، اما اصلاً خوب توزیع نمی‌شوند و به دست خیلی از بچه‌ها نمی‌رسند. پخش محدود در کتاب‌فروشی‌ها و گرانی کتاب، عملکرد ضعیف کتابخانه‌ها و رواج نداشتن امانت‌دهی کتاب در میان خانواده و دوستان از جمله علت‌های این معضل است. اما فعالیت‌های ترویج کتاب‌خوانی که در چند سال اخیر از طرف نهادهای مختلف صورت گرفته، بسیار امیدوار کننده است.

خانم ژوبرت شما از هنرمندان دو وجهی هستید. هم می‌نویسید، هم تصویرسازی می‌کنید. در عین حال تجربهٔ نوشتن بدون تصویرگری را هم دارید. فکر کنم جالب باشد که بدانیم خانم ژوبرت در هر یک از دو وضعیت چه حس و حالی دارد و با توجه به اینکه نویسندگی تصویرگری توأم را ادامه داده‌اید، چه مزیت‌هایی در این روش دیده‌اید؟

راستش خودم را تصویرگر حرفه‌ای نمی‌دانم، از جمله به این خاطر که فعالیتم در این زمینه محدود است. حرفه اصلی‌ام داستان‌نویسی است و فقط داستان‌های خودم را تصویرگری می‌کنم. بنابراین تجربه خلق تصویر برای آثار نویسندگان دیگر را ندارم (به استثنای یک مورد که نویسنده دختر بچه‌ای هفت ساله بود). با این حال، وقتی تصویرگر دیگری داستانم را تصویرگری می‌کند، هر قدر هم کیفیت کار عالی باشد، عدم انطباق تصاویرش با تصاویر ذهنی من از داستان باعث می‌شود که با آن کتاب انس کمتری داشته باشم.
بزرگ‌ترین مزیت نویسنده تصویرگر بودن این است که دو نوع ابزار برای روایت داستان در اختیار داریم که مکمل همدیگرند. از طرف دیگر، غافل‌گیری و کشف روایت تصویری داستانم از روزنهٔ چشم یک تصویرگر دیگر می‌تواند تجربهٔ خیلی جالبی باشد.

در نوشتن داستان دینی، دو اولویت از همان ابتدای شکل‌گیری داستان دارم: یکی انتخاب درست مفهوم و ارائه آن به بهترین وجه و دیگر پرهیز از مستقیم‌گویی

اکبر محمدزاده صدیق

غول ترافیک را با دانش‌افزایی مهار کنیم!

گفت‌وگو با محمود برآبادی مؤلف مجموعه‌کتاب‌های مرجع ترافیک

محمود برآبادی در سال ۱۳۳۱ در شهر سبزوار به دنیا آمد. در سال‌های دبیرستان خبرنگاری را در مجله اطلاعات پسران و دختران تجربه کرد. در سال ۱۳۵۰ وارد دانشگاه تربیت‌معلم شد و در رشته جغرافیای انسانی تحصیل کرد. ادامهٔ تحصیل وی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه شهیدبهشتی و در رشته برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای بوده است. او در ادامه در سازمان ترافیک تهران مشغول به کار شد و در این سازمان به کارهای آموزشی پرداخت. اولین کتاب برآبادی به نام «حماسهٔ کوجی» در سال ۱۳۵۴ منتشر شد که مورد استقبال قرار گرفت و او از آن پس نوشتن را ادامه داد. برآبادی تاکنون نزدیک به صد عنوان کتاب برای کودکان و نوجوانان نوشته است که تعدادی از آن‌ها، به دلیل تخصص و تحصیلش در موضوع آموزش مباحث ترافیک و یا مهارت‌های زندگی، در موضوع ترافیک است. آخرین کتاب‌های او در این حوزه مجموعه‌ای است با نام «کتاب مرجع ترافیک» که در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد حضور دارد. او هدف از تألیف این مجموعه کتاب را آشناسازی کودکان با مهارت‌ها و فرهنگ ترافیک عنوان می‌کند. برآبادی معتقد است ما باید بتوانیم غول ترافیک را با دانش افزون‌تر، کسب مهارت بیشتر و استفاده بهتر از وسایل نقلیه مهار کنیم.

■ در تألیف مجموعه کتاب‌های «کتاب مرجع ترافیک» به دنبال چه بودید؟

مجموعه «کتاب مرجع ترافیک» با هدف آشنا کردن نوجوانان با ترافیک، که یکی از مسائل جامعه امروزی است، نوشته شده است. همه ما به نوعی در ترافیک حضور داریم. یا رانندگی می‌کنیم، یا سرنشین وسیله نقلیه هستیم و یا عابر پیاده‌ایم. کودکان و نوجوانان رانندگی نمی‌کنند، اما گاه سرنشین وسایل نقلیه‌اند. گاه عابر پیاده‌اند و گاه از دوچرخه به‌عنوان وسیله نقلیه استفاده می‌کنند. آشنایی با نقش و وظیفه‌ای که در ترافیک داریم باعث می‌شود که کودکان و نوجوانان بهتر بتوانند از وسایل‌نقلیه استفاده کنند و حضور پررنگ‌تری در ترافیک داشته باشند و ایمن‌تر تردد کنند.

ترافیک روزبه‌روز جایگاه مهم‌تری در زندگی ما پیدا می‌کند، پس بهتر است که کودکان و نوجوانان، زندگی سالم‌تر، آرام‌تر و ایمن‌تری در ترافیک داشته باشند و این هدف با آگاهی بیشتر در استفاده بهتر از وسایل‌نقلیه اتفاق می‌افتد.

■ این مجموعه در سه مجلد «فرهنگ مصور حمل‌ونقل»، «راهنمای اتوبوس تندرو» و «راهنمای راه‌آهن شهری» منتشر شده است، لطفاً درباره ویژگی‌های هر مجلد توضیح دهید.

جلد اول این مجموعه «فرهنگ مصور حمل‌ونقل» است. در این کتاب سعی شده واژه‌های حمل‌ونقل با زبانی ساده و قابل فهم توضیح داده شود و برای هر واژه تصویری مناسب انتخاب شود که فهم مطلب را آسان کند. در زیر تعریف برخی واژه‌ها مطالب تکمیلی آمده تا چنانچه خواننده مایل بود، بتواند اطلاعات بیشتری به دست آورد. این جلد در واقع مدخلی برای کتاب‌های بعدی است. جلد دوم راه‌آهن شهری (مترو) است. مترو وسیله‌ای است که در آینده بسیاری از شهرهای بزرگ ما از آن استفاده خواهند کرد. همین حالا هم در کلان‌شهرها مترو در دست ساخت است. اما استفاده از مترو آداب و مقرراتی دارد که همهٔ مسافران- به‌ویژه مسافران کودک و نوجوان- باید برای ایمنی و استفاده

بهتر، با این مقررات آشـــنا باشند. در این کتاب سعی شده، ضمن آشـــنا نمودن خواننده با مترو، ســـابقه، فواید و چگونگی استفاده از آن بـــا تصاویر رنگی توضیح داده شـــود و خطرهایی که ممکن اســـت در مترو پیش بیاید گوشزد شود. جلد سوم درباره اتوبوس تندرو یا همان بی‌آرتی است. به دلیل شلوغی و ترافیک در تهران و شـــهرهای بزرگ، سیســـتم اتوبوس‌های تندرو در این شهرها راه‌اندازی شـــده است. این اتوبوس‌ها چنان‌که از نامشان پیداست در مســـیری ویژه با سرعت، حرکت می‌کنند و مسافران زیادی را جابه‌جا می‌کنند. آشنایی یا چگونگی استفاده از اتوبوس‌های تندرو کمک می‌کند که هم بهتر و هم ایمن‌تر از آن استفاده کنیم. این سیستم در شهرهای دیگر جهان هم راه‌اندازی شده و هدف از آن دادن تقدم به حمل‌ونقل عمومی در برابر وســـایل نقلیه شخصی اســـت که روزبه‌روز بر تعداد آن‌ها افزوده می‌شـــود، به نحوی که هم رفت و آمد را در شـــهر دشوار کرده و هم آلودگی هوا را سبب شده است.

این مجموعه جلد چهارمی هم دارد که زیر چاپ است. «همه چیز دربارهٔ دوچرخه». دوچرخه وسیله نقلیه‌ای غیرموتوری است که تا قبل از زیاد شدن وسایل نقلیه موتوری، خیلی از آن استفاده می‌شد؛ به‌ویژه در شهرهایی که از لحاظ جغرافیایی در مکانی مسطح بودند. دوچرخه‌سواری هم ورزش است، هم تفریح و هم یک وسیلهٔ نقلیه برای جابه‌جایی، مخصوصاً در مسیرهای کوتاه و هموار.

اســـتفاده از دوچرخه در آینده که آلودگی هوای شـــهرها به مرز خطرناکی خواهد رســـید، یقیناً بیشـــتر خواهد شد. در این کتاب ضمن آشنایی خواننده با تاریخچه، مراحل رشد و تکامل و مقررات مسیرهای مخصوص و اطلاعات تکمیلی دیگر و نکات ایمنی همراه با تصاویری گویا درباره دوچرخه‌سواری توضیح داده شده است.

به نظر جنابعالی آشنایی کودکان با مفاهیم و موضوعات حمل‌ونقل و ترافیک چه تأثیری در رفتار اجتماعی آن‌ها خواهد داشت؟

کودکان به‌عنوان شـــهروندانی کـــه در جامعه زندگی می‌کنند، نسبت به بزرگ‌سالان آســـیب‌پذیرترند. آن‌ها به دلیل دانش کم، تجربه اندک، جثه کوچک و بسیاری ویژگی‌های دیگر، نمی‌توانند همانند بزرگ‌ســـالان از خود مراقبت کنند. اما کودکان هم‌چنان که بزرگ می‌شـــوند، حضور بیشتری در شهر پیدا می‌کنند. آن‌ها ناچارند برای برآوردن نیازهای خود در شـــهر رفت‌وآمد کنند. در ابتدا که کوچک هســـتند، همراه والدین خود و بعدها به تنهایی؛ بنابرایـــن ناگزیرند چگونگـــی رفت‌وآمد در شـــهر را بیاموزند. ما به‌عنوان بزرگ‌تر، نمی‌توانیم همیشـــه همراه فرزندان خود باشیم و نمی‌توانیم آن‌ها را به حال خود رها کنیم. پس لازم است، آن‌ها را برای زندگی در شـــهر آماده کنیم و مهارت‌های زندگی در شهر را به آن‌ها آموزش دهیم.

به نظر شـــما آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودک به‌صورت «آموزش مســـتقیم» مؤثرتر است یا «آموزش غیرمستقیم»؟

مســـلم اســـت که آموزش غیرمســـتقیم از آموزش مســـتقیم تأثیرگذارتر اســـت. هنگامی که مفاهیم آموزشـــی و مهارت‌های زندگی در قالب بازی، داستان، نمایش و غیره باشد، کودک بهتر با آن ارتباط برقرار می‌کند. اما در آموزش غیرمستقیم، ما نمی‌توانیم اطلاعـــات زیادی در اختیار خواننده بگذاریـــم. مثلاً اگر قرار بود، نکات آموزشـــی و مهارتی که در همین کتاب مترو آمده در قالب داستان ارائه شـــود، لازم بود، چندین کتاب نوشته می‌شد. چون در داستان نمی‌شود بیش از چند نکته را تأکید کرد. هم آموزش مستقیم لازم اســـت، هم آموزش غیرمستقیم. هر کدام ویژگی و کارکرد خودشـــان را دارند. من البته داستان‌های آموزشی زیادی با همین موضوع ترافیک دارم. اما در این مجموعه به دلیل حجم اطلاعاتی که به خواننده داده می‌شـــود، از روش داستانی استفاده نشده اســـت. البته باید توضیح دهم، هر روشی که برای آموزش استفاده شود، باید درســـت، دقیق و ثمربخش باشد. به نظرم در زمینه آمـــوزش مهارت‌های زندگـــی و در موضوع بحث ترافیک، آنقدر کمبود داریم که از هر روشـــی که خوب استفاده کنیم راه دوری نرفته‌ایم.

آموزش غیرمستقیم از آموزش مستقیم تأثیرگذارتر است. هنگامی که مفاهیم آموزشی و مهارت‌های زندگی در قالب بازی، داستان، نمایش و غیره باشد، کودک بهتر با آن ارتباط برقرار می‌کند

انتخاب مدخل‌ها در کتاب براســـاس چه اصولی بوده است؟ مدخل‌های انتخابی تا چه میزان در ارتباط مستقیم یا غیرمستقیم با فرهنگ ترافیک است. مثلاً واژه‌هایی نظیر اسکوتر، کالا، اسکیت بر چه اساسی انتخاب شده است؟

من در طول ۲۵ ســـالی که در معاونت آموزش سازمان ترافیک کار می‌کردم، برنامه‌های آموزشی زیادی برای کودکان و نوجوانان در پارک‌های آموزش ترافیک، جشنواره‌ها و جنگ‌ها برگزار کردم. این کتاب‌ها با توجه به تجربیات من در کار نوشـــته شده است و امیدواریم برای خوانندگان کودک و نوجوان مفید باشد. در مورد سه واژه‌ای که نام بردید باید بگویم که اسکوتر و اسکیت، وسیله‌ای اســـت که بچه‌ها زیاد استفاده می‌کنند و گاه شما می‌بینید که به سطح سواره‌رو هم با اسکیت و اسکوتر می‌آیند و البته در ترافیکی که ما در شـــهرهایمان شاهدش هســـتیم و با این طرز رانندگی، خطرناک هم هست.

کالا هم واژه‌ای حمل‌ونقلی اســـت. ترافیک به معنی جابه‌جایی انسان و کالا از مبدأ به مقصد است.

با تشکر، اگر مطلبی ناگفته مانده است، بفرمایید

شـــهرها روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شـــوند. نیازهای شـــهروندان هم روزبه‌روز بیشـــتر می‌شـــود. برای برآوردن نیازهایمان ناچاریم در شـــهر تردد کنیم. وسایل نقلیه رفت‌وآمد در شهرها و بین شهرها و به‌طور کلی بین نقاط مختلف را آسان می‌کنند. اما وسایل نقلیه گرچه راحتی و آسایش را در اختیار ما گذاشته‌اند، مشکلاتی را هم برای ما فراهم کرده‌اند. تصادفات و خســـارات جانی و مالی فراوان و همین طور آلودگی هوا که به معضلی غیرقابل حل تبدیل شده است. چاره‌ای نداریم، جز اینکه غول ترافیک را مهار کنیم با دانش افزون‌تر، کسب مهارت بیشتر و استفاده بهتر از آن.

اصغر ندیری

پول بچه‌ها یا پول خدا؟

گپ و گفتی با غلامرضا حیدری ابهری، نویسنده کتاب «پول، خدا، بچه‌ها»

فرصتی دســـت داد تا با یکی از نویسندگان خوش‌فکر کودک و نوجوان گفت‌وگویی انجام دهیم. غلامرضا حیدری ابهری، روحانی‌ای است که با تکیه بر معارف اسلامی و برای آشنا ساختن کودکان و نوجوانان با حوزه‌های گوناگون مذهبی، اجتماعی، اقتصادی و ... دستی در تألیف دارد. کتاب‌های وی به زبان‌های عربی، انگلیســـی، روسی، اردو، فرانسه و حتی مادایی (زبان مردم ماداگاسکار) ترجمه شده اســـت. او در تألیف کتاب‌های درسی مانند هدیه‌های آسمان پایه ششم ابتدایی هم با آموزش‌وپرورش همکاری داشته است. می‌گوید: «بهترین یاران ما در آموزش‌وپرورش هســـتند.» کتاب «پول، خدا، بچه‌ها»ی این نویسنده در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد حضور دارد. از آن روی که این کتاب در حوزه سبک زندگی مطالب قابل توجهی دارد، با ایشان گپ‌وگفتی داشتیم.

■ **مختصری از زندگی، تحصیلات و کار خود بگویید.**

من متولد ســـال ۱۳۴۸ هستم. از ســـال ۱۳۶۶ وارد حوزه علمیه قم شـــده‌ام. بیشـــترین اشـــتغال من نویسندگی برای کودک و نوجوان اســـت. اولین کتابم به نام «بوی بهشـــت» حدود ســـال ۱۳۷۳ منتشر شـــد. پس از آن کار را ادامه دادم و در حوزهٔ کتاب و بیان علوم و معارف اســـلامی برای بچه‌ها مشغولم. از جوانی علاقه به نوشتن داشتم و چون آثارم مورد اســـتقبال بچه‌ها قرار گرفت، تشویق شـــدم تا در این زمینه جدی‌تر باشم.

■ **یکی از کتاب‌های خوب شما «پول، خدا، بچه‌ها» در آموزش سبک زندگی اسلامی و براساس معارف اسلامی به کودک و نوجوان اســـت. دربـــاره کتاب توضیحاتی بفرمایید.**

این کتاب، موضوع مســـائل مالی را در سطوح زندگی بیان کرده اســـت؛ چون دین ما آیینی همه‌جانبه اســـت و در تمام ابعاد زندگی ما را راهنمایی می‌کند.

مسائل مالی بخش مهمی از زندگی ما را تشکیل می‌دهد. بسیاری از مناسبات ما در مسائل مالی شکل می‌گیرد و بی‌برنامگی در امور مالی به جنبه‌های عبادی ما ضربه‌های سهمگینی وارد می‌سازد. به همین دلیل اسلام در این زمینه رهنمودهای جدی دارد. در سخنان امامان (ع) و پیامبر اکرم (ص) احادیث و اشاره‌های بسیاری در زمینه‌های مالی و اقتصادی داریم که حتی برخی خیلی ریز به این مسائل پرداخته و مخاطب را در زندگی مالی راهنمایی می‌کند. به این ترتیب در سایه آن، زندگی عبادی ما سر و سامان می‌گیرد. یکی از موضوعاتی که در احادیث اهل بیت، فراوان بیان شده موضوع مالی است و من تلاش کردم با این کتاب، این بحث را در زندگی نوجوانان وارد و بیان کنم. بنابراین زوایای زندگی نوجوانان را رصد کردم. به هر صورت تلاش کردم نشان دهم بچه‌ها چطور می‌توانند آن‌گونه که خداوند می‌خواهد پولشان را خرج کنند.

در همین کتاب پرسش خوبی طرح شده است: «آیا می‌شود به جای کارکردن فقط دعا کنیم؟» در این زمینه هم توضیح بدهید.

درباره مفاهیم دینی برداشت‌های غلطی وجود دارد که ناخواسته تنبلی و بی‌تحرکی را تبلیغ می‌کند. یکی از این اندیشه‌های باطل که در افراد شکل می‌گیرد این است که آن کس که دعا می‌کند نیازی به تلاش ندارد و می‌نشیند دعا می‌کند تا خدا به او کمک کند. این طرز فکر ویژه زمان ما نیست بلکه در زمان پیامبر (ص) هم وجود داشته است. ائمه معصومینی نیز با این طرز فکر مخالف بودند. امامان ما کار می‌کردند، کشاورزی می‌کردند و با اینکه اهل دعا بودند، اهل فعالیت هم بودند. دعا جای کار را نباید بگیرد، بلکه باید انگیزه کار را در ما بالا ببرد. مادامی که کسی دعا می‌کند از خدا نیرو می‌گیرد و فعالیت بیشتری انجام می‌دهد. بنابراین لازم بود یکی از سؤالات و مباحث کتاب در این زمینه بیاید.

آیا سبک زندگی از نظر شما بیشتر به اقتصاد و معیشت نظر دارد؟

منظور از سبک زندگی، شیوه و چگونگی زندگی در بخش‌های مختلف است. وقتی این واژه را می‌گوییم یعنی مسلمان، زندگی اقتصادی و علمی یا سفر و معاشرت او چگونه باشد. در خانواده با همسر و فرزند و در اجتماع با همسایه چگونه رفتار کند. در این کتاب به بخش اقتصادی سبک زندگی پرداخته‌ام اما این عبارت شامل عرصه‌های دیگر زندگی می‌شود.

شما در چه موضوعات دیگری کتاب نوشته‌اید؟

کتاب‌های من موضوعات گوناگونی دارند. من علاقه‌مندی خاصی به امثال‌وحکم دارم. ۶ جلد کتاب در این زمینه دارم که می‌توانم از «نان‌ونمک» نام ببرم. «شرح ضرب‌المثل»ها کتاب دیگری است که آن هم برای کودکان است. محور دیگر علائق من کار در زمینه خداشناسی برای کودکان است. «خدا و قصه‌هایش» از این دست آثار است. بخش دیگر، آثار قرآنی است مانند «فرهنگنامه سوره‌های قرآن» یا «زمزمه آیه‌ها».

معرفی اهل بیت(ع) هم از محورهای کاری من است. «من اهل‌بیت را دوست دارم» نمونه‌ای از این گروه کتاب‌های من است.

بنابراین شما را می‌توان نویسنده کودک و نوجوان معرفی کرد؟

بله. بیشتر برای مخاطب کودک و نوجوان می‌نویسم و در آن موفق‌تر بودم. برای بزرگسال هم نوشته‌ام اما باید عرض کنم کودک مخاطب ویژه و سخت‌پسندی است و یافتن سوژه مناسب برای آن راحت نیست.

به خاطر کتاب‌هایتان جوایزی هم گرفته‌اید؟

جایزه‌های بسیاری گرفته‌ام. در جشنواره رشد به خاطر کتاب‌های «فرهنگ‌نامه سوره‌ها»، «فرهنگ‌نامه سبک زندگی» و «دایره‌المعارف قرآن» و «پرسش و پاسخ با نسل نو» جوایزی به دست آورده‌ام. در انتخاب کتاب سال ۱۳۹۵ اثر تقدیری داشتم. در برخی جشنواره‌ها مانند انتخاب کتاب سال رضوی و کتاب سال حوزه هم آثار من انتخاب یا تقدیر شده‌اند.

کتاب در سبد خانوار و نگاه خانواده شما چه جایی دارد؟

به نظرم خانواده‌ها به کتاب توجه و اهتمام دارند. کتاب باید در دسترس باشد. استقبال کم از کتاب به دلیل عرضه نامناسب آن است.

من فرزندانم را به مطالعه تشویق می‌کنم اما گاهی تکالیف و برنامه درسی آن‌قدر زیاد است که بچه‌ها مجالی برای مطالعه دلخواه خود ندارند.

بسیاری از مناسبات ما در مسائل مالی شکل می‌گیرد و بی‌برنامگی در امور مالی به جنبه‌های عبادی ما ضربه‌های سهمگینی وارد می‌سازد

صدیقه رضانژاد

اسلام در پرداختن به اقتصاد جلوتر از دیگر ادیان

گفت‌وگو با خانم زهرا سادات حسینی مؤلف کتاب کسب و کار طلایی

زهرا سادات حسینی دارای مدرک کارشناسی ارشد رشته الهیات و معارف اسلامی با گرایش علوم قرآن و حدیث است و در حال حاضر در رشته روان‌شناسی تحصیل می‌کند. وی در این دوره از جشنواره کتاب رشد، با کتاب کسب و کار طلایی از نشر جمال شرکت داشته است. مخاطب کتاب هنرجویان و دانش‌آموزان هستند و موضوع کلی آن موفقیت در کار و به‌دست آوردن روزی حلال با توجه به احکام اسلامی است. شرکت کتاب در شانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد، بهانه گفت‌وگویی کوتاه با مؤلف را رقم زده است.

لطفاً قدری درباره خودتان، تحصیلات، حوزه یا حوزه‌های فعالیت و خصوصاً درباره فعالیت‌ها و سوابق قلمی‌تان بفرمایید.

زهرا سادات حسینی هستم. دارای مدرک کارشناسی ارشد رشتهٔ الهیات و معارف اسلامی، با گرایش علوم قرآن و حدیث، و در حال حاضر در رشتهٔ روان‌شناسی تحصیل می‌کنم. مدتی در امور فرهنگی دانشگاه محل تحصیل خودم فعالیت می‌کردم و مدیر اجرایی و از اعضای هیئت تحریریه گاهنامهٔ دانشجویی آنجا بودم. پس از آن به‌عنوان نویسنده و پژوهشگر در «سایت بانوان پورتال بزرگ اهل بیت» و «ماهنامهٔ گنجینه مجمع» زیر نظر «مجمع جهانی اهل‌بیت» همکاری کردم و مدتی نیز در انجام امور پژوهشی ـ قرآنی در «دارالقرآن کوثر قم» فعالیت داشتم. چند صباحی هم به‌عنوان پژوهشگر در «پژوهشکدهٔ نظریه‌پردازی و مطالعات قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم» و همچنین در «مرکز پژوهش‌های اسلامی معصومیه خواهران» حضور داشتم.

چه چیزی باعث شد به فکر نوشتن کتابی با موضوع کسب و کار از نگاه قرآن و حدیث بیفتید؟

یکی از نیازهای اصلی انسان برای داشتن یک زندگی خوب و ایده‌آل، داشتن درآمد مکفی است. «کار» مهم‌ترین و اصلی‌ترین راه برای برآوردن این نیاز محسوب می‌شود. بسیاری از انسان‌ها علی‌رغم تلاش، در کسب و کارشان موفق نیستند. اسلام از دیرباز به این مسئله توجه داشته است و آموزه‌های آن، موارد متعددی را به‌عنوان عوامل موفقیت در کسب و کار معرفی کرده است. من در کتابم به این موارد پرداخته‌ام.

چه مسیری را طی کردید تا کتاب به این صورتی که هست، درآمد و منتشر شد؟

موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشدم «عوامل موفقیت در کسب و کار از نگاه قرآن و حدیث» بود. برای نوشتن این پایان‌نامه حدود یک سال به جست‌وجو و بررسی آیات قرآن کریم و احادیث معتبر چهارده معصوم که مربوط به این موضوع بود پرداختم.

پس از اتمام تدوین پایان‌نامه و دفاع از آن، با توجه به به‌روز بودن موضوعش، استاد راهنمای من پیشنهاد کرد یک کتاب کاربردی کوچک از آن استخراج کنم تا پایان‌نامه‌ام به سرنوشت پایان‌نامه‌های اغلب دانشجویان مبتلا نشود و گوشهٔ قفسه کتابخانه خاک نخورد.

آیا خودتان هم مشغول کسب و کاری هستید؟

کار اصلی من مطالعه، تحقیق و شرکت در پروژه‌های پژوهشی است. تألیف این کتاب نیز بخشی از کسب‌وکار من محسوب می‌شود.

به نظر خودتان، کتاب چه امتیاز یا چه حرف تازه‌ای نسبت به کتاب‌های موجود در بازار در حوزه کسب و کار دارد؟

شاید تاکنون کتاب‌ها و سمینارهای متعددی درباره کسب و کار دیده باشید. واقعیت این است که برای ثروتمند شدن راه‌های زیادی وجود دارد. اما آیا تمام این راه‌ها صحیح است؟

گاهی دستورالعمل‌های اندیشمندان و نویسندگان غربی، علی‌رغم کارامد بودن با دین و فرهنگ ما همخوانی کامل ندارد. به همین دلیل من به این فکر افتادم از نگاه دین اسلام به این مسئله بپردازم.

از نگاه دین ما «موفقیت واقعی» در شغل، زمانی اتفاق می‌افتد که مخالف احکام خداوند نباشد، با کمال و تعالی روح انسانی‌مان متضاد نبوده و به قیمت زیرپا گذاشتن حقوق دیگران تمام نشود.

در آموزه‌های دینی عوامل مختلفی موجب زیاد شدن روزی و افزایش برکت در دارایی می‌شود، مانند علم، برنامه‌ریزی، مدیریت زمان، مدیریت بازار، مدیریت منابع مالی، مدیریت منابع انسانی، اصلاح اخلاق فردی، تصحیح رفتارهای اجتماعی، باورها و تلاش‌های عبادی. اگر همه این عوامل همچون تکه‌های یک پازل در کنار هم قرار بگیرند شاهد موفقیت در کسب و کارمان خواهیم بود.

مخاطب کتاب شما چه کسی است؟ یعنی انتظار دارید چه کسانی کتاب شما را بخوانند و پس از خواندن کتاب شما چه رفتاری نشان دهند؟

سعی کردم کتاب را به زبان عامیانه و ساده بنویسم تا تمام اقشار جامعه در سنین مختلف و با میزان تحصیلات گوناگون از آن بهره ببرند. برای خواندنی‌تر شدن آن نیز، داستان موفقیت افراد مشهور را به هر بخش اضافه کردم. هدفم این بود که به بضاعت خویش، بخشی از چهره کامل و چند بعدی اسلام را نمایان کنم. دین ما در پرداختن به مسئله اقتصاد از همه مکاتب پیشگام‌تر است. اسلام، ثروتمند بودن جامعه را از نعمت‌های خوب خدا می‌داند و از ما می‌خواهد ثروت را از مسیر درست به‌دست آوریم و در مسیر درست نیز به‌کار گیریم.

پیامبر گرامی ما و جانشینان ایشان، کار را عبادت محسوب می‌کردند و خود نیز پیشگام تلاش‌های تولیدی بودند. ایشان فقر و تن‌پروری را عامل فساد و تهدیدی جدی برای جامعه می‌دانستند.

آیا باید منتظر اثر جدیدی از شما، در آینده‌ای نزدیک باشیم؟

در حال حاضر مشغول مطالعه و بررسی مسائلی از جامعه هستم که دین برای آن‌ها راه‌حلی اندیشیده است. ان‌شاءالله اثر بعدی‌ام در حیطهٔ روان‌شناسی اسلامی و روان‌شناسی اخلاق خواهد بود.

آیا شما در سال‌های گذشته هم در جشنواره کتاب رشد شرکت داشته‌اید؟ و اساساً چه نگاهی نسبت به این جشنواره دارید و برگزاری این جشنواره را چقدر مؤثر می‌دانید؟

من اولین بار است که در این جشنواره شرکت می‌کنم. این جشنواره با توجه به اهدافش، جایگاه ارزشمندی در میان اهل قلم یافته که امیدوارم با حمایت و پشتیبانی سایر مراکز علمی و آموزشی کشور همچنان خدمات خود را تعمیق و تداوم بخشد.

با توجه به اینکه دانشجویان و پژوهشگران، سازندگان جامعه و پدیدآورندگان جریان‌های فکری و فرهنگی هستند و نتایج تحقیقات آن‌هاست که دگرگونی و پیشرفت در عرصه‌های گوناگون علم و فرهنگ را میسر می‌سازد، شناسایی و معرفی این نخبگان می‌تواند کمک زیادی در راه بالندگی کشور باشد. توجه به استعدادهای علمی و باور به توان و خلاقیت دانشجویان در نهادهای علمی کشور به‌ویژه در حوزه کتاب و کتاب‌خوانی موجب توسعه فرهنگ و دانش در مهم‌ترین پایگاه‌های علمی کشور است. جشنواره کتاب رشد نشان داده که این مهم را درک کرده و لذا اقدام به شناسایی فعالان حوزه نشر و مؤلفان و مترجمان خوش‌فکر، طراح و خلاق نموده است.

تداوم و رونق این جشنواره باعث شده است که این فعالیت در سال‌های اخیر در زمره چشمگیرترین فعالیت‌های کشورمان قرار گیرد.

از نگاه دین ما «موفقیت واقعی» در شغل، زمانی اتفاق می‌افتد که مخالف احکام خداوند نباشد، با کمال و تعالی روح انسانی متضاد نبوده و به قیمت زیرپا گذاشتن حقوق دیگران تمام نشود

علی‌رضا باقری جبلی

منعطف چون طناب، بی‌شمار همچو سنگ و بخشنده مانند چوب

گپ و گفتی با معصومه پورطاهریان مؤلف مجموعه بازی با ابزارهای ساده

در گذشته ابزارهای کمی برای بازی وجود داشت؛ اما کودکان با ساده‌ترین مواد و وسایل همچون سنگ، چوب و خاک به خلق بازی‌های جذاب می‌پرداختند؛ بازی‌هایی که هنوز هم اگر به آن‌ها پرداخته شـــود، می‌توانـــد مخاطبان خود را جذب کند. معصومه پورطاهریان کوشـــیده است بخشی از این بازی‌های ساده را مجموعه سه جلدی بازی با ابزارهای ساده که شامل بازی با چوب، بازی با طناب و بازی با سنگ است گرد آورد. به بهانه شرکت این مجموعه در شانزدهمین جشنواره کتاب رشد به گفت‌وگویی صمیمی با مؤلف نشسته‌ایم.

بازی چیست؟

بی تردید بازی انتزاعی از زندگی واقعی اســـت؛ اما واقعاً نمی‌توان تعریف واحدی از بازی ارائه کرد. بازی از یک سو فعالیتی سرگرم‌کننده، لذت بخش، دل‌بخواهی، و آزادانه تعریف می‌شـــود، و از سویی دیگر شکل‌دهنده نگاه هستی‌شناسانه ماست، و آن سوتر منشأ فهم و لذتی که در جایی دیگر به دست نمی‌آید. اما همه این تعاریف نقض کردنی‌اند. گاه بازی مرز میان خیال و واقعیت را در هم می‌شکند، گاه فعالیتی عبث نیست، و گاه الزاماً لذت‌بخش هم نیست. حتی امروز دوگانگی میان «بازی کودکانه» و «کار بزرگسالانه» هم در هم شکسته است.

با اینکه خارج از کشور زندگی می‌کنید، چه چیزی باعث شد به فکر تألیف کتابی درباره بازی‌های ایرانی بیفتید؟

تألیف این اثر را در ایران آغاز کردم و خارج از ایران به پایان رسید.من سال‌ها در گروه هنر، بازی و سرگرمی شورای کتاب کودک به عنوان منتقد کتاب و پژوهشگر فعالیت می‌کردم و در نهایت با تشویق یک دوست وارد حوزه تألیف کتاب شدم.

آیا قبلاً هم در موضوع بازی و سرگرمی تألیفی داشته‌اید؟

مجموعه‌ی بازی با ابزارهای ساده زودتر به چاپ رسید. هم‌زمان با آن کتاب «راهنمای انتخاب اسباب‌بازی» را تألیف کرده بودم که امیدوارم در آینده‌ای نزدیک وارد بازار کتاب شود.

به عنوان یک پژوهشگر جایگاه بازی با وسایل ساده را در ایران چگونه می‌بینید؟

نمـــی توانم اعتراف نکنم که این بازی‌ها رو به خاموشـــی‌اند؛ چون زندگی مدرن از بســـتر چنین بازی‌هایی فاصله گرفته است. تا روزی که رابطه و پیوندمان را با طبیعت جدی نگیریم، چنین بازی‌هایی هم به زندگی ما بازنخواهند گشت. خوش‌بختانه دنیا به سمت دوستی با طبیعت بازمی‌گردد، هر چند غفلت از طبیعت و بی‌مهری به آن گاه مأیوس‌کننده‌است.

بازی یا بازی‌های موردعلاقه خودتان در کودکی چه بود؟

بیش از هر چیزی بازی‌های خیالی را دوســـت داشتم. شاید انباری خانه‌ی پدری بهترین مکان برای بازی‌های من بود؛ چون انباشـــته بود از اشیای «هرچیز که خوار آید» که در عالم بازی‌های من اعتبار می‌یافتند. بعد از آن هیجان هفت‌سنگ و لِی‌لِی را دوست داشتم.

آیا مشکل خاصی در تألیف و انتشار این مجموعه داشتید؟

خوش‌بختانه برای نشـــر هیچ مشکلی نداشتم. بزرگ‌ترین مشکل من برای تألیف کتاب‌ها، پیدا کردن ساختار و فرم مناسب برای ارائه مطالب بود. محتوا به تنهایی کافی نبود و من وقت بسیاری را صرف این کردم که فرم در خدمت محتوا باشد.

تعامل ناشر در چاپ این مجموعه با شما چگونه بود؟

بی‌تردید نشر یکی از پایه‌های اساسی تولید یک اثر است. بدون یک ناشر همسو و حرفه‌ای نمی‌توان اثری شایسته را راهی بازار کتاب کرد. فقط دوست می‌داشتم با تصویرگران باذوق مجموعه حداقلی از تعامل را می‌داشـــتم. جا دارد که در همین جا از ناشر محترم قدردانی کنم.

بی‌تردید بدون دقت و وسواس ناشر در ارائه اثری باکیفیت، من امروز مخاطب شما در این مصاحبه نبودم.

آیا در طی تولید ایـــن مجموعه اتفاق جالب‌توجهی هم افتاد؟

اتفاق‌هایی که افتاد بیشتر به درگیری‌های شخصی من با اثر مربوط می‌شد. هرقدر جلوتر می‌رفتم همه چیز سخت‌تر می‌شد. جلد طناب به ســـرعتی باورنکردنی نوشته شد. جلد سنگ در شش ماه، و جلد چوب زندگی را بر من مختل کرد. بازی‌های طناب را منعطف همچون طناب یافته بودم. بازی‌های سنگ را بی‌شمار مانند سنگ؛ و بازی‌های چوب رازش را به من نشـــان نمی‌داد. تا روزی که بازی‌های چوب را بخشنده و رویان، مانند درخت یافتم و توانستم نوشتن را شروع کنم.

با توجه به پرهزینه و پرزحمت بودن تولید آثار تألیفی، برگزاری جشنواره‌هایی نظیر جشنواره کتاب رشد را در ترغیب مؤلفان و ناشران به تولید این‌گونه آثار چگونه می‌بینید؟

به طور اختصاصی نمی‌توانم درباره جشنواره کتاب رشد نظر بدهم چون متأسفانه تاکنون بخت آن را نداشته‌ام که در این جشنواره شرکت کنم؛ اما بی‌تردید هیچ اثری بدون ترویج مناسب، هوشمندانه و هدفمند جایگاه واقعی خود را در میان مخاطبان نخواهد یافت. متأسفانه گاهی آثاری با ارزش هنری و ادبی و با پشتوانه سال‌ها پژوهش، آن‌طور که باید مورد توجه مخاطبِ آموزش ندیده قرار نمی‌گیرند. برعکس گاهی کتابی بدون داشتن چنین ویژگی‌هایی و حتی بدون تصحیح غلط‌های چاپی، به چاپ‌های متعدد می‌رسد. چنین مقایسه‌هایی نویسنده و ناشـــر را مأیوس می‌کند. اگر پدیدآورندگان بـــازار کتاب موظف‌اند مخاطـــب خود را جدی بگیرند و با صرف وقت و هزینه اثری درخور روانه بازار کتاب کنند، سیاست‌گذاران و مجریان صاحب اختیار نیز موظف‌اند که در ترویج و اعتبار بخشیدن به آثار ارزشمند بکوشند. یک اثر از طریق رسانه‌ها و جشنواره‌ها از خلوت یک نویسنده راه خود را به سمت زندگی اجتماعی خود باز می‌کند. یک جشنواره آگاه می‌تواند در بازبینی و بازتعریف ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر دنیای فرهنگ و هنر، و ارتقای ذائقه مخاطب تعیین‌کننده باشد. کاری که بدون چنین پشتوانه‌ای، خارج از توانایی پدیدآورندگان و ناشران یا حداقل بسیار دشـــوار است. هرقدر یک جشنواره مستقل‌تر از تبعیض و سوگیری باشد، آثار وزین‌تر شانس بیشتری برای دیده شدن خواهند داشت.

آیـــا خاطره‌ای از انجام دادن بازی با ابزارهای ســـاده در کودکی در ذهن دارید؟

یادم می‌آید آینه‌ای که در خانه داشـــتیم برای من یک اسباب بازی ســـاده و در دســـترس بود. یکی از بازی‌هایم با آینه این بود که آن را روی ساعدهایم می‌گذاشتم و به شکم خود می‌چسباندم. به جای زمین زیرپایم، تصویری از آســـمان یا ســـقف خانه را در آینه می‌دیدم و راه می‌رفتم. تجربه هیجان‌انگیزی بود راه رفتن در آسمان یا روی سقف اتاق!

فکر می‌کنید کودکان و نوجوانان امروزی که گزینه‌های فراوان دیگری برای بازی دارند، تا چه حد بتوانند با این بازی‌ها ارتباط برقرار کنند؟

وقتی این بازی‌ها در برابر گذر زمان و تغییرات فرهنگ تاب آورده‌اند و گاه هزاره‌ها را پشت سر گذاشته‌اند، بی‌تردید سرشت اندیشیده‌ای دارند و با طبیعت زندگی ســـازگارند. اما اینکه آیا کودکان در میان گزینه‌های مختلف این بازی‌ها را انتخاب می‌کنند یا خیر، می‌توانم بگویم اصولاً چرا از کودکی که هیچ رابطه‌ای با طبیعت ندارد و رازهای آن را کشـــف نکرده است، انتظار داریم بازی‌های طبیعت انتخاب او باشند؟ اگر انتخاب‌های امروزین کودکان ناامیدکننده است به ساختار بیمار زندگی امروز مربوط است نه انتخاب کودکان.

این یک مسئله جهانی است که بســـیاری از کودکان امروز که در معرض بازی‌های پرشـــتاب الکترونیکی قرار دارنـــد و دنیا را کند و کســـالت‌بار می‌یابند، قادر به لذت بردن از بازی‌های ســـاده طبیعت نیســـتند. بازی با طبیعت وقتی اتفاق می‌افتد که بســـتر زندگی با شـــناخت و ادراک طبیعت و رازهای نهفته در آن همراه باشـــد. اگر کودکان بتوانند هیجان و شتابی را تجربه کنند که به درون خود آن‌ها مربوط می‌شـــود نه هیجان تصنعی و بیرونی بازی‌های الکترونیکی، بی‌تردید شاهد انتخاب‌های متفاوتی خواهیم بود. تأکید می‌کنم که من به هیچ وجه مخالف بازی‌های الکترونیکی نیســـتم. اما به نظرم هیچ‌کدام جایگزین آن دیگری نیستند.

چه توصیه ای برای مربیان و اولیـــای دانش‌آموزان در خصوص بازی و سرگرمی دارید؟

یک بزرگسال آگاه قادر اســـت تجربه‌های متفاوت و ماندگار برای کودکان ایجـــاد کند. گاهی کـــودکان فقط به این دلیـــل به بازی می‌پیوندند که با معلم یا والدین خود هم‌بازی شوند و این بزرگ‌ترین فرصت برای کشـــف لذت‌هایی است که در دنیای امروز مورد غفلت واقع شده‌اند. زندگی مدرن باعث غفلت از طبیعت شده است. در عین حال همین دنیای مدرن به اخلاقیاتی دست یافته است که پیشینه‌ای در تاریخ نداشته‌اند. بی‌تردید ترویج دوستی با طبیعت و حیوانات، به دنیایی صلح‌آمیزتر و مهربان‌تر ختم می‌شود و بازی‌ها هم به سرشت طبیعی و انسانی نزدیک‌تر می‌شوند.

نظر شـــما درباره آینده بازی و اسباب‌بازی چیست؟ آیا کودکان و نوجوانان ایرانی با این بازی‌های ساده آشتی خواهند کرد؟

ما ناگزیر به خوش‌بینی هستیم. انسان اشتباه می‌کند، اما اشتباهات خود را تصحیح می‌کند. شـــتاب و رقابت زندگی امروز، زندگی را از بستر طبیعی خود خارج کرده است. من عمیقاً معتقدم انسان چاره‌ای ندارد جز این که با درخت و آب و زمین و کوه و حیوانات دوســـتی کند. دوستی آغازگر شناخت و ادراک طبیعت است و طبیعت بازی‌گر است. ما رفتار و منش خود را تصحیح خواهیم کرد. ما چاره‌ای نداریم جز آن‌که به رابطه و بازی‌های ناسالم خود با طبیعت پایان بدهیم، مگر آن‌که از این کره خاکی کوچ کنیم.

سخن آخر؟

امیدوارم این مجموعه مـــورد اقبال کودکان و مربیان قرار بگیرد و تلنگری باشد بر داشته‌های از دست رفته‌مان. از مجله رشد جوانه نیز به خاطر فرصت این گفت‌وگو قدردانی می‌کنم.

بازی از یک سو فعالیتی سرگرم‌کننده، لذت بخش، و آزادانه تعریف می‌شود، و از سویی دیگر شکل‌دهنده نگاه هستی‌شناسانه ماست، و آن سوتر منشأ فهم و لذتی که در جایی دیگر به دست نمی‌آید

محمود اردوخانی

مدرسه‌های آینده چند منظوره‌اند

گفت‌وگو با دکتر اسماعیل ضرغامی مؤلف کتاب «معماری مدارس آینده»

"معماری مدارس آینده" یکی از کتاب‌هایی اســـت که به گروه داوری معماری شانزدهمین جشنواره کتاب رشد راه یافته است. به این بهانه، با دکتر اسماعیل ضرغامی دانش‌آموخته دکترای مهندسی معماری و شهرسازی و استاد تمام دانشگاه شهید رجایی به گفت‌وگو نشسته‌ایم تا درباره این کتاب و موضوع آن صحبت کنیم.

■ **جناب دکتر ضرغامی لطفاً با بیان خلاصه‌ای از فعالیت‌های علمی و اجرایی خودتان بفرمایید در حال حاضر بیشتر در کدام عرصه فعال هستید؟**

ابتدا تشکر می‌کنم که برای گفت‌وگو درباره معماری مدارس آینده و کنونی این فرصت را برای من به وجود آوردید. من فعالیت‌های خود را با تدریس در رشته‌های معماری و مکانیک، در هنرستان‌های کشور از سال ۶۰ آغاز کردم و با گذراندن کارشناسی ارشد در دانشگاه شهید بهشتی وارد مرکز آموزش عالی انقلاب اسلامی (دانشگاه شهید رجایی فعلی) شدم و در سمت مربی و هیئت علمی به تدریس پرداختم تا اینکه دکترای رشته مهندسی معماری دانشگاه علم و صنعت را کسب نمودم. اکنون هم به تدریس در مقاطع کارشناسی ارشد و دکترا در دانشگاه شهید رجایی مشـــغول‌ام. من همواره به موازات تدریس در ساخت مراکز آموزشـــی و تحقیقاتی اهتمام داشته‌ام. به‌گونه‌ای که از سال ۶۹ تا ۸۰ مســـئولیت طرح‌های عمرانی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی به عهدهٔ بنده بود. در حال حاضر نیز با سمت استاد تمامی انجام وظیفه می‌کنم.

■ **از چه زمانی انگیـــزهٔ پرداختن به موضوع معماری مدارس آینده در شما شکل گرفت؟**

وقتی انســـان در عرصه‌ای فعالیت‌می‌کند برون‌داد آن رشـــته در فعالیت‌هـــای اجرایـــی خود را نشـــان می‌دهد. در مورد رشـــتهٔ ما، ملموس‌ترین شکل آن می‌تواند کمک به عمران و آبادانی کشور باشد. باید عنایت داشت که با توجه به انفجار اطلاعات و دهکده شدن جهان و... امروزه برنامه‌های آموزشـــی تفاوت اساسی با برنامه‌های گذشته دارند. اگر زمانی علم به‌صورت انتقال مطلب بود، امروز دیگر رویکردها و شیوه‌ها تغییر کرده است.

● **منظورتان فضاسازی‌ها و معماری جدید برای آموزش است؟**

بله، هم در فضاسازی آموزشی و هم در محتوا. اگر معماری را یک کالبد برای محتوایی که می‌خواهد اجرا بشـــود بدانیم، معماری باید بتواند در جهت خدمت‌دهی به برنامه‌هـــا و جریان‌های جاری خود را هماهنـــگ کند. هر محتوایی در هر عرصه‌ای برای اجرا باید بتواند خودش را با معماری سازگار کند. در زمینه آموزش هم اگرچه تحول تاکنون به‌صورت اساسی نبوده، ولی احساس تحول اساسی همه‌گیر شده است.

به موازات تغییرات مدارس و شیوه‌های آموزشی این احساس در ما وجود داشت که دیگر مدرسه نمی‌تواند همان مدرسه پنجاه سال پیش باشد. با توجه به عزم ملی و جهانی در تغییر شیوه‌های آموزشی، حتماً باید معماری مدارس هم تغییر پیدا کند. آموزش جدید کالبد جدید می‌خواهد. نمی‌شـــود آموزش‌های جدید را در کالبد کهنه قرار داد. تغییر حتی در وظایف و جایابی‌ها، تشکیلات و سیستم‌های رسانه‌ای باید به کمک آموزش بیاید. سیســـتم‌های رسانه‌ای باید در دل خود مدارس نهادینه شوند. همهٔ این‌ها ما را به اینجا رساند که باید فکری نو پدید آورد و در این زمینه بیشتر تلاش کرد. ما هم در این راستا که به معماری آینده کمکی بکنیم احساس وظیفه کردیم و گام کوچکی برداشتیم.

■ **با تألیف کتاب «معماری مدارس آینده» قطعاً اهدافی را در سر داشتید؛ آیا با چاپ و نشر کتاب، به آن اهداف رسیدید؟**

هدف- هدف بسیار بزرگی است. در این زمینه واقعاً تحول بزرگی لازم است؛ برای اینکه جامعهٔ ما و نظام نوین ما اگر ادعایی دارد باید در آموزش حرف‌های خودش را بزند و مطمئناً هدف‌های بلندی برای آن وجود دارد. لذا خیلی دور از واقعیت خواهد بود اگر بخواهیم بگوییم با یک کتاب به اهداف رسیده‌ایم. این کتاب بیشتر در حد طرح مسئله و در حد ذکر کردن کار است. لذا گام‌های بلندتر و سریع‌تر و زیادتری باید برداریم تا بتوانیم به اهداف و نیاتی که داریم، دسترسی پیدا کنیم.

■ در کتاب بیشتر از منابع و نمادهایی استفاده کردید که وجود دارند. نسبت این مدارس و نمادهای موجود را به معماری مدارس آینده چگونه تعریف می‌کنید؟

همیشه می‌گویند تحول تدریجی است. اگر بخواهیم به جهش و خلق‌الساعه بودن تحول اعتقاد داشته باشیم، یک مقدار به دور از واقعیت‌ها حرکت کرده‌ایم، به‌خصوص در رشته‌ها و عرصه‌های خدماتی که آموزش هم یک عرصهٔ خدماتی است و در هر حال بخشی از جمعیت هر جامعه‌ای را به خود مشغول می‌کند.

وقتی در جامعه‌ای چهارده میلیون نفر درگیر جریان آموزش هستند، نمی‌توان این جریان را به‌صورت یکباره قطع کرد و منتظر گذاشت تا سیستم جدیدی به جای آن بیاید. باید ضمن شناخت دقیق آن و اولویت‌های آن، در محل‌هایی که می‌شود، به‌صورت تدریجی تحول به وجود آورد.

■ چگونه می‌توانیم از تجربیات گذشته برای آینده استفاده کنیم؟

بسیاری از تجربه‌های گذشته خوب و به‌دردبخور هستند و در طی زمانی طولانی به‌دست آمده‌اند. بنابراین با مطالعه فضا و کیفیت آموزشی مدارسی مانند نظامیه یا مدارس دوران صفویه، می‌توان به نکات با ارزش و کارآیی دست یافت. درست است که آموزش در آن‌ها محدود بود و به گستردگی مدارس و دانشگاه‌های امروز نبود، ولی اسوه‌ها و نخبه‌ها در همین مدارس تربیت می‌شدند. در آن زمان، جریان علمی از شرق و از ایران به غرب می‌رفت. مدرسه‌های زیادی نداشتیم، ولی مدارسی داشتیم که زکریاهای رازی و جابربن حیان‌ها، ابن سیناها و خواجه‌نصیرها در آن‌ها آموزش دیده بودند. همیشه درباره معماری سنتی می‌گوییم که بهترین برداشت از تاریخ، برداشت از محتواهای آن است. برداشت از روش‌ها است تا شکل‌ها. تکنیک‌ها تغییر کرده‌اند، اما اصول می‌تواند امروز هم قابل استفاده باشد. البته معماری باید تابع زمان خود باشد و معماری ایرانی و اسلامی هم می‌تواند حالت مدرن خود را داشته باشد.

شاید بارزترین تمایز معماری سنتی با معماری مدرن و امروزی، تک عملکردی بودن باشد. در معماری سنتی، حالا چه غربی و چه ایرانی آن، معمولاً فضاها چند عملکردی بودند؛ از منزل گرفته تا فضاهای اجتماعی و عمومی. مثلاً در مسجد، ساعتی جلسه موعظه برقرار بود و یک‌ساعت بعد خیرات توزیع می‌شد. روز بعد محل رأی‌گیری بود. چند منظوره بودن بناها با توجه به ازدیاد جمعیت و تنوع نیازهای بشری، می‌تواند یکی از چاره‌های دردهای ما باشد. در خصوص مدارس هم با توجه به تغییر و تحولی که در محتوای آموزش به وجود می‌آید، کلاس درس نباید فقط فضایی باشد که عده‌ای دور هم جمع شوند و معلم مطالبی را بگوید و آن‌ها هم بشنوند. تک عملکردی بودن مدارس در آینده بزرگ‌ترین اشتباه خواهد شد.

■ ایران سرزمینی پهناور با جغرافیای متنوع است. در کتاب معماری مدارس آینده آیا به این واقعیت توجه شده است؟

یکی از محققان بسیار خوب غربی به نام «آموس راپاپورت» عقیده‌ای جالب توجه دارد که مخالف بسیاری از صاحب‌نظران است که می‌گویند معماری تحت‌تأثیر اقلیم و آب و هوا و صنعت است. راپاپورت می‌گوید معماری قبل از هر چیز تحت‌تأثیر فرهنگ است، و این فرهنگ جوامع است که معماری را می‌سازد. در نتیجه اگر یک فرهنگ ستودهٔ جهانی و ایرانی را که عشق به آموزش و انسانیت دارند، کنار هم قرار بدهیم و پایه‌ها و برنامه‌ریزی را درست پیش ببریم، خودش را با هر اقلیمی تطبیق می‌دهد.

■ رابطه معماری با نقش خانواده، گروه‌های سنی، جنسیت، اقوام، فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها را که در اقلیم ایران بسیار متنوع هم هستند چگونه تعریف می‌کنید؟ موضوعی که در کتاب هم به آن نپرداخته‌اید.

البته خارج از کتاب به این موضوع پرداخته‌ایم. در حال حاضر تحقیقاتی در این زمینه درحال انجام است. خروجی‌های مقدماتی هم دارد که یکی از آن‌ها بحث مدارس اجتماعی است که در آن می‌توانیم برای مدارس تنوع عملکرد پیش‌بینی کنیم. مدارس باید از صورت فعلی در آیند. در برنامه‌ریزی مدارس آینده باید از صرف مدرسه طراحی کردن و ساختن بیرون بیاییم. این هدر دادن سرمایه عمومی کشور است که دقیقاً به مدارس آینده مربوط می‌شود.

این همه تکیه و تأکید بر مدارس یک نوبته، هدر دادن سرمایه عمومی کشور است. سرمایه زیادی از بودجه عمومی و بیت‌المال یا جیب خیرین مدرسه‌ساز صرف می‌کنیم که مدارس را یک نوبته کنیم تا یک ساختمان فقط از ساعت ۸ تا ۱۳ فعال باشد. و این‌همه تجهیزات و امکانات و فضا را ۱۷، ۱۸ ساعت تعطیل و معطل نگه‌داریم تا خاک بخورد. مثلاً آیا این مدرسه و محل نمی‌تواند بعد از ظهرها در اختیار والدین و محله باشد؟

در هر حال تحقیقاتی صورت گرفته است و پژوهش‌هایی در حال اجراست که مطمئناً نتایج آن به سازمان‌های مسئول و به دانشجویانی که مدرسه طراحی می‌کنند، ارائه خواهد شد تا بتوانند معماری‌ها را متحول کنند. به صورت خلاصه عرض کنم که مدرسه می‌تواند نقشی بیش از نقش کنونی خود بازی کند. ما نمونه‌های زیادی از مدارس اجتماعی در فرهنگ خودمان داریم؛ مثل مدرسه و مسجد معیرالممالک که بهترین نمونه در تهران است.

■ می‌دانید که سبک زندگی و تجهیزات خیلی باشتاب در حال رشد و تغییر هستند. یاددهی و یادگیری را، با این تغییرات پرشتاب، در نسبت با معماری مدارس آینده چگونه تعریف می‌کنید؟

اگر بخواهیم مدارس را به‌گونه‌ای کنیم که بتوانند هم در خدمت آموزش و هم در خدمت فرهنگ باشند، اول باید دیوارهای مدارس و قفل‌های مدارس را برداریم. واقعیت است که حتی در حال حاضر هم، در خیلی از کشورها دانشگاه‌ها دیوار ندارند. حصارکشی دور دانشگاه‌ها و مدارس بزرگ‌ترین اشتباه است. باید قفل و دیوار مدارس را برداشت و مدارس را در اختیار جامعه گذاشت. باید فاصله را با شکستن قفل و برداشتن دیوارها کم کنیم. ما حاضریم در چند مدرسه این کار را به‌صورت آزمایشی انجام دهیم تا بدانیم می‌توان از سرمایه‌های عمومی بهره‌گیری بیشتری داشت. چرا مدارس ما از ۲۴ ساعت، ۵ تا ۶ ساعت فعال هستند؟ در حالی که می‌توان با فضاهای مکمل در مدارس یا کنار آن‌ها، مجموعه را فعال‌تر کرد. معماری مدارس آینده باید به نیازهای جامعه آینده جواب بدهد و بهره‌وری مدارس را به‌صورت کمی و کیفی بالا ببرد. هدف مدرسه آینده نباید تنها جامعه دانش‌آموزی باشد. باید اجتماع محور، محله‌محور، دانش‌محور و اقتصادمحور باشد.

اگر بخواهیم مدارس را به‌گونه‌ای کنیم که بتوانند هم در خدمت آموزش و هم در خدمت فرهنگ باشند، اول باید دیوارهای مدارس و قفل‌های مدارس را برداریم

زهرا سلیمی‌زاده

کتابی با زبان برنامه‌نویسی تصویری برای کودکان

نقدی بر کتاب طراحی بازی‌های دیجیتال

- **نام کتاب: طراحی بازی‌های دیجیتال**
- **مؤلف: درک برین**
- **مترجم: نیلوفر رحیم‌زاده**
- **ناشر: آوند دانش**
- **چاپ اول سال: ۱۳۹۶**

در دنیای امروز کمتر کودکی است که علاقه‌ای به انجام بازی‌های رایانه‌ای نداشته و یا حتی انجام آن‌ها را تجربه نکرده باشد. از آنجا که یکی از راه‌های رشد زمینهٔ سازندگی، پرورش خلاقیت، ابتکار و نوآوری این است که کودکان خودشان ابزارهای بازی را بسازند، در زمینهٔ بازی‌های دیجیتال ابزار لازم توسط نرم‌افزارهای بازی‌سازی انجام می‌شود. در این‌گونه برنامه‌ها، کودکان می‌توانند بر پایهٔ یک داستان واقعی و یا حتی تخیلی به طراحی بازی بپردازند.

کتاب «طراحی بازی‌های دیجیتال» از مجموعه کتاب‌های دامیز است که توسط درک برین تألیف و به قلم نیلوفر رحیم‌زاده به فارسی برگردانده شده است.

کتاب‌های دامیز از حدود سه دههٔ پیش با هدف آشنا کردن عامهٔ مردم با مباحث متفاوت و مخصوصاً علوم رایانه‌ای منتشر می‌شود. تقاضای بسیار بالای این کتاب‌ها در کشورهای مختلف و ترجمه به بیش از ۳۰ زبان زندهٔ دنیا، نشان از اقبال مخاطبان به این کتاب‌ها دارد. بیان مطالب به‌صورت مختصر و مفید از ویژگی‌های بارز کتاب‌های دامیز است.

توسط وب‌سایت‌ها، شرکت‌ها و مؤسسات مختلف، ابزارهای متعددی برای ساخت بازی ارائه شده‌اند؛ اما این کتاب بر روی اسکرچ، که یک زبان برنامه‌نویسی تصویری برای کودکان است، تمرکز می‌کند و یقیناً می‌تواند همراه خوبی برای افراد علاقه‌مند به طراحی بازی باشد. بنابر ادعای مطرح شده توسط نویسنده، برای شروع استفاده از اسکرچ فقط یک راه درست وجود ندارد و با هر پروژه‌ای می‌توان شروع کرد. کاربر مبتدی، بهتر است ابتدا سری به انجمنی که توسط شرکت سازنده اسکرچ، یعنی MIT طراحی شده است بزند تا پروژه‌های متنوع طراحی شده در محیط اسکرچ را ببیند. آدرس این انجمن scratch.mit.edu است.

از آنجا که وب‌سایت شرکت MIT و انجمن اسکرچ به زبان انگلیسی هستند، کودکان انگیسی‌زبانی که سواد خواندن دارند بدون محدودیت سنی می‌توانند به راحتی و حتی بدون آموزش معنی‌دار و مستقل، به چرخهٔ بازی‌سازی وارد شوند و از معلومات و تجربیات سایر افرادی که بازی‌هایشان را به اشتراک گذاشته‌اند استفاده نمایند؛ اما برای سایر کودکان دنیا با زبان‌های مادری غیرانگلیسی، از جمله کودکان فارسی‌زبان، نیاز به آموزشی حتی مختصر، ضروری به نظر می‌رسد. با توجه به اینکه انتشارات آوند دانش نماینده انحصاری نشر وایلی در ایران است، می‌تواند به سازوکار طراحی انجمنی مشابه اسکرچ در سایت MIT بیندیشد تا کودکان فارسی‌زبان نیز بتوانند تجربیات خود را به زبان مادریشان در یک وب‌سایت کاملاً فارسی به اشتراک بگذارند.

نکتهٔ دیگری که بیان آن خالی از لطف نیست این است که انگلیسی‌زبان بودن نسخهٔ اصلی کتاب باعث شده نویسنده، در برخی آموزش‌ها به تیتر و عنوان منوها و یا دستورات برنامه اشاره کند بدون اینکه نیاز به درج تصویر باشد؛ بنابراین ممکن است کاربر فارسی‌زبان ناآشنا به زبان انگلیسی دچار دردسر شود و نتواند به‌راحتی دستورات را اجرا نماید؛ پس ترجمهٔ بدون تغییر این دست کتب، می‌تواند نارضایتی مخاطبان را در پی داشته باشد. مترجم می‌تواند بخش‌هایی را با ظاهر متمایز به کتاب اضافه کند تا کاربران مبتدی با خرسندی بیشتری بتوانند آموزش‌ها را دنبال نمایند.

سهیم‌شدن مخاطب در کشف پیام پنهان

نقدی بر سه نمایش‌نامه

نگاهی به متن نمایش

متن نمایش، «داستان» نیست؛ البته داستان، قصه، حکایت، متل و ضرب‌المثل به شکل گرفتن متن نمایش (نمایش‌نامه) کمک بسیاری می‌نمایند؛ اما هیچ کدام ویژگی‌های«متن نمایش» را ندارند. نمایش‌نامه در زمان حرکت و داستان خود را روایت می‌کند. شاید به این دلیل باشد که یک نمایش‌نامه می‌تواند اجراهای متفاوتی داشته باشد که هر یک بیننده را به تجربه‌ای متفاوت مهمان نماید.

«هدف» و «پیام»ی که در یک نمایش‌نامه وجود دارد، نویسنده را وا می‌دارد تا برای «بیان» آن، بهترین «شیوه» و «شکل» را انتخاب نماید. گاه ممکن است مخاطبان یک نمایش‌نامه، کودک، نوجوان یا جوان باشند؛ در چنین زمانی شیوه‌ای که نویسنده برای متن خود انتخاب می‌کند؛ ویژگی‌های سنی و روحی مخاطب، زمان و مکان، شرایط فرهنگی و باورهای مذهبی، قومی و ملی و بومی او را نیز در بر می‌گیرند.

نمایش‌نامه از سویی با نمایش و نمایش‌گری و اجرا مواجه است- آن‌گونه که خصلت نمایش است و از سوی دیگر با انتقال دانش و آگاهی، معرفت و شور و تجربه‌های زیبایی‌شناختی و هنری که ادبیات داعیهٔ آن دارد نمایش و نمایش‌گری که در نهاد هر انسانی وجود دارد، را، چه تقلیدگری و گرایش انسان به تقلید بدانیم آن‌گونه که افلاطون و ارسطو می‌گویند یا رفع کاستی‌ها و تقویت خصایص روحی آن‌گونه که روان‌شناسان و روان‌کاوان می‌گویند درکنار آموزش دانش و فرهنگ، آداب و رسوم و داستان‌سرایی، خاستگاه‌های هنر نمایش را تشکیل می‌دهند. بنابراین با چنین تعریفی- که همه چیز در آن کنش‌مند است و از توصیف و تشبیه صرف فراتر می‌رود- متن نمایش داستان نیست و انتظارات ما از آن، چیزی به مراتب بیشتر است. همهٔ عناصر ساختاری نمایش‌نامه نظیر: روی‌داد و شخصیت، گفت‌وگو و شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی و سرانجام موضوع و سخن نهایی، همه و همه در خدمت تفکر و هدفی قرار می‌گیرند که نویسنده می‌کوشد تا آن را با زبان نمایش باز گوید. چنین رویکردی در همهٔ گونه‌های ادبیات وجود دارد، اما متن نمایشی- یا همان نمایش‌نامه- به دلایلی که برشمردیم، مؤثرتر است.

متون نمایشی با توجه به سخنی که نویسنده برای روایت آن انتخاب می‌نماید، می‌تواند به شکل‌ها و بیان‌های متفاوتی عرضه گردد. در تحلیل مختصری که بر سه متن نمایشی سه نقالی، بهشت فروشی و نمایندهٔ مرموز صورت گرفته است، می‌بینیم که نویسنده در کنار به‌کارگیری عناصر ساختاری متنی، در نمایش‌نامه سه نقالی از شیوهٔ نمایشی نقالی و پرده‌خوانی، درنمایش‌نامهٔ بهشت فروشی از شیوهٔ نمایش‌های آموزشی و در نمایش‌نامهٔ نمایندهٔ مرموز از به‌کارگیری طنز نمایشی در صحنه و لباس و کلام و رفتار شخصیت‌ها بهره برده است. بدیهی است که مراد از این گفته، استفاده از قواعد و ضروریات هر کدام از این شیوه‌ها و عناصر نمایشی است.

آنچه مهم است این است که بدانیم محروم کردن مخاطب از لذت درگیر شدن در رویدادهای داستان، هم‌ذات‌پنداری با شخصیت‌ها، خیال‌پردازی مکان‌ها و صحنه‌ها، درک و حس تجربه‌ای نمایشی و ناب در کنار معرفت‌بخشی و کسب دانش و آگاهی به‌گونه‌ای غیر مستقیم، عناصر جدا نشدنی از نمایش و به‌گونه‌ای کلی، هنرهای نمایشی است. آن‌گاه که مخاطبان متن و اجرا، گروه‌های سنی کودک و نوجوان است، این مهم به یک‌باره، چندین برابر اهمیت می‌یابد.

سه نقالی

- **نام کتاب: سه نقالی (ویژه دانش‌آموزان متوسطهٔ دوره اول و دوم)**
- **مؤلف: محسن رحمانی**
- **تصویرگر: فرزاد جلیلیان**
- **ناشر: طلایی**
- **چاپ اول سال: ۱۳۹۶**

نویسنده سه داستان اساطیری آرش کمان‌گیر، زال و سیمرغ و هفت‌خوان رستم را با استفاده از شکل نمایشی نقالی برای دانش‌آموزان سال‌های چهارم و پنجم و ششم دبستان باز می‌گوید. نقالی، نوعی از نمایش است که در آن روایت‌گری داستان‌های حماسی، پهلوانی و اساطیری صورت می‌پذیرد که علاوه بر بازخوانش داستان‌های کهن، امید، شجاعت و هویت را به مخاطبان خود ارزانی می‌دارد. کتاب سه نقالی می‌کوشد تا این آیین کهن نمایشی را با نگاهی نو درآمیزد و تجربهٔ نمایشی بدیعی را برای مخاطبان کودک خود فراهم سازد.

تک‌گویی‌های نقال، که گاه طولانی هستند و گاه بیش از حد به زبان محاوره نزدیک می‌شوند و با مخاطب کنشی ارتباطی برقرار می‌نمایند،ـ بازآفرینی نقش شخصیت‌های داستان توسط نقال‌ـ که می‌تواند نگاه تازه‌تری به بازیگری نقال باشد‌ـ تصویرسازی ساده و زیبا برای پس‌زمینه‌های صحنه و استفاده از اشعار اصلی شاهنامهٔ فردوسی و منظومهٔ آرش کمانگیر سیاوش کسرایی از نکات قابل توجه این کتاب است. درمقابل، تلاش بیش از اندازهٔ نویسنده برای بیان مستقیم و گاه ملال‌آور نصایح و پندهای اخلاقی، از نکاتی است که ارزشمندی کتاب را هدف قرار داده است. به نظر می‌رسد تلاش نویسنده برای آموزش مستقیم مخاطب معضلی است که بسیاری از کتاب‌های‌ـ حداقل نمایشی‌ـ این سنین را گرفتار کرده است.

بهشت فروشی

- **نام کتاب: بهشت فروشی (از مجموعه نمایش‌نامه‌های مدرسه، ویژه نوجوانان)**
- **نویسنده: مسلم قاسمی**
- **ناشر: مؤسسه فرهنگی برهان**
- **چاپ اول، سال: ۱۳۹۶**

کتاب پانزده متن نمایشی دارد. نویسنده کوشیده است تا با استفاده از منابعی چون داستان راستان اثر شهید مطهری، هزار و یک حکایت اخلاقی نوشتهٔ محمدحسین محمدی و کتاب‌های فارسی دورهٔ ابتدایی، به هدف آموزش آموزه‌های دینی و اخلاقی، تجربه‌ای نمایشی را در قالب روایت‌هایی از زندگی معصومین و شخصیت‌های تاریخی و حتی انسان‌های معمولی فراهم آورد. بهشت فروشی عنوان یکی از این داستان‌های نمایشی به نام سگ عیان و مرغ پنهان است که خواننده را به تلاش برای کسب معرفت و در پس آن، رستگاری که در اینجا در قالب بهشت تجسم می‌یابد فرا می‌خواند. موهبتی که خریدنی نیست و با همت و تلاش به دست می‌آید.

متون نمایشی که به هدف آموزش‌وپرورش مخاطب تهیه می‌شوند بر دو گونه‌اند؛ آن‌هایی که پیام خود را به شکل«مستقیم» به مخاطب ارائه می‌دهند و نوشته‌هایی که مخاطب را در تجربه‌ای نمایشی شریک کرده و او را به فهم و درک پیام خود رهنمون می‌گردانند. پژوهش‌ها نشان می‌دهند که متون گروه دوم، که مخاطب را به چالش سهیم شدن در رویدادهای داستان و کشف پیام نهان شده درمتن می‌کشانند، موفق‌تر بوده و جذابیت بیشتری دارند. این فرآیند در متن نمایشی«سگ عیان و مرغ پنهان»؛ که عنوان کتاب هم از این متن گرفته شده است، وجود داشته و مخاطب در پس عمل نمایشی قهرمان داستان به درک حقیقیت پنهان دست می‌یابد. مسلم قاسمی تجربیات بی‌شماری در به‌کارگیری عنصر نمایش برای آموزش و تعلیم‌وتربیت داشته و به طبع بهتر از هرکسی به این فرآیند، آگاهی دارد. این دانش و آگاهی، اما، در بیشتر متون نمایشی این کتاب دیده نمی‌شود.

نمایندهٔ مرموز

- **نام کتاب: نماینده مرموز**
- **مؤلف: مجید درخشانی**
- **ناشر: عابد**
- **چاپ اول سال: ۱۳۹۶**

طنز و خلق موقعیت‌های کمیک، داستان تکراری و بی‌هیجان نمایندهٔ مرموز را به نمایشی جذاب و تأثیرگذار تبدیل نموده است. پادشاهی که به واسطه دستور خود مبنی بر تعطیلی مکتب‌خانه و مدرسه، حاکم سرزمینی فاقد انسان‌های دانشمند و باهوش شده، در مواجهه با رقابتی که با نماینده کشور دیگر درمی‌گیرد، مجبور است کشاورزی ساده‌دل را به‌کاری بزرگ مسابقهٔ هوش که در آن شرکت‌کنندگان باید تنها از ایما و اشاره و رسم شکل (نقاشی) برای بیان منظور خود استفاده نمایند- بگمارد. کشاورز در برابر نماینده باهوش کشور همسایه برنده شده و در برابر، ایجاد مکتب‌خانه و مدرسه برای تربیت و پرورش انسان‌های دانشمند و باهوش را بر دریافت هدایای گران‌بها به‌عنوان پاداش کار خود، ترجیح می‌دهد. شخصیت‌های این نمایش پادشاه، وزیر، نگهبان، کشاورز، پادشاه و وزیر و نمایندهٔ کشور همسایه- همگی به صورت نمونهٔ کلی (تیپ) معرفی می‌شوند تا نویسنده را برای بیان نمادین داستان خود یاری نمایند. ویژگی بزرگ این‌گونه شخصیت‌پردازی این است که دست نویسنده را در حذف پردازش‌های دقیق و پر از جزئیات نقش- که گاه مانع بزرگی در تخیل و خیال‌پردازی مخاطب در خلق فضا، زمان و مکان و رفتار شخصیت‌ها می‌شود- باز می‌گذارد و تنها با ذکر خصوصیات کلی شخصیت، امکان جولان و تکاپوی ذهن مخاطب برای ساختن تصویر مناسب از آدم‌های داستان نمایش را فراهم می‌آورد. علاوه‌بر شخصیت‌های تیپیکال (نمونه کلی)، وجود عنصر شوخی‌های کلامی، بازی با کلاه بزرگ و عجیبی که وزیر بر سر می‌گذارد، داستان عجیب یافتن کشاورز، کنش و واکنش کشاورز در جریان مسابقهٔ نمادین دو کشور همسایه، خواستهٔ کشاورز در انتهای داستان مبنی بر اینکه در برابر کاری که انجام داده، تنها دو خواهش دارد، یکی آن که مکتب‌خانه و مدرسه در کشور ساخته شود و دوم آنکه او را رها کنند تا به شهر خود باز گردد و فرزندش را ببیند و استراحت کند! و ... به یاری نویسنده می‌آیند تا او پیام داستان خود را مبنی بر تلاش برای کسب دانش و آگاهی، صداقت و راستی در بیان و رفتار، شجاعت در بیان بی‌پروای حق و حقیت، پرهیز از جنگ و جدل‌هایی که بر خواسته‌های خودخواهانه استوار شده و سرانجام برگشت به اصل خویشتن، را به‌گونه‌ای غیرمستقیم و بر بستری از شوخی و طنز به مخاطب برساند.

نکته مهمی که نباید ناگفته بماند، اشتباهی است که در ویراستاری کتاب روی داده و رویه‌ای که در نگارش متن در نظر گرفته شده در اواسط کتاب فراموش می‌شود.

محسن حلاجی

تمرینات اصلاحی برای ده ناهنجاری قامتی

نقدی بر کتاب «کودک رعنا، قامت زیبا»

- **نام کتاب: کودک رعنا، قامت زیبا**
- **مؤلفان: معصومه ولایتی، مینا حقیقی، احمد ربانی**
- **تصویرساز: فرشته هادی‌پور**
- **ناشر: مهر زهرا (س)**
- **چاپ اول سال: ۱۳۹۶**

نقد به‌عنوان یک مهارت شناختی گویای تلاش ناقد در تمییز امتیازات و کاستی‌های یک اندیشه، روش یا اثر است. نقد کتاب عبارت از توصیف، تحلیل انتقادی، ارزیابی کیفیت، اهمیت و تأثیرگذاری یک کتاب در زمینه‌ای خاص است.

کتاب، به‌عنوان قدیمی‌ترین رسانه مکتوب، همواره از اهمیت زیادی برخوردار بوده است. با پیدایش رسانه‌های دیجیتالی، جایگاه کتاب‌های عمومی نسبت به گذشته تنزل یافته است اما کتاب‌های علمی هرگز از جایگاه مرجعیت خود خلع نشده‌اند و همیشه عامل انتقال پیام‌ها و یافته‌های پژوهش‌های علمی بوده‌اند. رسالت تولید کتاب‌های باکیفیت نه‌تنها بر دوش مؤلفین و ناشران بلکه بر دوش ناقدان صاحب اندیشه نیز هست تا با نقد خود هم کاستی‌ها و هم امتیازات کتاب‌های علمی- آموزشی را نشان دهند و راه را برای بهبود این‌گونه کتاب‌ها هموار سازند. بدون تردید نقد و نشر آثار منتقدانه یا انتقادی ضمن ایجاد تحرک و نشاط علمی در بین مخاطبین به بازنگری آثار تألیفی به‌دست نویسندگان و یا تولید آثار جدید و کم نقص‌تر می‌انجامد.

درس تربیت‌بدنی یا ورزش مدرسه با سابقهٔ نزدیک به یک قرن، با هدف توسعه و تکامل جسمانی، حرکتی، شناختی و عاطفی- اجتماعی امروزه می‌رود تا نقش خود را در سلامت و تسلط بر مهارت‌های پایه رشته‌های ورزشی کودکان و نوجوانان در ابعاد مختلف بیش از پیش ایفا کند. در کنار این انتظارات توجه به حفظ ساختار قامتی در حدمطلوب آنچنان که متخصصین از آن یاد می‌کنند از پیش‌فرض‌های علمی آموزش ورزش در مدارس تلقی می‌شود. بدین معنی که با شرکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های درس تربیت‌بدنی که در چارچوب برنامه مصوب و تدوین شدهٔ دفتر تألیف کتاب‌های درسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی می‌باشد، دانش‌آموزان نه‌تنها از انجام حرکات غلط و آسیب‌زا در امان می‌مانند، بلکه معلمان با اتکا به دانش خود و توصیه‌های کتاب‌های راهنمای معلم اطلاعات لازم را در اختیار دانش‌آموزان دارای ناهنجاری‌های ساختار قامتی قرار می‌دهند. با این وجود متخصصین رشتهٔ دانشگاهی آسیب‌شناسی و حرکات اصلاحی از پا ننشسته و با تهیهٔ کتاب‌های آموزشی سعی بر انتقال دانش و توصیه‌های لازم برای پیشگیری و احتمالاً رفع نواقص موجود در ساختار قامتی ناهنجار برخی دانش‌آموزان توسط معلمان تربیت‌بدنی می‌کنند. البته موضوع برنامه‌ریزی برای کنترل و پیشگیری از ناهنجاری ساختار قامتی دارای سابقه‌ای به طول دو دهه در حوزهٔ سلامت و تربیت‌بدنی آموزش‌وپرورش کشور است، اما برآوردی از نتایج این فعالیت‌های هزینه‌بر به

شکلی دقیق و علمی در دسترس نیست. بنابراین همواره به این امید که تولید کتاب‌ها، بروشورها و پوسترهای آموزشی می‌تواند منجر به آگاهی بیشتر معلمان، دانش‌آموزان و خانواده‌ها بشود، اقدام به تولید آن‌ها شده است.

توصیف محتوایی کتاب

محتوای کتاب شامل معرفی ۱۰ ناهنجاری مرتبط با ساختار قامتی انسان به همراه علل ایجاد آن‌ها و تمرینات اصلاحی است.

مزایای کتاب

مزایای کتاب را می‌توان در دو بعد شکلی و محتوایی تشریح کرد. در بعد شکلی کتاب دارای تصاویر رنگی، کاغذ روغنی (گلاسه)، خطوط درشت و صفحات کم است که به سرعت مطالعه و جذابیت کتاب کمک می‌کند. در بعد محتوایی مزیت کتاب معرفی ناهنجاری‌های ساختار قامتی به منظور کمک به پیشگیری و اصلاح آن‌ها است.

کاستی‌های کتاب

کاستی‌های کتاب را نیز می‌توان در دو بعد شکلی و محتوایی تشریح کرد. در بعد شکلی کتاب دارای کاستی‌هایی به شرح ذیل است:

● تصویر روی جلد و پشت جلد کتاب به تنهایی گویای محتوای درون آن نیست. هر دو تصویر حرکات ورزشی را نشان می‌دهد که می‌تواند هم به‌تنهایی نشان‌دهنده انجام یک حرکت کششی برای افزایش انعطاف‌پذیری باشد و هم حرکتی برای اصلاح ناهنجاری اسکولیوز(کجی ستون فقرات) که البته جزء ناهنجاری‌های معرفی شده در کتاب نیست.

● تیترها در اکثر موارد همراه با دو نقطه هستند، بدون اینکه مطالب از همان‌جا آغاز شود. می‌دانیم زمانی‌که از دو نقطه استفاده می‌شود باید بلافاصله مطلب مورد نظر شروع شود.

● تیتر اصلی و تصاویر هر عنوان ناهنجاری در صفحه مقابل آن آمده است و این یک ایراد صفحه‌آرایی به‌شمار می‌رود.

● تصاویر کتاب دارای کاراکترهای مختلف زن و مرد میان‌سال، کودک و نوجوان است، در حالی‌که لازم است با توجه به هدف کتاب یعنی کمک به پیشگیری از ناهنجاری‌های ساختارقامتی در کودکان و نوجوانان از کاراکتر همین سن استفاده شود.

● تصاویر کتاب یک‌دست نیستند و یا اینکه در جاهای مناسب استفاده نشده‌اند.

● محتوای موجود در کادرها یکسان نیستند.

عیوب و کاستی‌های محتوای کتاب عبارت‌اند از:

● تمرینات کتاب نیازمند تصویر هستند.

● چارچوب ارائه هر ناهنجاری یک‌دست نیست. برای مثال اگرچه در خصوص عوارض پشت گردن مطلب وجود دارد اما به آن پرداخته نشده است.

● در ابتدای کتاب آمده است: «سخنی با دبیر ورزش». یعنی مخاطب کتاب معلم تربیت‌بدنی است، اما در انتهای مقدمه، مخاطب هم دانش‌آموز است، هم معلم و هم والدین!

● در کتاب‌های راهنمای معلم تربیت‌بدنی پیرامون ناهنجاری‌های وضعیتی و قامتی مطالبی آورده شده است. بهتر است کتاب‌های کمک‌آموزشی در راستای رفع کمبودهای آن‌ها گام بردارد، در حالی‌که نویسندگان در هیچ‌جایی به کتاب‌های راهنمای معلم تربیت‌بدنی اشاره نکرده‌اند.

محسن کیا

کلیشه را از پریز بکشیم

نقدی بر کتاب علوم رایانه بدون رایانه

- **نام کتاب: علوم رایانه بدون رایانه**
- **مؤلفان: تیم بل، یان اج. وتین، مایک فلوز**
- **تصویرگر: مت پاول**
- **مترجمان: حامد محبی، عرفانه محبی جهرمی**
- **ناشر: مؤسسه فرهنگی فاطمی**
- **چاپ اول سال: ۱۳۹۶**

جامعهٔ جهانی امروز شاهد رقابت در تمامی عرصه‌هاست. راه‌حل سربلندی در این میدان‌ها را می‌توان در ارتقای کمی و کیفی آموزش خلاصه کرد. مسئلهٔ تعلیم و تعلم نه‌تنها از مهم‌ترین دغدغه‌های اصلی‌ترین نهاد جامعه، یعنی «خانواده» است، بلکه کیفیت‌بخشی به آن از ضرورت‌های نهاد آموزش‌وپرورش و دولت‌هاست. اینجاست که نام کوچک «مدرسه»، پاسخی به بزرگ‌ترین پرسش‌هاست.

از این‌رو هرگاه از تحصیل و درس و مدرسه صحبت می‌شود، نسیم سخن پس از چند واژه، به کلماتی چون کتاب‌های درسی، منابع کمک‌درسی و کمک‌آموزشی می‌رسد. کتاب‌های درسی، پس از اجرا شدن «سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش» رو به تغییر نهاده‌اند و با اجرای سال تحصیلی دوازدهم، آخرین برگ از رنسانس خود را می‌گذرانند. منابع و کتاب‌های کمک‌درسی هم نرم‌نرمک با نگاه به کتاب‌های درسی نونگاشت، از روند گذشته فاصله گرفته و در تلاش‌اند به سطوح بالاتری از هرم یادگیری بلوم برسند. در این میان هستند منابعی که با نگاه ژرف و تخصص رایانه، به تکمیل فرآیند برنامهٔ درسی پرداخته‌اند و متعهدانه در جهت هدف‌های والای آموزش‌وپرورش گام برمی‌دارند.

از جمله کتاب‌هایی که می‌توان آن‌ها را تلاشی شایسته و بایسته برای پرورش نسلی خلاق و کارآفرین دانست، کتاب‌های درسی «کار و فناوری» (نسل نوین کتاب‌های حرفه‌وفن) هستند. در همین راستا، کتاب‌های درسی مرتبط با آن‌ها تلاش کرده‌اند، پودمان‌های متفاوت آن را مدنظر قرار دهند.

ازجمله مباحثی که در عموم مدرسه‌ها، معلم و دانش‌آموز تمایل به اجرای آن دارند، پودمان‌های مرتبط با رایانه و شهروند الکترونیک است. این پودمان‌ها اگرچه جذاب و کاربردی‌اند، اما غالباً کتاب‌های کمک‌درسی مناسبی را در راستای هدف‌های خود نمی‌بینند.

کتاب «علوم رایانه بدون رایانه»، آن‌گونه که خود را معرفی می‌کند، دربرگیرندهٔ ۲۱ فعالیت آموزشی در زمینهٔ مفاهیم علوم رایانه و تفکر رایانشی است. پیش‌گفتار ساده، روان و تأثیرگذار آن، در کنار لحن صمیمی و گیرای کتاب، گواه وجود مترجمان تیزطبع و ریزبین در کنار مؤلفان متخصص است. برای هر بخش نیز مقدمه‌ای مناسب در راستای الگوی آموزشی پیش سازمان‌دهنده به چشم می‌خورد. وجود بخشی با عنوان «پیوند

با برنامهٔ درسی» در ایجاد حس تعامل با معلم و اطمینان‌بخشی به وی مؤثر است. البته این کتاب شاید ورای تصور مترجمان در دورهٔ دوم متوسطه، آنجا که در رشته‌های نظری ریاضی و فیزیک مباحث جبر دودویی و مبانی رایانه مطرح می‌شود و در رشته‌های فنی و مهارتی، به‌خصوص در رشته‌های کامپیوتر و الکترونیک، آنجا که در کتاب درسی مبانی دیجیتال و الکترونیک کاربردی را بیان می‌کند و سخن از الگوریتم‌های رایانه‌ای می‌شود، بسیار گره‌گشا و اثربخش خواهد بود. مثال‌ها، گام‌به‌گام و از ساده به پیچیده ترتیب داده‌شده‌اند. این مفاهیم غالباً در دوره‌های دبیرستان و دانشگاه مطرح بوده‌اند و بالطبع با چنین مثال‌هایی همراه نمی‌شده‌اند.

گروه سنی مخاطبان کتاب در ابتدای هر فعالیت آمده است و این موضوع پایسته بودن کتاب در ذهن معلم خوش‌ذوق را دوچندان می‌نماید. آنجا که او می‌داند، برای اغلب گروه‌های سنی کودکان و نوجوانان، می‌تواند فعالیتی از کتاب را تصرف یا تلخیص و مطرح کند. این نکته همان خلاقیت‌محوری است که کتاب بسیار صحیح و غیرمستقیم، نه‌تنها دانش‌آموز بلکه معلم را نیز به آن برمی‌انگیزد. تشویق به فعالیت‌های اضافی و جستن و یافتن در مفاهیمی پیرامون و در زندگی روزمره (همانند یافتن الگوریتمی برای شابک کتاب یا ارسال پیامی با الفبای مورس و...) از دیگر نکات شایان توجه این کتاب است.

جالب اینجاست که کتاب در عین کل‌نگری به موارد جزئی نیز پرداخته است. سبک و روند پرداختن به فعالیت‌های آن نشان می‌دهد که تجربه‌های چندین سالهٔ مؤلفان در مدرسه، به گردآوری چنین فعالیت‌هایی انجامیده است. وقتی فعالیتی در کتاب آغاز می‌شود، لوازم موردنیاز آن و حتی لوازم فعالیت‌های تکمیلی با جزئیات آورده شده‌اند و در برخی موارد، برگه‌های کار و کارت‌های بازی فعالیت نیز در کتاب قرار داده‌شده‌اند. نکته‌ای که شاید بتوان از آن به‌عنوان «پاشنهٔ آشیل» این کتاب یادکرد، وابستگی شدید کیفیت اجرا به نوع معلم تدریس‌کنندهٔ آن است. این مهم در بررسی همهٔ جوانب و نقاط قوت کتاب به چشم می‌خورد.

کتاب با پرهیز از حل مسئله و پاسخ‌دهی مستقیم، مملو از پاسخ‌های کوتاه، منظم و باهدف‌های مشخص است. بر مبنای روش سقراطی جلو می‌رود و غیرمستقیم معلم را نیز به همین روش تشویق می‌کند. طنزهای بجا و بالغ کتاب نیز در ایجاد ارتباط بهتر کتاب و مخاطب، یا به تعبیری یاد دهنده و یادگیرنده مؤثر است. وجود پاسخ‌ها در انتهای هر بخش نیز همانند نقشهٔ راه، معلم را در مسیر درست آموزش نگه می‌دارد و مانع‌های کوچک و احتمالی تدریس را که ممکن است هدف درس را تحت‌الشعاع قرار دهند، به موقع هموار می‌سازد. مجدداً تأکید می‌شود که این کتاب برای شکوفایی و بلوغ محتوایی، نیازمند معلمی عاشق، زبده و جامع است که بتواند با هنر معلمی، دانش و دلسوزی خود، روشمندی کتاب را جلوه‌گر باشد. بدیهی است که خلل و ضعف در هر یک از جنبه‌های کار معلم در مقایسه با کار معلم آرمانی، برنامهٔ درسی اجرا شده را دچار خلل و ضعف می‌کند.

نکته‌ای که در طراحی جلد و صفحات کتاب در جای‌جای آن به چشم می‌خورد، استفاده از نماد دوشاخه‌ای سرگردان و به بیان بهتر، از پریز بیرون کشیده است که با اشاره‌ای طنازکارانه به نام کتاب، ذهن را در مسیر محتوای کتاب پابرجا نگاه می‌دارد.

اما در نگاهی کلی می‌توان کتاب را همانند پلهٔ برقی دانست. مخاطب در انتهای کتاب شاید خود نداند که به چه مفاهیم مهمی دربارهٔ علوم رایانه دست‌یافته است. چراکه همواره در حال نوعی سرگرمی و لذت یادگیری بوده است؛ لذت و یادگیری‌ای که جز در سایهٔ معلمی مختص و متخصص این کتاب پدید نخواهد آمد. این توانایی و تخصص تا بدانجا متعالی و «آوانگارد» است که در برخی فعالیت‌ها، لزوم برگزاری دورهٔ تأمین مدرس برای این کتاب اجتناب‌ناپذیر می‌نماید. بدیهی است این خصیصه به میزان زیادی از استقبال متعلمان و شاید معلمان که در نگاه اول با کتاب مواجه می‌شوند، بکاهد.

در نگاه اول، وجود متون انگلیسی طولانی به نظر سنگین می‌آید، اما با نگرش جامع به هدف‌های کتاب می‌توان دریافت که رایانه و متون زبان‌اصلی جدایی‌ناپذیرند. این مطلب در کتاب جاری بوده و یادگیری چندوجهی در کتاب قابل‌مشاهده و درک است. کتاب تا آنجا بلندپرواز است که در کاربرد برخی اصطلاحات و فنون تدریس می‌توان آن را آغازگر سبک نوینی از یاددهی و یادگیری و حتی ادبیات حاکم بر این حوزه دانست. کاربرد عبارت‌هایی همچون «تفکر رایانشی» مثال خوبی برای این مدعاست. در پایان باید گفت که کتاب علوم رایانه بدون رایانه، در مقام یک تسهیلگر آموزش، به‌خوبی راهبری آموزشی کلاس درس را انجام می‌دهد و می‌تواند هم‌یاری برای معلم و همراهی برای متعلمان باشد.

جامعهٔ امروز و دفتر سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، به‌عنوان ناظر بر خوراک علمی ورودی به مدرسه‌ها، از آثاری از این‌دست با رویکردهای پرورش تفکر، دست‌ورزی و حل مسئله بسیار حمایت می‌کند و ایشان را ارج می‌نهد.

"اعتماد به‌نفس" با شیوه‌ای خلاقانه و سرگرم‌کننده

نقدی بر کتاب اعتمادبه‌نفس

- **نام کتاب: اعتماد به نفس**
- **مؤلفان: کیت برتون، برنیلی پلیتز**
- **مترجمان: عزیزالله سمیعی، سعید گرامی**
- **ناشر: آوند دانش**
- **چاپ اول سال: ۱۳۹۶**

اعتمادبه‌نفس (self confidence) از جمله موضوعاتی است که توجه زیادی به آن شده است. کافی است این عبارت را در گوگل جســت‌وجو کنید تا بیش از ۲۲ میلیون یافته دربارهٔ آن بیابید. محققــی توانا به نام کیت برتون، اســتاد بین‌المللی برنامه‌ریزی عصبی- کلامــی که حوزه فعالیت‌اش در زمینه آموزش ســبک زندگی شاد و باثبات است، در کتاب خود «اعتمادبه‌نفس» که با همکاری برینلی پلیتز نوشــته است، از صفر تا صد این موضوع را به شــیوه‌ای خلاقانه و سرگرم کننده برای خوانندگان خود شرح داده است.

کتاب اعتمادبه‌نفس از کتاب‌های مشهور دامیز با ترجمه خوب سمیعی و گرامی شامل پنج بخش کلی و عبارت است از: **مبانی، عوامل، ایجاد اعتمادبه‌نفــس در خود، دخالت دیگران** و **توصیه‌های نهایی**. از نــکات قابل توجه کتــاب صفحه‌بندی مناسب و استفادهٔ به‌جا از علائم و نمادهای راهنما است. همچنین سفیدخوانی کتاب به نحوی است که خواننده به خواندن تشویق می‌شود و کمتر احساس خستگی می‌کند.

طبق تعریف کتاب، اعتمادبه‌نفس عبارت است از: «داشتن توان انجام یک اقدام مناســب و مؤثر در هــر وضعیت، بدون در نظر گرفتن اینکه آن اقدام تا چه حد می‌تواند برای شــما یا دیگران چالش‌برانگیز به نظر برسد.»

بر مبنای همین تعریف نویســندگان در اولین گام توان فرد را مــورد ارزیابی قرار داده و با انجام آزمــون اعتمادبه‌نفس جایگاه کنونــی مخاطب را تعیین می‌کنند. شناســایی عواملی که مانع پیشــرفت در این زمینه می‌شــود موضوع بعدی است که مورد ریشه‌یابی قرار گرفته است. نگارنده با استفاده از نثر روان و بیان مثال‌های متعدد و همچنین به یاری توصیه‌ها و رهنمودهایی از خستگی و یکنواختی موضوع کاسته است.

برنامه‌ریزی برای پرورش اعتمادبه‌نفس قسمت پایانی فصل اول اســت که به اختصار توصیه‌هایی در این زمینه آورده شده است، هرچند می‌توانست این فصل کمی مفصل‌تر بیان شود.

در بخــش دوم به عوامل مؤثر بر اعتمادبه‌نفس پرداخته شــده است. عواملی مانند: انگیزه، ارزش‌های شخصی، هویت، هیجان‌ها و نیروی عشق.

در شــروع این بخش نیز از خواننده آزمونی در جهت شناخت انگیزه‌های درونی شغلی گرفته می‌شــود که با تحلیل نتایج آن می‌توان تأثیر انگیزه‌ها در محیط کاری را مشاهده کرد. این روال به خوانندگان کمک می‌کند تا بیشــتر درگیر وضعیت شخصی خود شوند و حس مشارکت در امر پرورش و بهبود اعتمادبه‌نفس خودشــان را بالا ببرند. به عبارت دیگر، کتاب وضعیت کارگاهی به خود می‌گیرد.

در ادامهٔ بررسی عوامل مؤثر بر اعتمادبه نفس به پرسش‌هایی بر می‌خوریم که از ارزش‌های شخصی خواننده کتاب پرسیده شده است و او می‌بایست به آن‌ها پاسخ دهد تا به درک واقعی ارزش‌های نهایی خود برسد، ارزش‌هایی که مارا قادر خواهند ساخت تا به فردی با اعتمادبه‌نفس تبدیل شویم. همین روند در زمینه هویت فرد به‌کار گرفته شده است. مطالب این قسمت خلاصه‌تر و کوتاه‌تر است که از نقاط ضعف کتاب می‌باشد.

با توجه به اینکه هیجان‌ها نیروی زیادی بر رفتار وارد می‌کنند که نشان‌دهندهٔ احساسات فرد هستند و تأثیر شگرفی بر روی جسم و سلامت روان دارند، بنابراین شناخت این هیجان‌ها و تسلط بر آن‌ها گام مهمی در کنترل رفتار و افزایش اعتمادبه‌نفس محسوب می‌شود. بر این اساس در فصل ششم کتاب به بررسی هوش هیجانی و کنترل هیجان‌های منفی پرداخته شده است.

زمانی که یک هیجان منفی قدرتمند را به‌طور صحیح و درست هدایت می‌کنیم، بر روی اعتمادبه‌نفسمان تأثیر مثبت و شگرفی خواهد داشت. «با تبدیل خشم به انرژی مثبت با استفاده از راه‌های مؤثر و کاربردی دیگر، شانس بیشتری برای گرفتن نتایج دلخواه و رسیدن به اعتمادبه‌نفس بیشتر برای مهار احساسات داریم.» و اما آخرین عامل بررسی شده در این بخش نیروی عشق است که تأثیر آن بر روی فرایند زندگی و رسیدن به آرزوهای‌مان مورد توجه قرار گرفته است. از نکات مثبت این بخش از کتاب قرار دادن نظرات کمپیل است که در ۵ ماده بیان شده است.

در بخش سوم کتاب که از حجم بیشتری نسبت به بخش‌های دیگر برخوردار است، چگونگی ایجاد اعتمادبه‌نفس در خود مورد بررسی قرار گرفته است. در شش فصلی که در ادامه کتاب می‌خوانیم شرحی از روش‌ها و توصیه‌ها، در قالب: طرد کمال‌گرایی صرف، پرورش ذهن، بالا بردن سطح سلامتی، به‌کار بردن فن سخنوری با اعتمادبه‌نفس، مبارزه با ترس‌های درونی، روش‌های برنامه‌ریزی موفق و برجسته‌سازی نقاط مثبت خود، آورده شده است.

فصل نخست این بخش، حذف کمال‌گرایی صرف در زندگی را مطرح می‌کند. باید پذیرفت که نه می‌خواهیم و نه می‌توانیم کامل باشیم. نویسنده پس از توضیحات اولیه به روش‌های مقابله با آن پرداخته است: چه روش‌هایی را برای دوری از این امر می‌باید در نظر بگیرم؟ به‌کارگیری اصل ۸۰/۲۰ چیست؟، انعطاف‌پذیری و ایجاد استانداردهای واقع‌بینانهٔ رفتاری. این‌ها همه از نکات خوب این فصل از کتاب اعتمادبه‌نفس است که اطلاعات مفیدی را در اختیار خواننده قرار می‌دهد.

نویسندگان کتاب در پنج فصل بعدی به دنیای درون فرد توجه بیشتری داشته‌اند. اضطراب و ترس (دو مقوله‌ای که در دو فصل در میان بحث‌های دیگر مورد توجه قرار گرفته که می‌توانست در یک فصل و متمرکز بیان شود)، از مهم‌ترین موانع اعتمادبه‌نفس به‌شمار می‌آیند که در فصول ۹، ۱۰ و ۱۲ از زوایای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و برای کنترل آن راه‌کارهای مناسبی در اختیار خواننده قرار داده شده است.

سلامتی جسمانی نیز در این بین جایگاه ویژه خود را در افزایش اعتمادبه‌نفس دارد که در فصل دهم به تفصیل به آن پرداخته شده است. این بخش با یادآوری تأثیر صدای ما در خودمان و اطرافیانمان دنبال می‌شود که به‌طور مسلم صدای محکم و رسا حاکی از حس اعتمادبه‌نفس تلقی می‌شود و انعکاس آن در خود ما نیز تأثیر مضاعف خواهد داشت.

سرانجام مشهورترین راهکار افزایش اعتمادبه‌نفس یعنی برجسته‌سازی نقاط مثبت خود در فصل سیزدهم مطرح شده که جا داشت این بخش با همین موضوع پایان می‌یافت نه با بحث مدیریت ترس‌های خود که قبلاً به آن پرداخته شده بود.

بخش چهارم کتاب به کاربرد قدرت افزایش یافته شخصی در زندگی روزمره افراد پرداخته است. ۵ فصل بعدی توصیه‌های کاربردی و دقیقی برای حفظ اعتمادبه‌نفس در محیط‌های مختلف همچون کار (فصل چهاردهم)، روابط عاشقانه (فصل ۱۵)، رفتار با افرادی که با ما زندگی می‌کنند (فصل ۱۷) و موضوع بسیار مهم تربیت فرزندانی با اعتمادبه‌نفس بالا (فصل ۱۸) برای مخاطب خود دارد.

خواندن این بخش حاوی نکات ارزشمند و کاربردی است که می‌تواند برای تمام اقشار جامعه مناسب باشد. این بخش می‌توانست بخش پایانی نیز باشد، اما نویسندگان سه فصل دیگر به انتهای کتاب افزوده‌اند که شامل ده پرسش (پرسش‌هایی نظیر آیا به اسم خود افتخار می‌کنید؟ با چه کسی مشورت می‌کنید؟ تنش‌های زندگی شما در کجا قرار دارند؟) ده عادت مثبت (نظیر عینک خوش‌بینی به چشم بزنید. خلق‌وخو و هیجان‌های خود را بررسی کنید ...) و ده کلید مؤثر بر اعتمادبه‌نفس است (دنیا را به همان شکلی که می‌خواهید باشد تعریف کنید. همیشه جملهٔ مثبت خود را با زمان حال بیان کنید نه آینده ...)

سخن آخر، کتاب اعتمادبه‌نفس به‌عنوان یک اثر آموزشی و علمی از جمله آثار معدودی است که مخاطب عام را نیز خسته نکرده و مطالب آن قابل استفاده در زندگی روزمره همه اقشار جامعه می‌باشد.

پیکارجویان بی‌نام و نشان!

نقدی کوتاه بر کتاب «مسئله‌های پیکارجوی شیمی»

- **نام کتاب: مسئله‌های پیکارجوی شیمی**
- **مؤلفان: سید حیدر مروج، پیام افتخار جهرمی**
- **ناشر: مؤسسه فرهنگی فاطمی**
- **چاپ اول سال: ۱۳۹۶**

با توجه به نیاز مبرم کشـــورهای جهان به نیروی انسانی زبده و ماهر در عصر کنونی، و همچنین محک زدن و به چالش کشیدن توانایی‌های افراد دوره‌های متفاوت آموزشی، اعم از دانش‌آموزان و دانشـــجویان، باید راهی برای رقابت آن‌ها اندیشیده می‌شد که آزمون‌های آزمایشی و المپیادها از بهترین گزینه‌ها بودند و هنوز نیز هســـتند. شرکت در آن و برخورداری از جایزه‌ها و امتیازهای متعاقبش، ظرفیت عظیمی بین داوطلبان پدید آورده است.

در کشـــور ما نیز این نوع آزمون‌ها با استقبال بسیار فراوانی از ســـوی دانش‌آموزان و دانشجویان مواجه شـــده‌اند و شمار بالای متقاضیان شـــرکت در این نوع آزمون‌ها، دست‌اندرکاران را بر آن داشـــته است که با استفاده از ابزارهای لازم، کتاب‌های مورد نیاز را تهیه و در اختیار متقاضیان قرار دهند. این روش مناســـب، بر نتایج آزمون‌ها نیز اثرات مثبت متعددی دارد و باعث ارتقای کلی سطح داوطلبان نیز می‌شود.

«کتاب مســـئله‌های پیکارجو» یکی از این نوع منابع است که به تازگی منتشـــر شده و به المپیادی‌های شیمی کمک می‌کند، احتمال موفقیت خود را بالا ببرند.

در ایـــن کتاب با وجود تأکید مؤلف بر مفید بودن آن، نشـــانی از منبع ســـؤالات دیده نمی‌شـــود. به‌علاوه، تعداد سؤال‌ها زیاد است، ســـؤال‌ها پیچیده و دشوارند، و سطح آن‌ها در حد مرحلهٔ نهایی جهانی است. در چنین کتاب‌هایی، منبع سؤال و یا تألیفی بودن آن، «حتماً» باید قید شـــود تا اولاً اعتبار ناشـــر خدشه‌دار نشـــود و ثانیاً خیال دانش‌آموزان و ســـایر متقاضیان از نظر عیار علمی و مفید بودن ســـؤال، کاملاً آسوده شود. از طرف دیگر، از آنجا که بافت کتاب از نوع تســـتی با پاسخ تشریحی است، شمار بالای تست‌ها و کیفیت پاسخ‌دهی ماهرانه به آن‌ها، نشان از گذر سؤال‌های تســـتی این مجموعه از بوته‌های متفاوت روان‌شناسی و علمی دارد که باز هم نویسنده در مورد آن سکوت کرده است.

در انتهای کتاب خبری از پیوســـت‌ها و منابع نیست و علاوه‌بر این، دسته‌بندی خاصی برای ســـؤال‌ها انجام نشده است. نبودن ترتیب برای ســـؤال‌ها، اشارهٔ مؤلف به تألیفی بودن سؤال‌ها، عدم معرفی منابع بیشتر برای مطالعه از سوی نویسندگان، نبود سؤال از قسمت آزمایشگاه (که حدود ۴۰درصد نمره را شامل می‌شود) از دیگر اشکالات قابل توجه است. سؤال‌های کتاب به‌طورکلی به دو بخش تقسیم شده‌اند: المپیادهای شیمی ایران به اضافهٔ منبع یا منابع نامشخص؛ که تألیفی بودن سؤال‌ها را نشانه گرفته است.

در انتها باید به این نکته اشـــاره کرد که با وجود این ایرادها و برخی اشکال‌های دیگر، با توجه به کیفیت و نوع سؤال‌ها، حاصل کار مؤلفان برای استفادهٔ داوطلبان المپیاد و شرکت‌کنندگان در این نوع آزمون‌ها که سطح علمی بالایی را می‌طلبند، لازم و بلکه کاملاً ضروری اســـت تا بتوانند بنیهٔ علمی خود را محک بزنند و ضمن تقویت بیشـــتر خود، نقاط ضعفشان را بیابند و در پی رفع آن‌ها بکوشند تا نتیجهٔ بهتری بگیرند.

س. رمضانی پور

آغاز شانزدهمین جشنواره کتاب رشد

بیش از هزار کتاب زیر ذره‌بین ۹۰ داور

معلمان و دانش‌آموزان، هر ساله در جشنواره‌ای تخصصی با عنوان «کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد»، برترین‌های کتاب‌های کمک‌آموزشی و داستانی حوزهٔ کودکان و نوجوانان را می‌شناسند و امسال شانزدهمین دوره این جشنواره است. معرفی آثار برتر منوط به تأیید و رأی نهایی داورانی اســـت که بسیاری از آنان خود، مؤلفان صاحب‌نامی در حوزه تعلیم‌وتربیت محسوب می‌شوند. امسال نیز، همزمان با اولین نشست داوران، تعداد ۱۱۴۳ عنوان کتاب در تمامی دوره‌های تحصیلی و در همه موضوعات به منظور ارزیابی روی میز آنان قرار گرفت.

تأثیرگذاری در جامعه نشر و مدارس

محمـد ناصـری، مدیـرکل دفتر انتشـارات و تکنولـوژی آموزشـی در ایـن نشسـت در سـخنانی بـا تشـریح اهمیـت کار داوری گفت: جریـان بیسـت سـاله‌ای کـه بـا هدف معرفـی کتاب‌های مناسـب در دفتـر انتشـارات و تکنولـوژی آموزشـی شـکل گرفـت، از جملهٔ مهم‌تریـن اقداماتی اسـت که توسـط وزارت آموزش‌وپـرورش برنامه‌ریزی شـد. امـروز بیش از هـزار ناشـر بـه محـض چـاپ اثرشـان آن را بـه دفتر انتشـارات و تکنولـوژی آموزشـی ارسـال می‌کننـد تـا مـورد ارزیابی شـما داوران براسـاس ضوابـط و معیارهـای داوری قـرار گیـرد.

وی افـزود: بالـغ بـر ۴۰۰ کارشـناس در دفتـر انتشـارات و تکنولـوژی آموزشـی کتاب‌هـا را ارزیابـی می‌کننـد، امـا اینکـه ایـن کتاب‌هـا به انـدازهٔ کافی مـورد توجـه اولیای مـدارس قرار دارد یـا خیـر، آیـا اساسـاً اولیای مـدارس به این فهرسـت واقف هسـتند و یـا ایـن فهرسـت چقـدر در کتابخانـه مـدارس جـای دارد یـا اینکـه سـازمان مسـئولی کـه بایـد آن‌هـا را خریـداری کنـد بـه ایـن فهرسـت توجه کافـی دارد یا نـدارد؛ باید بررسـی شود.

ناصـری تأکیـد کـرد: کار شـما داوران تأثیر زیـادی در جامعه نشـر و مـدارس داشـته اسـت کمـا اینکـه به‌عنـوان مثـال در موضـوع ادبیـات داسـتانی طـی ۵ ـ ۴ سـال اخیـر بیـش از ۷۰ درصـد کتاب‌هایـی کـه بـه دسـت مـا می‌رسـد، مناسـب تشـخیص داده می‌شـود و ایـن نشـان دهنـده حرکـت آرام و منطقـی ارزیابـی کتاب‌هاسـت. از سـوی دیگـر توجـه معلمان و دانش‌آمـوزان بـه جریـان کتاب‌های مناسـب در مدارس بیشـتر شـده و مدیـران مـدارس هـم مطالبه‌گـری بیشـتری نسـبت به کتاب‌هـای معرفـی شـده از سـوی دفتـر انتشـارات و تکنولوژی آموزشـی دارند.

ناصری: ملزم کردن دانش‌آموزان دوره ابتدایی به استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی و امتحان گرفتن از آن‌ها به فضای کودکی و لذت بردن از خواندن لطمه می‌زند و خوشبختانه آموزش‌وپرورش با ممنوعیت استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی در مدارس ابتدایی، گام بلندی در حفظ فضای کودکی برداشته است

راه طولانی کتاب‌های کمک‌درسی

ناصری در ادامه با اشاره به راه طولانی کتاب‌های کمک‌درسی در راستای رعایت استانداردها گفت: متأسفانه همچنان در این حوزه کتاب‌های نامناسب زیادی وجود دارد. تنها حدود ۲۷ درصد کتاب‌های کمک‌درسی که به‌دست ما می‌رسد، مناسب تشخیص داده می‌شوند، اما اینکه چرا علی‌رغم حجم انبوه تبلیغات و تهییج برای خرید این کتاب‌ها، همچنان درصد زیادی از آن‌ها نامناسب هستند، باید مورد بررسی قرار گیرد.

مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی با تجلیل از اقدام آموزش‌وپرورش در ممنوعیت ورود کتاب‌های کمک‌درسی به مدارس ابتدایی گفت: ملزم کردن دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی به استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی و امتحان گرفتن از آن‌ها به فضای کودکی و لذت بردن از خواندن لطمه می‌زند و خوشبختانه آموزش‌وپرورش با ممنوعیت استفاده از کتاب‌های کمک‌درسی در مدارس ابتدایی، گام بلندی در حفظ فضای کودکی برداشته است.

عدالت در داوری

وی خطاب به داوران گفت: وقتی کسانی از بیرون فهرست داوری‌های شما را نگاه می‌کنند باید عدالت را ببینند. در این صورت یعنی جریان ساماندهی منابع آموزشی به آهستگی رسالت خود را انجام می‌دهد. رعایت اصل داوری عادلانه توسط داوران و داوری منصفانه‌ای که شما طی سال‌ها داشته‌اید، یکی از مهم‌ترین موضوعات جشنواره است.

ناصری با اشاره به آمار کتاب‌های رسیده به جشنواره گفت: حدود ۵ هزار کتاب از هزار ناشر به دست ما رسیده که نیمی از این تعداد، که آثار ۴۰۰ ناشر را در بر می‌گیرد، مناسب تشخیص داده شده و به جشنواره راه پیدا کرده و قابلیت داوری یافته‌اند.

وی افزود: از بین کتاب‌های مناسب، کتاب‌هایی که دارای امتیاز بالای ۸۰ درصد باشند و درجه یک محسوب می‌شوند در کنار کتاب‌های درجه دو که امتیاز بین ۷۰ تا ۸۰ درصد را کسب کرده‌اند، توسط داوران مورد ارزیابی قرار می‌گیرند. کتاب‌های درجه ۳ که بین ۶۰ تا ۷۰ درصد امتیاز را کسب کرده‌اند ریزش کرده و داوری نمی‌شوند.

ناصری تعداد کتاب‌های درجه یک و دو را که روی میز داوران قرار می‌گیرند ۱۱۴۳ عنوان اعلام کرد و گفت: ۹۰ داور در ۳۰ گروه داوری که هر گروه متشکل از ۳ داور است، کتاب‌ها را در یازده حوزه یادگیری، که منطبق با اسناد بالادستی آموزش‌وپرورش تنظیم شده است، مورد ارزیابی قرار می‌دهند. سپس داوران در یک بیانیه پایانی نقاط قوت و خلأهای گروه‌های مربوط را اعلام می‌کنند.

وی با بیان اینکه در ساختار داوری‌ها حرف اول و آخر را داوران می‌زنند، گفت: کمیته علمی هم در کنار داوران فرایند داوری‌ها را پس از اعلام نتیجه توسط داوران بررسی می‌کنند تا از درستی فرایند طی شده اطمینان حاصل کنند .

دمیدن هوایی تازه

فریبا کیا، معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی و قائم مقام دبیر جشنواره در ادامه با بیان اینکه براساس مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش‌وپرورش، این جشنواره، فرصت و راه‌کاری برای ساماندهی منابع آموزشی و حمایت از پدیدآورندگان کتاب‌های مناسب و معرفی الگوهای خوب و متناسب با نیازهای مخاطب است، گفت: ۳۰ گروه داوری در ۳۰ موضوع، داوری آثار جشنواره را به عهده دارند. سیاست ما این است که با استفاده از نگاه متفاوت داوران در شانزدهمین دوره جشنواره کتاب رشد، هوای تازه‌ای به جشنواره دمیده شود. داوری آثار راه یافته به جشنواره کمک می‌کند تا ضمن بازخوانی نیاز مخاطب در صورت وجود خلأ در موضوعات مختلف با ناشران و نویسندگان نشست‌هایی داشته باشیم و این خلأها را اعلام کنیم. انتظار می‌رود کتاب‌های معرفی شده به عنوان یک الگو دارای کمترین نقص باشند.

به گفته وی، حدود ۶ سال است که جشنواره همه موضوعات را در تمامی دوره‌های تحصیلی تحت پوشش قرار می‌دهد و شامل کتاب‌های داستانی، مذهبی، تعدادی کتاب‌های کمک‌آموزشی و شمار بسیار محدودی کتاب کمک‌درسی است.

تشریح فرایند داوری

معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی در توضیح فرایند

داوری گفت: با توجه به دستورالعمل موجود، شاخص‌های ارزیابی به نحوی انتخاب شده‌اند که در حداکثر موضوعات کتاب‌های خوب و الگو داشته باشیم و حتی موضوعاتی که اخیراً هم وارد مباحث آموزشی مدارس شده، مد نظر قرار گرفته‌اند. یکی از مهم‌ترین رویکردهای جشنواره، تشویق و ترغیب کتاب‌های تألیفی است. داوران نیز در نظر داشته باشند که تا حد ممکن برگزیدگان از میان مؤلفان انتخاب شوند. به همین منظور، امتیاز ویژه ۱۰، برای کتاب‌های تألیفی در فرم‌ها در نظر گرفته شده است.

کیا، داوران را به رعایت تمامی شاخص‌ها و معیارهای داوری دعوت کرد و گفت: خاستگاه این شاخص‌ها، مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش‌وپرورش است که بر مواردی مانند انطباق آثار با ارزش‌های اسلامی، برخورداری از اعتبار علمی و ارتباط با برنامه درسی و دیگر موارد تأکید دارد. این شاخص‌ها قابل جرح و تعدیل است. ولی به دلیل دقت در تهیه این دستورالعمل، هرگز این تجربه را نداشتیم که گروه‌های داوری در این شاخص‌ها تصرفی داشته باشند.

کتاب‌های برگزیده و تقدیری

وی با توضیح چگونگی اختصاص رتبه برگزیده و تقدیری به کتاب‌ها افزود: ۲۰۰ امتیاز حداکثر امتیازی است که کتاب‌های برگزیده می‌توانند به دست آورند و کتاب برگزیده باید حداقل ۱۶۰ امتیاز(۸۰درصد) را کسب کند. این موضوع باید مد نظر باشد، چون اگر کتاب برگزیده‌ای امتیازی کمتر از این کسب کند، کمیته علمی آن را بر می‌گرداند. اگر کتابی حداقل ۱۴۰ امتیاز به دست آورد، نشان درجهٔ ۲ جشنواره و عنوان کتاب تقدیری را از آن خود می‌کند.

کیا، با تأکید بر اینکه اکثر داوران اهل قلم و شاخص هستند، گفت: میانگین امتیازی که توسط سه داور هر گروه داوری داده می‌شود، امتیاز نهایی کتاب را شکل می‌دهد. من توصیه می‌کنم که داوران به شکل انفرادی در طول داوری کتاب‌ها را ارزیابی کنند تا تحت‌تأثیر نظرات یکدیگر قرار نگیرند و در یک جلسه مشورتی نهایی، بهترین کتاب حوزهٔ خود را معرفی کنند. ضمن آنکه در فرم نهایی حتماً ذکر شود که چرا کتابی به‌عنوان کتاب برگزیده معرفی شده است. داوران در جلسه نهایی باید حداکثر ۱۰ کتاب را انتخاب و نهایی کنند و با برشمردن ویژگی‌ها و شاخص‌های هر کتاب یکی از آن‌ها را به‌عنوان کتاب برگزیده یا اگر هیچ یک از کتاب‌ها شرایط کتاب برگزیده را نداشت، به‌عنوان کتاب تقدیری معرفی کنند. اگر در گروهی هیچ کتابی برگزیده یا شایسته تقدیر نبود، حتماً در بیانیه به دقت به اینکه چرا چنین تصمیمی گرفته شده، پرداخته شود.

کیا: خاستگاه شاخص‌ها و معیارهای داوری کتاب‌ها، مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش‌وپرورش است که بر مواردی مانند انطباق آثار با ارزش‌های اسلامی، برخورداری از اعتبار علمی و ارتباط با برنامه درسی و دیگر موارد تأکید دارد

نکات بیانیه‌های داوران

بیانیه داوران، موضوع دیگری بود که کیا با اشاره به آن گفت: در سال‌های قبل متأسفانه در این بخش ضعف‌هایی بود. بیانیه به‌عنوان سند علمی جشنواره دارای اهمیت زیادی است که نقاط ضعف و قوت، کمیت و کیفیت و چگونگی پرداخت موضوعات باید حتماً در آن‌ها آورده شود. ضمن آنکه باید حاوی راهکارها و پیشنهادهای داوران به دبیرخانه جشنواره، ناشران و نویسندگان هم باشد.

معاون دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی ادامه داد: در هر گروهی به ازای هر برگزیده، سه تا چهار کتاب هم به‌عنوان «نامزد» معرفی می‌شود و معرفی نامزدها نشان دهنده کتاب‌هایی است که شانس بیشتری داشته‌اند تا عنوان برگزیده را از آن خود کنند. معرفی نامزدها باعث می‌شود تا مؤلفان این کتاب‌ها تشویق شده و خود را به رتبه‌های برتر نزدیک کنند.

قابل ذکر است که به همه پدیدآورندگان این کتاب‌ها لوح تقدیر داده می‌شود. در کنار معرفی آثار برگزیده و شایسته تقدیر، در حاشیه جشنواره، نمایشگاهی از آثار تمامی پدیدآورندگانی که نامزد معرفی بهترین آثار بودند، برگزار می‌شود تا کتاب‌های شایسته بیش از پیش مورد حمایت قرار گیرند.

وی در پایان تأکید کرد: اگر یکی از داوران خودش کتابی در آن گروه تألیف کرده باشد و بخواهد کتابش داوری‌های جشنواره را طی کند، باید از داوری انصراف دهد. البته ما سعی کردیم در لیست کتاب‌ها، مؤلفان و دایره داوری‌ها را شناسایی کنیم تا این مشکل پیش نیاید، اما اگر داوران با این موضوع مواجه شدند ما را مطلع کنند. ضمن آنکه ممکن است کتابی در جشنوارهٔ پیش یا دوره‌های قبلی، رتبه‌ای آورده و امسال با عوض شدن قطع و شکل، دوباره در جشنواره شرکت کند ولی محتوا همان باشد، اگر داوران با چنین کتابی مواجه شدند حتماً کتاب را از داوری خارج کنند و دبیرخانه جشنواره را در جریان قرار دهند.

سمانه آزاد

محمد ابراهیمی، سرگروه داوران زیست‌شناسی:

مخاطب به کتاب خوب کمتر رغبت دارد

در جشنوارهٔ امسال هفت عنوان کتاب به دست داوران گروه زیست‌شناسی رسیده که شامل کتاب‌های کار برای دانش‌آموزان و کتاب‌های دانش‌افزایی بودند؛ اما با کیفیتی نه‌چندان خوب. محمد ابراهیمی، از داوران این گروه، معتقداست؛ تا زمانی که کنکور به مسایل آموزشی جهت می‌دهد، دانش‌آموزان کمتر به کتاب‌های خوب رغبت نشان می‌دهند.

آقای ابراهیمی، در گروه زیست‌شناسی چند عنوان کتاب را بررسی کردید و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ما هفت عنوان کتاب را بررسی کردیم، اعم از کتاب کار برای دانش‌آموزان و کتاب‌های علمی دانش‌افزایی. اما کیفیتشان به نظرم خیلی جالب نبود، به طوری که نمی‌شد از بین آن‌ها کتابی انتخاب کرد.

چرا؟

من فکر می‌کنم، کتاب‌های کمک‌آموزشی آنقدر بازار را گرفته‌اند که انجام کار علمی برای کسی جذابیت ندارد یا سود مادی و معنوی چندانی ندارد که کسی بخواهد غیر از کتاب کمک‌درسی کاری انجام دهد. وقتی کتاب کمک‌درسی شمارگانی نزدیک به پنج هزار دارد و چند بار تجدید چاپ می‌شود، قطعاً افراد سراغ تولیدش می‌روند. در میان کتاب‌هایی که به دست ما رسیدند، سه کتاب تست، یک کتاب کار و سه کتاب علمی بودند. کتاب‌های علمی گرچه چنگی به دل نمی‌زدند، ولی بهتر از کتاب‌های دیگر بودند.

بنابراین کتاب‌ها نیاز مخاطبان را تأمین نمی‌کردند؟

نه اصلاً.

شما بازار کتاب را رصد کرده‌اید؟ آیا کتاب‌های متفاوتی در بازار مشاهده کرده‌اید؟

بله در بازار کتاب آثار علمی هستند که هیچ کدام را در جشنواره ندیدم. نمی‌دانم چرا ناشران این آثار را معرفی نکرده بودند. شاید جشنواره برایشان جذابیتی ندارد یا چیزی که انتظار دارند، به آن‌ها ارائه نمی‌شود. زیست‌شناسی علمی است که روزبه‌روز گسترده می‌شود و زمینه‌هایی مانند بهداشت محیط، پزشکی و... را شامل می‌شود. اما دربارهٔ این موضوع‌ها هیچ کتابی ندیدم. چند ناشر در این حوزه فعالیت دارند که اصلاً در جشنواره شرکت نداشتند.

اصولاً نیاز اصلی دانش‌آموزان در درس زیست‌شناسی چیست؟

تا زمانی که کنکور به همهٔ مسائل آموزشی جهت می‌دهد، دانش‌آموز کمتر به کتاب‌های خوب رغبت نشان می‌دهد. متأسفانه همکاران ما هم فرصت کار دیگری را ندارند. نمی‌توانند دنبال کتابی باشند که درک دانش‌آموز را از درس بالا ببرد. بیشتر سعی می‌کنند کتاب‌هایی را بگیرند که بتوانند با آن‌ها کار کنند و دانش‌آموز هم راضی باشد. من فکر می‌کنم اصلاً دانش‌آموزان ما رغبت چندانی به خواندن کتاب خوب ندارند.

آقای ابراهیمی به‌طور کلی کمبودهای این حوزه را چگونه می‌بینید؟

اول از همه اینکه جهت‌دهی نشرمان را بخشی انجام می‌دهد که با کنکور ارتباط دارد. اگر قرار است اصلاحی صورت گیرد، باید بخش تشویقی زیاد شود. یکی از نقطه ضعف‌هایی هم که دیده می‌شد، این بود که برخی یک کتاب را به چند کتاب تقسیم کرده و هر قسمت را به‌عنوان یک کتاب ارائه داده بودند تا از این بابت امتیاز بگیرند. درصورتی که همهٔ آن‌ها یک کتاب بودند.

شما دلیل این موضوع را چه می‌دانید؟

شاید بهتر باشد بپرسیم برای آثار برگزیده چه امکاناتی قائل می‌شویم؟ مگر چند درصد دانش‌آموزان و معلمان به انتهای کتاب درسی مراجعه می‌کنند؟ اگر این کار را به‌عنوان سیاست تشویقی درنظر می‌گیرید، باید آماری بگیریم که هر کتاب از سوی دانش‌آموزان و معلمان چقدر مورد توجه قرار می‌گیرد؟ این سیاست‌ها به شرطی مطلوب است که مخاطب به موضوع مورد نظر ما توجه داشته باشد. اما وقتی تمام فکر و ذکر مخاطب کنکور است، چه می‌شود کرد؟

پرویز آزادی، سرگروه داوران تعلیم و تربیت دینی:

ضرورت نیازسنجی پیش از تولید کتاب‌های دینی

اعضای گروه تعلیم و تربیت دینی ۲۹ عنوان کتاب را داوری کردند که به گفته پرویز آزادی دارای کیفیت مطلوبی بودند. این داور با تأکید بر اینکه کتاب‌هـــای تألیفی این حوزه دارای کیفیت بســـیار بالاتری نسبت به آثار ترجمه بودند، پاسخ‌های کامل و قانع کننده به نیازهای معرفتی مخاطبان را مهم‌ترین نیاز برشمرد. اما آنچه کمبود آن مشـــهود است عدم نوآوری، عدم رعایت زبان مخاطب و جذابیت در کتاب‌سازی است.

چند عنوان کتاب به گروه شما رسیده است؟

در بخـــش کتاب‌های تعلیم و تربیت دینی ۲۹ عنوان کتاب برای داوری دریافت شد که تا حدود زیادی دارای کیفیت مطلوب بودند. به همین دلیل رقابت ســـختی میان آثار، خصوصاً شش اثر نامزد صورت گرفت. علاوه بر این در سال جاری کتاب‌های تألیفی، کیفیت بسیار بهتری نسبت به کتاب‌های ترجمه‌ای داشتند.

آیا کتاب‌های ترجمه با نیازهای مخاطب ایرانی سازگاری دارد؟

کتاب‌های ترجمه‌ای معمولاً به دلیـــل فاصله فرهنگی که دارند چندان در این رشـــته مطلوب نیستند؛ گرچه از نظر جذابیت‌های ظاهری تا حدودی برتری دارند.

به نظرتان در این حوزه اصلی‌ترین نیاز مخاطبان چیست؟

اصلی‌ترین نیاز مخاطب در این رشـــته یافتن پاسخ‌های کامل و قانع کننـــده به نیازهای معرفتی اســـت. دانش‌آموزان خصوصاً در دوران متوسطهٔ اول و دوم با توجه به سؤالات متعددی که در حوزه اعتقادات و اخلاق دارند از کتاب‌هایی اســـتقبال می‌کنند که هم از نظر ظاهری جذاب و هم از نظر محتوایی متناسب با نیاز آنان باشند؛ یعنی هم به زبان مخاطب نزدیک باشـــد و هم به سؤال‌های آن‌ها پاسخ روشنی ارائه کند.

در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی رو به‌روییم؟

نوآوری، توجه به نیازهای اساسی مخاطب، رعایت زبان مخاطب و ایجاد جذابیت در کتاب‌ســـازی از کمبودهای این حوزه است. اگر مؤلفان و ناشران محترم این مؤلفه‌ها را مد نظر قرار دهند قطعا آثار تولیدی آنان با اقبال بیشتری از سوی مخاطب مواجه خواهد شد.

از مهم‌ترین معیارهای جشـــنواره همسویی کتاب با برنامه درسی است. کتاب‌ها تا چه حد به این موضوع توجه داشتند؟

برنامه درســـی تعلیم و تربیت دینـــی در آموزش و پرورش معیار تألیف کتاب اســـت و هر کتاب آموزشی که در چارچوب این برنامه درسی تألیف شـــود، قطعاً موجب تکمیل آموزش و تقویت آن در آموزش و پرورش خواهد شـــد. متأسفانه مؤلفان و ناشران محترم کمتر به این موضوع توجه دارند یـــا اصلاً اطلاعی از آن ندارند. در صورت مطالعه و توجه به این برنامه، تولیدات مطابـــق نیازها خواهد شـــد و می‌توان نقش مؤثری در تعلیم و تربیت دینی دانش‌آموزان در سطوح مختلف ایفا کرد.

آیا تلاشی از سوی ناشـــران در تولید کتاب‌های متفاوت و خلاقانه دیده می‌شود؟

برخی ناشـــران به‌حق در زمینـــه تولیدات دینی گام‌های مهم و قابل توجهی برداشـــته‌اند. این ناشران با میدان دادن به نویســـندگانی که دارای ایده‌های جذاب و ارزشمند هســـتند، تولیدات قابل توجهی دارند و سرمنشأ جهش‌های قابل توجه در این زمینه‌اند.

با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزان فکر می‌کنید می‌توانیم برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟

معلمان محترم بیشترین آشنایی را با نیازهای دانش‌آموزان دارند. اگر مؤلفان محتـــرم قبل از اقدام به تألیف بـــا معلمان محترم در مناطق مختلف مشورت نمایند و نیازها را دقیقاً از کسانی که با آن درگیر هستند بپرسند، کتاب‌هایی تولید خواهد شد که در تأمین نیازهای فکری و معرفتی دانش‌آموزان کمک‌کار معلمان خواهد بود. بدیهی اســـت که معلم در فرصت اندک کلاس نمی‌تواند به تمامی سؤالات دانش‌آموزان پاسخ دهد و اگر منابعی در جهت رفع نیازهای دانش‌آموزان تولید شود، معلم می‌تواند به این کتاب‌ها ارجاع دهد و ایـــن هم موجب فروش کتاب و هم یاری معلم در تعلیم و تربیت دینی خواهد شد.

معلمانی که بخواهند در این حوزه دست به تألیف بزنند، باید چه پیش‌شرط یا ویژگی داشته باشند؟

معلمان محترمی که بخواهند دست به تألیف کتاب در حوزه تعلیم و تربیت دینی بزنند شایسته است دو ابزار ضروری را کسب نمایند. در درجـــه اول باید مطالعات خود را در حوزه تعلیم و تربیت دینی افزایش دهند و اگر لازم دیدند دوره‌های تخصصی در این زمینه را بگذرانند و در درجه دوم تمرین نویســـندگی نمایند که با توجه به ظرفیت‌های فراوان در کشور در هر دو حوزه، کسی که اراده نماید می‌تواند در مدت زمان معقولی این ابزارها را به دست آورد و منشأ آثار ارزشمند و قابل قبولی شود.

نقش جشنواره کتاب رشد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جشنواره رشد می‌تواند با سیاست‌گذاری بر اساس نیازهای اساسی تعلیم و تربیت دینی به تولیدات این حوزه جهت دهد. این جشنواره در سال‌های گذشته توانسته است آثار شایسته را به خوبی شناسایی و معرفی کند و این عملکرد می‌تواند موجب تشویق ناشران برجسته و تلاش بیشتر در این زمینه باشد.

مرجان فولادوند، سرگروه داوران داستان کودک:

نویسنده باید روایت و نگاه معاصر داشته باشد

از میان ۷۵۰ عنوان کتابی که در حوزهٔ داستان کودک به دبیرخانهٔ جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد رسیده‌اند، ۱۵۰ عنوان به مرحلهٔ دوم داوری راه یافتند که تعداد آثار ترجمه‌ای در میان آن‌ها بیش از تألیفی است.
مرجان فولادوند، داور این گروه، معتقد است: توجه به مسائل روز کودکان در این کتاب‌ها کمتر دیده می‌شود. البته باید به یاد داشته باشیم، منظور از همراه بودن با مسائل روز تنها در تغییرات فناورانه یا ظاهر وسایل زندگی نیست (هر چند این تغییرات هم مهم هستند)، بلکه منظور نگاه و فهم ما از مسائل است که باید به‌روز و معاصر باشد.

■ در حوزهٔ کتاب داستان کودک چند عنوان کتاب بررسی شده است؟

ظاهراً حدود ۷۵۰ عنوان کتاب به دفتر جشنواره رسیده است. در داوری اولیه که توسط گروه دیگری از کارشناسان انجام گرفت، از این تعداد تنها ۱۵۰عنوان به داوری مرحلهٔ دوم راه یافتند. در این مرحله حدود ۳۰ کتاب انتخاب و از میان آن‌ها، نامزدها و برندگان نهایی اعلام خواهند شد.

■ موازنهٔ آثار تألیفی و ترجمه‌ای چگونه بود؟

من آمار تفکیک شده‌ای از تعداد کتاب‌های تألیفی و ترجمه‌ای در کل آثار منتشر شده ندارم. بنابراین پاسخ من محدود به آثاری است که در مرحلهٔ دوم داوری به دست ما رسیدند. در این مرحله تعداد ترجمه‌ها بیشتر از کتاب‌های تألیفی بود.

■ شما دلیل آن را در چه می‌بینید؟

دلایل مختلفی وجود دارد. استقبال از آثار ترجمه از سوی مخاطب (که نیاز به آسیب‌شناسی خاص خود را دارد) را می‌توان یکی از دلایل دانست. اما نباید از نظر دور داشت، به‌دلیل نبود الزام به رعایت «حق کپی‌رایت»، بعضی از ناشران به دلایل اقتصادی به ترجمه رو می‌آورند. زیرا بدون پرداخت هیچ هزینه‌ای صاحب یک کتاب کامل با متن، تصویر و طراحی گرافیک می‌شوند. حتی گاه حق‌الترجمه را هم نمی‌پردازند. زیرا مترجمان عمدتاً جوان را با این دلیل که ترجمه نوعی سابقهٔ کار و اعتبار مترجم محسوب می‌شود، به انجام کار بدون دستمزد راضی می‌کنند. در حالی‌که برای چاپ یک کتاب تألیفی می‌باید حق‌التألیف و هزینهٔ تصویرگر و طراحی گرافیک پرداخت شود. بسیاری از این کتاب‌های ترجمه‌ای برجستگی یا امتیاز خاصی ندارند.

البته باید بر این موضوع تأکید کرد که هیچ ملتی از ترجمهٔ آثار دیگر کشورها و فرهنگ‌ها بی‌نیاز نیست و ما هم نباید خود را از گنجینهٔ دانش، ادبیات و هنر کشورهای دیگر جهان محروم کنیم. اینجاست که به اهمیت نقش ناشران شریفی که دلسوزانه در پی

یافتن بهترین کتاب‌ها و ترجمه و انتشار آن‌ها به شکل قانونی در ایران هستند، و تأثیر آن در ارتقای سطح فرهنگ، ادبیات و دانش در جامعه پی می‌بریم.

سال گذشته کتاب‌های ژانر وحشت زیاد بودند. آیا امسال هم همین طور است؟

ژانر وحشت همیشه طرفدارهای خودش را داشته و هیجان‌انگیز بوده است، اما غالباً برای گروه سنی نوجوان نوشته می‌شود. نویسندگان کودک غالباً از عنوان‌هایی که شبیه به‌عنوان‌های ژانر وحشت هستند، برای جذابیت کار استفاده می‌کنند؛ مثل «مجموعه خاطرات هیولا» که البته داستان‌ها به هیچ عنوان به اندازهٔ رمان‌های نوجوان ترسناک نیستند. بین ۱۵۰ کتابی که ما بررسی کردیم، تعداد کمی را می‌شد در این ژانر (با توجه به اقتضائات کتاب کودک) دسته‌بندی کرد.

کتاب‌ها تا چه اندازه با ویژگی‌های فرهنگی و بومی ما هماهنگی دارند؟

ویژگی‌های فرهنگی و بومی زیرساخت تفکر نویسنده و زمینه‌ای هستند که متن در آن متولد می‌شود. بنابراین هر متنی در نهان خویش رنگی از زمینهٔ خود را دارد. اما اینکه نویسندگان با توجه به مسائل روز کودکان در این کتاب‌ها طرح مسئله کنند، کمتر دیده می‌شود. زندگی و مسائلی که بچه‌ها با آن‌ها مواجه می‌شوند، به سرعت در حال تغییرند. نویسنده ناچار است این تغییرات را به سرعت درک کند و برای مخاطبی که با این شرایط زندگی می‌کند، داستان‌هایی بنویسد که او بتواند خود و مسئله‌هایش را در آن‌ها بیابد.

البته باید به یاد داشته باشیم، ادبیات متن‌های روزنامه‌ای نیست. منظور من از همراه بودن با مسائل روز تنها در تغییرات فناورانه یا ظاهر وسایل زندگی نیست (هر چند این تغییرات هم مهم هستند). بلکه منظور من فهم ما از مسائل است که باید به‌روز و معاصر باشد. ما می‌توانیم داستانی نقل کنیم که فضای آن در ۱۰۰ سال گذشته می‌گذرد، اما نگاه ما به آن و روایت ما از آن، روایت و نگاهی معاصر باشد. مثلاً ما همیشه می‌توانیم دربارهٔ آدم‌های خوب و آدم‌های بد داستان بنویسیم. **حکیم نظامی** در «هفت گنبد» داستان خیر و شر را روایت کرده است. امروز هم می‌توان از خیر و شر نوشت، اما نه به شکلی که نظامی نوشته است: آدمی که از بدو تولد خوب است و تا آخر هم خوب می‌ماند و پاداش عملش را می‌گیرد، و آدمی که ذاتاً بد زاده شده و همیشه بدی می‌کند و در آخر مجازات می‌شود. نویسندهٔ امروز می‌تواند داستان خیر و شر بنویسد، اما نمی‌تواند بگوید کسی که ذاتاً شرورزاده شده است، امکان اصلاح ندارد. بنابراین اگر از معاصر بودن حرف می‌زنیم، منظور ابزار و وسایل نیست، بلکه روایت معاصر از جهان است که پیچیده‌تر، متفاوت‌تر و لغزان‌تر از روایت‌های ساده و یک رویهٔ گذشته است.

چطور می‌توان از کتاب‌های خوب و از پدیدآورندگان کتاب‌های خوب حمایت کرد؟

از طریق رسانه و تبلیغات. ببینید در سال چند گروه به شکل منظم کتاب‌ها را پایش و داوری می‌کنند. منابع مالی و انسانی بسیاری صرف این کار می‌شود. کانون پرورش فکری، شورای کتاب و جشنوارهٔ کتاب سال رشد و لاک‌پشت پرنده، همه فهرستی از کتاب‌های برتر و نامزدهایی را منتشر می‌کنند که نظر مثبت داوران را با سلیقه‌ها و نگرش‌های متفاوت جلب کرده‌اند. دانشگاه شیراز که قطب دانشگاهی ادبیات کودک ایران است، هر دو سال عنوان‌هایی از کتاب‌های برگزیده‌ای را که در یک نوع ادبی خاص(مثل رمان یا کتاب‌های بازنگاری) بررسی کرده است، منتشر می‌کند. اما این فهرست‌ها به اندازهٔ کافی به مردم معرفی نمی‌شوند. اگر مردم کتاب‌های خوب را بشناسند، مسلماً دنبال آن‌ها خواهند رفت. این فهرست‌ها و کتاب‌های منتخب معمولاً از تبلیغات مناسب برخوردار نیستند و در عوض، کتاب‌هایی که توزیع سوپرمارکتی دارند و اغلب چندان هم کتاب‌های خوبی نیستند، با شمارگان و توزیع خوب همه‌جا هستند و مردم بیشتر آن‌ها را می‌بینند.

نهادها و مؤسسه‌هایی که نمایشگاه برگزار می‌کنند، می‌باید بخشی برای عرضهٔ کتاب‌های برگزیده داشته باشند، وگرنه حاصل صرف همهٔ منابع و هزینه‌ها برای انتخاب کتاب‌های منتخب، به چند نویسنده، منتقد و داور که در جریان این داوری‌ها بوده‌اند، محدود خواهد شد و این موجب تأسف جدی است.

منیژه رهبر سرگروه داوران فیزیک

دوری فیزیک از زندگی

منیژه رهبر، سرگروه داوران فیزیک، معتقد است: تبلیغات گسترده و گاه خود نظام آموزشی باعث شده‌اند دانش‌آموزان و معلمان به سمت کتاب‌هایی بروند که تنها ذهن آن‌ها را از اطلاعات انباشته می‌کنند، بی‌آنکه مهارتی را به آن‌ها بیاموزند. این استاد دانشگاه در گفت‌وگو با جوانه، به جای خالی پیوند فیزیک و زندگی روزمره، نوآوری و نیز تجربه‌های معلمان در انتقال مفاهیم، در کتاب‌ها اشاره کرد. موضوعی که باعث شده است، دانش‌آموزان ما سخت تلاش کنند، بدون آنکه بتوانند مسائل واقعی فیزیک را در زندگی حل کنند.

خانم رهبر، در گروه فیزیک چند عنوان کتاب به دست شما رسید و این آثار بیشتر در چه حوزه‌ای هستند؟

در گروه ما ۹ کتاب بررسی شدند که البته من از این تعداد کم متعجب شدم. بیشتر آثار هم کتاب کار برای دانش‌آموزان و کم‌وبیش یکسان بودند. درواقع، بیشتر آثار شامل تست‌های چهارگزینه‌ای و مسئله‌هایی بودند که کمتر به کاربرد فیزیک در زندگی توجه داشتند. ما فیزیک می‌خوانیم تا در زندگی از آن استفاده کنیم. بنابراین مسائل باید به نحوی مطرح شوند که دانش‌آموزان بتوانند در زندگی از آن‌ها استفاده کنند. متأسفانه در بیشتر کتاب‌ها، غالباً به یک سلسله مسائل مجرد کلی توجه شده بود که معلوم نیست به چه حوزه‌ای مربوط می‌شوند.

یکی از کتاب‌های رسیده، یک فصل از یک کتاب دانشگاهی دربارهٔ «فیزیک هسته‌ای» را خلاصه کرده است که البته نه فصل‌ها با هم ارتباط منطقی دارند و نه مترجمان روی موضوع مسلط بوده‌اند.

کتابی هم دربارهٔ نجوم بود که پیش از آنکه کتاب را ببینم، فکر می‌کردم اثر خوبی باشد. اما از آنجا که رشتهٔ مترجم ریاضی است و مبحث مربوط به فیزیک، اشکالاتی دارد. مثلاً عنوان کتاب «۳۰ جسم فضایی» است که «پدیدهٔ فضایی» ترجمه شده است. یعنی حتی عنوان کتاب هم درست ترجمه نشده است. در متن کتاب هم ناآشنایی با مطالبی که ترجمه شده، نمایان است. در واقع با دیدن کتاب‌ها ناامید شدم.

یعنی فکر می‌کنید در سال‌های گذشته وضعیت کتاب‌ها بهتر بود؟

من سال‌های گذشته در جشنواره شرکت نداشتم، ولی چون در زمینهٔ ترجمه فعالیت دارم، با این حوزه آشنا هستم. در کتاب‌های خارجی از سال ۱۹۹۰ تحول بنیادینی صورت گرفته است، به‌طوری‌که کتاب‌ها با مسائل روزمره پیوند دارند. مسائل و مثال‌ها خیلی به زندگی روزمره نزدیک‌اند و غالباً هم به‌صورت جذابی ارائه می‌شوند. متأسفانه تست‌های چهارگزینه‌ای در کتاب‌های ما خیلی دیده می‌شوند؛ چیزی که مدت‌هاست در کشوری مانند انگلستان منسوخ شده است و به کار برده نمی‌شود.

اما متأسفانه فعالیت کلی که در زمینهٔ آموزش صورت می‌گیرد چه در فیزیک و چه درس‌های دیگر مربوط به تبلیغاتی است که دائماً می‌بینیم و می‌شنویم. بقیهٔ ناشران هم بیشتر در این جهت کار می‌کنند. ذهن دانش‌آموزان را از موضوع‌هایی پر می‌کنند که به کارشان نمی‌آید. مثلاً ممکن است دانش‌آموز ۲۰۰ مسئله حل کند، ولی وقتی با یک مسئلهٔ واقعی در زندگی روبه‌رو می‌شود، نمی‌تواند حلش کند. فکر می‌کنم این اشکال کلی نظام آموزشی ماست که متأسفانه خیلی به آن توجه نمی‌شود.

به نظر شما نیاز اساسی دانش‌آموزان و معلمان در حوزهٔ فیزیک چیست؟

زمانی افراد علاقه‌مند به حوزهٔ آموزش در این بخش کار

می‌کردنـــد. کتاب‌های خوبی تولید و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دادند. الان موضوع حالت تجاری به خود گرفته است. عده‌ای کتاب‌هایی را با تبلیغات زیاد بـــه دانش‌آموزان توصیه و آن‌ها را مجبـــور می‌کنند که این کتاب‌ها را بخوانند. شـــما می‌بینید که دانش‌آموزان زحمت زیادی می‌کشـــند، ولی بی‌کارند. این نشان می‌دهـــد، آنچه یاد می‌گیرند مهارتی نیســـت که بـــا آن بتوانند فعالیتی کنند یا مســـئله‌ای را که کشـــور با آن روبه‌روست، حل کنند. به نظرم مشـــکل اینجاست که ما سخت می‌کوشیم، بدون اینکه نتیجهٔ زیادی به دست آوریم.

■ فکر می‌کنید سیاست‌گذاری ناشـــران در این زمینه می‌تواند کمک‌کننده باشد؟

بله. الان اگر کتاب خوبی هم منتشـــر شود، چندان مورد توجه قـــرار نمی‌گیرد. چون ناشـــر بودجهٔ زیادی بـــرای تبلیغ ندارد یا کسانی نیســـتند که کتاب را توصیه کنند. متأسفانه الان تمرکز تبلیغات بر کتاب‌هایی است که فایده چندانی برای دانش‌آموزان ندارد.

■ پس فکر می‌کنید ناشرانی که آثار استاندارد و مناسبی تولید می‌کنند، به خاطر نداشتن تبلیغات مناسب یا صدای بلند تبلیغات، آثارشان دیده نمی‌شود.

بله. ما چند هزار ناشـــر داریم، اما شـــمارگان کتاب‌ها بیش از ۵۰۰ نسخه نیست. به نظرم بیشتر ناشران انگیزهٔ تجاری دارند تا اینکه اندیشهٔ خدمت داشته باشند. بیشتر کتاب‌هایی که منتشر می‌شوند، به حوزهٔ کمک‌درسی و کتاب کار مربوط می‌شوند. کتاب کار هم باید موارد و مســـائلی را مطـــرح کند که به دانش‌آموزان کمک کند، آنچه را آموخته‌اند در زندگی به کار ببرند.

■ تفاوتی میـــان کتاب‌های تألیفـــی و ترجمه‌ای وجود داشت؟

وقتی از تألیف حرف می‌زنیم، منظورمان افرادی اســـت که در زمینه‌ای کار کرده‌اند و تجربه دارند و بر اساس تجربیاتشان کتابی می‌نویسند. اما کتاب‌هایی که ما به‌عنوان تألیف می‌شناسیم، خیلی هم تألیفی نیســـتند. یعنی فرد تکه‌هایی از کتاب‌های متفاوت را کنار هم گذاشـــته است، آن هم غالباً به‌طوری‌که ارتباط منطقی ندارند. یا اینکه بر اساس تجربه‌شان نوشته نشده است.

دربارهٔ ترجمه هم برخی فکر می‌کنند، همین‌که با اســـتفاده از فرهنگ‌لغت معنی کلمـــات را کنار هم بگذارند، ترجمه کرده‌اند. در حالی‌که مترجم باید با زبان مبدأ و مقصد و موضوع آشـــنایی داشته باشد تا مفهوم را طوری بیان کند که قابل‌فهم باشد. برای اینکه بتوانید موضوعی را به کســـی یاد بدهید، ابتدا باید موضوع برای خودتان کاملاً روشن باشد. بنابراین، چه تألیف و چه ترجمه، اگر توسط افراد علاقه‌مندی که تجربه و تسلط کافی روی موضوع دارند صورت بگیرد، اثر خوب خواهد بود.

■ یعنی فکر می‌کنید کتاب‌ها این‌طور نبودند؟

من حتـــی نوآوری هـــم در کتاب‌ها نمی‌بینم. مثـــلاً در مورد الکتریســـیته همهٔ مســـائل یک شکل هســـتند. این موضوع در دانشگاه هم دیده می‌شود. دانشـــجویان گاه مسئله‌های پیچیدهٔ مکانیک کوانتومی را حل می‌کنند، ولی مســـئلهٔ ســـاده‌ای را که صورت آن ناآشناست، نمی‌توانند حل کنند. درواقع صورت‌مسئله که عوض می‌شود، دیگر از پس حل مسئله برنمی‌آیند. همه‌چیز برایشان فرمول‌بندی ریاضی است. نمی‌دانند که مسائل چه ربطی به زندگی و دنیای واقعی دارد.

■ به نظر شما دلیل این موضوع چیست؟

فکر می‌کنم نظام آموزشـــی ما در این زمینه اشکال دارد. آنچه در نظام آموزشـــی آموزش می‌دهیم، باید در این جهت باشد که دانش‌آموزان مهارتی را کســـب کنند. صحبت از این اســـت که کتاب‌های غیراستاندارد به مدرسه‌ها راه پیدا نکنند، اما می‌بینید کـــه این آثـــار از دورهٔ پیش‌دبســـتان تا دکترا به‌طـــور مداوم از صداوسیما تبلیغ می‌شوند.

■ به تجربهٔ مؤلفان و تأثیـــر آن بر نگارش بهتر کتاب‌ها اشـــاره کردید. فکر می‌کنید می‌توانیم در این زمینه به معلمانی که تجربهٔ کافی در این زمینه دارند، تکیه کنیم؟

من در این زمینه تجربهٔ «مجله رشـــد آموزش فیزیک» را دارم. ما در مجله از معلمان می‌خواســـتیم که تحقیق کنند و نتایجش را بـــرای مجله بفرســـتند. آن‌ها گمان می‌کردنـــد تحقیق حتماً باید دربارهٔ ســـیاه‌چاله‌ها و مانند آن باشـــد. در حالی‌که قصد ما این بود که از تجربه‌های خود در مدرســـه و کلاس بنویسند که خوش‌بختانه به‌تدریج این اتفاق افتاد.

به این منظور باید معلمان را تشویق کنیم که وقتی می‌خواهند تحقیق کنند، مســـائلی را که با آن روبه‌رو هستند، حل کنند، نه مسائل خیلی پیچیدهٔ فیزیکی را. گاهی ما فکر می‌کنیم امر سطح بالا موضوعی اســـت که کسی از آن ســـر در نیاورد، درصورتی‌که اگر به موضوعی مسلط باشید و بتوانید آن را به زبانی بیان کنید که برای همه قابل‌فهم باشـــد، خود امری مهم است. در خارج از کشور بسیاری از استادان بعد از بازنشستگی روی مسائل آموزش کار می‌کنند و تجربه‌هایشان را توصیه می‌کنند. اما متأسفانه در جامعهٔ ما کمتر رواج دارد. خوب اســـت که معلمان در این زمینه فعالیت کنند.

حشمت‌الله سلیمی، سرگروه داوران تاریخ:

کتاب خوب خواننده را به تفکر وامی‌دارد

در شانزدهمین دورهٔ جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، گروه تاریخ ۲۶ عنوان کتاب را بررسی کرد. حشمت‌الله سلیمی، داور این گروه، معتقد است: بی‌توجهی به برنامهٔ درسی، بسیاری از کتاب‌های چاپ‌شده را برای مخاطبان حوزهٔ آموزش، چه معلم و چه دانش‌آموز، بی‌استفاده می‌کند. به عقیده او یک کتاب خوب باید خواننده را به تفکر عمیق‌تر وادارد.

چند عنوان کتاب به گروه تاریخ رسید و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۲۶ عنوان کتاب به گروه ما رسید، که از نظر کیفیت در یک سطح نیستند. کتابی که همهٔ ویژگی‌های کیفی را ازنظر تصویر و صفحه‌آرایی، زیبایی متن و اندازهٔ حروف، و دیگر شاخص‌ها داشته باشد، کم پیدا می‌شود.

موازنهٔ آثار تألیفی و ترجمه‌ای چگونه است؟

امسال تنها یک کتاب ترجمه‌ای به گروه رسیده است که ترجمه‌ای قوی، روان، یکدست و شیوا دارد. ازنظر محتوایی و روش هم، بیشتر ویژگی‌های یک کتاب مناسب را دارد. بنابراین به جرئت می‌توان گفت که این کتاب از بسیاری از کتاب‌های تألیفی برتر است. بین آثار تألیفی هم تعداد کمی کتاب پیدا می‌شود که ویژگی‌های یک کتاب آموزشی مناسب را دارند.

آیا کتاب ترجمه‌ای با نیاز مخاطب ایرانی سازگاری دارد؟

طبیعی است که همهٔ ترجمه‌ها نمی‌توانند نیاز مخاطبان را برآورده کنند؛ چون بر اساس نیاز مخاطب ایرانی نوشته نشده‌اند و بسیاری از مترجمان هم کتاب‌ها را صرفاً بر اساس علائق خود انتخاب و ترجمه کرده‌اند. با این حال بین کتاب‌های ترجمه‌ای کتاب‌هایی هست که مترجم به نیاز مخاطب توجه داشته است.

به نظرتان در این حوزه، اصلی‌ترین نیاز مخاطبان در زمینهٔ منابع آموزشی چیست؟

کتاب‌های درسی به خاطر محدودیت حجم و زمان تدریس نمی‌توانند تمامی زاویه‌های موضوع‌ها را بشناسانند. کتاب آموزشی باید هم دانش بیشتری به مخاطب بدهد و هم آنان را به تفکر عمیق‌تر وادارد.

در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی روبه‌رو هستیم؟

تعداد کتاب‌هایی که به هدف‌های آموزشی مواد درسی و کتاب‌های درسی توجه دارند، کم است. علت این است که نویسندگان چندان با هدف‌های آموزشی آشنا نیستند. ممکن است کتابی برای مخاطب عام، جذاب باشد، اما هدف‌های آموزشی را پوشش ندهد. بسیاری از کتاب‌هایی که به جشنواره می‌رسند، این کمبود را دارند.

کتاب‌هایی که به گروه شما رسیده‌اند تا چه حد با برنامهٔ درسی همسویی دارند؟

بیشتر نویسندگان و ناشران برنامهٔ درسی را نمی‌شناسند و فقط بخش اندکی از کتاب‌های آن‌ها با موضوع‌های آموزشی ارتباط دارد. چارچوب هر مادهٔ درسی را برنامهٔ درسی و اسناد بالادستی آن تعیین می‌کند که بی‌توجهی به آن، بسیاری از کتاب‌های چاپ‌شده را برای مخاطبان حوزهٔ آموزش، چه معلم و چه دانش‌آموز، غیرقابل استفاده می‌کند.

با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزان، فکر می‌کنید می‌توان برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کرد؟

بله. معلمان با علاقه‌ها و نیازهای دانش‌آموزان و با هدف‌های آموزشی آشنا هستند، بنابراین بهره گرفتن از توان و تجربهٔ معلمان در تألیف کتاب‌های آموزشی می‌تواند راهگشا باشد.

معلمانی که بخواهند در این حوزه دست به تألیف بزنند، باید چه پیش‌شرط یا ویژگی‌هایی داشته باشند؟

پیش‌شرط نوشتن، مطالعه و افزایش اطلاعات و آگاهی است. در موضوع‌های تاریخی باید قوهٔ تحلیل را هم بالا ببرند. معلمان در کنار این ویژگی‌ها باید توانایی نوشتن را در خود تقویت کنند. روان‌نویسی و ساده‌نویسی را تمرین کنند و سطح درک و فهم مخاطبان را در نظر داشته باشند و از عناصر بصری، مانند تصویر، نقشه، نمودار و... در انتقال مفاهیم کمک بگیرند.

آیا کوششی برای تولید کتاب‌های متفاوت و خلاقانه در حوزه تاریخ از سوی ناشران دیدید؟

همهٔ ناشران در یک سطح نیستند. خوش‌بختانه در سال‌های اخیر تعدادی از ناشران دیدگاه خود را در مورد موضوع‌های کتاب‌های آموزشی و ویژگی‌های آن‌ها تقویت کرده‌اند، اما تا رسیدن به سطح مطلوب راه درازی در پیش است. خلاقیت‌هایی هم در این زمینه‌ها دیده می‌شوند که نمی‌توان منکر آن‌ها شد.

نقش جشنواره کتاب رشد را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در مقایسه با گذشته، در دههٔ اخیر سطح کیفی کتاب‌های جشنواره از روندی رو به رشد برخوردار بوده است. این موضوع نشان می‌دهد که جشنواره تأثیرگذار بوده و ارتباط مناسبی با مؤلفان و ناشران برقرار کرده و بایسته‌های حوزهٔ آموزش را منتقل کرده است. هرچند کتاب‌ها هنوز با سطح مطلوب و موردنظر جشنواره فاصله دارند. علاوه بر این، تعیین خط‌مشی و تدوین معیارهای مناسب برای ارزیابی کتاب‌ها و ارتباط مفید و مناسب با داوران را می‌توان به کارنامهٔ قابل قبول جشنواره افزود.

دیانا فردین، سرگروه داوران ریاضی:

نیاز واقعی و گم شده

از هفت عنوان کتابی که در گروه ریاضی بررسی شده‌اند، شش عنوان اثر ترجمه‌ای هستند و به همین دلیل، نه با برنامهٔ درسی ریاضی ایران هم‌خوانی دارند، نه به نیاز مخاطب ایرانی پاسخ می‌دهند. دیانا فردین، داور گروه ریاضی، معتقد است: جای کتاب‌هایی که ضمن ایجاد علاقه، به کودک فکر کردن را بیاموزند، خالی است. علاوه بر این، به دلیل فضای حاکم بر جامعهٔ آموزشی، اغلب معلمان و دانش‌آموزان نیاز واقعی خود را تحت‌تأثیر تبلیغات بیرونی گم کرده‌اند.

چند عنوان کتاب به گروه شما رسیده است و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

هفت عنوان کتاب را در گروه ریاضی بررسی کردیم که از سطح خیلی خوبی برخوردار نبودند. ضمن اینکه از این هفت کتاب، شش عنوان ترجمه‌ای بودند که کیفیت نسبتاً بالاتری داشتند. اما مشخص است که در کتاب‌های ترجمه‌ای نیاز مخاطب ایرانی لحاظ نمی‌شود؛ اگرچه ممکن است کیفیت بالاتری داشته باشند.

اصولاً در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی روبه‌رو هستیم و ریشهٔ آن‌ها را در چه می‌بینید؟

در تولیدات این حوزه بیشتر با کمبود یا نبود کتاب‌هایی مواجهیم که ضمن ایجاد علاقه، به کودک فکر کردن را بیاموزند. چنانچه افراد متخصص در حوزهٔ نشر حضور داشته باشند و در تولیدات این حوزه دخالت داده شوند، به نظر وضعیت بهتر خواهد شد.

به نظرتان اصلی‌ترین نیاز مخاطبان در این حوزه چیست؟

کتاب‌هایی که به بچه‌ها طعم خوش یادگیری را بچشاند و در آن‌ها، لذت، انگیزه و علاقه به آموختن ایجاد کند که متأسفانه کمتر دیده شد.

یکی از مهم‌ترین معیارهای جشنواره همسویی کتاب‌های آموزشی با رویکردهای و اهداف برنامهٔ درسی است. در کتاب‌ها تا چه حد به این موضوع توجه شده است؟

با عنایت به اینکه اغلب کتاب‌ها ترجمه‌ای بودند، طبیعی است که نباید انتظار داشت برنامهٔ درسی ایران را پوشش بدهند.

با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزان، فکر می‌کنید می‌توانیم برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟

متأسفانه به دلیل فضای حاکم بر جامعهٔ آموزشی، اغلب معلمان و دانش‌آموزان نیاز واقعی خود را تحت‌تأثیر تبلیغات بیرونی گم کرده‌اند، اما برای تألیف و ترجمه، حتماً باید متخصص آموزش ریاضی بود.

بین کتاب‌هایی که بررسی کردید، آیا کوششی از سوی ناشران برای تولید کتاب‌های متفاوت و خلاقانه در حوزه ریاضی دیدید؟

به دلیل فضای اقتصادی حاکم بر حوزهٔ نشر، به‌ندرت ناشرانی پیدا می‌شوند که بازار نشر کتاب‌های ارزشمند و متأسفانه کم‌تقاضا را، به بازار پررونق کتاب‌های کمک‌درسی چهارگزینه‌ای ترجیح دهند. بنابراین خلاقیت کمتری هم دیده می‌شود.

نقش جشنواره کتاب رشد را در این سال‌هایی که برگزار شده است، چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بسیار مثبت؛ به دلیل ایجاد نقطهٔ تأملی برای ناشران تا تولیداتشان مورد داوری و قضاوت قرار گیرد و ازطرف دیگر، آن‌ها را به عرصهٔ رقابتی کشانده که فرجام آن تولید کتاب‌های باکیفیت است.

با حوری قاهری، سرگروه داوران مطالعات اجتماعی:

معلمان توانمند دیده شوند

«مطالعات اجتماعی» از جمله حوزه‌های یادگیری است که خود سه حوزهٔ تاریخ، جغرافیا و مدنی را دربرمی‌گیرد. با وجود این تنوع، تنها ۵۶ عنوان کتاب به مرحلهٔ نهایی گروه داوری علوم و مطالعات اجتماعی رسیده‌اند. حوری قاهری، داور این گروه، معتقد است: نبود ارتباط مناسب میان معلم، مؤلف و ناشر باعث شده است کتاب‌ها به نیازهای اصلی مخاطبان نپردازند. از سوی دیگر، بی‌توجهی به تلاش‌ها و فعالیت‌های معلمان توانمند، آن‌ها را برای تولید اثر متناسب با نیاز معلمان و دانش‌آموزان بی‌انگیزه می‌کند.

چند عنوان کتاب در این دوره از جشنواره به گروه مطالعات اجتماعی رسیده است؟

۵۶ عنوان کتاب که ۲۳ عنوان درجهٔ یک و بقیه درجهٔ دو بودند. کتاب‌های درجه یک آن‌هایی هستند که در ارزشیابی اولیه بیشتر از ۸۰ امتیاز گرفته‌اند. می‌توان گفت تعداد کتاب‌های درجهٔ یک کم بود و اغلب کتاب‌ها، هم به لحاظ محتوایی و هم از نظر کیفیت، سطح خوبی نداشتند.

یعنی به‌طورکلی ارزیابی مثبتی نسبت به کتاب‌ها ندارید؟

ابتدا این توضیح را بدهم که ما حوزهٔ مطالعات اجتماعی را بررسی می‌کنیم؛ یعنی سه حوزهٔ تاریخ، جغرافیا و مدنی برای مخاطب دانش‌آموز و معلم که البته برخی از آن‌ها خیلی تخصصی هستند. علومی مانند اقتصاد نیز در دوره‌های ابتدایی و متوسطهٔ اول در همین حوزه مطالعه می‌شوند. به نظرم امسال کتاب‌ها خوب نبودند. تعداد زیادی از کتاب‌هایی که به‌عنوان درجه یک به دست ما رسیده‌اند، مجموعه هستند. مثلاً ۱۳ عنوان کتاب در مورد موضوعی مانند بیمه. علاوه بر این، در داستان‌ها هم هیچ خلاقیتی نیست. یعنی روال داستان برای دانش‌آموز جذاب نیست و همهٔ کتاب‌ها در پرداخت قصه تقریباً یکسان هستند و خلاقیتی در آن‌ها دیده نمی‌شود. البته کتاب‌ها رنگ‌ها و تصویرگری خوبی دارند، اما به لحاظ محتوایی جذاب نیستند.

در حوزهٔ ما، کتاب‌های اطلس خیلی دیده می‌شوند، به‌طوری‌که هر سال به دست ما می‌رسند، مثل اطلس مردم‌شناسی، اطلس جنگ‌ها، اطلس جغرافیایی و... تقریباً همیشه کتاب‌های این حوزه یکسان هستند. من اثر نوآورانه‌ای را که ایده و شکل روایی جذابی داشته باشد، ندیدم. به‌طورکلی به نظر من، کتاب‌هایی که امسال به دستمان رسیدند، کتاب‌های چندان خوبی نبودند.

به نظرتان آثار سال‌های گذشته بهتر بودند؟

در بعضی از سال‌ها کتابی می‌دیدیم که احساس می‌کردیم، مؤلف برای آن وقت گذاشته است؛ ایده و پرداخت جالبی دارد. ولی کتاب‌های امسال تقریباً یک‌شکل‌اند.

اشاره کردید که در مطالعات اجتماعی سه حوزهٔ تاریخ، جغرافیا و مدنی را بررسی می‌کنید. آیا کتاب‌های یک حوزه بر دیگری غلبه داشت؟

فکر می‌کنم کتاب‌های بخش مدنی بیشتر بودند و تاریخ به شکل عجیبی خیلی کم بود. یک کتاب در حوزهٔ تاریخ جالب بود که شکل روایی خوبی داشت. هر چند مؤلف دچار شتاب‌زدگی شده بود، ولی ایدهٔ خوبی داشت. در حوزهٔ جغرافیا هم بیشتر کتاب‌ها حوزهٔ عمومی را شامل می‌شدند.

خانم قاهری، اساساً در حوزهٔ مطالعات اجتماعی نیاز مخاطبان چیست؟

با توجه به اینکه من معلمم و به دلیل همکاری با گروه مطالعات

اجتماعی دفتر تألیف کتاب‌های درسی، با معلمان هر دو دورهٔ تحصیلی ارتباط دارم و به‌عنوان مدرس در خدمت آن‌ها بوده‌ام، آنچه که دیده‌ام، ضعف دانش بود. یعنی ما همیشه پیشنهاد برگزاری کارگاه‌ها یا کلاس‌های دانش‌افزایی را برای معلمان ارائه می‌دادیم.

مؤلف و ناشر باید از سرفصل‌ها و هدف‌های کتاب مطلع باشند و بدانند معلم در آن زمینه به چه اطلاعات اضافه‌ای نیاز دارد تا در آن حوزه مطلب و کتاب داشته باشیم. مثلاً طی این سال‌ها کتاب‌های حوزهٔ جغرافیا همواره ضعیف بوده‌اند. در حالی‌که اتفاقاً این بخش، بخشی است که معلمان حتی در دورهٔ ابتدایی به اطلاعات احتیاج دارند. با توجه به اینکه برخی از مفاهیم جغرافیا را برای معلمان ابتدایی تدریس کرده‌ام، می‌دانم که کجا ضعف وجود دارد و چقدر این ضعف قابل توجه و درخور عنایتِ افرادی است که دستی به قلم دارند.

■ شاید اصلاً ناشران ما دربارهٔ این موضوع اطلاعی ندارند.

بله، من فکر می‌کنم این ارتباط کم است. آدم‌های مطلع با آدم‌هایی که ابزار دارند، ارتباط کمی دارند. یعنی ارتباط ناشر با معلم و معلم با مؤلف کم است؛ در نتیجه نیازها دیده نمی‌شوند.

■ شاید هم صدای معلمان برای بیان نیازها چندان بلند نیست.

در نظام آموزش‌وپرورش ما تفاوت چندانی میان معلم توانمند و معلمی که توانمند نیست، وجود ندارد. ملاک‌هایی هم که معلمان را ارزیابی می‌کنند، این موضوع را نمی‌بینند. پس در معلم انگیزه‌ای برای آموختن ایجاد نمی‌شود. یعنی چه معلم توانمند باشد چه معلمی باشد که فقط به کتاب اکتفا کند، تفاوتی دیده نمی‌شود. این موضوع خود نوعی بی‌انگیزگی را به همراه دارد.

گاهی برای کتاب‌های جدیدالتألیف گروه‌هایی تشکیل می‌شوند که معلمان استقبال زیادی از آن‌ها می‌کنند. مثلاً اگر مفهومی برای معلمی ناآشنا باشد، بقیه به او کمک می‌کنند. حتی معلمی که توانمند نیست، دوست دارد با چنتهٔ پر سر کلاس حاضر شود. نبود ارتباط بین ناشر، معلم و مؤلف هم باعث می‌شود، کتاب خوب نداشته باشیم. البته مسائل دیگری هم باعث این موضوع می‌شوند؛ یعنی موضوع ریشه‌ای‌تر از این است.

■ معلمان حتی اگر بی‌انگیزه باشند، به نیازهای خود و دانش‌آموزان واقف‌اند. آیا فکر می‌کنید با توجه به این موضوع می‌توانیم برای تألیف کتاب‌های مناسب به آن‌ها تکیه کنیم؟

بله. ما در میان معلمان افراد توانمند زیادی داریم، اما باید کاری کنیم که انگیزهٔ نوشتن پیدا کنند. کار تألیف کاری زمان‌بر است. از سوی دیگر، معلم و مؤلف اگر بخواهند خودشان اقدام به چاپ کتاب کنند، در آخر چیزی دستشان را نمی‌گیرد. در آموزش‌وپرورش هم، حتی اگر معلم چند کتاب نوشته باشد، هیچ مزیتی برایش محسوب نمی‌شود. در ارزیابی‌ها بندی برای امتیاز تألیف وجود داشت که امسال آن را حذف کرده‌اند. مثلاً برخی همکاران مقاله نوشتند یا در تدوین سند تولید کتاب‌های غیردرسی حوزهٔ مطالعات اجتماعی همکاری داشتند یا داور جشنوارهٔ رشد و عضو هیئت تحریریهٔ مجلات رشد بودند، اما چنین فردی هیچ فرقی با معلمان دیگر ندارد. آیا برای چنین فردی انگیزه‌ای باقی می‌ماند؟ به خصوص که این فعالیت‌ها سود مادی هم ندارند و فرد بر اساس عشق و علاقه همکاری می‌کند. معلم دست به قلم، خلاق و علاقه‌مند اصلاً در آموزش‌وپرورش دیده نمی‌شود و همه را یکسان در نظر می‌گیرند. پس طبیعی است که معلمان ما از نوشتن و حتی از خواندن استقبال نکنند.

■ گسترش وسایل ارتباط‌جمعی باعث شده است دانش‌آموزان ما با دنیای وسیع‌تری ارتباط داشته باشند. در کتاب‌های حوزهٔ مطالعات اجتماعی این موضوع به چشم می‌خورد؟

سال گذشته چند کتاب دربارهٔ این موضوع داشتیم، ولی امسال چندان به آن نپرداخته‌اند. ضمن اینکه وقتی از ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی حرف می‌زنیم، باید این‌ها را کلاس درسمان ببینیم. یعنی این حوزه در آموزش وجود داشته باشد تا معلم احساس نیاز کند و به دنبال اطلاعاتی پیرامون آن باشد. ما در تهران که پایتخت است، برای اینکه کلاسمان هوشمند شود، دوندگی می‌کنیم و به نتیجه نمی‌رسیم. البته اینکه ما در کلاس پروژکتور و پرده داشته باشیم، به معنی هوشمند شدن نیست. این‌ها فقط سخت‌افزاراند. هوشمندسازی یعنی اینکه جریان آموزش در آن فضا انجام شود و امکان مبادلهٔ اطلاعات با دانش‌آموزان در آن فضا وجود داشته باشد، اما عملاً آن فضا در کشور ما وجود ندارد. فقط برخی سخت‌افزارها در برخی مدرسه‌ها وجود دارند. علاوه بر این، محتوا هم به گونه‌ای نوشته نشده است که ارتباط تنگاتنگی با این موضوع داشته باشد. به معلم هم آموزش داده نشده است. مثلاً ما تختهٔ هوشمند داریم، اما معلم از ماژیک استفاده می‌کند؛ چون حتی آموزش استفاده از این سخت‌افزار را ندیده است.

■ و نکته آخر؟

در بازار کتاب، آثار خوبی را می‌بینیم که به جشنواره نیامده‌اند. اگر ناشران از جشنواره اطلاع ندارند که موضوع قابل نقدی است و اگر تمایل به شرکت در آن ندارند که باید پرسید چرا؟

با معصومه ملکی، سرگروه داوران عربی

تغییر رویکرد کتاب‌های عربی از قاعده‌محوری به درک متن

فقدان خلاقیت و نوآوری، بی‌توجهی به تغییر رویکرد کتاب‌های درسی، و توجه به کنکور، باعث شده است کتاب‌های زبان عربی چندان مورد توجه داوران این حوزه قرار نگیرند. معصومه ملکی، یکی از داوران این گروه، معتقد است: رویکرد کتاب‌های نونگاشت عربی از «قاعده‌محوری» به «ترجمه‌محوری» تغییر کرده است که این موضوع در کتاب‌ها دیده نمی‌شود. جای نحو کاربردی هم در این کتاب‌ها خالی است. وی با اشاره به اینکه در حال حاضر کنکور پایان مسیر ۱۲ سالهٔ دانش‌آموزان را مشخص می‌کند، غلبهٔ جنبهٔ آموزشی آثار بر جنبهٔ تربیتی و پرورشی آن‌ها را یکی از آسیب‌های جدی کتاب‌های این حوزه می‌داند.

چند عنوان کتاب به گروه زبان عربی، رسید؟

هفت عنوان کتاب به دست ما رسید. پنج عنوان مربوط به دورهٔ اول متوسطه است و دو کتاب برای بزرگ‌سالان که معلمان یا دانشجوـ معلمان می‌توانند برای ارتقای آموزشی خود از آن‌ها استفاده کنند. ولی کتاب‌ها از لحاظ محتوایی نکتهٔ جدیدی ندارند. نوآوری در آن‌ها دیده نمی‌شود و بیشتر در حوزهٔ ترجمه هستند. کتاب‌های دانش‌آموزی هم کتاب کار هستند که حتی بعضی از عبارت‌هایشان را عیناً از خود کتاب درسی اخذ کرده‌اند.

پس به نظرتان نیازهای اصلی مخاطبان چندان مورد توجه نبوده‌اند؟

کتاب‌هایی که به دست ما رسیده‌اند، ۱۰ درصد کتاب‌های عربی بازار هم نیستند. کتاب‌های قوی‌تری در بازار وجود دارند که به جشنواره نیامده‌اند. حتی برخی از کتاب‌ها از نظر صحافی هم جالب نیستند. علاوه بر این، سرفصل‌های درس‌های دانشگاهی ما تغییر کرده‌اند، اما این تغییر نگرش نسبت به درس عربی در کتاب‌ها دیده نمی‌شود. یعنی کتاب‌ها از نوآوری و به‌روز بودن دور هستند. خلأ خلاقیت و نوآوری در آن‌ها دیده می‌شود. کتاب‌ها قدیمی هستند؛ حتی کتاب‌های تست.

در کتاب‌های نونگاشت عربی، رویکرد آموزشی تغییر کرده است. یعنی از شیوهٔ «قاعده‌محور» به شیوهٔ «ترجمه‌محور» تغییر یافته است. این تغییر رویکرد در جهت تقویت مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی، شامل نوشتن، خواندن، شنیدن و سخن گفتن است تا بتوانیم به فهم بهتر قرآن کریم دست پیدا کنیم. ضرورت و اهمیت درس عربی تا اندازه‌ای است که در اصل ۱۶ قانون اساسی بر الزام تدریس این درس تا پایان دورهٔ متوسطه تأکید شده است. با توجه به این اهمیت‌ها و با توجه به تأکید جشنواره و هدف آن، وقتی کتاب‌هایی را انتخاب می‌کنیم که فقط سمت‌وسوی کنکور دارند، آیا جایی برای تربیت باقی می‌ماند؟

یعنی فکر می‌کنید کنکور به تولید کتاب‌های کمک‌آموزشی و تربیتی جهت می‌دهد؟

کنکور الزامات خاص خود را دارد و مسیر پایانی ۱۲ سالهٔ دانش‌آموز را مشخص می‌کند. بنابراین نباید انتظار داشته باشیم که به هدف‌های آموزشی مندرج در «سند تحول بنیادین» دست پیدا کنیم. گرچه در وزارت آموزش‌وپرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی و جشنوارهٔ رشد زحمات بسیاری کشیده شده است، ولی کتاب‌هایی که در اختیار ما قرار گرفته‌اند، آثاری هستند که پنج عنوان آن‌ها ارتباط مستقیم با کنکور دارند. نکتهٔ جالب اینجاست که شیوهٔ نویسندگی این کتاب‌ها دقیقاً مانند کتاب‌های کنکور گذشته است. تغییر رویکرد در کتاب‌ها

لحاظ شـــده، ولی شیوهٔ نویسندگی فاقد خلاقیت است. به همین دلیل کتاب‌ها همانند گذشته به شیوهٔ تست‌های معمولی نوشته شده‌اند.

اشاره کردید که دو کتاب هم برای معلمان و دانشجویان مناسب بوده است. آن‌ها را چطور ارزیابی می‌کنید؟

برای این کتاب‌ها هم زحمت زیادی کشـــیده شـــده بود، ولی می‌توانیم آسیب‌شناسی هم نسبت به آن‌ها داشته باشیم. نگرش ما نســـبت به درس عربی تغییر کرده اســـت. رویکرد کتاب‌های جدید عربی، اســـناد بالادستی و دوره‌های دانشگاهی تغییر یافته است. امروزه در حوزهٔ زبان و ادب عربی، نحو کاربردی حرف اول را می‌زند. نحو کاربـــردی قواعد را در حد لزوم برای دانش‌آموز و دانشجو ضروری می‌داند و در حدی به آن می‌پردازد که بتواند به تقویـــت مهارت‌های چهارگانهٔ زبانی او کمک کند. پس پرداختن به قواعد پیچیده و معماگونه مطرح نیســـت. در این کتاب‌ها این رویکرد دیده نمی‌شود. یعنی کتاب‌ها با همان آسیب‌هایی که در کتاب‌های قبلی وجود داشته‌اند، روبه‌رو هستند.

علاوه بر این، یک سلسله عیب هم در آن‌ها دیده می‌شود. مثلاً در این کتاب‌ها گرایش‌های فلسفی و منطقی بر مطالعات نحوی چیره شده‌اند. مثال‌های ساختگی و شواهدی که می‌آیند، باید در نحو کاربردی به فهم و درک بیشـــتر دانش‌آموزان و سخن گفتن آن‌ها کمک کنند که این‌طور نبودند.

با توجه به این‌ها فکر می‌کنم کتاب‌های مورد بحث از هدف‌های جشنواره دوره هستند. همچنین، مهم‌ترین حلقهٔ مفقوده که در این کتاب‌ها دیده می‌شـــود، جنبهٔ تربیتی است. البته با توجه به اینکه کتاب‌ها سمت‌وســـوی کنکور دارند و با این هدف نگاشته شـــده‌اند، چنین چیزی دور از انتظار نیســـت که کتاب‌ها بیشتر جنبهٔ آموزشی داشته باشند.

خانم ملکی، اساســـاً در حوزهٔ زبـــان عربی معلمان و دانش‌آموزان با چه نیازهایی روبه‌رو هستند؟

برای معلمان باید دوره‌های آشـــنایی با روش‌های نوین تدریس برگزار شـــود. خلأیی که دیده می‌شود آن اســـت که معلمان با روش‌های نوین تدریس آشنا نیستند. کتاب‌هایی که این روش‌ها را آموزش می‌دهند هم قدیمی‌اند و قابل‌استفاده نیستند. ما باید وارد این حوزه شویم.

برای دانش‌آموزان هم، با توجه به اینکه سطوح شناختی تغییر کرده‌اند و در برنامهٔ درسی ملی، به سطوحی از جمله پرداختن به تعقل، ایمان و علم، و رابطه‌ای که کتاب‌های درسی با خود، خدا، خلق و خلقت برقرار می‌کند، تبدیل شده‌اند، باید این سمت‌وسو را در نگارش کتاب‌ها لحاظ کنیم.

نظرتان دربـــارهٔ فعالیت معلمان در زمینهٔ تألیف کتاب چیست؟ به هر حال آن‌ها براساس تجربه‌ای که دارند، از نیازهای خود و دانش‌آموزان آگاه هستند.

تنها گروهی که می‌توانند مؤثر و مفید واقع شوند، معلمان عزیز هســـتند. ما در حوزهٔ تألیف کتاب‌های درسی هم از معلمان باید بیشـــتر بهره بگیریم. یعنی دربارهٔ نیاز معلم، میزان توانایی او در کلاس درس و میزان مطالبهٔ دانش‌آموزان نیازسنجی نشده است. اگر بدانیم مطالبهٔ دانش‌آموز چه میزان اســـت، حتماً کتاب‌های بهتری را می‌توانیم تألیف کنیم. چه کســـی در ارتباط بیشـــتر و بهتر با دانش‌آموز اســـت غیر از معلم؟ تجربه‌های معلمان صد در صد می‌تواند در این زمینه کمک‌کننده باشد.

جشنوارهٔ رشـــد امسال شـــانزدهمین دورهٔ خود را می‌گذراند. فکر می‌کنید در سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی حوزهٔ عربی، این جشـــنواره تا چه حد موفق عمل کرده است؟

جایگاه کتاب‌های عربی، چه کمک‌آموزشـــی و چه تربیتی، در جشـــنوارهٔ رشد بسیار خالی اســـت. در دوره‌های قبل هم خیلی به این حوزه پرداخته نشـــده است. در دو سه دورهٔ اخیر است که چند کتاب معرفی شـــده‌اند. باید توجه داشت که اگر یک کتاب کمک‌آموزشی نامناسب را به‌عنوان کتاب برتر معرفی کنیم، آیا بر کتاب‌های کنکور و تست صحه نگذاشته‌ایم؟ درحالی‌که قرار است از این موضوع پرهیز کنیم.

وزارت آموزش‌وپرورش می‌گوید قرار نیست دانش‌آموز را با کتاب تست تربیت کنیم. یا با کتاب‌هایی غیر از کتاب درسی، فراغ بال، آرامـــش و خلاقیت را از دانش‌آمـــوزان بگیریم. حلقهٔ مفقوده در این کتاب‌ها، خلاقیت و نوآوری اســـت. چرا که چهارسوی آن‌ها بـــه کنکور می‌پردازد. کنکور شـــاکله‌ای دارد کـــه علم را در حد بازآمـــوزی مطالب و آموخته‌ها می‌خواهـــد و در نهایت به درک و فهـــم در درس‌هایی مانند فیزیک و ریاضی می‌رســـد. ولی در خیلی از درس‌ها در حد بازآموزی‌اند. این‌گونه است که خلاقیت و نوآوری از دانش‌آموز گرفته می‌شود.

به نظر من جشـــنوارهٔ رشد باید کمی تغییر شیوه بدهد. اگر ما همین کتاب کار را معرفی کنیم، خواه‌ناخواه دانش‌آموز و معلم را به استفاده از آن‌ها ترغیب کرده‌ایم. کتاب‌های کاری که به دست ما رســـیده‌اند، واقعاً در سطح نازلی قرار دارند، درحالی‌که در بازار کتاب، کتاب‌های پربارتری هم هســـتند که احتمالاً در سال‌های گذشته منتشر شده‌اند. در هر صورت مخالف آنم که کتاب کاری مملو از هدف‌های آموزشـــی و خالی از مفاهیم تربیتی و پرورشی را به‌عنوان یک الگوی عینی معرفی کنیم. امیدوارم در دوره‌های بعدی جشنواره به این موضوع توجه شود.

مژگان مولایی‌راد، سرگروه داوران کار و فناوری:

حوزه‌ای با موضوعات متنوع و کتاب‌های کم

«کاروفناوری» شامل حوزه‌های متنوعی از جمله مهارت‌های فناوری اطلاعات، یادگیری مبتنی بر پروژه، تولید ایده و محصول و مهارت‌های عملی است. مژگان مولایی‌راد، داور گروه کاروفناوری، معتقد است: شایستگی‌های حرفه‌ای مورد نیاز بازار کار، و شایستگی‌های محوری غیرفنی، مانند شایستگی‌های روابط بین‌فردی، تفکر، شخصیتی، کسب‌وکار و نیز شایستگی‌های اجتماعی و زندگی اخلاقی و کارامد، از جمله مهم‌ترین شایستگی‌های مدنظر برنامهٔ درسی کاروفناوری است که بی‌اطلاعی ناشران از آن‌ها، باعث کمبود آثار مناسب در این حوزه شده است.

چند عنوان کتاب به گروه شما رسیده است و کیفیت آن‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

۱۱ عنوان کتاب در گروه داوری کاروفناوری دریافت شده است. در مجموع کیفیت کتاب‌ها خوب بود، گرچه می‌شد بهتر از این باشند؛ به ویژه در بخش کتاب‌های تألیفی. کتاب‌های ترجمه شده معمولاً از کیفیت بالاتری نسبت به کتاب‌های تألیفی برخوردارند و به عناوین و محتواهای بهتری توجه داشته‌اند. هم از نظر ظاهر و گرافیک کتاب، و هم در بخش شاخص‌های تخصصی مانند به‌روز بودن محتوا، خلاقانه بودن شیوهٔ ارائه محتوا، بهره‌گیری از منابع، برخورداری نمودار و نمایه‌های لازم، از کیفیت بالاتری برخوردارند.

فکر می‌کنید کتاب‌های ترجمه‌ای با نیازهای مخاطب ایرانی سازگاری دارند؟

بیشترین کسر امتیاز کتاب‌های ترجمه‌ای مربوط به فقدان رویکرد فرهنگی و تربیتی مناسب و ناهماهنگی با وضعیت بومی مخاطب ایرانی بود.

با توجه به آشنایی معلمان با نیازهای خود و دانش‌آموزانشان، می‌توان برای تألیف کتاب مناسب به آن‌ها تکیه کرد؟

معلمان مؤلف زیادی وجود دارند که می‌توانند در صورت حمایت از حیث سرمایه‌گذاری، پخش و عرضهٔ کتاب، در حوزهٔ تألیف فعالیت کنند؛ به‌خصوص معلمانی که سابقهٔ تألیف و ترجمه دارند و از انگیزه و علاقه، و دانش و مهارت لازم برخوردارند. معلمان از امکانات آموزشی، وضعیت فرهنگی و اجتماعی و سطح آموزشی مخاطب آگاهی خوبی دارند و می‌توان در تألیف کتاب‌ها به آن‌ها تکیه کرد. می‌توان از ابزار نیازسنجی و نظرسنجی هم کمک گرفت.

بین کتاب‌های بررسی شده، آیا توجه ویژه‌ای برای تولید کتاب‌های متفاوت و خلاقانه از سوی ناشران دیدید؟

ناشران باید در زمینهٔ آموزش مهارت‌های عملی، مهارت‌های فناوری اطلاعات، یادگیری مبتنی بر پروژه، حل مسئله، تولید ایده و محصول، و سایر موضوع‌های کاروفناوری فعالیت کنند و این موارد را با شیوه‌های خلاقانه ارائه کنند. متأسفانه فعالیت در این زمینه‌ها بسیار محدود است.

اصولاً در تولیدات این حوزه با چه کمبودهایی روبه‌رو هستیم و ریشهٔ آن‌ها را در چه می‌بینید؟

تعداد کتاب‌ها در مبحث پرورش خلاقیت و نوآوری، دست‌ورزی و مهارت‌آموزی، فعالیت عملی براساس پروژه، و معرفی مشاغل کم بود. به نظرم بی‌اطلاعی ناشران از نیازهای مخاطبان و برنامهٔ درسی باعث ایجاد این کمبودها می‌شود.

کتاب‌ها و منابعی که محتوای آن‌ها به‌روز باشد و با شیوه‌های خلاقانه مهارت‌های مورد نیاز را با توجه به شرایط و امکانات و وضعیت بومی و فرهنگی کشور، به مخاطبان انتقال و آموزش دهند، از اصلی‌ترین نیازهای ما در این حوزه است.

یکی از معیارهای جشنواره همسویی کتاب‌ها با برنامهٔ درسی است. تا چه حد به این موضوع توجه شده است؟

در برنامهٔ درسی کاروفناوری کسب این شایستگی‌ها مدنظرند:

الف. شایستگی‌های محوری غیرفنی، مانند شایستگی‌های روابط بین‌فردی، تفکر، شخصیتی، کسب‌وکار، و نیز شایستگی‌های اجتماعی و زندگی اخلاقی و کارامد؛

ب. شایستگی‌های پایهٔ فنی و فناورانه و توسعهٔ حرفه‌ای مورد نیاز نیروی کار حرفه‌ها و شغل‌های گوناگون، مانند رعایت بهداشت و ایمنی فردی و محیطی محیط کار، بلوغ حرفه‌ای، به‌کار بردن ابزارهای پایه در بخش‌های مختلف و...؛

ج. شایستگی‌های مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات؛

د. شایستگی‌های حرفه‌ای مورد نیاز بازار کار.

متأسفانه بیشتر کتاب‌های دریافتی، چه تألیف و چه ترجمه، در زمینهٔ فناوری اطلاعات و ارتباطات و کار با رایانه‌اند و در زمینهٔ کسب شایستگی‌های دیگر، فعالیتی انجام نشده یا محدود بوده است.

اکرم عینی

گزارشی از هفتادمین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت (۲۰۱۸)

بزرگ‌ترین رخداد کتاب در جهان

نمایشگاه کتاب فرانکفورت[۱]، معروف‌ترین و بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب در جهان است. این نمایشگاه را در واقع ویترین به‌روزترین دستاوردهای حوزه چاپ و نشر می‌دانند که هر ساله در ماه اکتبر در شهر فرانکفورت، در جنوب کشور آلمان و در قلب اروپا برگزار می‌شود. سه روز نخست این نمایشگاه به‌طور معمول، به بازدیدکنندگان تجاری (متخصصان و دست‌اندرکاران صنعت چاپ و نشر و نمایندگان رسانه‌های گروهی) اختصاص دارد و فقط در دو روز پایانی آن، بازدید برای عموم آزاد است.

در طول مدت برگزاری نمایشگاه، نزدیک به ۷۰۰۰ ناشر از ۱۰۰ کشور در آن شرکت و قریب به ۳۰۰ هزار نفر از آن بازدید می‌کنند. نویسندگان، نمایندگان عرصه نشر و شرکت‌های چندرسانه‌ای به‌منظور تبلیغ آثار خود و مذاکره برای خرید و فروش حق نشر آثارشان می‌کوشند حتماً در این نمایشگاه مهم حضور یابند (سایت نمایشگاه، ۲۰۱۸).

تاریخچه

نمایشگاه کتاب فرانکفورت قدمتی ۵۰۰ ساله دارد و پیشینه آن به سال ۱۴۵۴ م. برمی‌گردد. از آنجایی که فرانکفورت مرکز بانکداری و تجارت اروپا بود، در روزهای ۱۸ تا ۲۳ سپتامبر سال ۱۹۴۹ م.، یعنی چهار سال پس از پایان جنگ جهانی، ۲۰۵ ناشر آلمانی در کلیسای پاول[۲] گرد هم آمدند و با عرضه ده هزار عنوان کتاب، اولین نمایشگاه کتاب بعد از جنگ را برپا کردند (ویتهاس، ۲۰۰۷).

در سال ۱۹۵۸ جوزف کاسپارویچ[۳] یکی از ناشران اروپایی درخواست کرد در نمایشگاه علاوه بر محتوای کتاب به تجارت کتاب نیز توجه شود. به این ترتیب اگر در گذشته، حضور در نمایشگاه به ناشر، کارگزار نشر، خواننده و چند روزنامه محدود بود، در اواسط دهه ۶۰ روزنامه‌ها، رادیو و تلویزیون هم در این عرصه نمایشگاهی ظاهر شدند. در سال ۲۰۱۰ بخش کتاب‌های الکترونیکی و بخش دیجیتال نیز به این مجموعه افزوده شد (آلبانس[۴]، ۲۰۱۸)

سازمان مجری نمایشگاه فرانکفورت بوخمس جی. ام. بی. اچ.، مستقر در فرانکفورت، این شرکت تابع انجمن ناشران و کتابفروشان آلمان است.

در واقع این نمایشگاه توسط یک شرکت متشکل از ناشران و انجمن کتابفروشان آلمانی[۵] سازمان یافته است.

مأموریت

دو هدف عمده از شرکت در نمایشگاه کتاب فرانکفورت کمک به توسعه اقتصاد نشر در گستره جهانی و کمک به تقویت دیپلماسی فرهنگی با استفاده از بستر نشر و کتاب است.

نمایشگاه فرانکفورت تلاش می‌کند رویداد کلیدی کسب‌وکار برای مشتریان خود باشد و امکانات و فرصت‌هایی را برای آن‌ها فراهم کند. در تمام دوره‌های برگزاری نمایشگاه، مشتریان در مورد روندها و موضوعات مهم در مقیاس بین‌المللی آگاه می‌شوند؛ شماره تلفن و راه‌های ارتباطی با افراد مهم در اختیارشان قرار می‌گیرد و به‌ویژه برای راه‌اندازی مدل‌های تجاری نوآورانه در صنعت چاپ و رسانه به آن‌ها کمک می‌شود.

این نمایشگاه، افرادی را که کسب‌وکار آن‌ها ایده‌پردازی است، دور هم جمع می‌کند تا گفت‌وگوهای سازنده‌ای در مورد مشکلات چاپ و نشر داشته باشند و با کسانی که دیدگاه‌های متفاوت دارند، ملاقات کنند.

فرانکفورت سالی یک بار تبدیل به پایتخت ایده‌های جهانی[۶] می‌شود. این مهم‌ترین مکان تجاری بین‌المللی برای هر نوع محتوا از رمان‌ها و کتاب‌های کودک گرفته تا پایگاه‌های علمی است. در اینجا کارشناسان نشر جهانی با شرکای صنعت فناوری و صنایع خلاق مرتبط مانند فیلم و بازی ملاقات می‌کنند. در عین حال این نمایشگاه، یک رویداد بزرگ فرهنگی است: ۷۵۰۰ غرفه‌دار از بیش از ۱۰۰ کشور، بیش از ۲۸۵۰۰۰ بازدید کننده، بیش از ۴۰۰۰ رویداد، حدود ۱۰۰۰۰ روزنامه‌نگار و حدود ۲۴۰۰ وبلاگ‌نویس، این نمایشگاه را به بزرگ‌ترین نمایشگاه تجاری جهانی برای چاپ و نشر تبدیل کرده‌اند.

تصویری از نخستین دوره نمایشگاه کتاب فرانکفورت در کلیسای سنت پل در سال ۱۹۴۹ م.

نمایشگاه کتاب فرانکفورت حجم گسترده‌ای از انتشار کتاب را پوشش می‌دهد. در این رویداد سمینارهای آموزشی درخصوص خود ناشری[۷]، نشر الکترونیکی و چگونگی تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر چاپ و نشر ارائه می‌گردد. همچنین جدیدترین پلتفرم‌های کتاب مبتنی بر فناوری[۸]، روش‌های قصه‌گویی[۹] و مدل‌های کسب‌وکار مرتبط با آن و مذاکره درباره حقوق محتوا[۱۰] همیشه اهمیت دارد (سایت رسمی نمایشگاه، ۲۰۱۸).

بخش کودک

در این نمایشگاه حدود ۱۵۰۰ ناشر بین‌المللی کودک و نوجوان حضور دارند و نویسندگان کودک به ارائه تجربیات و گفت‌وگو با هم می‌پردازند.

پروژه اسپارک فرانکفورت[۱۱]

در نمایشگاه کتاب فرانکفورت از ابتکارات دیجیتالی با عنوان اسپارک فرانکفورت تقدیر می‌شود. اسپارک به عنوان بازار ناشران مشترک چند بخشی و مکانی برای رصد گرایش‌ها، نه تنها از حقوق رسانه[۱۲] حمایت می‌کند بلکه دوره‌های آموزشی جامع و فشرده‌ای را برای کسب‌وکار موفقیت‌آمیز در این حوزه تدارک می‌بیند.

خودناشری

ناشر مؤلفان و شرکت‌های خودناشر به یک برنامه یک‌روزه به موضوع فرصت‌ها و پیشرفت‌های تازه برای خودناشرها دعوت می‌شوند. خودناشری، در سراسر دنیا، به یک فعالیت قوی و زنده تبدیل شده است. این امر در سه سال اخیر، برای ناشرمؤلفان و شرکت‌های خودناشر، به یک سنت تبدیل شده است که اینجا با هم دیدار کنند. در سال قبل، مؤلفانی از بیش از ۳۰ کشور حضور یافتند.

هفتادمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت

هفتادمین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت که بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب جهان بر اساس شمار ناشران و تعداد بازدیدکنندگان است، چهارشنبه ۱۰ اکتبر تا یک شنبه ۱۴ اکتبر ۲۰۱۸ (برابر با ۱۸ تا ۲۲ مهر ۱۳۹۷) برگزار شد.

توبیاس ووس معاون این نمایشگاه می‌گوید در سال ۲۰۱۸، به عنوان هدیه هفتادمین سال تولد نمایشگاه، غرفه‌ای در فضای باز نمایشگاه ایجاد شده است که اختصاص به خواندن کتاب و همچنین برگزاری رویدادهای ویژه نمایشگاه دارد. این غرفه یک اثر هنری است که مانند جواهری در نمایشگاه می‌درخشد. همچنین در این نمایشگاه جشنی ویژه برای هفتادمین سالگرد امضای اعلامیه حقوق بشر برگزار می‌شود که موضوع بسیار مهمی برای نمایشگاه کتاب فرانکفورت خواهد بود و در راستای ترویج آزادی عقیده، آزادی بیان و انتشار تدارک دیده شده است و در خلال این رویداد مباحث و گفت‌وگوهای بسیار ویژه‌ای صورت می‌گیرد. (مصاحبه با خبرگزاری مهر، ۱۳۹۷)

جایزه صلح کتاب‌فروشان آلمان

در طول برگزاری نمایشگاه، همچنین جایزه صلح کتاب‌فروشان آلمان طی مراسمی خاص در کلیسای پائول اهدا می‌شود. این جایزه از سال ۱۹۵۰ هرساله اعطا شده است.

جایزه کتاب آلمان برای کتاب «مجمع‌الجزایر»

مدیران نمایشگاه فرانکفورت می‌گویند غرفه‌های امسال

نمایشگاه کتاب فرانکفورت نسبت به سال گذشته ۳ درصد رشد داشته است. در هفتادمین نمایشگاه کتاب بین‌المللی فرانکفورت ۳۷۰۰ رخداد فرهنگی برگزار شد و ۹۸۰۰ خبرنگار این رخدادها را گزارش کردند. پیش از باز شـــدن نمایشگاه به صورت رسمی، جایـــزه کتاب آلمان توســـط اتحادیه کتاب‌فروشـــان و ناشـــران به صورت رســـمی به "ماریا ماله"، نویســـنده آلمانی برای کتاب «مجمع‌الجزایر» اهدا شد. هیئت داوران که جایزه ۲۸۵۰۰ دلاری را به ماله هدیه کرد، بر این باور اســـت که کتاب این نویســـنده آلمانی رخدادی تأثیرگذار در ادبیات آلمان اســـت. داســـتان این کتاب، در اسپانیای عصر فرانکو می‌گذرد. در این کتاب تاریخچه اســـتعماری و دیکتاتوری اروپا در قرن بیستم با هم آمیخته شده است.

مهمان ویژه نمایشگاه

امســـال کشور گرجستان مهمان ویژه نمایشگاه بود و غرفه این کشـــور به یک ناشـــر بین‌المللی تفلیس واگذار شده بود. جواتسا جوباوا، علاوه بر آنکه مدیر روابط عمومی انتشارات اینتلکتی شهر تفلیس اســـت، رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان گرجستان نیز هست. وی علت اصلی دعوت نمایشگاه فرانکفورت از کشورش را رشـــد ســـریع کتاب‌فروشـــی در کشـــورش و روش‌های نوین بازاریابی ناشران در این کشور می‌داند. وی می‌گوید گرجستان در سال‌های اخیر شاهد رشد بی‌سابقه‌ای در بازار کتاب بوده است و بیشتر ناشران این کشور از طریق بازاریابی تلفنی موفقیت خاصی در بازار کتاب پیدا کرده‌اند. مسئول غرفه گرجستان در نمایشگاه فرانکفورت می‌گوید: «هرچند بیشـــتر شرکت‌های گرجستانی از طریق تلفن محصولات خود را می‌فروشند، ولی این روش از سوی ناشـــران و کتاب‌فروشان ابداع شده است و همین موفقیت باعث شـــد امســـال تجربه خود را در اختیار برگزارکنندگان نمایشگاه فرانکفورت قرار دهند.» (پابلیشینگ پرسپکتیو، ۲۰۱۸)

رئیس اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان آلمان هنریش روته‌مولر نیـــز می‌گوید این رویداد بـــا تلاش جهت تولید و به اشـــتراک گذاشـــتن محتوا و اطلاعات، سعی در ارتقای فرهنگ، آموزش و پروش عمومی، گفت‌وگو و هم‌زیســـتی مسالمت‌آمیز میان همه جوامع دارد.

حضور ایران در نمایشگاه

غرفه ملـــی ایـــران در هفتادمین نمایشـــگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت، در سالن ناشـــران بزرگ‌سال واقع شده بود. اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران با ۱۸۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف در این غرفه حضور داشـــت. ۱۸ ناشـــر، ۳ آژانس ادبی و ۵ تشکل صنفی نشر همراه با رایزنی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در برلین در غرفه ملی ایران فعالیت دارند. تمامی کتاب‌های عرضه شده در غرفه ایران دارای چکیده انگلیسی و یک کاتالوگ الکترونیکی بود.

شرایط حضور در نمایشگاه برای ناشران ایرانی

۱. دارا بودن مجوز وزارت فرهنگ و ارشـــاد اســـلامی با قابلیت عرضه در بازارهای جهانی نشر و امکان فروش حق نشر (کپی) به ناشران سایر کشورها؛

۲. تألیفـــی بودن کتاب‌های ارســـالی (ارجحیـــت با کتاب‌های منتشـــره به زبان‌هـــای خارجی مانند انگلیســـی، عربی، آلمانی، فرانسه، اسپانیولی و... یا کتاب‌های دوزبانه است. همچنین اولویت بـــا کتاب‌های برگزیده در یکی از جوایز یا جشـــنواره‌های ملّی یا بین‌المللی است)؛

۳. جدیدالانتشار بودن کتاب‌های ارسالی (اولویت با کتاب‌هایی اســـت که آخریـــن ویرایش یا تجدید چاپ آن در ۵ ســـال اخیر باشد)؛

۴. تناسب موضوعی کتاب‌های پیشـــنهادی (کتاب‌ها از لحاظ موضوعی در یکی از حوزه‌های ادبیات داستانی، ادبیات پایداری، رمان، مذهبی، علمی، ایران‌شناســـی، هنرهای ایرانی اســـلامی، تاریخ و دفاع مقدس باشد)؛

۵. تهیـــه بروشـــور و چکیـــده حداکثر ۱۵۰ کلمـــه‌ای به زبان انگلیســـی برای کتاب‌های ارائه‌شـــده به زبان فارسی یا زبان‌های غیر از انگلیسی. (برگرفته از سایت عمومی مؤسسه نمایشگاه‌های فرهنگی ایران)

پی‌نوشت‌ها:

1. Frankfurt Book Fair
2. St. Paul's Church
3. Joseph caspar witsch
4. Andrew Albanese
5. Börsenverein des Deutschen Buchhandels
6. world capital of ideas
7. self-publishing
8. technology-driven book platforms
9. storytelling methods
10. content rights
11. Frankfurt SPARKS
12. media rights

منابع :

Albanese , Albanese ,Andrew Richard (2018) Frankfurt Book Fair 2018 Preview . publisher weekly. Sep 21, 2018 at :https://www.publishersweekly.com/pw/by-topic/international/Frankfurt-Book-Fair/article/78118-frankfurt-book-fair-2018-preview.html. Retrieved 2018-10-27.

https://www.buchmesse.de/en/service .Retrieved 2018-10-27.

https://www.mehrnews.com/ Retrieved 2018-10-27

https://www.publishingperspectives.com/tag/frankfurt-book-fair/ Retrieved 2018-10-27

The Frankfurt Book Fair - The World's Biggest, Oldest Book Event". The Balance. Retrieved 2018-02-27.

Weidhaas, Peter(2007). A History of the Frankfurt Book Fair. Toronto, Ontario: Dundurn Press

ترجمه: زهره امینیان

جایزه کتاب مدرسه ۱۰۶۶

جشنواره‌ای با داوری دانش‌آموزان کتاب‌خوان

اشاره: سال ۱۰۶۶ در تاریخ انگلستان، بسیار مهم و مشهور است. در این سال دوک ویلیام دوم، معروف به ویلیام فاتح، به انگلستان حمله برد و آن را به تصرف خود درآورد. ویلیام و جانشینان او ۳۰۰ سال بر انگلستان حکومت کردند و در این مدت، ۱۰ هزار واژه فرانسوی، توسط حاکمان جدید وارد زبان انگلیسی شد. اکنون حدود ۳۰ درصد از واژه‌هایی که در حوزه‌های گوناگون هنر، ادبیات، نظام قضایی و.... در زبان انگلیسی به کار می‌رود، ریشه فرانسوی دارد. از آنجا که این تاریخ به باور انگلیسی‌ها، به غنی‌شدن زبان و شکوفایی فرهنگ و ادبیات انگلیسی انجامیده است، نام ۱۰۶۶ بر بسیاری از فعالیت‌ها و جشنواره‌های ادبی و هنری گذاشته می‌شود. «جایزه کتاب مدرسه ۱۰۶۶» یکی از جوایزی است که با همراهی دانش‌آموزان جنوب این کشور به کتاب‌های مناسب نوجوانان داده می‌شود. برای آشنایی با تجربه‌های جهانی مطلب کوتاهی را درباره این جایزه در این ویژه‌نامه می‌خوانید. در شماره‌های قبل‌تر «جوانه» جوایز دیگری معرفی شده است و امید می‌رود این مطالب در شماره‌های بعد نیز ادامه داشته باشد.

هدف اول تشویق بچه‌ها به کتاب‌خوانی

سخنگوی این جشنواره می‌گوید: هدف از رقابت‌هایی که در قالب «جایزه کتاب مدرسه ۱۰۶۶» صورت می‌گیرد، صرفاً رأی دادن دانش‌آموزان به کتاب مورد علاقه خودشان نیست؛ بلکه مقصود تشویق نوجوانان به مطالعه و ارائه نظر در مورد کتاب‌هایی است که مناسب گروه سنی آن‌هاست. در حقیقت هدف اصلی از گردآوری دانش‌آموزان نوجوان دبیرستان‌ها و مطالعه و بررسی کتاب‌های نامزد مسابقه، ایجاد علاقه و ارتقای سطح مطالعه در بین آن‌هاست؛ به نحوی که خواندن کتاب برای آن‌ها لذت‌بخش باشد و حس کنند نظر آن‌ها در نگارش کتاب‌های جدید اثرگذار است.

فرایند مسابقه

هر سال کار با دریافت فهرست کتاب‌های نامزد شده آغاز می‌شود. دانش‌آموزان علاقه‌مند برای شرکت در مسابقه ثبت نام می‌کنند و کتاب‌ها را در طی زمانی حدوداً سه ماهه (فصل زمستان) مطالعه کرده و مورد بحث و بررسی قرار می‌دهند.

در این بازهٔ زمانی، دانش‌آموز ضمن آن‌که کتاب‌ها را می‌خواند، نظرش را درباره کتاب ارائه می‌دهد. در روز مراسم علاوه بر بهترین کتاب و بهترین نویسنده که با آرای بچه‌ها انتخاب می‌شود، به بهترین خواننده و بهترین منتقد دانش‌آموز نیز جایزه اعطا می‌گردد.

در روز مراسم، دانش‌آموزان علاقه‌مند به اتفاق مسئولان مدرسه به محل برگزاری مراسم می‌روند. از هر کتاب، بخش کوتاهی توسط دانش‌آموزان مدارس مختلف خوانده می‌شود و دیدگاه بچه‌ها درباره کتاب‌ها شنیده می‌شود و پس از تجمیع آرا، کتاب و نویسنده برگزیده انتخاب می‌شود. در این مراسم معمولاً نویسنده‌ای حضور دارد که درباره نویسندگی برای بچه‌ها صحبت می‌کند. این نویسنده

ممکن است، نویسنده برگزیده دوره قبل جایزه باشد.

دهمین دوره جایزه

اسفند سال گذشته، دهمین دوره این جایزه (۲۰۱۸-۲۰۰۸ م.) برگزار شد و طبق روال سال‌های گذشته چهار کتاب برای مطالعه دانش‌آموزان و شرکت در مسابقه معرفی شد. اولین بار این مسابقه توسط یک گروه از کتابداران مدارس متوسطه اول منطقه ساحلی هیستینگز و راثر (در جنوب انگلستان) در سال ۲۰۰۸ اجرا شد. از آن زمان تاکنون، در این منطقه، صدها دانش‌آموز مبادرت به خواندن کتاب‌هایی کرده‌اند، که به احتمال فراوان پیش‌تر آن‌ها را نخوانده بودند.

امسال دهمین دوره این جایزه، روز ۱۴ مارس، با شرکت دانش‌آموزان مدارس شرکت کننده، کتابداران، نویسندگان و حامیان برنامه درکتابخانه آموزشگاه "هلنز وود" برگزار شد.

ابتدا، جلسه پرسش و پاسخی با حضور کیت اوهرن (Kate O'Hearn) نویسنده پرحرارت کانادایی و خالق مجموعه کتاب‌های سایه اژدها (برنده سال ۲۰۰۹ همین جایزه) و مجموعه‌های Pegasus و Valkyrie آغاز شد.

برنامه با خواندن برشی کوتاه از کتاب‌های نامزد و اظهار نظر درباره کتاب‌ها ادامه یافت. از هر مدرسه، یک دانش‌آموز خواندن این قطعه‌ها را بر عهده داشت. سپس درمیان شور و هیجان دانش‌آموزان، خانم اوهرن کتاب برگزیده امسال را اعلام کرد. کتاب "Running on the Roof of the world" (دویدن بر بام جهان) بیشترین رأی را به خود اختصاص داده بود. کتاب توسط خانم جسیکا باترورث (Jessica But-terworth) نویسنده کتاب‌های کودک نوشته شده است؛ داستانی ماجراجویانه و روایتی از رشادت و امید و مبارزه برای بقا، که در چشم‌انداز خشن و سرسخت رشته کوه هیمالیا در تبت و هند نوشته شده است.

ام لیلا صمدی

گزارشی از درس‌آموخته‌های فعالان حوزهٔ نشر

کار جمعی پر رنج اما اطمینان‌بخش

کار گروهی در کشور ما، به دلایل گوناگون، چنان‌که باید مورد رغبت پدیدآورندگان کتاب و ناشران قرار نمی‌گیرد. نویسندگان آثارشان را در جمع نمی‌خوانند و تصویرگران ترجیح می‌دهند تصویرهایشان را بی‌اعتنا به نویسنده و گفت‌وگو با او تصویر کنند و خیلی زود آن را به ناشر تحویل دهند؛ هرچند که در درک بخش‌هایی از کتاب با ابهام روبه‌رو شده باشند. با این وصف در همین فضای مه آلود موجود، هستند ناشران موفقی که رنج و مصائب کار گروهی و بهره‌گرفتن از خرد جمعی را به امید شیرینی میوه‌ای که به بار می‌آید تحمل می‌کنند.

«جوانه» به بهانه برگزاری شانزدهمین جشنواره کتاب رشد، به سراغ ناشرانی رفته است که همچنان برای بهره‌مندی از خرد جمعی در تلاش‌اند. ما به منظور دریافت تجربه‌ها و به اشتراک‌گذاری آن‌ها با خوانندگان محترم این فصل‌نامه، درباره مدل‌هایی که ناشران صاحب تجربه در این حوزه برای تولید کتاب‌هایمناسب و استاندارد اجرا می‌کنند، چند پرسش از آن‌ها پرسیدیم: برای دریافت نظرات و ایده‌های مؤلفان و تصویرگران کتاب چه تدابیری اندیشیده‌اند و برای تولید آثار استاندارد چه برنامه‌هایی دارند؟ و چگونه از نشست‌ها و جلسه‌های گروهی با نویسندگان و تصویرگران به منظور افزایش تعاملات بین ناشر، نویسنده و تصویرگر و انتشار کتاب‌های خواندنی و جذاب بهره می‌گیرند؟

در این راستا موفق شدیم به نمایندگی از این ناشران، با محبت‌الله همتی، مدیر تولید انتشارات محراب قلم؛ سیدنوید سیدعلی اکبر، سرویراستار و مدیر فرهنگی انتشارات هوپا؛ فریدون عموزاده خلیلی، مشاور عالی واحد ادبیات انتشارات فنی ایران و مصطفی خرامان، مسئول بخش داستان نوجوانان انتشارات مدرسه برهان، گفت‌وگو کنیم. این بزرگواران با اشاره به تجربه‌های عملی و اجرایی خود، نکات ارزنده مطرح کرده‌اند که می‌تواند مورد توجه ناشران دیگر قرار گیرد. گزارشی از این گفت‌وگوها را در ادامه می‌خوانید.

محبت‌اله همتی، مدیر تولید انتشارات محراب قلم

تصمیم‌گیری انفرادی نداریم!

در چاپ هر اثر، یک روش این است که نویسندگان، مؤلفان و کسانی که ما را به‌عنوان ناشر کودکان و نوجوانان می‌شناسند، کارشان را به نشر تحویل دهند. این نوع دریافت اثر از مؤلفان و مترجمان، روشی منفعل است. به این معنی که در این شکل از کار، ناشر منشأ ایجاد اثر نیست. در روشی دیگر که ناشر فعال است، خلأهای مخاطبان خود را در حوزهٔ کارش شناسایی و آن را به نویسندگان، مترجمان و مؤلفانی که می‌شناسد، پیشنهاد می‌دهد. در این روش ناشر در ایجاد اثر نقش برجسته‌تری دارد.

در انتشارات «محراب قلم» با گسترش فعالیت‌ها، برای اینکه پابه‌پای مخاطب و فناوری روز پیش برویم، لازم بود به شکل سازمان‌یافته از وجود افراد متخصص استفاده کنیم. از این رو شورایی با عنوان «شورای سیاست‌گذاری» تشکیل دادیم که اصول و سیاست‌های کلی نشر را با نگاه به آینده تبیین می‌کند و تولیدات در چارچوب سیاست‌ها شکل می‌گیرند. در مورد موضوع‌هایی از این دست که: «آیا رمان می‌تواند برای ما یک خط تولید باشد؟» و اینکه: «آیا می‌توانیم کتاب مرجع برای بچه‌ها تولید کنیم یا نه؟» و... در شورای سیاست‌گذاری بحث و تصمیم‌گیری می‌شود. در شوراهای تخصصی نیز دربارهٔ نیازهای مخاطبان و دیگر حوزه‌های کاری نظرات نویسندگان و مؤلفان دریافت و پیشنهادهایی مطرح می‌شوند. در واقع همهٔ تصمیم‌های مربوط به تولیدات انتشارات، در شوراها گرفته می‌شود. تصمیم‌گیری انفرادی نداریم. از این رو فرایند تصمیم‌گیری طولانی است، اما از آنجا که مبتنی بر خرد جمعی است، تاکنون موفق بوده است.

شوراهای تخصصی در محراب قلم

کارهای پیشنهادی، در صورتی که در چارچوب‌های کاری ما تعریف شده باشد، بعد از دریافت نظر کارشناسان، به تناسب موضوع در شوراهای تخصصی، چون «شورای تولید»، «شورای رمان کودک و نوجوان» و «شورای کودک» (به معنی ادبیات محض) بررسی می‌شوند و در مورد انتشار یا عدم انتشار آن تصمیم‌گیری می‌شود. در روند آماده‌سازی، شورای گرافیک و شورای ویرایش هم وارد عمل می‌شوند. برای مثال در حوزهٔ رمان، آثار مطلوب ادبیات کودک و نوجوان در کشورهای متفاوت را شناسایی و در مورد مترجم آن در شورای رمان تصمیم می‌گیریم. شورای رمان در انتشارات محراب قلم در چند سال اخیر بیش از ۱۲۰ عنوان رمان کودک و نوجوان منتشر کرده است.

در شـــورای تولید، بحث‌های گســـترده‌تری مطرح می‌شوند و به آثاری چون کتاب‌های علمی- آموزشـــی و کتاب‌های مرجع، از جملـــه دایره‌المعارف‌ها و فرهنگ‌هـــای موضوعی می‌پردازیم. همچنیـــن، در مورد خلأهـــا و کتاب‌های مورد نیـــاز مخاطب و انتخاب نویســـنده تصمیم‌گیری می‌کنیم. حوزهٔ کاری شـــورای کودک هم کتاب‌های داستانی خردسال و کودک است.

برای انتخاب اعضای شوراهای تخصصی در شورای سیاست‌گذاری تصمیم می‌گیریم. در هر کدام از شوراهای کاری نیز، کارشناسان حوزهٔ مرتبط با موضوع شـــورا که عموماً نویســـندگان، مؤلفان و مترجمان هستند، حضور دارند و تعداد افراد حاضر در این شوراها از ســـه تا هفت نفر هستند. شـــورای تولید، هر دو هفته یک‌بار و گاهی به سبب حجم زیاد کار، به‌صورت هفتگی تشکیل می‌شود. شوراهای تخصصی دیگر، چون شورای رمان و شورای کودک نیز به‌صورت ماهانه و گاهی دو هفته یک‌بار برگزار می‌شوند.

از خرد جمعی استفاده می‌کنیم تا ادامه حیات دهیم

وقتی شـــورای تخصصی در مورد چاپ کـــردن یا چاپ نکردن یک اثر تصمیم می‌گیرد، کیفیت اثر تقریباً تضمین شـــده است و ناشـــر یقین می‌کند کتاب مصوب شورا، حداقل استانداردهای لازم را برای چاپ دارد. تولید اثر با کیفیت از نظر مضمون و فرم، موجب می‌شـــود در جامعهٔ مخاطبان شـــناخته شوید و به‌عنوان ناشـــری معتبر مورد قبول مخاطب باشـــید. در واقع شوراها این موضوع را تضمین می‌کنند. از طرف دیگر، هرکدام از نویسندگان و مترجمان به‌تنهایی به همهٔ نیازهای مخاطبان توجه نمی‌کنند و هر کدام براساس تجربهٔ زیستهٔ خود در حوزه‌ای که علاقه‌مندند، کار تألیف و ترجمه انجام می‌دهند. از این رو به‌عنوان ناشر کودک و نوجوان، به نیازسنجی، شناسایی خلأها و پیشنهاد تولید اثر از طـــرف مخاطبان نیاز داریم. ارتباط مســـتقیم با مخاطب فرصت مغتنمی اســـت که در نمایشگاه نصیب ناشر می‌شود. در مجموع حرکت و عمل در چارچوب شورا حرکت منطقی‌تری را به‌دنبال خواهد داشـــت. به‌ویژه در فضای نامطلوب حاکـــم بر بازار فعلی کتاب که لازم اســـت گزیده عمل کنیم و از خرد جمعی استفاده کنیم تا بتوانیم ادامهٔ حیات بدهیم.

تولید کتاب استاندارد و ارتباط نزدیک با مخاطب

ســـال‌ها قبل، زمانی‌که تصمیم گرفتیم کتاب‌های کمک‌درسی تولید کنیم، تیمی از معلمان تشـــکیل دادیم و مطابق سندهایی که دفتر انتشـــارات و تکنولوژی آموزشی در حوزهٔ استانداردهای کتاب تدویـــن کرده بود، کتاب‌های کار تولید کردیم که تعدادی از آن‌ها در جشـــنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد به‌عنوان کتـــاب برگزیـــده و تقدیری انتخاب شـــدند. البتـــه خط تولید کتاب‌های کمک درســـی را متوقف کرده‌ایم. هم‌اکنون نیز از این ســـندها به‌ویژه در حوزهٔ تصویرگری استفاده می‌کنیم. معتقدیم این ســـندها می‌توانند به ناشـــر مشـــاوره دهند و موجب تولید باکیفیت‌تر شوند. چرا که استانداردهای ارائه شده در این سندها، براســـاس تجربیات و مطالعات کارشناسانی تدوین شده‌اند که در این حوزه‌ها کار کرده‌اند.

همچنین سعی می‌کنیم حضور مؤثری در مجامع فرهنگی و هر برنامه‌ای که کتاب را به دست مخاطب برساند، داشته باشیم. یکی از بهترین راهکارهای نیازسنجی که مبتنی بر تجربهٔ زیستهٔ نشر است، «ارتباط مستقیم با مخاطب» است که نمایشگاه بین‌المللی کتاب و نیز نمایشگاه‌های استانی از جملهٔ این فضاها هستند. ما به جشنواره‌هایی چون جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد نیز توجه ویژه داریم و چاپ اول کتاب‌هایمان را به طور مســـتمر به دبیرخانهٔ جشنواره ارسال می‌کنیم و بازخوردهایی که دریافت می‌کنیم، در ادامـــهٔ خط تولید به ما کمـــک می‌کنند. به‌علاوه، همواره آثار ناشـــران باتجربه را چه در سطح ملی و چه در سطح جهانی مطالعه می‌کنیم و امکان پرداختن به موضوع‌هایشـــان را بررســـی می‌کنیم. از تجربیات ناشران برتر دنیا استفاده می‌کنیم و این لازمهٔ تولید کار با کیفیت و متناسب با نیاز مخاطب است.

از فعالیت‌هایی که قرار اســـت به زودی انجام دهیم، «برگزاری کارگاه‌های آموزشـــی بـــرای معلمان» اســـت. کتاب‌های مرجع، همچـــون دایره‌المعارف یـــا فرهنگ‌های زبانـــی و موضوعی، از کارهای مؤثر و گستردهٔ محراب قلم است. این نوع کتاب‌ها برای کتابخانه‌های آموزشـــگاهی و کلاســـی ضروری‌اند. فکر می‌کنیم خوب اســـت معلمان اطلاع داشته باشند که از کتاب‌های مرجع چطور می‌توانند در فرایند یاددهی- یادگیری اســـتفاده کنند. به همیـــن خاطر تصمیم گرفتیم چنیـــن کارگاه‌هایی برگزار کنیم. توجه داشـــته باشیم، در کشـــور ما بخش اصلی کار این است که کتاب را به دست مخاطب برسانیم. تولید کتاب کار سختی است و باید با صبر و حوصله انجام شود. سخت‌تر از آن رساندن کتاب به دست مخاطب است، چرا که هدف نهایی، مخاطب کتاب است.

سید نوید ســـیدعلی اکبر، سرویراستار و مدیر فرهنگی انتشارات هوپا

جلسات گروهی داستان‌خوانی

در «نشر هوپا» و سایر مراکزی که فعالیت داشته‌ام، جلسه‌های گروهی داستان‌خوانی را اجرا کرده‌ام. نویسندگان در جلسه‌های داســـتان‌خوانی، داســـتان خود را می‌خوانند و شرکت‌کنندگان در مـــورد آن نظر می‌دهند و کار مطابق نظراتشـــان بازنویســـی می‌شود. جلسه‌های داســـتان‌خوانی نشر هوپا روز چهارشنبهٔ هر هفته برگزار می‌شود. نویسندگان شرکت کننده در این جلسه‌ها

همتی: تولید اثر با کیفیت از نظر مضمون و فرم، موجب می‌شود در جامعه مخاطبان شناخته شوید و به‌عنوان ناشری معتبر مورد قبول مخاطب باشید

تجربهٔ داستان‌نویسی دارند و حتی بعضی از آن‌ها نویسندگان معروف و شناخته شده هستند. تعدادی از آنان نیز ممکن است کتابی چاپ نکرده باشند، اما قبل از اینکه در این جلسه‌ها شرکت کنند، از آنان نمونهٔ کار می‌خواهیم تا مطمئن شویم، اصول اولیهٔ داستان‌نویسی را می‌دانند و با این فضا بیگانه نیستند.

شرکت‌کنندگان ایده‌هایشان را در جلسه مطرح می‌کنند و اگر به نظر آید که ایده برای مخاطب جذاب است و قابلیت رمان شدن دارد، با مشارکت نویسندهٔ صاحب ایده و اعضای جلسه (من نیز دبیر جلسه هستم) شروع می‌کنیم به پرورش‌دادن ایده و از ایده به طرح داستانی می‌رسیم. منظورم از طرح داستانی، یک نقشهٔ ساده است برای اینکه کتابی نوشته شود. قصه و ماجراهای داستان در طرح داستان پیاده می‌شوند و بعد از طرح داستان، با مشارکت اعضا به پلات (plot) می‌رسیم. پلات حاوی تمام اجزای داستان است؛ شخصیت‌ها پرداخت شده‌اند و می‌دانیم قهرمان داستان و گره‌های داستان کجاست و نقطه‌های شروع و پایان داستان کدام‌اند. پلات در واقع یک نسخهٔ مفصل‌تر از طرح و پیش‌نویسی از رمان است. سپس نویسندگان شروع به نوشتن داستان می‌کنند و بعد از نوشتن هر بخش، آن را در جلسه می‌خوانند و سایرین نظر می‌دهند. داستان دائماً اصلاح می‌شود تا به نسخهٔ نهایی برسد. نسخهٔ نهایی را خودم تنها می‌خوانم و برای نویسنده یادداشت‌هایی می‌گذارم. بعد از اعمال آن توسط نویسنده، به سراغ فرایند تصویرسازی و چاپ کتاب می‌رویم.

جلسه‌های داستان‌خوانی می‌تواند فرصت خوبی برای نویسندگان و به‌خصوص نویسندگان تازه‌کاری باشند که کتابی چاپ نکرده‌اند، اما استعداد و توانایی خوبی دارند. نویسندگان می‌توانند در این جلسه‌ها تجربه‌های خوبی کسب کنند، خود را ارتقا دهند و کتاب‌های خوبی چاپ کنند.

سید علی‌اکبر: ناشر باید بداند که مخاطبان کتاب چه چیزهایی دوست دارند و چطور به خواندن کتاب ترغیب می‌شوند. کتاب باید بتواند با انیمیشن و فیلم رقابت کند. پس ناگزیر است ساختار سنتی را بشکند و وارد ساختار جدید شود

ارتباط تنگاتنگ ناشر و مؤلف

ما در نشر هوپا، در هر مرحله از کار، با مؤلف کتاب در تماس هستیم. مؤلف نسخهٔ ویرایش شده را می‌بیند و به ما بر می‌گرداند. تصویرسازی‌ها و طراحی جلد را می‌بیند و نظر می‌دهد. پشت جلد با نظر مؤلف نوشته می‌شود. برای تبلیغات کتاب نیز از نظرات مشورتی مؤلفان استفاده می‌کنیم.

تولید کتاب‌های استاندارد

در جلسه‌های داستان‌خوانی حداقل ۲۰ نفر به‌عنوان نویسنده حضور دارند که با توجه به دریافت و شناختمان از مخاطب نظر می‌دهیم. معیارهای کیفی داستان ما را به سمت کار موفق هدایت می‌کند. ساختار داستان باید درست باشد، قصه داشته باشد و مورد علاقهٔ مخاطب باشد. علاوه بر جلسه‌های گروهی داستان‌خوانی، می‌توان برنامه‌های دیگری نیز به‌منظور افزایش کیفیت اثر داشت. از جمله اینکه نشست‌هایی مداوم با مخاطبان داشته باشیم، کار برای آنان بخوانیم و نظر آنان را بگیریم. همچنین می‌توان فرایند کارشناسی اثر را با توجه به موضوع اثر با چندین کارشناس در حوزه‌هایی چون مهارت‌های زندگی، محیط زیست، تاریخ و غیره جلو برد و کار را با توجه به نظرات این کارشناسان اصلاح کرد. به این ترتیب طبیعتاً کتاب با استاندارد بالاتری تولید خواهد شد.

عبور از ساختار سنتی نشر

نشر در ایران ساختاری سنتی و قدیمی دارد. این ساختار سنتی که کتاب را در کتاب‌فروشی بگذاریم تا هر کس که کتاب‌خوان است، برود بخرد، باید برچیده شود. نشر باید بتواند از این ساختار سنتی عبور کند. چرا که مخاطبان همان مخاطبان دیروز نیستند. باید بتواند در زمینهٔ تبلیغات و پخش، موفق عمل کند تا بتواند کتابش را بفروشد. ناشر باید بداند که مخاطبان کتاب چه چیزهایی دوست دارند و چطور به خواندن کتاب ترغیب می‌شوند. ناشران هدیه‌های جانبی برای کتاب‌هایشان بگذارند و رویدادهای متفاوت، از جمله جلسهٔ رونمایی کتاب برگزار کنند. کانال‌های ارتباطی خود را در شبکه‌های مجازی گسترش دهند و بکوشند از راه‌های گوناگون در دل مخاطبان و در بازار رسوخ پیدا کنند. کتاب یک کالاست؛ کالایی که جنبهٔ اقتصادی دارد و باید مانند کالاهای دیگر با آن برخورد شود تا بتواند به لحاظ اقتصادی روی پای خود بایستد. کتاب باید بتواند با انیمیشن و فیلم رقابت کند. پس ناگزیر است ساختار سنتی را بشکند و وارد ساختار جدید شود.

فریدون عموزاده خلیلی، مشاور عالی واحد ادبیات انتشارات فنی ایران

هدفمند تألیف می‌کنیم!

ما تنها براساس یک مدل و یک سطح یا لایه برای تألیف کتاب عمل نمی‌کنیم. روندی که در ارتباط با نویسندگان تازه‌کار پی می‌گیریم، متفاوت با روند کار ما با نویسندگان حرفه‌ای است. در «انتشارات فنی ایران» تألیف داستان یا رمان صرفاً به خاطر داستان یا رمان نیست. این انتشارات هدفمند به جلو می‌رود و تألیف آن نیز هدفمند است.

یک مدل تجربه شده موفق

برای تولید یک رمان جذاب برای نوجوان، در مرحلهٔ تألیف این چالش وجود دارد که: اصالت با موضوع است یا با ادبیات؟ اصالت با وجه علمی است یا وجه خلاقی؟ مثلاً اگر می‌خواهید

در مورد یک گونهٔ حیات وحش بنویسید، واقعاً ابتدا تلاشتان این است که چارچوب علمی ماجرا حفظ شود و خلاقیت در مرحلهٔ بعد باشد یا برعکس؟ به نظرم هر دوی این‌ها نتیجه‌های خوبی برای انتشارات ما نخواهند داشت. برای یک ناشر صرفاً آموزشی، اصالت با وجه علمی است. از طرف دیگر، ناشر عمومی برایش این مهم است که مخاطب کارش را بخواند و می‌خواهد رمان خوب بنویسد. اما در انتشارات فنی، هم می‌خواهیم داستان خوب بنویسیم و هم می‌خواهیم که مغایرت علمی نداشته باشد. مثلاً داستانی در مورد «گاندو» بنویسیم و در بلوچستان هم انجام شود. در مورد سنجاب‌های زاگرس بنویسیم و واقعاً در زاگرس انجام شود. داستانش هم جذاب باشد و هم مغایرت‌های علمی نداشته باشد. می‌خواهیم هر دو وجه را داشته باشیم تا بعد از چاپ کتاب بتوانیم سرمان را بالا بگیریم.

برای مثال، مدل ما برای تولید رمان‌هایی در حوزهٔ محیط زیست این بود که یک کارگروه تشکیل دادیم. از ۱۰ نویسنده که می‌توانستند خوب بنویسند و ضمناً گرایش به نوشتن در حوزهٔ محیط زیست داشتند، دعوت کردیم. آن‌ها به صورت گروهی کار را شروع کردند. در یک مرحله یک متخصص محیط زیست آوردیم و برای آن‌ها در مورد چالش‌های محیط زیست، اولویت‌های محیط زیستی در ایران و مباحثی از این دست صحبت کرد. به تدریج برای هر کدام از نویسنده‌ها، موضوع‌هایی چون بازیافت زباله، آلودگی دریای خزر و ریزگردها جذاب شد. کارشناس محیط زیست در ارتباط با این موضوع‌ها برای آنان توضیح داد، به آنان کتاب و فیلم معرفی کرد و اطلاعات جزئی‌تری در اختیارشان گذاشت. یک دبیر ادبی هم در کنار این گروه بود. توضیحات کارشناس محیط زیست به تدریج به گسترش داستان کمک می‌کرد و با توجه به اطلاعات کارشناس، نویسنده داستان خود را پردازش می‌کرد.

روش سنتی و بسیار تجربه شدهٔ ناموفق که چند تیتر و موضوع به دست نویسنده بدهیم تا در مورد آن بنویسد، کارساز نیست. اما وقتی در این مدل نویسنده، تصویرگر و کارشناس محیط زیست را ممزوج کردیم، در هم تنیده می‌شوند و چه بسا کارشناس به پا گرفتن داستان کمک می‌کند. همچنین کارشناس به تصویرگر اطلاعاتی از این دست می‌دهد که درختانی که شما تصویرشان را گذاشته‌اید، در جنگل‌های زاگرس وجود ندارند.

کارگاه‌های کتاب تصویری

در تألیف داستان برای کودکان سنین پایین‌تر، چالش بین نویسنده و تصویرگر همیشه وجود دارد. نویسنده داستان را می‌نویسد و ناشر آن را به تصویرگر می‌دهد. در آخر در یک حالت، تصویرگر مطیع داستان است و عیناً هر چه داستان گفته را طراحی می‌کند و نویسنده راضی است. در حالت دیگر، تصویرگر ممکن است خلاقیت خود را وارد کار کند و نویسنده ببیند و راضی نباشد. ما معتقدیم کتاب تصویری کتابی است حاصل تلاش نویسنده، تصویرگر و ناشر. کتاب و محصول برای ما اهمیت دارد. بنابراین در شکل‌گیری کتاب لازم است نویسنده و تصویرگر از همان ابتدا با هم هماهنگ باشند.

از این رو کارگاه کتاب تصویری را برگزار می‌کنیم. برای برگزاری این کارگاه، ابتدا فراخوان می‌دهیم. نویسندگان و تصویرگرانی که می‌خواهند شرکت کنند، داوطلب می‌شوند و نمونهٔ کارهایشان را می‌فرستند. از میان چند صد نفر شرکت کننده، ۳۰ نفر انتخاب می‌شوند که شامل ۱۵ تصویرگر و ۱۵ نویسنده است. هم نویسنده و تصویرگر جوان و هم حرفه‌ای بین شرکت‌کنندگان دیده می‌شود. این ۳۰ نفر در جلسه‌ای توجیهی گرد هم می‌آیند. نویسندگان ایده‌هایشان را می‌گویند و تصویرگران هم تصویرهایشان را روی پرده می‌گذارند. نویسنده و تصویرگر کار هم را می‌بینند و افرادی که ایده‌هایشان به هم نزدیک است، کنار هم قرار می‌گیرند و درواقع یکدیگر را پیدا می‌کنند. مثلاً تصویرگر می‌گوید من بلدم طنز کار کنم و ایده‌های فلانی ظرفیت طنز دارد و به من نزدیک است. مسئولان کارگاه نیز یک نویسنده و یک تصویرگر هستند. کاری که ما به‌عنوان مسئول کارگاه انجام می‌دهیم، این است که در مورد ایده‌های افرادی که دو به دو با هم تیم شده‌اند، نظر می‌دهیم. نمونه‌های موفق جهانی را به آن‌ها نشان می‌دهیم. آن‌ها دوباره با هم کار می‌کنند و وقتی ایده مشخص شد، در گروه دو نفره فِرم به فِرم به جلو می‌روند.

تا کنون در هر دوره از کارگاه کتاب تصویری اتفاقات خوبی افتاده است و در نهایت ما با یک کار درجه یک مواجه شده‌ایم که هیچ دعوای نویسنده و تصویرگر هم پشت آن نبوده است. چرا که طی یک ماه نویسنده و تصویرگر در کارگاه کنار هم بوده‌اند و با هم دیالوگ داشته‌اند. با این روش نویسنده و تصویرگر به یک اندازه در تولید کتاب نقش دارند و یک حس موفقیت مشترک دارند. هیچ‌کدام فکر نمی‌کند جایگاه پایین‌تری دارد و مثل یک تیم از کارشان دفاع می‌کنند. در نمایشگاه کتاب، گروهی از تصویرگران ایتالیایی که کارگاه تصویرگری ما را دیده بودند، موضوع برایشان جالب بود و واقعاً هیجان‌زده شده بودند. ما در این روش سعی می‌کنیم کار نویسنده و تصویرگر ممزوج و آمیخته شود و پروژه به‌صورت مشترک پیش رود. در داوری نیز به‌عنوان جایزه، نویسنده و تصویرگری را که اثرشان به‌عنوان کتاب برتر انتخاب شده است، به «نمایشگاه بولونیا» که بزرگ‌ترین نمایشگاه کتاب کودک دنیاست، می‌فرستیم.

کار تیمی و پرنج اما قابل دفاع

پایه و رکن اصلی کارگاه‌ها، کارگروه‌ها و پروژه‌های تألیف در انتشارات فنی و سایر مراکزی که فعالیت داشتم، این بود که کار به‌صورت تیمی جلو برود. این کار دو نتیجه دارد؛ اول اینکه خروجی این کارگاه‌ها، کتاب‌هایی است که استانداردها در آن رعایت شده‌اند. جلو بردن این پروژه سخت‌تر از آن است که بخواهید صرفاً رمان یا کتاب آموزشی بنویسید. وقتی می‌خواهید استانداردها را رعایت کنید، مهارت و رنج بیشتری می‌برید، اما در نهایت حاصل کار قابل دفاع خواهد بود. نتیجه و خروجی دوم این

عموزاده‌خلیلی: کتاب تصویری کتابی است حاصل تلاش نویسنده، تصویرگر و ناشر؛ بنابراین در شکل‌گیری کتاب لازم است نویسنده و تصویرگر از همان ابتدا با هم هماهنگ باشند

عموزاده‌خلیلی: خلاقیت در نویسندگی حرف اصلی را می‌زند، بنابراین برگزاری کلاس آموزش نویسندگی خیانت به داستان‌نویسی و نویسندگان است. چرا که این کلاس‌ها در بهترین حالت یک سلسله نویسنده مشابه بیرون می‌دهند که مثل استادشان می‌نویسند

اســت که با این روش داستان‌نویس تربیت می‌شود. وقتی تألیف به‌صورت کارگاهی پیش می‌رود، مهم‌تر از داستان یا کتابی که از آن در می‌آید، این است که داستان‌نویس از آن در می‌آید. سرمایهٔ انسانی که از این مدل در می‌آید، بسیار ارزشمند است.

ما یــک دوره هم برای نوجوانان کارگاه برگزار کردیم تا تمرین نویسندگی داشته باشــند. همچنین برای کارگاه محیط زیست، نوجوانان را به باغ گیاه‌شناســی بردیم. در این کارگاه، نوجوانان با کارشــناس محیط زیست و کارشــناس ادبی تعامل داشتند و نویســندگی کردند. نویسندگی باید فرایندی را طی کند. ممکن است لازم باشد فرد در سه دوره از کارگاه تجربی با سطوح متفاوت شرکت کند تا بتواند به کتاب برسد. این کارگاه‌ها کمک می‌کنند، نویسنده در استاندارد قابل قبول نویسندگی قرار گیرد. وقتی روند تألیف از فیلترهای تجربه شــده‌ای چون کارگاه‌ها و گفت‌وگوها و تعاملات تخصصی می‌گذرد، خروجی آن حداقل‌هایی را شــامل می‌شــود. بنابراین می‌تواند تا حدود زیادی برای ناشر و مخاطب اطمینان خاطر ایجاد کند که استانداردهایی را رعایت کرده است.

مدل اتاق تجربه

از دههٔ ۱۳۶۰ که در حــوزهٔ هنری بودم، با افرادی چون قیصر امین‌پور و قاسمعلی فراســت کلاس‌های آموزش داستان‌نویسی داشــتیم. این کلاس‌ها ادامه داشــت تا در اواسط دههٔ ۱۳۸۰ به این نتیجه رسیدم که برگزاری کلاس آموزش نویسندگی خیانت به داستان‌نویســی و نویسندگان اســت. چرا که این کلاس‌ها در بهترین حالت یک سلســله نویسندهٔ مشــابه بیرون می‌دهند که مثل استادشــان می‌نویســند. در صورتی که نویســندگی مثل شکلات‌سازی نیست که همه را هم‌شکل بیرون بدهید. خلاقیت در نویسندگی حرف اصلی را می‌زند. بنابراین این کلاس‌ها را کنار گذاشتم. در سال ۱۳۹۱، یکی از ناشران از من خواست تا کارگاه رمان نویســی برگزار کنم. به آنان گفتم معتقدم نویسندگی باید به تجربه شــکل بگیرد. اگر به کارگاه بیایم، به شرکت‌کنندگان می‌گویم همهٔ آموزش‌های نویسندگی را دور بریزند. گفتند بیا و همین را برگزار کن. یک مدل با نام «اتاق تجربه» طراحی کردم. اصرار داشتم بگویم اتاق، چرا که صیمیت در اتاق بیشتر است.

برگزاری اتــاق تجربه در فراخوان عمومی اعلام شــد و تعداد زیادی نویســندگان جوان شــرکت کردند. از بین آن‌ها تعدادی انتخاب شــدند تا در کارگاه با آن‌ها کار شود. گفتم اولین جلسه با یک ایده بیایید. بعد با هم در مورد آن حرف می‌زنیم تا ببینیم این ایده می‌تواند رمان شود یا نه. شرکت‌کنندگان در اتاق تجربه به صورت دایره‌ای دور هم می‌نشینند و همه حتی با استاد هم در موضع برابر هستند. هرگز به آنان نمی‌گویم که این‌طور بنویسید، بلکه می‌پرســم چطور می‌خواهید بنویسید و از تجربه‌های خودم می‌گویم و آنان مختارند نظرم را بپذیرد یا نه. خروجی اولین دورهٔ اتاق تجربه این بود که ۱۲ نفر، تعداد ۸ رمان نوشــتند. بعضی از نویسندگان این رمان‌ها تا قبل از آن اصلاً ننوشته بودند. هیچ‌کدام از این ۸ رمان، مثل هم نبودند و اگر قرار بود من بنویسم، خیلی از آن‌ها را حتی دوست نداشتم. از این تعداد، ۶ رمان نیز جایزه‌های مهمی گرفتند. خروجی اتاق تجربهٔ رمان نوجوان که هشت سالی است آن را برگزار می‌کنم، حداقل ۲۰ نویسندهٔ خوب بوده است که کارهایشان خوانده می‌شوند و جایزه کسب می‌کنند.

در اتــاق تجربه به نویســندگان می‌گویم مهم این اســت که خودتان باشــید. اصلاً نگویید که می‌خواهید مثل فلان نویسنده بنویســید. در اتاق تجربه سعی می‌کنم ترس‌هایشان از نوشتن را بریزم. از اینکه ممکن اســت کسی به ایدهٔ آنان بخندد، نترسند. ایده‌هــای خود را با صراحــت بگویند و مقهــور و مرعوب هیچ «گونه‌ای» (ژانری) نشوند. مثلاً شــاید دوست نداشته باشم ژانر فانتزی بنویسم، اما هرگز حق ندارم در کارگاه بگویم که این ژانر به درد نمی‌خورد. به نویســندگان می‌گویم شما خودتان ایده‌ای را می‌آوریــد و گام‌به‌گام آن را جلو می‌برید و این ژانر اختصاصی خودتان است. هنر همین اســت. مگر اولین داستانی که نوشته شد، مبتنی بر یافته‌های منتقدان و نظریه‌پردازان نوشته شد؟ اگر اثر داستانی خوب باشد، می‌تواند به‌دنبال خود نظریه‌ای به جهان نظریات داســتانی اضافه کند. تمام تلاش من در اتاق تجربه این اســت که کمک کنم، بچه‌ها مرعوب نظریه‌های داستانی و حتی شاهکارهای داستانی نشــوند. می‌گویم چه بسا خود شما کسی باشید که شاهکار خلق می‌کند. اگر شما خود را از زیر سایهٔ نام‌ها دربیاورید، ممکن است خودتان نام جدیدی بشوید.

مصطفی خرامان، مسئول بخش داستان نوجوان انتشارات مدرسه برهان

بهترین مدل، سرویراستار است

به نظر می‌رسد این روش که با نویسندگان جلسهٔ گروهی داشته باشیم، خیلی جواب نمی‌دهد ما در «انتشارات مدرسه» تنها برای داستان کوتاه جلسهٔ گروهی داریم که با ۱۵ نفر برگزار می‌شود و محصول آن یک کتاب است. در این جلسه یک نویسنده داستانش را می‌خواند و بقیه نظرات خود را اعلام می‌کنند. داستان‌هایی که از آن‌ها استقبال می‌شود، بعد از اصلاحات در قالب کتاب داستان کوتاه چاپ می‌شــوند. ظرف یک‌سال، سه تا چهار کتاب این‌گونه تولید می‌شود. این کار می‌تواند عامل ایجاد انگیزه در نویسندگان و جذب آنان باشد و رابطهٔ نویسندگان را با نشر مستحکم‌تر کند.

اما بهترین مدل کار تولید کتاب برای نشــر این روش نیســت. بهترین مدل آن اســت که ناشر یک سرویراســتار داشته باشد.

مدل‌های خارجی معمولاً این‌گونه‌اند. آن‌ها سرویراســـتار دارند و دنبال کتاب نمی‌روند. ما در کشـــورمان با دو مدل کار می‌کنیم. در مدل اول به عنوان ناشـــر ایده‌هایی برای تولید می‌دهیم و از نویسنده یا نویسندگان مناسب دعوت می‌کنیم که این کتاب‌ها را برای ما بنویسند. در مدل دوم، نویسندگان کتاب‌هایی را برای ما به‌عنوان ناشر می‌آورند و ما آن‌ها را برای بررسی به فرد متخصص می‌دهیم و در نهایت تصمیم می‌گیریم که کتاب را چاپ کنیم یا نه. ما تقریباً سرویراســـتار نداریم. سرویراستار این توانایی را دارد که بگوید این ایده، سوژه یا کتاب که کار کردی، به درد می‌خورد یا نه. سرویراستار روی همهٔ ارکان کتاب و ادبیات مسلط است و ویرایش می‌داند. ساختار کتاب و داستان را می‌شناسد و نسبت به ترجمه هم تا حدی شناخت دارد. پیدا کردن چنین فردی سخت است و دســـتمزد بالایی می‌خواهد، اما حضورش به تولید کتاب خوب و افزایش مشتری می‌انجامد. در واقع سرویراستار به‌عنوان یک فرد باتجربه در مورد محتوای کتاب و اینکه نویســـنده چقدر در تألیف یا ترجمهٔ آن موفق بوده است، اظهارنظر می‌کند.

ما در انتشارات مدرسه برای تولید کتاب، از نویسنده می‌خواهیم ایده‌اش را بیاورد و به او کمک می‌کنیم تا ایده‌اش را بپروراند. این کار هم تقریباً ماجرای همان سرویراســـتار است. ما اعلام می‌کنیم که تصمیم داریم رمان نوجوان تولید کنیم. تعدادی از نویسندگان اعلام می‌کنند که طرحی برای رمان نوجوان دارند. در جلسه‌ای سه چهار نفری، با نویســـندگان در مورد طرحشان صحبت می‌کنیم و می‌گوییم این طرح به درد می‌خورد یا نه. اشکالات را می‌گوییم تا رفع شود. بعد از اصلاحات و تأیید طرح، نویسنده متن را می‌نویسد تـــا فرایند چاپ را طی کند. به این صورت ما می‌توانیم در کیفیت کتاب‌هایی که تولید می‌کنیم، تأثیـــر بگذاریم تا کتاب حداقل به لحاظ فنی، قابل قبول باشد و هر کتابی را از هر نویسنده‌ای نپذیریم.

مدیر هنری در کنار سرویراستار

اگر ناشری بخواهد طی یک‌سال، ۵۰ کتاب منتشر کند، از این تعداد ممکن است تنها پنج کتاب به تصویر نیاز داشته باشند. اما هر ۵۰ کتاب به جلد نیاز دارند. بنابراین خوب اســـت که ناشران مدیر هنری داشته باشـــند. فردی که گرافیک و تصویرگری بلد باشد و بتواند به تصویرگران مختلف کار سفارش دهد. سپس در مورد تصاویر نظر دهد و آن‌هـــا را تأیید یا رد کند. بهترین مدل برای همهٔ ناشران این است که در کنار سرویراستار، مدیر هنری هم داشته باشند. سرویراستار در مورد کار تولید و ویرایش کتاب اظهارنظر کند و مدیر هنری نیز دربارهٔ صفحهٔ‌آرایی، جلد و قطع کتاب اظهار نظر حرفه‌ای داشـــته باشـــد. حاصل این روش یک کتاب قابل قبول خواهد بود.

ناشران سازوکار داشته باشند

وقتـــی در داوری‌مـــان در جشـــنواره‌ها، کتـــاب را می‌خوانیم، می‌بینیم گاهی ناشران بدون بررسی کتاب چاپ می‌کنند. کتاب باید به‌گونه‌ای باشـــد که وقتی شـــروع به خواندن آن می‌کنیم، جذبمـــان کند تا کتاب را به پایان برســـانیم. کتـــاب نباید غلط املایی، ویراستاری و گاف داســـتانی داشته باشد. تشخیص این موارد با فردی اســـت که در این زمینه‌ها مســـلط باشد. اگر قرار باشد ناشران کتاب خوب چاپ کنند، باید سازوُکار و ابزار داشته باشند. مشکل اینجاست که تعداد ناشران ما از تعداد نویسندگان ما بیشتر است، در صورتی که تعداد نویسندگان شناخته شده و فعال کم است.

خرامان: کتاب باید به‌گونه‌ای باشد که وقتی شروع به خواندن آن می‌کنیم، جذبمان کند تا کتاب را به پایان برسانیم. کتاب نباید غلط املایی، ویراستاری و گاف داستانی داشته باشد

بهروز رضایی

عروسک‌هایی که می‌خواهند بدانند

گفت‌وگو با فردوس نادعلی‌زاده، کتابدار کتابخانه روستای مبارک‌آباد قم

اصالتاً شیرازی است و دست تقدیر او را به روستاهای قم کشانده است. کتابداری، آن هم در یکی از روستاهای اطراف شهر، ابتدا برای او فقط یک شغل بود، اما رفته‌رفته با عشق به کودکان درآمیخت. حالا همه هم و غمش این است که در این کتابخانهٔ کوچک، که به گفته خودش به دنیایی بزرگ برای بچه‌های روستا تبدیل شده است، نسلی کتاب‌خوان بپرورد. نسلی که کتاب خواندن دغدغه‌اش و درونی‌اش شده باشد. اکنون به لطف وجود او، کتابخانه پاتوق مادران کتاب‌خوان و بچه‌هایشان است. مدرسهٔ روستا زنگ قصه‌خوانی برای دانش‌آموزان ترتیب می‌دهد و دانش‌آموزان کتاب‌خوان را به ادامهٔ راهشان تشویق می‌کند. نمی‌دانیم، شاید تحصیلات او در «جامعه‌شناسی» (کارشناسی) و «مدیریت اطلاعات» (کارشناسی ارشد) در ایجاد این روابط و موفقیت او بی‌تأثیر نبوده است، اما به نظر می‌رسد نقش اصلی در این میانه، با همان عشق و علاقه‌ای است که می‌گوید نسبت به افزایش آگاهی بچه‌ها دارد.

دوستی که شما را به من معرفی کرد، گفت شما در کتابخانهٔ روستای ولی عصر «مبارک‌آباد» فعالیت‌های جالبی برای جذب بچه‌ها به کتاب و کتاب‌خوانی دارید که از جمله آن‌ها طرح «عروسک‌های دانا» است. اگر اجازه بدهید از همین عروسک‌های دانا شروع کنیم.

راستش همیشه دغدغه‌ام این بود که چرا برای دعوت بچه‌ها به کتابخانه باید فراخوان بدهیم و چرا بچه‌ها، مشتاقانه و خودجوش در کتابخانه حضور مستمر ندارند. به همین دلیل دنبال عواملی بودم که بتوانند در کتابخانه محیطی شاد و لبریز از عاطفه و صمیمیت ایجاد و کودکان را جذب کند. بازی، به‌خصوص عامل جادویی «عروسک» از آن چیزهایی است که کودکان خیلی دوست دارند و از طریق عروسک‌بازی بسیاری از مفاهیم را دریافت می‌کنند. از طرف دیگر می‌دانید که عادت دادن افراد به مفهومی ارزشی و مثبت باید به شکل مستمر و ثابت تکرار شود تا فرد به آن عادت کند و جزو رفتارهای ثابت او شود.

کار با خرید چند عروسک و چیدن آن‌ها در قفسه‌ها آغاز شد. نکتهٔ مهم در خرید و انتخاب عروسک‌ها این بود که سعی کردم، عروسک‌ها برای هر دو جنس (مثل عروسک حیوانات یا شخصیت‌های محبوب تلویزیونی مانند کلاه قرمزی) قابل استفاده باشد. روزهای اول که بچه‌ها به کتابخانه می‌آمدند، با شوقی آمیخته به تعجب به آن‌ها نگاه می‌کردند. وقتی هم می‌فهمیدند می‌توانند هر کدام را که دوست دارند بردارند، بسیار ذوق زده می‌شدند. با حضور عروسک‌ها، فضایی شاد و صمیمی در کتابخانه به وجود آمد. روزهای اول تنها به بازی و نمایش عروسکی اختصاص داشت. کودکان عروسک‌ها را به آغوش می‌کشیدند و با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کردند.

مدتی که گذشت، به بچه‌ها گفتیم این عروسک‌ها به اینجا آمده‌اند تا شما برایشان قصه بخوانید و به عروسک‌هایی دانا تبدیل بشوند. به این ترتیب قصه‌خوانی برای عروسک‌ها آغاز شد.

پس از مدتی بچه‌ها به‌قدری با عروسک‌ها ارتباط می‌گرفتند که گاه اصرار می‌کردند، عروسک مورد علاقهٔ خود را چند روزی به خانه ببرند و موقع خواب برایشان قصه بخوانند. مادران بچه‌ها تعریف می‌کنند که کودکانشان چنان نسبت به این عروسک‌ها احساس مسئولیت دارند که حتی به آن‌ها غذا می‌دهند و برایشان قصه می‌خوانند تا بخوابد.

بعدها به بچه‌ها گفتم می‌توانند عروسک‌هایی را هم که در منزل دارند، به کتابخانه بیاورند و برایشان قصه بخوانند و به این ترتیب عروسک‌ها از گوشهٔ خانه‌ها و کمدها بیرون آمدند و به درون کتابخانه کشیده شدند. حالا دیگر در همهٔ جشن‌ها و برنامه‌هایی که در کتابخانه برگزار می‌شوند، عروسک‌ها حضوری پررنگ دارند. برخی از بچه‌ها حتی جشن‌های تولدشان را در کتابخانه و با حضور عروسک‌ها برگزار می‌کنند. طی این مدت، ۱۸ جشن تولد برای کودکان عضو کتابخانه برپا شده که نشانه‌ای خوب از ارتباط کودکان با کتابخانه و عروسک‌هاست. به‌طور کلی می‌توان گفت، عروسک‌های پوشالی و بی‌جان، به موجودهایی

پویا و اثرگذار تبدیل شده‌اند و چه بسا تا ابد این خاطرات شیرین را در ذهـــن بچه‌ها ماندگار کنند. ناگفته نماند، من در منزل نیز با عروسک‌ها برای کودکانم قصه‌خوانی می‌کنم.

این طرح از مهر ۱۳۹۶ آغاز شده است و هنوز با همان طراوت ادامه دارد. کتابخانهٔ ما فضای کوچک و امکاناتی اندک دارد، اما در همین فضای کوچک، دنیای بزرگی برای کودکان روســـتا به وجود آمده است.

به نظر می‌رسد با توجه به نکاتی که گفتید، طرح از حیث کیفیت خواندن، تأثیر خوبی به‌جا گذاشته است. من می‌دانم که در یک محیط روستایی مراجعان محدود هستند، ولی آیا از نظر کمّی هم تعداد کتاب‌خوان‌ها بیشتر شده است؟

ایـــن طرح تأثیر خوبی بر افزایش آمـــار امانت و اعضای جدید، به‌ویـــژه عضوگیری کودک ـ مادر داشـــت. بنابر آمـــار، تعداد کل امانت‌ها در سال ۹۳ تا شـــهریور ۹۶ بالغ بر ۱۱ هزار امانت بوده اســـت که پس از شـــروع این طرح، تنها در یک سال (مهر ۹۶ تا مهر ۹۷) نزدیک به ٦ هزار امانت به ثبت رســـید. به عبارت دیگر، از رقم ۳٦۷ امانت در ماه به ۵۰۰ امانت در ماه رسیدیم. در همین مدت، تعداد اعضای کتابخانه از ۲۲۹ نفر به ۳۱۵ نفر افزایش یافته است که نشان می‌دهد، ظرف این یک سال ۸٦ عضو جدید جذب کتابخانه شـــده‌اند. اما مهم‌تر از افزایش تعداد اعضا، این است که بچه‌ها با شوق به کتابخانه می‌آیند و بچه‌های کوچک‌تر با اصرار، مادر یا خواهرشـــان را هم به کتابخانه می‌آورند تا با عروســـک‌ها قصه‌خوانی کنند. ابتدا هدف ما کتاب‌خوان کردن کودکان بود، اما در دل این هدف، اتفاق مهم دیگری هم شکل گرفت.

چه اتفاقی؟

می‌دانید در روســـتاها، مادران سواد کمی دارند و چون تکرار و تمرین وجود ندارد، پس از چند ســـال دچار فراموشی می‌شوند و دیگر قادر به خواندن نیستند. با طرح جدید، مادران، همراه با فرزندانشان قصه‌های ســـادهٔ کودکانه را می‌خوانند و ضمن آنکه از خواندن آن‌هـــا لذت می‌برند و به وجد می‌آیند، در واقع با هر کتاب، فرصتی برای تمرین و تقویت ســـواد خود پیدا می‌کنند. از ایـــن رو، مادران نیز از این طرح بســـیار اســـتقبال کرده‌اند. آن‌ها از اینکه کودکان، خودشـــان با ذوق بیدار می‌شـــوند و به کتابخانه می‌آیند و کنار عروســـک‌ها به قصه‌خوانی می‌پردازند، خوش‌حال‌اند. در عین حال از این موضوع هم خوش‌حال‌اند که خودشان هم دارند کتاب می‌خوانند.

مـــن می‌دانم برای افزایش رغبت بچه‌ها به کتاب و حضور مشـــتاقانه در کتابخانه، طرح‌ها و فعالیت‌هـــای دیگری هم داشتید، اما راستش می‌خواهم از زبان خودتان بشنوم. چون حقیقتش شنیده‌ها و خوانده‌های من دربارهٔ طرح عروسک‌ها، با چیزهایی که خودتان گفتید، فرق می‌کرد.

بله، برنامه‌های زیادی برگزار می‌شـــود. یکـــی از این برنامه‌ها «جمع‌خوانی» اســـت. من و بچه‌ها کتابی را انتخاب می‌کنیم و در جمـــع، هر کودک، چند خط از کتـــاب را می‌خواند و بعد به دوســـتش می‌دهد تا کتاب تمام شـــود. این کار توانایی خوانش بچه‌ها، دایرهٔ واژگان، اعتمادبه‌نفس، شـــادابی و روحیهٔ همکاری را افزایش می‌دهد.

یکی دیگر از کارهای ما «مســـابقهٔ کتاب‌خوانی» است. من یا یکی از بچه‌ها قســـمت‌هایی از یک کتـــاب را می‌خوانیم و بعد پرسش‌هایی از متن خوانده شده مطرح می‌کنیم تا بچه‌ها پاسخ دهند. هر کس زودتر و کامل‌تر پاسخ دهد، برنده است.

برگـــزاری نمایشـــگاه دائمـــی از نقاشـــی‌های بچه‌هـــا یا آثار کارگاه‌های هنری، مانند کاردســـتی، نقاشـــی و خوش‌نویسی، برپایی نمایش‌های عروسکی با همکاری خود کودکان، و بازی‌ها و ســـرگرمی‌های فکری هم به افزایـــش تمایل حضور بچه‌ها در کتابخانه منجر می‌شود.

کتابخانهٔ ولی‌عصر روستای مبارک‌آباد چه امکاناتی دارد که بقیه ندارند؟

کتابخانهٔ حضرت ولی‌عصر، همانند دیگر کتابخانه‌های روستایی، از سهمیهٔ حداقلی برای دریافت منابع برخوردار است. این نشاط به دلیل اتفاق‌های داخل خود کتابخانه است. کتابی که چندین بار خوانده شده و برای بچه کسالت‌بار است، با نمایش و گاهی با آمیختن زبان طنز و مانند آن، به شکلی جدید به کودکان عرضه می‌شود. منابع کتابخانه محدود است، اما خلاقیت بیش از تعداد منابع بر جذب کودکان به مطالعه و کتابخانه مؤثر است.

ما تلاش می‌کنیم با مدرسهٔ روستا هم تعامل و همکاری خوبی داشته باشـــیم. به همین دلیل جایزهٔ برتر هر ماه طرح عروسک دانا، در مدرســـه و در حضور معلم، مدیر و دانش‌آموزان دیگر، به فرد برگزیده داده می‌شود تا تشویق کودک چند برابر شود. تأثیر این اتفاق به‌وضوح در کودکان قابل مشاهده است. مدیر مدرسه نیز ســـاعتی را بـــرای قصه‌خوانی و امتیازاتـــی را برای بچه‌های کتاب‌خوان در نظرگرفته است.

خیلی خوب اســـت که کتابخانه‌ای با مدرسهٔ روستا چنین رابطهٔ خوبی دارد. متأسفانه برخی از خانواده‌ها و حتی معلمان و مدیران مدارس تصور می‌کنند کتاب خواندن مانعی بر ســـر راه درس خواندن بچه‌هاست. این تصور البته واقعی نیست و یافته‌های کارشناسان نشان می‌دهد اتفاقاً خواندن کتاب‌های داستانی و تخیلی حتی می‌تواند موجب پیشرفت در درس‌هایی مانند ریاضی و علوم شود.

بله چنین تصور اشـــتباهی وجود دارد کـــه خوش‌بختانه ما به سهم خودمان در حال رفع آن هستیم.

و آخرین سؤال من این است که کتابخانهٔ روستا، به‌خصوص در حوزهٔ کودکان و نوجوانان چند کتاب دارد؟

در حوزهٔ کودک و نوجوان حدود ۱۰۰۰ جلد.

سمیه میرزایی

پیرامون آسیب‌شناسی اجرای یک مصوبه:

تدبیر جمعی برای حسن اجرای مصوبهٔ شورای عالی آموزش‌وپرورش

نگرانی‌ها از نابسامانی بازار نشر کتاب‌های کمک‌آموزشی غیراستاندارد و آسیب‌هایی که از این ناحیه متوجه دانش‌آموزان و معلمان است، شورای عالی آموزش‌وپرورش را بر آن داشت تا در سال ۷۹ مصوبهٔ ۸۲۸ را در زمینه الزام مدارس به استفاده از منابع آموزشی و تربیتی استاندارد و مورد تأیید سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی به تصویب برساند، و با ابلاغ آن در سال ۸۰ زمینه را برای همکاری با ناشران آموزشی پایبند به اهداف تعلیم‌وتربیت فراهم کند.

تبادل نظر به منظور اقدامات لازم برای اجرای هماهنگ این مصوبه دستور جلسهٔ نشستی بود که اوایل مرداد ماه با حضور معاونان آموزش ابتدایی و متوسطه وزیر آموزش‌وپرورش، مدیرکل دفتر ارزیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات، نمایندهٔ معاونت فرهنگی و پرورشی وزارت آموزش‌وپرورش، معاون دبیرکل شورای عالی آموزش‌وپرورش، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی و مشاوران و کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در محل این سازمان تشکیل شد.

به دنبال سیاست مرزگستری

دکتر حیدر تورانی، سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی در این نشست با اشاره به استراتژی‌های جدید سازمان در راستای رهبری اثربخش گفت: ماندگاری کتاب‌های درسی و انطباق آن‌ها با سند تحول، سیاست‌های همسو با این انطباق، پایدارسازی کتاب‌های درسی، چندتألیفی، چندرسانه‌ای، مرزگستری و چابک‌سازی از جمله استراتژی‌های مهم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است.

وی با تأکید بر استراتژی مرزگستری افزود: مرزگستری به این معناست که خودمان را در داخل سازمان حبس نکنیم. باید درها به سوی انجمن‌ها، سازمان‌ها و مؤسساتی که ظرفیت‌های زیادی برای همکاری با آموزش‌وپرورش دارند باز باشد.

تورانی با اشاره به نقش رهبر، در هر سازمان، در رهاسازی ظرفیت‌ها گفت: ظرفیت‌های زیادی در ابعاد انسانی و مالی در کشور وجود دارد که اگر از آن‌ها درست استفاده نکنیم، فرصت‌ها به تهدید تبدیل می‌شوند. ما باید نسبت خودمان را با این ظرفیت‌ها در داخل و خارج از آموزش‌وپرورش تعیین کنیم. معتقدم آموزش‌وپرورش هم اگر می‌خواهد به سرانجام خوشی برسد باید آغوش خود را روی کسانی که می‌خواهند به آن خدمت کنند باز کند.

سرپرست سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی تصریح کرد: بسیاری مواقع ترس از غالب شدن دیدگاه‌های متقاضیان همکاری با آموزش‌وپرورش مانع برقراری ارتباط لازم با آنان می‌شود. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که استراتژی نداشته باشیم در این صورت دیگران برای ما استراتژی تعیین می‌کنند. اما وقتی راهنما و چارچوب مناسب داشته باشیم، با قدرت اعلام می‌کنیم که حاضریم همکاری‌های مطلوب را بپذیریم. البته در مسیر کار طبیعی است که اگر حواسمان نباشد ضربه خواهیم خورد.

به گفتهٔ وی، آموزش‌وپرورش در سال‌های اخیر مورد تاخت‌وتاز برخی از آموزشگاه‌ها و مؤسساتی بوده است که از لحاظ علمی فاقد صلاحیت هستند. این مؤسسات، به واسطه داشتن زر و زور، فشار زیادی را متوجه آموزش‌وپرورش کرده‌اند. این فشارها منجر به

عکس‌العمل‌هایی از جمله صدور بخشنامه ممنوعیت برگزاری هر نوع آزمون زائد در مدارس شد.

وی با تأکید بر رعایت اصل ۸۲۸ در همکاری با مؤسسات و ناشران آموزشی گفت: ابلاغ بخشنامه ممنوعیت برگزاری هر نوع آزمون زائد در مدارس اصلاً به معنای جلوگیری از همکاری با مؤسسات دارای صلاحیت نیست. بازار کالاهای مؤسسات آموزشی، دانشگاه‌ها و مدارس هستند. فقط ما باید ضمن تعریف دقیق نسبت‌مان با آن‌ها جلوی هرگونه سوءاستفاده را بگیریم.

چگونگی شکل‌گیری مصوبه ۸۲۸

محمد ناصری، مدیرکل دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم در ادامه با اشاره به چگونگی شکل‌گیری مصوبه ۸۲۸ گفت: واقعیت وجود کتاب‌های غیراستاندارد مغایر با اهداف آموزش‌وپرورش که نه تنها جنبه توسعهٔ دانش نداشتند بلکه حل‌المسائل بودند، در اواخر دههٔ ۷۰ سبب شد تا بحث ساماندهی کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی مطرح شود.

وی با تأکید بر تعریف متفاوت کتاب کمک‌آموزشی و کمک‌درسی افزود: «کتاب کمک‌آموزشی» در تعریف ما کتابی است که به تعمیق و توسعهٔ مفاهیم کتاب درسی کمک کند، اما «کتاب کمک‌درسی» یکی از پایه‌های کلاسی را نشانه می‌گیرد و براساس آن کتابی را تهیه می‌کند که ممکن است استاندارد باشد یا نباشد.

ناصری با توضیح روند سامان‌دهی کتاب‌ها ادامه داد: در ابتدا که کار را شروع کردیم، براساس استانداردهای تعریف شده، فقط ۱۸ درصد کتاب‌هایی که به دست ما می‌رسید مناسب بود. یعنی ۸۲ درصد نامناسب بود، اما در حال حاضر هم در حوزه کتاب‌های کمک‌درسی و خصوصاً کمک‌آموزشی اتفاق‌های خوبی رخ داده و از حدود ۲ هزار ناشر فعال حوزهٔ آموزشی بیش از هزار ناشر با ما همکاری دارند. حدود ۵ تا ۶ هزار کتاب سالانه از این ناشران به دست ما می‌رسد که توسط ۳۰۰ ارزیاب، متشکل از مؤلفان و اعضای شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی و معلمان مجرب مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، و ما حدود ۶۰ درصد آن‌ها را در قالب فهرستگان و کتاب‌نامه رشد و سایت سامان‌کتاب یا سامانه کنترل کیفیت به مدارس معرفی می‌کنیم. در نهایت تعدادی از بهترین کتاب‌ها در پایان کتاب‌های درسی معرفی می‌شوند و در جشنوارهٔ سالانه کتاب رشد به رقابت می‌پردازند.

ناصری با اشاره به برگزاری نمایشگاه‌های کتاب برای دانش‌آموزان، توسط معاونت فرهنگی و پرورشی آموزش‌وپرورش و تجهیز کتابخانه‌ها توسط این معاونت گفت: ما انتظار داریم، هنگام برگزاری این نمایشگاه‌ها، فقط کتاب‌هایی خریداری شود که قبلاً به‌عنوان کتاب مناسب مورد تأیید قرار گرفته‌اند و از انتشار فراخوان عمومی و بررسی مجدد کتاب که معمولاً در یک فرصت چند روزه صورت می‌گیرد و ممکن است دقیق نباشد، خودداری کنند.

وی با اشاره به بخشنامه ممنوعیت برگزاری آزمون‌های زائد در مدارس گفت: این بخشنامه از سوی ادارهٔ کل ارزشیابی عملکرد و پاسخگویی به شکایات متوجه مؤسساتی است که در صورت تخلف باید پاسخگو باشند.

تهدیدکنندگان آبروی تعلیم‌وتربیت

دکتر رضوان حکیم‌زاده، معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش‌وپرورش هم در ادامه با تأکید بر مقابله با مؤسساتی که به شکل بی‌رحمانه‌ای کودکی بچه‌های ما را می‌سوزانند و در نوجوانی استرس را به آن‌ها وارد می‌کنند، گفت: متأسفانه اکنون آموزش‌وپرورش در سال ۱۸۰ میلیون نسخه کتاب چاپ می‌کند، اما پایان سال و پس از امتحانات بچه‌ها کتاب‌سوزان راه می‌اندازند. من در مدرسه‌ای که سر راهم نزدیک دانشگاه است، می‌بینم که بچه‌ها آخر امتحانات دور هم جمع می‌شوند و کتاب‌سوزان راه می‌اندازند.

وی با انتقاد از کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی غیراستانداردی که آبروی تعلیم‌وتربیت را تهدید می‌کنند، گفت: ما امیدواریم معلمان ما به اندازه‌ای توانمند شوند که آن‌ها برای بچه‌ها تعیین تکلیف کنند که چه چیزی را یاد بگیرند.

حکیم‌زاده با بیان اینکه تعریف مناسبی از بخش دولتی و خصوصی وجود ندارد، گفت: قرار گرفتن همزمان برخی از تصمیم‌گیرندگان در پست‌های دولتی و خصوصی ممکن است منجر به تصمیماتی شود که مشکلاتی ایجاد کند. معتقدم نه تنها درآموزش‌وپرورش بلکه در همهٔ کشور در کنار به رسمیت شناختن بخش خصوصی، مسئولان دولتی همزمان در این بخش‌ها فعالیت نداشته باشند و فضا برای فعالیت جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاهی در بخش خصوصی فراهم شود.

معاون آموزش ابتدایی وزیر آموزش‌وپرورش تصریح کرد: سال گذشته وقتی بحث داستان‌نویسی دانش‌آموزان در مدارس مطرح شد، ناشران زیادی به ما مراجعه کردند و خواهان حضور در مدارس شدند، اما ما مقاومت کردیم و نتیجه آن شد که ۴۸ درصد بچه‌ها داستان‌نویسی را انتخاب کردند در حالی که اگر ما به آن‌ها به صورت اجباری کتابی را معرفی می‌کردیم، بچه‌ها به خلاقیت خودشان داستان‌نویسی نمی‌کردند.

وی با تأکید بر تولیدات خوب در حیطه کتاب‌های کمک‌آموزشی اظهار داشت: کسی نفی نمی‌کند که کتاب‌های خوبی در بحث فیزیک، نجوم و ... تولید و در انتهای کتاب‌های درسی معرفی شود تا دانش‌آموزان و والدین بیشتر بدانند، اما مشکل از آنجا آغاز می‌شود که متأسفانه برخی از مدیران مدارس دانش‌آموزان را وادار به خرید این کتاب‌ها می‌کنند. برخی از این کتاب‌ها با ادعای استفاده از روش‌های تیمز، پرلز و به کارگیری خلاقیت و تفکر سعی دارند به مدارس ورود کنند و متأسفانه جریان فروش اجباری این کتاب‌ها در مدارس پررنگ است. سیاست ما در معاونت ابتدایی این است که از ورود این مؤسسات به مدارس ابتدایی جلوگیری کنیم.

حمایت از کتاب‌های خوب

مجید رعنایی، معاون دبیرکل شورای عالی آموزش‌وپرورش هم به عنوان سخنران بعدی گفت: مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش‌وپرورش در سال ۸۹ تصویب و سال ۹۰ ابلاغ شد. این مصوبه با توجه به نابسامانی حوزه کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی شکل گرفت تا ضمن حمایت از بحث تنوع‌بخشی

تورانی: ماندگاری کتاب‌های درسی و انطباق آن‌ها با سند تحول، سیاست‌های همسو با این انطباق، پایدارسازی کتاب‌های درسی، چندتألیفی، چندرسانه‌ای، مرزگستری و چابک‌سازی از جمله استراتژی‌های مهم سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است

منابع آموزش در کنار تنوع‌بخشی محیط‌های یادگیری، از کتاب‌های خوب هم حمایت کند.

وی با بیان رویکرد سیاست چندتألیفی آموزش‌وپرورش گفت: مادهٔ ۶ آئین‌نامه سامان‌دهی منابع آموزشی به صراحت اعلام می‌کند که خرید، عرضه و تبلیغ هرگونه منابع آموزشی در واحدهای آموزشی صرفاً از منابع استاندارد مجاز خواهد بود، از این‌رو زمانی که قانون عرضه، معرفی و حمایت از این کتاب‌ها را تأیید کرده باید از فرصت پیش آمده استفاده کنیم.

رعنایی ادامه داد: ما هم دل‌نگرانیم که مدیران برخی مدارس با این مؤسسات قراردادهایی می‌بندند و دانش‌آموزان را مجبور می‌کنند که کتاب‌ها را بخرند. بدون تردید باید معلم، دانش‌آموزان و خانواده‌ها آزادانه انتخاب کنند و هیچ اجباری در خرید این کتاب‌ها یا حتی طراحی سؤالات از آن‌ها نباشد.

رعنایی گفت: یکی از خلأها در ارتباط با این مصوبه، نبود متولی برای برخورد با متخلفان است. وقتی این مصوبه، حمایت از منابع آموزشی استاندارد را مورد تأکید قرار داده، چرا نباید از این کتاب‌ها حمایت شود؟ جلوگیری از ورود منابع آموزشی و کمک‌آموزشی استاندارد در برخی مدارس مناطق محروم به‌ویژه مناطقی که معلمان توانمندی‌های لازم را برای تحکیم و تقویت مفاهیم درسی ندارند، هدر دادن فرصتی است که هم معلم و هم دانش‌آموزان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

رعنایی: یکی از خلأها در ارتباط با مصوبه ۸۲۸، نبود متولی برای برخورد با متخلفان است. وقتی این مصوبه، حمایت از منابع آموزشی استاندارد را مورد تأکید قرار داده، چرا نباید از این کتاب‌ها حمایت شود

نبود هماهنگی لازم بین بخش‌ها

مرتضی مجدفر، کارشناس کتاب‌های آموزشی با اشاره به شگردِ بازی با ساختاری که برخی کتاب‌های کمک‌آموزشی نامناسب انجام می‌دهند، گفت: این کتاب‌ها پس از دادن درس، در قالب حل تمرین، همان تمرینات کتاب درسی را حل می‌کنند و باعث از بین رفتن خلاقیت بچه‌ها می‌شوند. ضمن اینکه برخی از این ناشران از مؤلفان زیرمجموعه‌های آموزش‌وپرورش برای تألیف کتاب‌ها استفاده می‌کنند تا کتاب‌هایشان مورد تأیید قرار گیرد.

وی افزود: من در ۱۱، ۱۲ سال گذشته در سامان‌بخشی کتاب‌های کمک‌آموزشی فعالیت داشته‌ام. علی‌رغم همهٔ تلاش‌های انجام شده، همچنان کتاب‌های کمک‌آموزشی نامناسب حاکمیت دارند. معتقدم یکی از دلایل آن معرفی نشدن کتاب‌های نامناسب است.

مجدفر ادامه داد: یکی از ناشران آموزشی برای مسابقات جام‌جهانی قراردادی به مبلغ ۳۲ میلیارد تومان با تلویزیون امضا کرده، و جالب آنکه ۵ میلیارد هم به این مبلغ اضافه کرده است به شرط آنکه ۴۰ دقیقه قبل از شروع بازی صداوسیما هیچ ناشر آموزشی دیگری را تبلیغ نکند!

وی با اشاره به بخشنامه ممنوعیت برگزاری آزمون‌های زائد در مدارس گفت: اتفاقاً این بخشنامه هیچ آسیبی به مؤسسات آموزشی بزرگ نمی‌رساند چون این مؤسسات اصلاً با مدرسه کاری ندارند و در تبلیغاتشان مستقیماً دانش‌آموزان را هدف قرار می‌دهند. من هم با این موضوع موافقم که نظارت کافی بر عملکرد این مؤسسات وجود ندارد.

وی با بیان اینکه متأسفانه بسیاری از معلمان ما طرح سامان‌بخشی کتاب‌های کمک‌آموزشی را نمی‌شناسند و از معرفی کتاب‌های کمک‌آموزشی مناسب توسط سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی اطلاع ندارند، اظهار داشت: به‌طور مثال فقط در حوزه کتاب‌های کمک‌آموزشی مناسب دورهٔ ابتدایی، ۱۲۲ عنوان کتاب مناسب معرفی شده است. البته زمانی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، کتابنامه‌های رشد را با شمارگانِ انبوه چاپ می‌کرد و در اختیار مدارس قرار می‌داد، اما این کار فعلاً فقط الکترونیکی شده است.

مجدفر با اشاره به طرح داستان‌نویسی توسط کودکان که توسط معاونت ابتدایی آموزش‌وپرورش اعلام شد، گفت: ما به عنوان مقوّم طرح سامان‌بخشی کتاب‌های کمک‌آموزشی، همین طرح داستان‌نویسی را در ۴ صفحه پروپوزال اولیه در شماره مهرماه نشریه مدرسه فردا ارائه کردیم و به آن پرداختیم.

وی افزود: معتقدم باید بحث کتاب را در آموزش‌وپرورش به‌صورت پازل ببینیم. در حال حاضر هماهنگی لازم بین بخش‌های مختلف وجود ندارد. بخشنامه‌ای که توسط آقای کمره‌ای ابلاغ شد با مادهٔ ۲۳ آیین‌نامه اجرایی مدارس در تضاد است. براساس این آیین‌نامه، مدیران مدارس می‌توانند برای اجرای امور جاری مدارس با بخش‌های بیرون قرارداد ببندند. این همکاری می‌تواند از کارهای عمرانی تا اجرای آزمون‌ها را در بر بگیرد. البته این بخشنامه در بستر کنونی برای جلوگیری از برخی تخلفات لازم است، اما نگاه همه یا هیچ داشتن درست نیست.

مجدفر با اشاره به برخی تخلفات ناشران آموزشی گفت: روی کتاب ۱۲ صفحه‌ای مؤلف است نوشته قصد دارد طرح مهارت‌های زندگی، کارآفرینی، پرلز و تفکر را به دانش‌آموز بیاموزد! چطور چنین چیزی در یک کتاب ۱۲ صفحه‌ای ممکن است؟ جالب آنکه در پایان کتاب اضافه می‌کند، براساس برنامهٔ درسی ملی! ابتدای کتاب هم ذکر شده که زیر نظر کارشناسان سازمان پژوهش نوشته شده است! یکی از دوستان من در یکی از شهرستان‌ها کتابی در حوزه تعلیمات‌دینی نوشته بود، از من خواست که اسم مرا در ابتدای کتاب به‌عنوان نویسنده ذکر کند با این توجیه که تو را به عنوان مؤلف سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی می‌شناسند و کتاب را چاپ خواهند کرد!

رعایت اصل مدرسه‌محوری

علی زرافشان، معاون سابق متوسطه آموزش‌وپرورش هم در سخنانی با تأکید بر اینکه باید مبنایی‌تر به این مسئله نگاه کرد، گفت: ابتدا باید اهدافمان را در آموزش‌وپرورش مشخص کنیم و سپس صحیح یا غلط بودن کارها را با آن مبنا بسنجیم. خانم دکتر حکیم‌زاده از سیستم آموزشی کشورهای پیشرو صحبت کردند. حرکت در این جهت به الزاماتی نیاز دارد که یکی از آن‌ها حرفه‌ای شدن معلمان است. یکی دیگر، توانایی استفاده صحیح از اختیارات است. اگر ما چشم‌انداز را در آموزش‌وپرورش همان‌طور که دکتر تورانی گفتند، خروج از حاکمیت تک‌کتابی از کتاب‌های درسی در نظر داشته باشیم و بخواهیم تنوع منابع یادگیری و تنوع محیط‌های یادگیری داشته باشیم باید کاری بکنیم که ویژگی‌هایی که برای معلم در برنامهٔ درسی ملی ذکر کرده‌ایم، محقق شود.

وی تصریح کرد: همان‌طور که اشاره شد، آئین‌نامه اجرایی مدارس با هدف توانمندسازی مدارس نوشته شد. از نوشتن این آئین‌نامه ۱۸ سال گذشته، اما متأسفانه معلمان و مدارس ما به اندازهٔ لازم قدرت تصمیم‌گیری و تجزیه‌وتحلیل مسائل آموزش‌وپرورش را ندارند. من می‌توانم این وضعیت را به افرادی تشبیه کنم که ما سال‌ها آن‌ها را روی ویلچر نشانده‌ایم و حالا به آن‌ها می‌گوییم راه بروید، مسلماً باور راه رفتن دیگر در این افراد وجود ندارد. ما هر اختیاری به مدرسه می‌دهیم پس می‌گیریم. چند سال پیش ۵ نمره ارزشیابی پایانی را به معلمان واگذار کردیم، اما متاسفانه به اندازه‌ای معلمان از بابت این موضوع تحت فشار قرار گرفتند که خواستار سلب این امتیاز نسبت به خودشان شدند.

زرافشان ادامه داد: زمانی در سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی برای مشارکت در تألیف کتاب‌های درسی فراخوان دادیم، یک نفر هم حاضر به مشارکت نشد. زمانی هم برای ۴۰ نفر کارگاه آموزشی تألیف برگزار کردیم، اما حتی یک نفر مؤلف هم خروجی نداشتیم. اگر می‌خواهیم به جایی برسیم که معلم ما مثل بقیه معلم‌های دنیا که کتاب درسی ندارند، اما توانایی تجزیه‌وتحلیل کتاب درسی را دارند، مبنای یادگیری و کتاب‌های خوب برای یادگیری هر یک از بچه‌ها را می‌شناسند، باید ببینیم جهت‌گیری ما چیست؟

معاون سابق وزیر آموزش‌وپرورش با اشاره به اختیارات شورای مدارس گفت: یکی از این وظایف بررسی و اتخاذ تصمیم درباره مؤسسات و دستگاه‌های آموزشی خارج از مدرسه در آموزش‌های علمی و عملی دانش‌آموزان براساس آیین‌نامه‌های مربوطه است. شورای مدرسه اختیار دارد تصمیم بگیرد که شرکایش چه کسانی باشند. ماده ۱۱ آیین‌نامه مدارس هم به صراحت اعلام می‌کند، تبادل نظر و هماهنگی در مورد نحوه استفاده از وسایل آموزشی و کمک‌آموزشی و کارگاهی وظیفه شورای مدرسه است. معتقدم در معاونت‌ها نباید به‌گونه‌ای عمل کنیم که این طور القا شود ما به جای شورای مدارس تصمیم می‌گیریم.

به گفته زرافشان، همکاری و برنامه‌ریزی در مورد چگونگی تشکیل کلاس‌های فوق‌برنامه با مشارکت انجمن اولیا و مربیان با رعایت ضوابط مربوط در کنار بررسی منابع آموزشی، کمک‌آموزشی و انتخاب و معرفی کتب، نشریات، نوارهای صوتی و تصویری جهت استفاده در مدرسه با رعایت مقررات هم از جمله اختیارات شورای مدارس است.

وی با تأکید بر اینکه برخی از آسیب‌های موجود جزء لوازم حرکت است ادامه داد: اگر جهت‌گیری ما مدرسه‌محوری است و می‌خواهیم شورای مدرسه درکی از منابع آموزشی و کمک‌آموزشی داشته باشد، باید بدانیم این هدف دفعتاً حاصل نمی‌شود. اختیار دادن، حمایت کردن و ایجاد ظرفیت لازم در شورای مدرسه و معلمان از لوازم رسیدن به این هدف است. موارد گفته شده در یک نظام برنامه‌ریزی متمرکز باید مورد توجه قرار گیرد.

زرافشان با تشریح ضرورت حمایت از کتاب‌های کمک‌آموزشی استاندارد گفت: حاکمیت تک‌کتابی به این معناست که تنوع توانایی‌ها و استعدادهای یادگیری در نظر گرفته نشده و جمع کثیری از مخاطبان مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. البته لحاظ کردن میانگین توانمندی‌های دانش‌آموزان و توجه نداشتن به کسانی که بالا و پایین حد متوسط قرار دارند هم مشکل دیگری است که باید مورد توجه باشد. پرسش اینجاست که اگر من در مدرسه‌ای هستم که دانش‌آموزان را گزینش کرده و معدل همهٔ آن‌ها بالای ۱۹ است، آیا کتاب‌های درسی موجود پاسخگوی نیازهای آن‌ها هست یا باید غنی‌سازی کنم؟ کاری که مرحوم علاقه‌مندان تحت‌عنوان پروژه غنی‌سازی انجام می‌داد.

کارکردهای مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش‌وپرورش از موارد دیگری بود که زرافشان با اشاره به آن‌ها گفت: در صورت اجرای درست این مصوبه در کنار اختیارات شورای مدارس، هم مدارس و معلمان توانمند می‌شوند و هم منابع مختلف در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد. معتقدم اگر می‌خواهیم به سمت مدرسه‌محوری و توانمندی معلمان برویم، لوازمش پایبندی به جهت‌گیری‌های ایجاد شده است. در کنار اینکه باید به مدارس اجازه خطا کردن را بدهیم، باید نظارت لازم را هم برای برخورد با تخلفات داشته باشیم.

زرافشان: در صورت اجرای درست مصوبه ۸۲۸ در کنار اختیارات شورای مدارس، هم مدارس و معلمان توانمند می‌شوند و هم منابع مختلف در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد

زرافشان گفت: به خاطر دارم جهاد دانشگاهی همایشی را در مورد آسیب‌های فضای مجازی برگزار کرد. یکی از سخنرانان، سردار احمدی مقدم، رئیس وقت نیروی انتظامی تهران بود. من به‌عنوان یک مستمع وقتی اسم سردار را شنیدم، با خودم فکر کردم، الان او یک قفل و بست به در فضای مجازی می‌زند و اجازه ورود به کسی نمی‌دهد، اما با کمال تعجب دیدم که ایشان گفت، «در شهر هر تخلفی ممکن است اتفاق بیفتد، اما مگر می‌توان شهر را تعطیل کرد؟ فضای مجازی هم مثل زندگی شهری است، نمی‌توان آن را تعطیل کرد؟» ما هم در تصمیم‌گیری‌ها راحت‌ترین کار را انتخاب می‌کنیم در حالی که باید با تعمق بیشتری تصمیم‌گیری کرد.

پیش‌بینی سازوکارهای نظارتی

علیرضا کمرئی، مدیرکل ارزیابی عملکرد و رسیدگی به شکایات آموزش‌وپرورش هم در ادامه با بیان اینکه ما در یک نظام به شدت متمرکز عمل می‌کنیم که در آن همه مفاهیم مانند کمک‌درسی و کمک‌آموزشی بار معنایی خاص خود را دارد، گفت: مطلوب ما ممکن است یک نظام چندتألیفی و چندمنبعی باشد، اما فعلاً ما فرض این موضوع را هم منتفی می‌کنیم و اقتضائات موجود را می‌پذیریم. باید در درون محدوده‌ای از جبرها تصمیم بگیریم و عمل کنیم.

وی افزود: کتاب‌های کمک‌درسی و کمک‌آموزشی نامناسب که به جریان تربیتی به شدت آسیب می‌زنند، بخشی از بحرانی را تشکیل می‌دهند که نظام آموزشی ما با آن درگیر است و من فکر نمی‌کنم کسی مخالف این موضوع باشد. نکته دیگر اینکه جریان آموزشی ما از بُعد کتاب‌های درسی و نه کمک‌درسی تغییر رفتارهای زیادی را در رفتارهای دانش‌آموزان شاهد است و این مسئله قابل تحلیل است. حداقل من در طول ۶ ماه گذشته که به مصوبه ۸۲۸ پرداختم، در مواجهه با منتقدین و اهل تعلیم‌وتربیت متوجه شدم که خیلی از آن‌ها انتقادات زیادی را به موضوع کتاب‌های درسی و آثار پنهان آن دارند. کارکردهای پنهانی که ما اصلاً رصد نمی‌کنیم، اما فعلاً به دلیل آنکه کارکردهای مضر کتاب‌های کمک‌درسی واضح‌تر است یا بازار پررونق‌تری دارد، به این موضوع می‌پردازیم.

وی ادامه داد: تردیدی نیست که سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی باید از برنامه درسی ملی صیانت کند چون این سازمان

متولی این برنامه است ضمن آنکه برنامه درسی ملی بر سایر کتب، هم از حیث محتوا و هم از حیث نظام‌مندی پیگیری اهداف کلان و جزء، برتری دارد و این مسئله‌ای است که اهالی تعلیم‌وتربیت در آن تردیدی ندارند.

کمره‌ای ادامه داد: معتقدم در متن مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش‌وپرورش باید سازوکارهایی برای نظارت پیش‌بینی می‌شد تا بتوانیم با کتاب‌های غیراستاندارد برخورد کنیم. در حال حاضر در سامان‌کتاب جای این موضوع در کنار کارهای اساسی که انجام شده مانند مشخص کردن معیارها و استانداردها و طراحی سامانه‌ای برای معرفی کتاب‌های مناسب خالی است. البته در نوشته‌ای که قبلاً آقای محمدیان، رئیس وقت سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، برای ما ارسال داشتند، عنوان داشتند که وظیفه نظارتی برعهده آموزش‌وپرورش است.

وی تصریح کرد: بخشنامه ممنوعیت برگزاری آزمون در مدارس ابتدایی بر امر قانونمندی ورود کتاب‌های کمک آموزشی و آزمون‌ها نظارت می‌کند که در مصوبه ۸۲۸ به آن تأکید شده است. این بخشنامه همچنین با دستور برگزاری آزمون‌ها که مرکز سنجش آموزش‌وپرورش بر آن تأکید کرده و مصوبه شورای نظارت بر مدارس هم هم‌راستاست. بخشنامه‌ای است که شخص وزیر آموزش‌وپرورش از ۶، ۷ ماه پیش از ابلاغ آن، روی موضوع مطالعه داشتند. این بخشنامه فقط اجازه نمی‌دهد که مدارس با مؤسسات آموزشی قرارداد ببندند.

توجه به اختیارات مدارس

باهو، مشاور فناوری سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی هم با تأکید بر اینکه باید متوجه فاصله مقام نظر و عمل باشیم، گفت: ابلاغ دستورالعمل‌های مختلف سبب می‌شود ما نتوانیم به خوبی با تخلفات مبارزه کنیم. همچنین باید در ابلاغ دستورالعمل‌ها به اسناد هم نیم‌نگاهی داشته باشیم.

وی افزود: مدرسه کانون یادگیری است و باید مراقب باشیم بعضی از بخشنامه‌ها اختیارات مدرسه را آن‌چنان تضعیف نکند که فضاهای یادگیری بیرون از مدرسه بسیار پررونق‌تر از داخل مدرسه شود. اگر فضای مدرسه را متنوع کنیم، در آن صورت مدرسه کانون امن همه خواسته‌های ما خواهد بود.

جبرهای نظام متمرکز

دکتر رضوان حکیم‌زاده، معاون ابتدایی آموزش‌وپرورش در یک جمع‌بندی نهایی گفت: اگر یک کتاب درسی و نظام متمرکز نمی‌داشتیم، مدرسه‌محوری ایده‌آل و مطلوب همه ماست، اما در این نظام متمرکز با بحث ارزشیابی صفر تا صد، معلم در یک فضای اجبار قرار دارد و بحث انتخاب عمل تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد.

وی در ادامه با انتقاد از همکاری برخی از کارشناسان آموزش‌وپرورش در همکاری با ناشران آموزشی گفت: در صورت توانمند شدن معلمان ما شاهد تألیفات خوبی از سوی آنان خواهیم بود. به‌طور مثال، در ابتدایی و پیش‌دبستانی در بحث حقوق شهروندی شاهد تألیفات عالی از سوی برخی از معلمان بودیم.

حکیم‌زاده با اشاره به حذف پیک نوروزی از مدارس گفت: ما پیک را به دلایلی از جمله گردش مالی بسیار مبهمی که در این میان مطرح بود، حذف کردیم. متأسفانه من در سفر به یکی از مناطق محروم برای افتتاح یک مدرسه خیریه شاهد بودم که چگونه از بچه‌هایی که کفش‌های پاره به پا داشتند، نفری ۳ هزار تومان برای دادن پیک نوروزی پول گرفته شده بود.

عظیم محبی، دبیر شورای هماهنگی علمی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش هم پایبندی به قانون و مصوبه ۸۲۸ را مورد تأکید قرار داد و گفت: سیاست‌گذاری در زمینه مواد و رسانه‌های آموزشی و استانداردسازی آن در اختیار سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است. ضمن آنکه مرکز سنجش آزمون‌های وزارت آموزش‌وپرورش به ۱۲ مؤسسه مجوز برپایی آزمون را ارائه کرده که این موارد در تصمیم‌گیری‌ها باید مورد توجه قرار گیرد.

تأکید جمعی بر اصل مصوبه

فریبا کیا، معاون سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی هم در جمع‌بندی نهایی با تأکید بر پیش‌بینی وظیفه نظارتی در اجرای مصوبه ۸۲۸ گفت: یک سال پیش شورای عالی آموزش‌وپرورش طرحی را تحت‌عنوان بررسی حسن اجرای مصوبه ۸۲۸ با بخش‌های مرتبط ارائه داد. در جمع‌بندی ارائه شده یکی از آسیب‌هایی که مانع اجرای درست مصوبه ۸۲۸ عنوان شد، تشریح نشدن بخش نظارتی در متن مصوبه ۸۲۸ بود. در همان جلسه من این اشکال را مطرح کردم، اما شورای عالی آموزش‌وپرورش اعلام کرد هر مصوبه‌ای که ابلاغ می‌شود، بخش نظارتی وظایف خود را پیگیری می‌کند در حالی که پس از گذشت بیش از ۵ سال از ابلاغ این مصوبه، هیچ‌کس وظیفه نظارت بر اجرای آن را به عهده نگرفته است.

حیدر تورانی، رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش هم گفت: آنچه در این نشست گفته شد، تأکیدی است بر پذیرش اصل مصوبات از سوی همگی، اما چون به مصوبات درستی عمل نشد و نظارت‌ها کافی نبود، بازار سوءاستفاده برای عده‌ای از متخلفان باز شد.

وی افزود: خانم دکتر حکیم‌زاده و دیگران هم با توجه به واقعیت‌هایی موجود بازار عکس‌العمل نشان دادند که منجر به صدور بخشنامه شد. در این بخشنامه وقتی از آزمون‌های زائد و مواد آموزشی غیراستاندارد صحبت شد، منظور ممنوعیت استفاده از کتاب‌هایی نیست که استانداردها را رعایت می‌کنند. بنابراین مصوبه ۸۲۸ شورای عالی آموزش‌وپرورش به قوت خود باقی است، اما استلزامات نظارتی آن باید به درستی تعریف شود. باید یک طرح جامع نظارت نوشته شود که ناظر بر سه وجه **پیشگیری، آموزش** و **مبارزه** باشد. البته این بخشنامه یکی از راه‌های مبارزه با تخلفات است.

تورانی در پایان تأکید کرد: در اجرای مصوبه ۸۲۸ باید با قدرت عمل کنیم و جلوی قراردادهای خارج از چارچوب را بگیریم. در خصوص برخی از کارشناسانی هم که ممکن است با ناشران همکاری داشته باشند، باید برخورد لازم صورت گیرد.

باهو: مدرسه کانون یادگیری است؛ اگر فضای مدرسه را متنوع کنیم، در آن صورت مدرسه کانون امن همه خواسته‌های ما خواهد بود

کارنامهٔ علمی-اجرایی و بیانیه‌های گروه‌های داوران

شانزدهمین جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد

سال ۱۳۹۷

مهتاب میرایی آشتیانی

گروه داوری آموزش و پرورش کودکان استثنایی

منیره عزیزی (۱۳۵۱)، هرسین کرمانشاه

دانشجوی دکترای روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، با ۲۹ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش استثنایی. ترجمهٔ کتاب «راهکارهای علمی کار با کودکان اُتیسم»، تألیف ۹ جلد کتاب «مهارت‌آموزی دورهٔ ابتدایی ویژهٔ طیف اُتیسم»، تدوین «طرح ارزشیابی توصیفی ویژهٔ طیف اُتیسم» و اجرای پژوهشی «تأثیر مداخله‌های رفتاری بر کاهش علائم دانش‌آموزی بیش‌فعال/کاستی توجه (ADHD)» از جمله خدمات علمی او هستند. وی معلم دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی، معلم رابط دانش‌آموزان ناشنوا، معلم دانش‌آموزان دارای اختلال رفتاری ـ هیجانی، و کارشناس برنامه‌ریزی آموزشی و درسی دانش‌آموزان دارای اختلال‌های رفتاری هیجانی و اختلال‌های طیف اُتیسم بوده است و مدیریت «سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی کشور» را در سوابق اجرایی خود دارد.

هایده بهبودی (۱۳۴۴)، تهران

دانشجوی دورهٔ دکترا در رشتهٔ «سیاست‌گذاری فرهنگی» و مؤلف و مترجم مقالات علمی متعدد. از سوابق اجرایی ایشان می‌توان به کارشناس مسئول مشاوره و مددکاری «سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی کشور»، کارشناس مسئول امور اجتماعی سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی کشور، کارشناس مشاوره و مددکاری، دبیر و عضو هیئت‌تحریریهٔ «مجلهٔ تعلیم‌وتربیت استثنایی»، داور و عضو کارگروه جشنوارهٔ الگوهای برتر یاددهی ـ یادگیری سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی و عضو گروه داوری کتاب‌های آموزشی کودکان استثنایی جشنواره کتاب رشد اشاره کرد.

هاجر عمل صالح (۱۳۴۲)، رشت

کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی کودکان استثنایی، آموزگار و مشاور «مرکز آموزش استثنایی ایمان تهران»، متخصص تست‌های هوش ادارهٔ آموزش‌وپرورش استثنایی شهر تهران، کارشناس مشکلات ویژهٔ یادگیری سازمان کودکان استثنایی تهران و همکار تخصصی دوره‌های آموزشی کودکان کم‌توان ذهنی (پیش از دبستان). عضو مؤلفان کتاب‌های فارسی و علوم دانش‌آموزان کم‌توان ذهنی است و در کارنامهٔ فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی‌اش، ترجمهٔ کتاب‌های مرتبط با کودکان بیش‌فعال دچار مشکلات نوشتاری، داوری جشنواره‌های تدریس سازمان کودکان استثنایی کشور، عضویت در گروه هنجاریابی و کسلر کودکان، تدریس برنامه‌های ترمیمی در استان‌های ایران برای آموزش مربیان مراکز مشکلات یادگیری، و همکاری با «مرکز روان‌پزشکی دکتر سهامی» به چشم می‌خورد. علاوه بر این، همکار دوره‌های آموزش ضمن‌خدمت و مدرس آموزش خانواده در «مدرسهٔ استثنایی و انجمن خیریهٔ دخترانهٔ مرزی پیام شاد» است.

بیانیهٔ گروه داوری آموزش و پرورش کودکان استثنایی

در هر جامعه توجه به افراد دارای نیازهای ویژه و مناسب‌سازی محیط (آموزشی، اجتماعی و...) برای حضور هرچه بیشتر آن‌ها در اجتماع نشانهٔ بالندگی و پویایی آن جامعه است. حضور کودکان و دانش‌آموزان استثنایی در کنار سایر دانش‌آموزان، نیازمند بالا رفتن دانش و آگاهی دست‌اندرکاران آموزش، دانش‌آموزان و والدین در مدرسه‌های عمومی است. برای دستیابی به این مهم، رسانه‌های آموزشی، از جمله کتاب نقش، به‌سزایی ایفا می‌کنند. قرار دادن بخش ویژهٔ کتاب‌های کودکان و دانش‌آموزان استثنایی در جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، می‌تواند توجه مؤلفان، مترجمان و ناشران را به این گروه از افراد جامعه افزایش دهد.

در شانزدهمین جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، ۱۸ عنوان کتاب به مرحلهٔ نهایی جشنواره در بخش کودکان و دانش‌آموزان استثنایی راه یافتند که تمامی این کتاب‌ها توسط داوران مورد بررسی قرار گرفتند و از بین این کتاب‌ها، چهار عنوان نامزد دریافت جایزه شدند. کتاب‌های مورد بررسی در این دوره نسبت به دوره‌های قبل دارای تنوع بیشتری داشتند و نگاه کتاب‌ها کاربردی‌تر شده بود. از بارزترین نکات این دوره، وجود کتاب‌هایی در خصوص ارتقا و توانمندی دانش‌آموزان چند معلولیتی و جسمی حرکتی بود.

از مواردی که توجه بیشتر ناشران را می‌طلبد، اشتباهات تایپی در متن و یکسان‌سازی واژه‌ها و توجه بیشتر به کیفیت کتاب‌های تألیفی با رعایت استانداردهای علمی است. چون متأسفانه تعدادی از کتاب‌های تألیفی به‌صورت گردآوری نامناسب از سایر کتاب‌ها، بدون توجه به پایه‌های علمی و نظری تألیف شده بودند. به ناشران و نویسندگان فرهیخته توصیه می‌شود، به منظور ارتقای کتاب‌ها در این حوزه، نکات زیر را مدنظر قرار دهند:

- تألیف کتاب‌هایی برای دانش‌آموزان مدارس عادی، در راستای شناخت و پذیرش دانش‌آموزان استثنایی به‌عنوان افرادی متفاوت و پذیرش آن‌ها در کنار خود.
- ابتدا تشخیص نیازهای دانش‌آموزان، خانواده‌ها، معلمان، مشاوران و نیروهای توان‌بخشی، و سپس تألیف یا ترجمهٔ کتاب برای دانش‌آموزان استثنایی.
- توجه ویژه به تألیف کتاب‌هایی که در راستای افزایش مهارت‌های روزمرهٔ کودکان و دانش‌آموزان استثنایی هستند.
- توجه بیشتر به محرک‌های بصری در کتاب‌ها.

گروه داوری بازی و سرگرمی

علیرضا باقری جبلی (۱۳۵۱)، تهران

دانش‌آموختهٔ مترجمی زبان انگلیسی. به مدت دو سال و نیم در مدرسه‌ها تدریس کرده و در حال حاضر کتابدار دبستان «صلحا» در منطقهٔ ۴ آموزش‌وپرورش تهران است. ترجمهٔ هفت جلد کتاب کودک و نوجوان (علمی، داستان و سرگرمی)، و ترجمه و تألیف مطالب سرگرمی برای مجلات کودک و نوجوان (کیهان بچه‌ها، رشد دانش‌آموز، رشد نوجوان، دوچرخه و همشهری) از فعالیت‌های ایشان است. وی تاکنون ویرایش شش فرهنگ‌نامه را بر عهده داشته است که فرهنگ‌نامهٔ دوجلدی «کلید دانش»، و فرهنگ‌نامه‌های «نوآور» و «ورزش» از جملهٔ آن‌ها هستند. عضویت در شورای سردبیری «رشد دانش‌آموز» (در سال تحصیلی ۸۴ ـ ۱۳۸۳)، همکاری با «نشر طلایی» از سال ۱۳۸۸ تاکنون، همکاری با «رشد کودک» و «رشد دانش‌آموز» در بخش سرگرمی، همکاری با «انتشارات به‌نشر» به مدت سه سال نیز از سوابق اجرایی او هستند.

هوشنگ شرقی (۱۳۴۵)، خدابنده

کارشناسی ریاضی کاربردی. وی به مدت شش سال مدیر داخلی «مجلهٔ رشد برهان متوسطهٔ ۲» بوده و عضو شورای سردبیری «مجلهٔ رشد برهان متوسطهٔ ۱» است. از سوابق علمی و پژوهشی ایشان می‌توان از تألیف حدود ۲۵ جلد کتاب «ریاضی و تفریح اندیشه»، همکاری در تألیف کتاب‌های درسی «هندسهٔ پایه‌های دهم، یازدهم و دوازدهم» و «ریاضی نهم»، ترجمهٔ پنج جلد کتاب معما، سرگرمی و ریاضی، و تألیف ۲۰۰ مقالهٔ علمی نام برد.

سعید کفایتی (۱۳۴۸)، تهران

کارشناسی‌ارشد آموزش زبان آلمانی و کارشناسی آموزش ابتدایی. وی در دوره‌های متفاوت تحصیلی، از دبستان تا دانشگاه و آموزش ضمن‌خدمت معلمان، سابقهٔ تدریس دارد. به علاوه در مجتمع بین‌الملل تهران، مدرسهٔ کره‌ای‌ها و مدرسه‌های شهر «باکو» تدریس کرده و در آلمان دورهٔ آموزش خلاق را گذرانده است. همکاری با مجلات رشد، مشارکت در تألیف کتاب‌های درسی، و تألیف چند جلد کتاب کمک‌درسی از دیگر خدمات علمی و فرهنگی ایشان است.

بیانیهٔ گروه داوری بازی و سرگرمی

کودکان از طریق بازی و سرگرمی بسیاری از مهارت‌های زندگی را می‌آموزند. آن‌ها هنگام بازی با اطرافیان خود ارتباط می‌گیرند و رفتارهای اشتباه خود را اصلاح می‌کنند. بازی می‌تواند شخصیت کودک را بسازد و روح انسان‌دوستی، مشارکت و همکاری را در او به وجود آورد.

در دوره‌ای که فروش کتاب شرایط مطلوبی ندارد و بازی‌های رایانه‌ای وقت زیادی از اوقات فراغت کودکان و نوجوانان را به خود اختصاص داده‌اند، همت بالای ناشرانی که در حوزهٔ بازی و سرگرمی کتاب منتشر می‌کنند، جای قدردانی دارد.

در این دوره از جشنواره، گروه داوران پس از بررسی کتاب‌ها به نتایج زیر دست یافتند:

نقاط قوت کتاب‌ها:

- تلاش ناشران برای تولید کتاب‌های تألیفی متناسب با فرهنگ بومی؛
- متناسب‌سازی کتاب‌های ترجمه‌ای با ایجاد تغییراتی در متن‌ها و تصویرها.

نقاط ضعف:

- غلبهٔ کمّی کتاب‌های ترجمه بر کتاب‌های تألیفی؛
- وجود ابهام در معرفی بازی‌ها؛
- رعایت نکردن تناسب سطح دشواری سرگرمی‌ها با گروه سنی؛
- وجود ایرادهای ویرایشی و انجام نشدن نمونه‌خوانی؛
- نداشتن پیشگفتار و مقدمهٔ روشنگر در برخی آثار؛
- استفاده از منابع خارجی بدون ذکر مأخذ؛
- ناهم‌خوانی تصویرگری‌ها با متن.

پیشنهادها:

- توجه بیشتر به کتاب‌های تألیفی؛
- به‌کارگیری نویسندگان، ویراستاران و مترجمان کارآزموده و آشنا با موضوع؛
- مشاوره با کارشناسان حوزهٔ بازی و سرگرمی؛
- گردآوری بازی و سرگرمی‌های مناسب از منابع متفاوت و تولید کتاب با ذکر مأخذ.

گروه داوری پیش‌دبستانی: کتاب‌های آموزشی

رخساره فضلی (۱۳۴۳)، اراک

دکترای روان‌شناسی تربیتی، دبیر، سرگروه آموزشی، کارشناس مسئول، مشاور معاون وزیر، مدیرکل دفتر آموزش پیش‌دبستانی و معاون آموزش عمومی و معاون آموزش ابتدایی آموزش‌وپرورش، و مؤلف کتاب‌های: «راهنمای آموزش در کلاس‌های چندپایه»، «بخوانیم و بنویسیم»، «راهنمای تدریس اجتماعی، جغرافیا و تاریخ»، «وضعیت افت تحصیلی در نظام آموزشی عمومی کشور»، «چرا بچه‌ها مدرسه را دوست ندارند» و « خودآموز تدریس در چند پایه».

بعضی سوابق علمی ـ پژوهشی ایشان عبارت‌اند از: راهنمایی و مشاورهٔ پایان‌نامه‌های دانشجویان کارشناس ارشد، ارائهٔ مقالات متعدد در «فصل‌نامه‌های تعلیم‌وتربیت» و «خانواده و پژوهش»، و ارائهٔ الگویی برای ارتقای کیفیت آموزش دختران روستایی در مناطق کمتر توسعه یافته.

مریم اسفندیاری (۱۳۵۶)، ری

کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی، آموزگار، مدرس، مدیر و مربی پیش‌دبستانی، سرگروه آموزشی، مدیر اجرایی گروه‌های آموزشی شهرستان‌های تهران، و رئیس ادارهٔ دفتر آموزش پیش‌دبستان. از جمله سوابق علمی و پژوهشی ایشان، همکاری در پروژه‌های علمی و پژوهشی در «دفتر آموزش پیش‌دبستان»، تدریس در دوره‌های ضمن‌خدمت مربیان پیش‌دبستانی، و داوری آثار «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» است. از مهم‌ترین آثار تألیفی وی نیز می‌توان از کتاب‌های چهارجلدی کتاب کار کودک با عنوان «دنیای من»، مجموعهٔ کتاب‌های کودک «ادارهٔ‌کل آموزش‌وپرورش شهرستان‌های تهران»، و کتاب گل‌واژه‌های امید (پیش‌دبستان) در وزارت آموزش‌وپرورش نام برد.

اعظم فتحی (۱۳۴۹)، زنجان

کارشناسی‌ارشد فلسفهٔ آموزش‌وپرورش که به مدت ۱۵ سال در سمت مربی و مؤسس پیش‌دبستان و آموزگار پایهٔ پنجم ابتدایی در آموزش‌وپرورش خدمت کرده است. تألیف کتاب‌های کار «کودک پاییز، زمستان و بهار»، و مجموعهٔ کتاب‌های «کودک مربی ایران» و عضویت در کمیتهٔ تألیف آموزش‌وپرورش پیش‌دبستان استان تهران و عضویت در کارگروه تخصصی طراحی، تدوین برنامهٔ درسی شایستگی‌های مربیان با همکاری دانشگاه فرهنگیان و آموزش‌وپرورش پیش‌دبستانی وزارت‌خانه از جمله سوابق علمی و اجرایی اوست.

بیانیهٔ گروه داوری
پیش‌دبستانی: کتاب‌های آموزشی

در طول هفت سال اول زندگی کودک، یعنی سنین پیش‌دبستانی، پایه و اساس شخصیت او شکل می‌گیرد. جدی گرفتن آموزش مناسب در این سنین به قدری حائز اهمیت است که اگر کشوری با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی‌های صحیح بستر آن را فراهم کند، رشد و پیشرفت آتی خود را صددرصد تضمین کرده است.

یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین دوران زندگی آدمی دوران کودکی است. دورانی که در آن شخصیت فرد پایه‌ریزی می‌شود و شکل می‌گیرد. باید به همهٔ ابعاد وجود کودک، شامل رشد اجتماعی، عاطفی، شخصیتی و هوشی او توجه داشت. این ابعاد عواملی تعیین‌کننده و اساسی هستند که از دوران کودکی شکل می‌گیرند. کودک کوچک شده فرد بزرگ‌سال نیست، بلکه شخصیتی منحصربه‌فرد است و ویژگی‌های خاص خود را دارد.

در گروه داوری پیش‌دبستانی کتاب‌های آموزشی ۶۵ عنوان کتاب در دو حوزه تألیف و ترجمه به جشنواره راه پیدا کرده‌اند که کتاب‌های تألیفی کمتر خلاقانه نگارش یافته بودند و مطالب تکراری داشتند. پراکندگی تولیدات بدون توجه به شناخت کودکان و ویژگی‌های آنان نشان می‌دهد که ویژگی‌ها و نیازهای کودکان برای مؤلفان و ناشران به‌خوبی درک و شناسایی نشده‌اند.

نقاط قوت و ضعف کتاب‌ها

یکی از نقاط قوت این بود که امسال تعداد کتاب‌های تألیفی نسبت به کتاب‌های ترجمه‌ای فراوانی بیشتری داشتند و در وضعیت بهتری قرار گرفته بودند. این موضوع نشان می‌دهد توجه مؤلفان به تألیف برای کودکان این گروه سنی معطوف شده است.

از نقاط ضعف، باید به موضوع درک نکردن تفاوت دو مقولهٔ «کتاب برای کودک» و «کتاب دربارهٔ کودک» اشاره کرد. این دو موضوع به جهت ساختاری می‌باید تفکیک شوند تا شاهد تولید منابع آموزشی و کتاب‌های تخصصی در هر دو حوزه باشیم. در منابع، هر دو مقوله در یک گروه و با محتوای درهم‌تنیده مطرح شده‌اند که باعث می‌شود، در ارزیابی‌ها دقت لازم صورت نگیرد.

پیشنهادها

- ضوابط و معیارهای ارزیابی منابع برای کودکان و دربارهٔ کودکان بازبینی و بازتولید شود.
- با توجه به طیف نتایج ارزیابی و سطح‌بندی محتواهای مورد تأیید، نتایج بر اساس این درجه‌بندی، در فهرستگان رشد و سایت مربوطه معرفی شود.
- درج مجوز مربوطه یا هولوگرام تأییدیهٔ سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی روی کتاب‌ها الزامی شود؛ تا امکان رصد کتاب‌های دارای تأییدیه برای عموم وجود داشته باشد.
- طی نشست‌های تخصصی، همایش‌ها و... با حضور مؤلفان و ناشران منابع آموزشی و رسانه‌های تخصصی کودکان گروه سنی پیش‌دبستان، معیارها و ضوابط تولید منابع معرفی و تبیین شوند تا سبب هم‌سویی اندیشه‌ها و تلاش در راستای تحقق هدف‌ها شود.

گروه داوری پیش‌دبستانی: کتاب‌های داستانی

جعفر ابراهیمی نصر (متخلص به شاهد ـ ۱۳۳۰)، اردبیل

دارندهٔ نشـــان درجهٔ یک هنری در ادبیات، شاعر، نویسنده و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان، و سردبیر «جُنگ ادبی آیش» در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان.

از جمله ســـوابق خدمتی او، همکاری با مجلات رشـــد (از نخستین شماره‌های آن‌ها)، همکاری با انتشـــارات مدرســـه و انتشارات رشد، مسئول شورای شـــعر کانون پرورش فکری (۲۲ سال)، دبیر جشـــنوارهٔ کتاب کودک در کانون (سه دوره)، دبیر جشـــنوارهٔ مطبوعات کانون (هفت دوره)، داور کتاب سال جمهوری اسلامی (۱۰ دوره)، داور جشنوارهٔ کتاب رشد (دو دوره)، داور و سرداور کتاب دفاع مقدس (دو دوره)، نویسندهٔ برنامهٔ کودک رادیو (به مدت ۱۰ سال) و برندهٔ جایزهٔ بزرگ «مداد پرنده» و چندین جایزهٔ دیگر است.

مجید راستی (۱۳۳۳)، تهران

کارشناســـی ادبیات انگلیســـی و مؤلف کتاب‌های «دنیا می‌خواست به دنیا بیاد»، «ماجراهای علی کوچولو (دو جلدی)»، «پســـر کوچولویی به نام غوره (چهار جلدی)، «پادشاهی که کشورش را گم کرد»، «جوجه‌تیغی‌های پســـرعمو»، «بی‌بی و بابا (ســـه جلدی)» و «آرزوی آدم آهنی». از جمله سوابق علمی ـ پژوهشی او فعالیت در حوزهٔ ادبیات کودک و برگزاری کلاس‌های نویسندگی خلاق در حوزهٔ ادبیات کودک اســـت. سردبیری مجلهٔ «رشـــد کودک» به (مدت سه سال)، عضویت در شورای ســـردبیری مجلات رشد دانش‌آموزی و ســـردبیری مجلهٔ «گلک» نیز از سوابق اجرایی او محسوب می‌شوند.

علی باباجانی (۱۳۵۲)، اراک

کارشناسی‌ارشـــد زبان و ادبیات فارسی، سردبیر «مجلهٔ قاصدک»، دبیر ادبی «مجلهٔ دیدار آشنا»، کارشـــناس ادبی ادارهٔ ارشاد قم، سردبیر «فصلنامهٔ میثاق کوثر»، و کارشناس ادبی «مجلهٔ روزهای زندگی».

از ســـوابق علمی ـ پژوهشـــی وی می‌توان به تألیف نزدیک به ۷۰ کتاب، از جمله مجموعهٔ دوازده جلدی «قصه‌های حنانه»، مجموعهٔ شش جلدی «یک نفر او را دوست دارد»، مجموعه داستان طنز «آقای بی‌رویه» و «تو را صدا می‌زنم»، مجموعهٔ نیایش‌های حیوانات اشـــاره کرد. ایشان همچنین در مدارس، مراکز آموزشی و فرهنگ‌سراها تدریس می‌کند.

بیانیهٔ گروه داوری
پیش‌دبستانی: کتاب‌های داستانی

در بررســـی آثار و کتاب‌های شـــعر و قصه پیش‌دبستانی در جشنواره شـــانزدهم داوران ذکر این نکات را لازم می‌دانند:

نســـبت به ســـال‌های پیش، آثار پیش‌دبســـتانی، هم از نظر کیفی و هم از نظر کمّی، پیشـــرفت قابل‌توجهی داشته‌اند. اما به‌نظر می‌رسد که هنوز برای رسیدن به وضعیت ایده‌آل راه زیادی داریم.

تعداد آثار متوسط قابل قبول بین کتاب‌ها زیاد شده است؛ ولی به‌نظر می‌رسد که نویسندگان و شاعران و نیز تصویرگـــران ما، گاه خلاقیت لازم را در به‌وجود آوردن یک کتاب خوب درنظر نمی‌گیرند و در این‌باره دقت‌نظر ندارند.

تصویرگران گاهی بیش از اندازه به دنیای فانتزی نزدیک می‌شـــوند؛ لذا داوران نظر تصویرگران را به این نکته جلب می‌کنند که بهتر است به واقع‌گرایی در تصویرگری این گروه سنی بیشتر نزدیک شوند. گاهی ذهن‌گرایی و ورود به دنیای فانتزی در تصویرگری‌ها، مربوط به دنیای خردسالان نیست، بلکه مربوط به دنیای ذهنی خود تصویرگران است. این موضوع گاهی در داستان‌های تألیفی نیز به چشم می‌خورد.

جای داســـتان‌های واقع‌گرایانه در آثار این گروه سنی خالی است یا تعداد آن‌ها بسیار اندک است. تصویرگران بهتر است به جای پرداختن به فرم به دنیای واقعی تخیلات خردسالان نزدیک شوند.

به ناشـــران نیز توصیه می‌شود، در نشـــر آثار برای کودکان و نوجوانان، تنوع موضوعی را بیشتر مدنظر داشته باشند. برخی فقط برای خردسالان کار می‌کنند و گروه سنی کودک و نوجوان مغفول می‌ماند.

ترجمه‌ها نسبت به سال‌های پیش بهتر شده‌اند و در انتخاب آن‌ها دقت‌نظر بیشتری اعمال شده است.

در پایان یادآور می‌شـــویم، بسیاری از آثار خردسالان (پیش‌دبستان)، به‌ویژه در شعر و داستان، آثاری مناسب کودکان دبستانی هستند که با زبان پیش‌دبستانی بیان شده‌اند.

گروه داوری تاریخ و زندگی‌نامه

حشمت‌الله سلیمی (۱۳۴۴)، اسلام‌آباد غرب

دانش‌آموخته رشتهٔ تاریخ در دورهٔ کارشناسی‌ارشد، مدرس تاریخ در دورهٔ متوسطه، ریاست دپارتمان علوم اجتماعی دبیرستان البرز و کارشناس پاره‌وقت دفتر تألیف کتاب‌های درسی. از آثار وی می‌توان «مبارزات روحانیون و وعاظ مساجد به روایت اسناد»، «اسنادی از اشغال ایران در جنگ جهانی دوم»، «تاریخ‌شناسی پیش‌دانشگاهی» (متناسب‌سازی با رویکرد آموزش از راه دور) و کتاب درسی «تاریخ پایهٔ دهم رشتهٔ علوم انسانی» را نام برد. اجرای طرح پژوهشی «تحلیل خط‌مشی‌ها، اسناد مصوب، پژوهش‌ها و منابع معتبر با حوزهٔ تربیت و یادگیری علوم انسانی و مطالعات اجتماعی»، دیگر فعالیت علمی ـ پژوهشی اوست. ایشان همچنین در سوابق اجرایی خود، کارشناسی معاونت پژوهشی «بنیاد ایران‌شناسی» و کارشناسی «مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری» را دارد.

سیدحسن رضوی خراسانی (۱۳۴۴)، سمنان

دکترای تاریخ با ۳۰ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر دبیرستان، مدرس دانشگاه فرهنگیان و مراکز ضمن خدمت، و عضو شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی تاریخ. وی از مؤلفان کتاب‌های درسی تاریخ از جمله تاریخ‌شناسی دوره پیش‌دانشگاهی، تاریخ ایران و جهان باستان، تاریخ از اسلام تا پایان صفویه و تاریخ ۳ است. کتاب‌هایی چون «تاریخ ایران در عهد زندیه» و «تاریخ ایران در دوره تیموریان» از انتشارات قدیانی، «جامعه‌شناسی نظام جهانی» و «تاریخ ایران و جهان (۲) » از انتشارات پیش‌دانشگاهیان و مقالاتی مانند «بررسی و ارزیابی جایگاه حاکم در انواع جوامع مورد نظر فارابی» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی را نیز در کارنامه خود دارد.

کوروش فتحی (۱۳۵۰)، سنندج

دکترای تاریخ با ۲۱ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش و دانشگاه‌های فرهنگیان، تربیت‌معلم، پیام نور، شهید بهشتی، و آزاد اسلامی واحد شهر ری، و مؤلف کتاب‌های «ایران در عصر غزنویان و سلجوقیان» و «تجددخواهی ایرانیان». ایشان در تألیف کتاب درسی تاریخ ۳ همکاری داشته و همچنین مدیر اجرایی گروه‌های آموزشی، مشاور مدیر کل و سرگروه تاریخ استان کردستان نیز بوده است.

بیانیهٔ گروه داوری تاریخ و زندگی‌نامه

حوزهٔ تاریخ به‌طور عام، بخشی از رسالت تقویت مؤلفه‌های هویتی را عهده‌دار است. توجه به جنبه‌های فکری، فرهنگی و اجتماعی جامعه از رهگذر تاریخ، مخاطبان را با مؤلفه‌های اساسی هویتی آشنا می‌کند و موجب استحکام باورهای جمعی و انسجام اجتماعی می‌شود. حوزهٔ تاریخ ظرفیت گسترده‌ای در اختیار مؤلفان، مترجمان و ناشران قرار می‌دهد تا از رهگذر آن بتوانند، به نیازهای فکری مخاطبان علاقه‌مند پاسخ شایسته دهند.

تعداد ۲۶ عنوان کتاب در زمینهٔ تاریخ و زندگی‌نامه به جشنواره رسیده است که از نظر موضوعی در مقایسه با دوره‌های پیشین از تنوع بیشتری برخوردار هستند. همچنین موضوع‌های جدیدی از نظر حیات اجتماعی زنان و تاریخ تحولات نشر در ایران، بین آثار دیده می‌شود. نوعی خلاقیت نیز در ارائهٔ محتوای زندگی‌نامه‌ها به چشم می‌خورد که آن‌ها را از شیوه‌های پیشین متمایز کرده است.

از جملهٔ نقاط قوت که می‌توان برای بعضی از کتاب‌های این دوره برشمرد، از این قرار است: استفاده از منابع و مآخذ معتبر؛ گویاسازی و ارائهٔ توضیحات لازم در پانویس؛ استفاده از محرک‌های بصری جذاب؛ توجه به حجم متناسب با شرایط سنی گروه دانش‌آموزان.

کاستی‌هایی که در کتاب‌ها دیده می‌شوند، به چند دستهٔ ساختاری، محتوایی، نگارشی و فنی قابل تقسیم‌بندی‌اند: نامناسب بودن فصل‌بندی و استفاده نکردن از عنوان‌های فرعی، رعایت‌نشدن اندازهٔ حرف‌ها و فاصلهٔ کلمات و سطرها با یکدیگر، بی‌کیفیتی محرک‌های بصری، روان نبودن و یک‌دست نبودن متن از نظر انشایی، صفحه‌آرایی نامناسب، رعایت نکردن اصول معرفی منابع در پاورقی و در کتاب‌نامه، و نداشتن فهرست اعلام از جمله ایرادها و کاستی‌های کتاب‌ها به‌شمار می‌رود. همچنین در بیشتر کتاب‌ها به نیاز مخاطبان و هدف‌های برنامهٔ درسی و کتاب درسی توجه نشده است.

گروه داوران، ضمن قدردانی از تلاش مؤلفان، مترجمان و ناشران، نکات زیر را به‌عنوان راهکارهای پیشنهادی، به منظور افزایش کیفیت کتاب‌های کمک‌آموزشی، یادآور می‌شود:

- توجه بیشتر به نیازها، علاقه‌ها و سطح درک و فهم مخاطبان به ویژه دانش‌آموزان؛
- متناسب‌سازی آثار با هدف‌های برنامهٔ درسی و کتاب‌های درسی؛
- کیفیت‌بخشی به محرک‌های بصری، دقت در انتخاب رنگ‌ها و قرار گرفتن محرک‌ها در محل‌های مناسب؛
- توجه بیشتر به تحولات حوزه‌های فکری، اجتماعی و سیاسی و گشودن افق‌های تازه پیش روی مخاطبان.

گروه داوری تربیت‌بدنی

محسن حلاجی (۱۳۴۷)، تهران

دکترای تربیت‌بدنی و علوم ورزش با بیش از ۲۷ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر تربیت‌بدنی منطقهٔ ۱۹ تهران، کارشناس مسئول، رئیس گروه، معاون و سرپرست ادارهٔ کل تربیت‌بدنی در حوزهٔ ستادی و استادیار دانشگاه فرهنگیان، و مؤلف کتاب‌های «نظریه‌های سازمان و مدیریت»، «اهداف و راهبردها در آموزش تربیت‌بدنی»، «راهنمای معلم تربیت‌بدنی پایهٔ ششم ابتدایی». وی در تألیف راهنمای معلم تربیت‌بدنی دوره‌های اول و دوم متوسطه همکاری داشته است. مدیر و مشاور ورزشی شهرداری منطقهٔ ۱۵، رئیس انجمن شنای دانش‌آموزان کشور، عضو شورای برنامه‌ریزی دفتر تألیف تربیت‌بدنی «سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی» و عضو هیئت‌تحریریه و شورای سردبیری فصل‌نامهٔ «رشد آموزش تربیت‌بدنی»، از سوابق اجرایی ایشان است.

امید جهانسوز (۱۳۴۲)، شیراز

دانشجوی دورهٔ دکترای رفتار حرکتی، مدرس مراکز تربیت‌معلم کشور، عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی تربیت‌بدنی، مؤلف کتاب «حرکات ورزشی ویژهٔ جانبازان و معلولین» و عضو هیئت‌علمی دانشگاه فرهنگیان. ایشان مترجم سه عنوان کتاب تخصصی در زمینهٔ ورزش است.

سعید خسروی (۱۳۴۴)، کرمانشاه

کارشناسی‌ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی ورزشی با بیش از ۳۰ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش. وی در حال حاضر معاون مدیر کل دفتر تربیت‌بدنی و فعالیت‌های ورزشی است. عضویت در شورای تحقیق استان کرمانشاه، تهیهٔ آیین‌نامهٔ مسابقات ورزشی به شیوهٔ مدرسهٔ قهرمان، تألیف و گردآوری مبحث روان‌شناسی ورزشی برای ویژه‌نامهٔ رقابت‌های تخصصی معلمان تربیت‌بدنی، عضو گروه مؤلفان کتاب دست‌نامهٔ آموزگاران و تهیهٔ آیین‌نامهٔ جشنوارهٔ فرهنگی ـ ورزشی دانش‌آموزان دورهٔ ابتدایی از جمله فعالیت‌های اجرایی و تحقیقی ایشان است. وی ناظر کل مسابقات ورزشی دانش‌آموزان، مدیر اجرایی مسابقات ورزشی کارکنان بسیجی پایگاه شهید شهسواری وزارت آموزش‌وپرورش، و سرپرست تیم ملی هندبال دانش‌آموزان پسر اعزامی به مسابقات جهانی ۲۰۱۰ بوده است که تیم مزبور به مقام دوم جهان دست یافت.

بیانیهٔ گروه داوری تربیت‌بدنی

تربیت‌بدنی به‌عنوان سبکی از تعلیم‌وتربیت دارای ظرفیت رشد دانش‌آموزان در حوزه‌های یادگیری است. سواد جسمانی مهم‌ترین کلیدواژهٔ حوزهٔ سلامت و تربیت‌بدنی محور اصلی تولید برنامه‌های تربیت بدنی و سلامت در مدرسه‌هاست.

اکنون در کنار برنامهٔ درسی ملی، راهنمای برنامهٔ درسی سلامت و تربیت‌بدنی به تولید کتاب‌های راهنمای معلم تربیت‌بدنی منجر شده است. تولید این کتاب‌ها خطوط اصلی محتوای درس تربیت‌بدنی را به‌شکلی رسمی و مصوب نشانه می‌رود.

برای تحقق هدف‌های هر حوزهٔ تربیت و یادگیری و راهنمای برنامهٔ حوزه‌های یادگیری، بستهٔ آموزشی تعریف شده است که یکی از عناصر این بسته، کتاب کمک‌آموزشی است.

گذشته از کم‌وکیف کتاب‌های آموزشی در حوزهٔ سلامت و تربیت‌بدنی، امروزه شواهد حاکی از آن است که تعداد کتاب‌های تولید شده، چه تألیفی و چه ترجمه‌ای، نسبت به حوزه‌های دیگر کم است. از این رو باید، با نگاه توسعه‌ای، عرصه و میدان را برای ناشران و مؤلفان در تولید هر چه بیشتر این کتاب‌ها باز گذاشت تا به‌تدریج هر ساله با تعداد کتاب‌های بیشتری روبه‌رو باشیم و از بین آن‌ها کتاب‌های مفید را انتخاب کنیم.

گروه داوری تعلیم‌وتربیت دینی

پرویز آزادی (۱۳۵۶)، هشترود

دکترای علوم قرآن و حدیث، معاون پژوهشی دانشکدهٔ علوم و تحقیقات و نویسندهٔ کتاب «مؤلفه‌های معنایی حق در قرآن کریم»، و مقالات علمی تخصصی «نژادپرستی رژیم صهیونیستی» و «نقش معتزلهٔ بصره در پی‌ریزی نظریهٔ اعجاز». ایشان در تألیف چند درس از کتاب‌های درسی هدیه‌های آسمان و پیام‌های آسمان با «دفتر تألیف و برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» همکاری داشته است. از دیگر فعالیت‌های وی می‌توان به عضویت در هیئت‌تحریریهٔ مجلهٔ «رشد آموزش معارف اسلامی»، تدریس در دانشگاه امام صادق(ع) و دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، مدیریت گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) اشاره کرد.

مصطفی فیض (۱۳۶۱)، سمنان

دکترای فلسفهٔ دین و مسائل جدید کلامی، عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های پیام‌های آسمان متوسطهٔ اول، دین و زندگی متوسطهٔ دوم و اصول عقاید رشتهٔ معارف، عضو کمیسیون برنامه‌های درسی و تربیتی شورای عالی آموزش‌وپرورش، عضو کارگروه تخصصی تأمین و تولید محتوای تعلیم‌وتربیت اسلامی دانشگاه فرهنگیان و عضو حلقهٔ علم و دین سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی است و به تدریس دوره‌های ضمن‌خدمت کشوری و استانی معلمان و دبیران دینی پرداخته است. وی اکنون به تحصیلات حوزوی مشغول است. از جمله فعالیت‌های علمی ـ پژوهشی او می‌توان به تألیف کتاب درسی اخلاق ۸ (اخلاق فردی)، مشارکت در تألیف کتاب‌های دینی و منطق دورهٔ متوسطه، و همکاری در تولید راهنمای برنامهٔ درسی دورهٔ متوسطهٔ اول، اشاره کرد.

محمدحسین میرباقری (۱۳۳۲)، قم

کارشناسی‌ارشد قرآن و حدیث، مدیر سابق دارالقرآن بنیاد شهید انقلاب اسلامی، مدیر مسئول مؤسسه فرهنگی_هنری مشتاق، و از همکاران واحد قرآن دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی. ایشان مدرس علوم و معارف اسلامی دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی و یکی از مؤلفان کتاب درسی قرآن دورهٔ اول متوسطه است که در تألیف چند جلد کتاب آموزش مفاهیم قرآن همکاری داشته است.

بیانیهٔ گروه داوری تعلیم‌وتربیت دینی

تألیف و انتشـــار کتاب در موضوع تعلیم‌وتربیت دینی نقش اساســـی در شـــکل‌دهی به شخصیت دینی کودکان و نوجوانان دارد. این کتاب‌ها، علاوه‌بر تأمین نیازهای فکری دانش‌آموزان، می‌توانند منشـــأ تولید محصولات فرهنگی و هنری فراوانی باشند. در این حال، نویسندگان کتاب‌های دینی کودکان همواره تلاش خود را در جهت تغذیهٔ فکری دانش‌آموزان مبذول داشته‌اند. مسئلهٔ اساسی در این میان اهتمام به معیارهایی است که می‌توانند اثر تولیدی را برای مخاطب از جنبه‌های متعدد جذاب و او را به مطالعهٔ کتاب ترغیب کنند.

طی ســـال‌های اخیر، تولید آثار در زمینهٔ ادبیات دینی کودکان و براســـاس نیـــاز مخاطبان از جنبهٔ کمی و کیفی جهش قابل توجهی داشته است. از میان آثار متعددی که به جشنوارهٔ ارسال شده‌اند، پس از داوری‌های اولیه، ۲۹ اثر برای داوری در جشنواره انتخاب شدند. از میان این تعداد، در پالایش اولیه ۱۵ اثر برای داوری دقیق‌تر و انتخاب اثر برگزیده و تقدیری به مرحله بعد رفتند. پس از بحث و تبادل نظر میان داوران، از میان این تعداد، شش اثر به‌عنوان نامزد معرفی شدند.

کتاب‌های برگزیده دارای نقاط قوت قابل توجهی بودند که از جمله به این موارد می‌توان اشاره کرد:

- پرداختن به موضوع‌های کاملاً مورد نیاز و توجه مخاطب و برطرف ساختن نیازهای به‌روز مخاطب.
- توجه به کتاب‌سازی متناسب با سن مخاطب و جذاب ساختن کتاب از نظر جلوه‌های بصری.
- به کار بردن قلم مناسب سن مخاطب و برقراری ارتباط مؤثر و مناسب.
- بیان مطالب و محتواهای دارای اعتبار علمی قابل قبول و صحیح.

در عین حال کتاب‌های موجود دارای نقاط ضعفی نیز بودند که شایســـته اســـت ناشـــران و مؤلفان محترم به این جنبه‌ها توجه بیشتری داشته باشند:

- تصویرسازی‌های ضعیف و به دور از جذابیت برای مخاطبان.
- طرز بیان ضعیف به نحوی که برای مخاطب کودک و نوجوان جذابیت لازم را ندارد.
- بیان موضوع‌های تکراری و غیرمتناسب با نیازهای مخاطبان.
- ضعف علمی مطالب کتاب‌ها.

شایسته است مؤلفان و ناشران محترم به این جنبه‌ها توجه داشته باشند تا در سال‌های آینده شاهد تولید آثار فاخر و ارزشمندتری باشیم:

- توجه به نظرات کارشناسان تعلیم‌وتربیت دینی و ارائهٔ اثر قبل از مرحلهٔ نهایی تولید به کارشناسان برای ارزیابی و بیان نقاط قوت و ضعف.
- الگو قرار دادن آثاری که معیارهای لازم برای برگزیده شدن را دارا بودند و توانسته‌اند از جهات متعدد معیارهای لازم را کسب کنند.
- اهمیت دادن به کتاب‌سازی و تصویری‌گری متناسب با سن مخاطب.
- پرهیز از بیان مطالبی که بارها تکرار شده‌اند و پرداختن به موضوع‌های متعددی که در تعالیم دینی وجود دارند و اصلاً به آن‌ها پرداخته نشده است یا کمتر مورد توجه واقع شده‌اند.
- پررنگ‌تر ساختن جنبهٔ اخلاقی دین با بیان سیرهٔ زندگی پیامبران و ائمه با روش‌های جدید و جذاب.

گروه داوری حسابداری و بازرگانی

عادل پیغامی (۱۳۵۲)، تهران

دکترای علوم اقتصادی، عضو گروه تألیف کتاب درسی اقتصاد (از سال ۱۳۸۰)، همکار مشاوره‌ای دبیرخانهٔ شورای عالی آموزش‌وپرورش و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، عضو کارگروه علوم انسانی سند تحول بنیادین، عضو کمیسیون تعلیم‌وتربیت شورای عالی انقلاب فرهنگی آموزش‌وپرورش، و عضو هیئت‌علمی دانشکدهٔ معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق(ع). ایشان مؤلف آثاری به این شرح است: «تعلیم‌وتربیت اقتصادی» (دو جلد)، «سواد مالی»، «مؤلفه‌های نرم در تلاقی اقتصاد و فرهنگ»، «جستارهای اقتصاد مقاومتی» (شش جلد)، «گفتارهای عدالت اجتماعی»، «نیکوکاران نابکار» و «ثروت ملل».

محمد یوسفی (۱۳۴۲)، تهران

کارشناسی‌ارشد حسابداری، مدرس رشتهٔ حسابداری در دانشکده‌های انقلاب اسلامی، شهید شمسی‌پور، شریعتی، ولیعصر(عج) و دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای، عضو کمیسیون برنامه‌ریزی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی در رشتهٔ حسابداری، و عضو کارگروه برنامه‌ریزی درسی رشتهٔ حسابداری دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای. ایشان به تصحیح و بازنگری کتاب‌های رشتهٔ حسابداری هنرستان‌های فنی‌وحرفه ای نیز پرداخته است.

زهرا شیرزاد (۱۳۵۰)، تهران

کارشناسی‌ارشد حسابداری، هنرآموز رشتهٔ حسابداری هنرستان، سرگروه آموزشی رشتهٔ حسابداری مالی ادارهٔ کل شهرستان‌های استان تهران و عضو گروه آموزشی رشتهٔ حسابداری بازرگانی ادارهٔ کل شهر تهران با ۲۲ سال سابقهٔ خدمت در وزارت آموزش‌وپرورش.

از سوابق اجرایی ایشان می‌توان به داوری مسابقات علمی و عملی رشتهٔ حسابداری، داوری جشنوارهٔ حمایت از تولیدکنندگان، همکاری در تدریس دورهٔ تربیت‌دبیر دانشگاه شهید رجایی، همکاری با گروه برنامه‌ریزی درسی و تألیف دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی فنی‌وحرفه ای و کاردانش، و همکاری با گروه برنامه‌ریزی درسی امور مالی و بازرگانی سازمان آموزش فنی‌وحرفه‌ای اشاره کرد.

بیانیهٔ گروه داوری حسابداری و بازرگانی

در عصر حاضر، حسابداری و بازرگانی از مهم‌ترین دغدغه‌های بشر در سبک زندگی و ارتقای اقتصاد هر کشور و محیط کسب‌وکار است. از این‌رو نشر و چاپ کتاب‌های مربوط و دقت‌نظر به نیازهای جامعه و نسل جوان در عرصهٔ اقتصاد و حسابداری، کمک شایانی به اشاعهٔ فرهنگ اشتغال و رعایت اخلاق حرفه‌ای و نیل به اقتصاد سالم در کشور خواهد کرد.

در شانزدهمین دورهٔ جشنوارهٔ کتاب رشد در گروه حسابداری، بازرگانی و اقتصاد، متأسفانه تعداد کتاب‌های مورد تأیید بسیار قلیل بود و این امر امکان انتخاب کتاب‌های برتر و شایسته را با محدودیت مواجه ساخت. طبعاً نیازسنجی دقیق از مخاطبان و آسیب‌شناسی فضای کسب‌وکار کشور موجب خواهد شد تا کتاب‌های منتشرشده از غنا و اثربخشی بیشتری برخوردار شوند.

هیئت‌داوران، نوآوری در محتوا و موضوع‌ها، پاسخ‌گویی نسبی به نیاز مخاطبان، توجه به عرصه‌های نو از سوی مترجمان جدید، و توجه به ارزش‌های اسلامی در برخی از آثار مورد داوری را از نکات قوت این دوره می‌داند. در عین حال، نبود تناسب با مخاطب حوزهٔ تعلیم‌وتربیت، اعم از دانش‌آموز هنرجو، معلم و هنرآموز، فقدان تنوع در موضوع‌ها، و تناسب نداشتن مطلب با فرهنگ ایرانی اسلامی از نقاط ضعف حوزهٔ نشر در این عرصه محسوب می‌شود. همچنین حضور نداشتن ناشران تخصصی و شناخته‌شدهٔ کتاب‌های حسابداری و اقتصاد در جشنواره قابل‌تأمل است.

هیئت‌داوران موارد زیر را به‌منظور بهبود و ارتقای فضای نشر حوزهٔ حسابداری و بازرگانی پیشنهاد می‌دهد:

- ناشران مخاطبان محدودهٔ سنی ۱۲ تا ۱۸ سال را هدف اصلی خود قرار دهند.
- ناشران گرامی با عنایت به نیازهای متنوع مخاطبان و گسترهٔ برنامه‌های درسی، تنوع لازم را در کتاب‌های حسابداری، مدیریت، بازرگانی و اقتصاد تأمین کنند.
- همسو و همگام با تحولات برنامهٔ درسی و در جهت تکمیل زنجیرهٔ آموزش، با تأکید بر لزوم آموزش‌های کاربردی و عملی، تولید کتاب‌های مهارت‌محور و کارگاهی را وجههٔ همت خود قرار دهند.

گروه داوری داستان کودک

مرجان فولادوند (۱۳۴۹)، جهرم

دکترای ادبیات فارسی، مؤلف هشت کتاب در ردهٔ سنی کودکان و نوجوانان، سردبیر مجله رشد دانش‌آموز، سردبیر مجله همشهری بچه‌ها به مدت چهار سال، و مترجم کتاب «طوطی و بازرگان» که در فهرست برگزیدگان «کتابخانهٔ بین‌المللی کودک مونیخ» قرار گرفت و از چندین جشنوارهٔ کشوری نیز جایزه دریافت کرد. از سوابق اجرایی ایشان می‌توان به سرداوری «جشنوارهٔ ربع قرن دفاع مقدس» در بخش خاطرات (سال ۸۷)، داوری «جشنوارهٔ کتاب رشد» در بخش کودک و نوجوان (سال ۹۴)، داوری و سرداوری سه دورهٔ جشنوارهٔ کتاب کانون پرورش فکری کودکان و نوجوان، و داوری جایزهٔ پروین اعتصامی در بخش کودک و نوجوان (سال ۹۵) اشاره کرد.

جعفر توزنده‌جانی (۱۳۴۱)، نیشابور

دانش‌آموختهٔ رشتهٔ اتومکانیک هنرستان اقبال لاهوری کرمان، دبیر و عضو هیئت مدیرهٔ انجمن نویسندگان کودک و نوجوان، و مؤلف کتاب‌های «میهمانی دیوها»، «کرمی که هیولا شد»، «افسون زنگ»، «بهشت گمشدهٔ بابام»، و «چرا دریا عصبانی شد». وی به مدت هفت سال با مجلات رشد همکاری داشته و چند سال مسئول داستان نوجوان دوچرخه بوده است.

فروزنده محمد خداجو (۱۳۴۱)، کرمانشاه

کارشناسی زبان و ادبیات فارسی، نویسندهٔ مجلات رشد و مؤلف بیش از ۱۰۰ جلد کتاب است که از مهم‌ترین آثار وی می‌توان به این موارد اشاره کرد: «اینجا در پرده منم»، «من و عجیب و غریب»، «روزی که لیمویی بود» (نامزد کتاب سال ۱۳۹۵)، «دوستت دارم ایران» و «سرزمین ما ایران»، (که دیپلم افتخار کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان را دریافت کرد). برخی از کتاب‌های وی از جشنوارهٔ پروین اعتصامی و جشنواره کتاب شهید حبیب غنی‌پور لوح تقدیر دریافت کرده‌اند. وی همچنین به‌عنوان نویسندهٔ برگزیدهٔ دههٔ ۱۳۷۰-۱۳۶۰ لوح تقدیر گرفت.

بیانیهٔ گروه داوری داستان کودک

داوری جشنوارهٔ کتاب رشد فرصت مغتنمی است تا کتاب‌های کودک و نوجوان منتشر شده در یک سال، در نگاهی کلی مقایسه و سنجیده شوند؛ فرصتی برای ترسیم شمایلی گویا از داشته‌ها و نداشته‌هایمان.

هیئت داوران بخش «داستان کودک» حاصل این سنجش را به شرح زیر به استحضار شما پدیدآورندگان، منتقدان، ناشران و اهالی رسانه می‌رساند:

● هنوز همچون سال‌های پیش، به لحاظ کمّی، اکثر عنوان‌ها و شمارگان در اختیار کتاب‌هایی است که در فرم و محتوا از استواری و هنرمندی لازم برخوردار نیستند. ورود مؤسسه‌ها و ارگان‌های مختلف، به این حیطه و چاپ انبوه کتاب برای کودکان، براساس هدف‌های سازمانی و بدون یاری گرفتن از نویسندگان و تصویرگران متخصص این حوزه، یکی از دلایل ضعف این کتاب‌ها بود. امید است که بودجهٔ نهادهای دولتی و غیردولتی برای تولید کتاب‌های کودک با مشورت و همکاری متخصصان هزینه شود.

● با تأکید بر لزوم وجود کتاب‌های ترجمه‌ای برای آشنایی با تجربه‌ها و داشته‌های هنر و ادبیات جهان، و نیز با توجه به تلاش بعضی ناشران برای انتخاب و انتشار بهترین کتاب‌های کودک جهان در ایران که موجب امتنان و قدردانی است، نمی‌توان این نکته را از نظر دور داشت که کتاب‌های ترجمه، که نه در محتوا و نه در شکل، برتری و برجستگی خاصی ندارند، بازار کودک ایران را اشباع کرده‌اند. به نظر می‌رسد رعایت نکردن قانون کپی‌رایت موجب شده است تا بعضی از ناشران بدون هیچ هزینه‌ای بتوانند کتابی را به شکل آماده به دست آورند، تکثیر و منتشر کنند و از این رو حساسیت لازم را برای انتخاب کتاب نداشته باشند. امیدواریم با تصویب قوانین لازم این امر سامان پذیرد.

● تعداد کتاب‌هایی که در آن‌ها به موضوع‌های مورد نیاز کودکان، طرح مسئله، حل مسئله و «شنیدن صدای دیگری» توجه شده باشد اندک بود.

● تقویت نقد تخصصی در ادبیات کودک با همکاری پژوهشگران، دانشجویان و استادان این رشته می‌تواند به تشخیص سره از ناسره و ارتقای سطح ادبی کتاب‌ها یاری رساند.

در نهایت چشم‌انتظار و امیدواریم که اهالی رسانه نیز همت و جدیت بیشتری برای معرفی کتاب‌های خوب به خانواده‌ها و کودکان بهکار گیرند، زیرا آنان می‌توانند حلقهٔ اتصال کتاب و مخاطب باشند. کتاب خوب چراغی است که تنها با شناختن و گشودنش روشن می‌شود و می‌تواند ظلمت و جهالت را گامی به عقب براند.

گروه داوری داستان نوجوان و بزرگ‌سال

مصطفی خرامان (۱۳۳۴)، تهران

کارشناسی‌ارشد ادبیات فارسی با بیش از ۴۰ عنوان کتاب، از جمله: «دختران علیه دختران»، «فرشته‌ها از کجا می‌آیند» و «جناب قورباغه». وی به مدت هفت دوره داور کتاب دفاع مقدس، سه دوره داور کتاب سال و شش دوره داور کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان بوده است. از جمله کتاب‌های ایشان که جایزه گرفته‌اند، می‌توان «به جای دیگر» به‌عنوان تقدیری، «همیشه رفیق» جشنوارهٔ دفاع مقدس و «کلاه حصیری» تقدیری سال ۱۳۹۵ را نام برد. از مهم‌ترین سوابق اجرایی ایشان نویسندگی برای برنامهٔ کودک رادیو، مدیر فرهنگی «نشر افق»، مدیر تولید «نشر شهر»، مسئول گروه کودک انتشارات علمی ـ فرهنگی و مدیر اجرایی «روزنامهٔ آفتابگردان» است.

محمدمهدوی شجاعی (۱۳۴۳)، سلماس

کارشناسی علوم تربیتی، با ۳۱ سال سابقهٔ تدریس به‌عنوان دبیر زبان و ادبیات فارسی دورهٔ متوسطه، و مسئول بخش داستان نویسندگان حرفه‌ای کیهان بچه‌ها، مدرس کلاس‌های داستان‌نویسی، و عضو شورای نویسندگان مسجد جوادالائمه (ع). وی داوری چند دوره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد را نیز بر عهده داشته است.

محمدعلی قربانی (۱۳۵۰)، شهریار

کارشناسی‌ارشد مترجمی زبان انگلیسی، برگزیدهٔ مسابقهٔ بهترین مترجم کشور توسط «دفتر مطالعات ادبیات داستانی» و برندهٔ جایزهٔ بهترین تیتر در جشنوارهٔ مطبوعات کودک و نوجوان در سال ۱۳۹۴، با آثاری چون «معلم روشنایی»، «۳۸ خطای رایج داستان‌نویسان»، «آخرین رویای یوسف» و «سردار خطیب».

از سوابق اجرایی او می‌توان به مدیریت روابط عمومی «شرکت سداد ماشین» (۱۰ سال)، کارشناس داستان انتشارات مدرسه، کارشناس انتشارات بنیاد شهید به مدت (پنج سال)، مدیریت پروژهٔ پایش آثار داستانی بنیاد ادبیات داستانی،«سردبیری مجلهٔ رشد جوان»، عضویت در شورای کارشناسی مجلهٔ رشد نوجوان، و رشد معلم و رشد برهان متوسطه۲ اشاره کرد.

داوری پنج دوره جشنوارهٔ کتاب نماز، شش دوره جشنوارهٔ شهید غنی‌پور، پنج دوره جشنوارهٔ بنیاد حفظ آثار و یک دوره جشنوارهٔ یوسف را نیز در کارنامهٔ سوابق فرهنگی خود دارد.

بیانیهٔ گروه داوری داستان نوجوان و بزرگ‌سال

کتاب‌های نوجوان و بزرگ‌سال راه‌یافته به فهرست نهایی، باید کتاب‌هایی جذاب، قابل دفاع و خواندنی باشند، اما متأسفانه در کلیت کتاب‌های منتشرشده در حوزهٔ نشر چنین نیست. باعث تأسف است که ناشران بزرگ (از نظر تشکیلات و طمطراق) به کتاب‌سازی روی آورده‌اند.

متأسفانه نامزدها را با اغماض انتخاب کردیم. باید به عرض برسانیم که گروه داوری معتقد به خیرالموجودین است و به همین دلیل به کتاب تقدیری رضایت دادیم.

وقتی در یک بیانیهٔ چندخطی سه بار اظهار تأسف کرده‌ایم، یعنی حال کتاب و نشر خوب نیست. آیا همین دلیل کافی نیست که کتاب‌های ترجمه‌ای رونق داشته باشند؟

با وجود این، ما کتاب‌های ترجمه را به نفع کتاب‌های تألیفی کنار گذاشتیم؛ با این باور که جایزهٔ کتاب متعلق به نویسنده است، نه مترجم.

گروه داوری رایانه

زهرا سلیمی‌زاده (۱۳۵۹)، اسلام‌آباد غرب

کارشناسی‌ارشد مهندسی کامپیوتر (هوش مصنوعی و رباتیک)، مؤلف کتاب‌های کاردانش و فنی‌وحرفه‌ای آموزش‌وپرورش و نیز کتاب‌های «طراحی صفحات وب مقدماتی»، «طراحی صفحات وب پیشرفته»، «سیستم‌عامل مقدماتی»، «سیستم‌عامل پیشرفته» برای «انتشارات دیباگران»، و «بسته‌های نرم‌افزاری (جلدهای اول و دوم)»، برای «انتشارات گویش نو».
از سوابق او در آموزش‌وپرورش می‌توان به تدریس در آموزشکدهٔ فنی و هنرستان‌های فنی و کاردانش، سرپرستی بخش هنرستان، عضویت در گروه‌های آموزشی و تکنولوژی منطقهٔ هفت، داوری جشنواره‌های خوارزمی و جشنوارهٔ کتاب رشد، داوری کتاب رشد و رسانه‌های مکتوب و غیرمکتوب سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی، و تدریس در دوره‌های ضمن‌خدمت اشاره کرد.

مریم آزادی (۱۳۵۷)، تهران

کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی، کارشناسی نرم‌افزار کامپیوتر با ۱۰ سال سابقهٔ همکاری با آموزش‌وپرورش در حوزهٔ فناوری اطلاعات منطقهٔ ۶ تهران و در حوزهٔ امور مالی و حسابداری، و همکاری با «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» به‌عنوان ارزیاب محصولات غیرمکتوب و منابع مکتوب در حیطهٔ رایانه از نظر محتوایی و ارزیابی فنی، داوری دو دوره جشنوارهٔ جوان خوارزمی در سطح منطقه، داوری وبلاگ‌ها در پرسش مهر دانش‌آموزی و نیز داوری پانزدهمین جشنوارهٔ کتاب رشد. «تحقیق در خصوص هوشمندسازی مدارس شهر تهران» در سال ۱۳۹۲ نیز از فعالیت‌های علمی او محسوب می‌شود.

شهناز امین (۱۳۵۲)، تهران

کارشناسی‌ارشد مهندسی نرم‌افزار کامپیوتر، مدرس دانشگاه، مؤلف بیش از ۱۰ جلد کتاب کمک‌درسی، ۵ جلد کتاب درسی، و بیش از ۱۰ مقاله تخصصی با ۲۱ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش و داوری جشنوارهٔ خوارزمی و داوری منابع غیرمکتوب سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.

بیانیهٔ گروه داوری رایانه

هیئت‌داوران گروه رایانه، ضمن قدردانی از نقش سازمان پژوهش برنامه‌ریزی و جشنوارهٔ کتاب رشد در ارتقای جایگاه کتاب و کتاب‌خوانی، معتقد است، این جشنواره توانسته جایگاه قابل قبولی در نهادهای متولی تعلیم‌وتربیت در جامعه، حداقل در راستای انتخاب کتاب‌های مناسب برای کتابخانه‌های مدرسه‌ها پیدا کند و مطالبه‌گری مدیران اهل علم از جشنواره، مبین جایگاه منطقی جشنواره کتاب رشد است. اما جایگاهی که در بخشی از حوزه‌ها بین ناشران و مؤلفان دارد، هنوز با قابلیت‌های جشنواره و ظرفیت آن فاصله دارد.

در یک دیدگاه می‌توان کتاب‌های علوم رایانه‌ای را از دو وجه دسته‌بندی کرد: یکی راهنماهای کار با نرم‌افزارهای کاربردی، و دیگری نگاه زیرساخت به علوم رایانه و مبانی پایه‌ای آن.
راهنماهای کار چندان نیازمند نگاه علمی و موشکافانه نیستند و تمام کتاب‌های عرضه‌شده در این جشنواره به‌صورت راهنمای کار با نرم‌افزار ارائه شده‌اند. این کتاب‌ها، توسط شرکت‌های طراح برنامه عرضه می‌شوند و تنها تفاوت آن‌ها در شیوه و زبان ارائه است. اما در بخش نگاه زیرساختی و مبانی علوم رایانه، به شدت ضعف رویکردی احساس می‌شود که البته مطالبهٔ مخاطبان نیز در این راستا بی‌تأثیر نبوده است. برای دستیابی به جایگاه علمی و در شأن این شاخه، نگاه عمیق‌تر به مباحث پایه‌ای در حوزهٔ نشر ضروری است.

البته در جشنوارهٔ امسال شاهد افزایش مشهود کیفیت چاپ، صفحه‌آرایی و گرافیک کتاب بودیم که خوش‌بختانه نشان‌دهندهٔ نگاه دقیق‌تر در این حوزه است.

هیئت‌داوران گروه رایانه پس از جمع‌بندی نتایج داوری، یکی از کتاب‌ها را شایستهٔ تقدیر اعلام کرد. بیان شیوا و روان مطالب، صفحه‌آرایی استاندارد، ارائهٔ مثال‌های ملموس و کاربردی از ویژگی‌های شاخص این کتاب است.
امیدواریم در آیندهٔ نزدیک شاهد افزایش کیفیت محتوا و عمق‌بخشی به آن در حوزهٔ رایانه باشیم.

گروه داوری روان‌شناسی

عزت‌الله فولادی (۱۳۴۸)، خرم‌آباد

دکترای تخصصی مشـــاوره در مرحلهٔ دفاع از رساله، و مشاور «شـــورای عالی آموزش‌وپرورش» با ۳۰ ســـال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش که ۲۰ سال آن را در حوزهٔ ستادی و سایر سازمان‌ها، از جمله «مرکز ملی پرورش اســـتعدادهای درخشـــان»، معاونت آموزش ابتدایی، شـــورای عالی آموزش‌وپرورش، معاونت پرورشـــی و تربیت‌بدنی گذرانده‌اســـت. وی همچنین با سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشـــی، معاونت برنامه‌ریزی و نیروی انسانی، سازمان ملی جوانان، ستاد مبارزه با مواد مخدر کشـــور، وزارت بهداشت و آموزش پزشکی و سازمان نظام روان‌شناسی کشور همکاری داشته است.

میترا عبدوس (۱۳۴۷)، تهران

کارشناسی‌ارشـــد روان‌شناســـی تربیتی با نزدیک به ۲۷ سال ســـابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌صورت مشاور دبیرســـتان، دبیر، سرگروه درس روان‌شناسی در مناطق و شهر تهران، کارشناس پژوهش دفتر امور زنان در وزارتخانه، و مدیر داخلی مجلهٔ رشد مشاور مدرسه.

علیرضا غلامی (۱۳۴۷)، تهران

کارشناسی‌ارشـــد روان‌شناسی با ۲۳ سال ســـابقهٔ کار در وزارت آموزش‌وپرورش در پست مشاورهٔ تحصیلی، مدیر داخلی مجلهٔ رشـــد مشاور مدرسه، داور جشنواره‌های کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشـــد، عضو هیئت تحریریهٔ رشد معلم و داور جشنوارهٔ خوارزمی. ایشان مؤلف بخشی از کتاب‌های «روان‌شناسی سلامت»، «روان‌شناسی سال سوم نظری»، و مقالهٔ پژوهشی «حافظهٔ پنهان» است که در «ژورنال اسکاندیناوی» به چاپ رسیده.

بیانیهٔ گروه داوری روان‌شناسی

رشد دانش روان‌شناسی و مشاوره به‌عنوان شاخه‌ای علمی در کشور، از گستره و سرعتی قابل قبول برخوردار است. این رشد شگرف در علم و دانش سبب شده است، کتابی که در حوزهٔ سلامت هنوز از زیر چاپ در نیامده، نیازمند بازنگری و اصلاح شود.

خدمات مشاوره و حوزه‌های مرتبط با آن، در کشور و سازمان‌ها مورد استقبال افراد و مردم قرار گرفته و رشته‌های دانشگاهی این حوزه با علاقه‌مندی جوانان و استادان جوان در حال پی‌گیری و توسعه است. در چارچوب «سند تحول بنیادین»، وزارت آموزش‌وپرورش جایگاه ویژه‌ای برای مشاوره و استفاده از دانش روان‌شناسی قائل است. بر این اساس، در مدرسه‌ها و دوره‌های تحصیلی حضور مشاوران پیش‌بینی شده است. استفادهٔ معلمان از دانش مشاوره و روان‌شناسی، برای رشد و سلامت همه‌جانبهٔ دانش‌آموزان نیز ضروری و انکارناپذیر است.

گروه داوری روان‌شناسی شانزدهمین جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد، از مشارکت مؤلفان، مترجمان و ناشران گرامی با ارائهٔ آثار خود در این جشنواره کمال قدردانی را دارد. از آثار ارسالی، ۲۷ اثر به فرایند داوری وارد شدند. داوران براساس موازین علمی همهٔ مساعی خود را برای ارزیابی منصفانه به‌کار بسته‌اند.

آثار از تنوع خوبی در حوزه‌های روان‌شناسی اجتماعی، آموزش‌وپرورش و کلاس درس، خانواده، اخلاق و فضائل، مشاوره و درمان، و مسائل بین‌فردی، برخوردار بودند. از نقاط قوت این دوره می‌توان، توجه به خلاقیت در حوزهٔ چاپ کتاب و ذائقهٔ خوانندگان، رویکرد فرهنگی- تربیتی، و روزآمدی منابع را برشمرد.

در پایان به‌منظور تأکید بیشتر، انتظار می‌رود علاوه بر اولویت‌دادن به کتاب‌های تألیفی در حوزهٔ روان‌شناسی و مشاوره، کتاب‌ها با دقت علمی و با توجه به مؤلفه‌های فرهنگی- تربیتی برای ترجمه انتخاب شوند تا علاوه بر ارتقای علمی و تسهیل خدمات بهینه و کارامد حوزهٔ روان‌شناسی و مشاوره، بیش از پیش، به رشد رویکرد علمی- فرهنگی و پاسخ به نیاز جوانان جامعه توجه لازم مبذول شود.

گروه داوری ریاضی

دیانا فردین (۱۳۵۲)، خرم‌آباد

دانشجوی دکترای ریاضی کاربردی با ۲۴ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر، کارشناس گروه ریاضی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ارزشیاب کتاب‌های ریاضی دوم و ششم دبستان، عضو کارگروه‌های «رویکرد»، «اهداف» و «ابتدایی» دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی ریاضی، داور جشنوارهٔ کتاب رشد در دو دوره، مصحح و ناظر بین‌المللی آزمون‌های تیمز و پرلز، و مدرس آموزش ضمن خدمت. وی همچنین از مؤلفان «کتاب درسی ریاضی خودآموز دوم دبیرستان آموزش از راه دور» و ویراستار علمی «کتاب فرهنگ ریاضی مدرسه» نیز بوده است.

سپیده چمن‌آرا (۱۳۵۰)، تهران

کارشناسی‌ارشد ریاضی با بیش از ۲۶ سال سابقهٔ خدمت به‌عنوان دبیر ریاضی دبیرستان‌های تهران، مسئول گروه ریاضی دوره‌های ابتدایی و متوسطهٔ ۱، مدرس دوره‌های ضمن خدمت، سردبیر «رشد آموزش ریاضی برهان متوسطهٔ ۱»، معاون آموزشی دبیرستان راه رشد و مدیر داخلی رشد آموزش ریاضی. به علاوه، وی مؤلف کتاب درسی «هندسهٔ تحلیلی و جبر خطی» است و مقالاتی نیز در مجلهٔ رشد برهان و در کنفرانس‌های «آموزش ریاضی ایران» و «روان‌شناسی آموزش ریاضی ایران» ارائه داده است.

سمیه‌السادات میرمعینی (۱۳۵۹)، تهران

کارشناسی‌ارشد مدیریت آموزشی و کارشناسی دبیری ریاضی با ۱۹ سال سابقهٔ تدریس ریاضی در دورهٔ متوسطهٔ ۱ و ۲، سرگروه ریاضی و درس‌پژوهی شهر تهران، مصحح آزمون تیمز، و کارشناس همکار گروه ریاضی دورهٔ متوسطهٔ ۱ در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی که مقالاتی را نیز در «رشد برهان» به چاپ رسانده است.

بیانیهٔ گروه داوری ریاضی

نگاهـــی اجمالی به وضعیت کتاب‌های آموزشـــی موجود، بیانگر ناکارامدی ایـــن کتاب‌ها برای ایجاد یادگیری معنادار در دانش‌آموزان اســـت. بسیار محتمل اســـت که توجه ویژهٔ حوزهٔ نشر به انتشار این حجم از کتاب‌های آموزشی تقریباً مشابه، برخاسته از نیاز جامعهٔ مخاطب (دانش‌آموزان) باشد.

بررسی روند آموزشی مدرسه‌ها، احتمال بالا را بسیار پررنگ‌تر می‌کند؛ چرا که متأسفانه وجود معضل کنکور، شـــکل‌گیری مدرسه‌های متنوع با آزمون‌های ورودی مختلف، تبلیغات فراوان و غالباً غیرعلمی برخی از رسانه‌ها در امور آموزشی ـ که در حقیقت اغواگر بخش اعظمی از خانواده‌هایی است که صرفاً به ایشان اعتماد کرده‌اند ـ به نادرست، تصمیم‌گیرندگان آموزشی را بر آن داشته است، به جای آنکه از ارزشیابی به‌عنوان ابزاری ارزشمند درجهت ارتقای آموزش، و رشـــد و شـــکوفایی فرزندان این مرزوبوم استفاده کنند، آن را به مثابهٔ وسیله‌ای برای موفقیـــت در آزمون‌های مختلف تلقی کنند (آموزش در خدمت ارزشـــیابی). این امـــر موجب دوری مدارس از هدف‌های واقعی و والای تعلیم‌وتربیت شده و مسیری یکسویه را برای دانش‌آموزان پایه‌ریزی کرده که خروج از آن تقریباً غیرممکن است و به‌علاوه، بر شیوهٔ هدف‌گذاری حوزهٔ نشر هم اثرگذار بوده است.
به همین دلیل، با وجود بیان شـــفاف ویژگی‌های کتاب کمک‌آموزشـــی مناســـب، متأســـفانه بخش اندکی از کتاب‌های منتشرشده ویژگی‌های لازم را برای راهیابی به مدرسه‌ها و جشنوارهٔ کتاب رشد دارند.

پس از بررسی کتاب‌های راه‌یافته به شانزدهمین جشنوارهٔ کتاب رشد (در بخش ریاضی)، گروه داوران مشاهده کردنـــد که درصد قابل توجهی از کتاب‌ها ترجمه‌ای هســـتند. این موضوع تأمل‌برانگیز، هشـــداری جدی برای جامعهٔ آموزش ریاضی ایران محســـوب می‌شود. چرا که نشـــان می‌دهد کتاب‌های تألیفی در حوزهٔ ریاضی برای دانش‌آموزان، معلمان، والدین و... فاقد ویژگی‌های لازم برای ورود به جشنواره هستند و ناشران در این حوزه به چاپ کتاب‌های ترجمه‌ای روی آورده‌اند.

البته این امر می‌تواند برای جامعهٔ آموزش ریاضی ایران فایده‌هایی داشته باشد، اگر:
۱. کتاب‌های مناسب و غنی از نظر آموزشی برای ترجمه انتخاب شوند؛
۲. کتاب‌هایی برای ترجمه انتخاب شوند که با برنامهٔ درسی ایران و رویکردهای آموزشی آن همسو باشند؛
۳. ترجمه‌ای مناسب و تخصصی از کتاب ارائه شود.

متأســـفانه در کتاب‌های راه‌یافته به شـــانزدهمین جشنواره کتاب رشـــد، به موارد فوق کمتر توجه شده بود. گروه داوران بخش ریاضی نبود کتاب‌های کمک‌آموزشـــی مناسب در جامعهٔ آموزشی ریاضی مدرسه‌ای ایران را بســـیار جدی تلقی می‌کند. در این راستا پیشنهاد می‌شود ناشران و مؤلفان در تألیف کتاب‌های کمک‌آموزشی بـــه رویکردهـــای نوین آموزش ریاضی و مبانی مطرح در این حوزه توجه کنند و در این امر از متخصصان کمک بگیرند.

گروه داوری زبان عربی

معصومه ملکی (۱۳۵۵)، اراک

دانشجوی دکترای مطالعات ترجمهٔ عربی. عضویت در شورای برنامه‌ریزی درس عربی و دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، عضو انجمن زبان و ادبیات عرب ایران، عضو اصلی انجمن عربی دانشگاه تهران، مسئولیت دبیرخانه راهبری کشوری درس عربی، سرگروه عربی گروه‌های آموزشی و دبیری عربی از سوابق خدمت وی در آموزش‌وپرورش است. مؤلف کتاب «بانوی قرآن‌پژوه مصری عایشه عبدالرحمن الحسینی» است و ۱۸ عنوان مقاله در کارنامهٔ خود دارد. وی همچنین عضو انجمن زبان و ادبیات عرب دانشگاه تهران و انجمن زبان و ادبیات عرب ایران است.

مهری‌سادات میرحسینی (۱۳۴۷)، تهران

کارشناسی زبان عربی با ۲۷ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر عربی و نیز عضویت در شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی عربی پایهٔ نهم، همکاری در تألیف کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم و هشتم، تألیف ۱۶جلد کتاب کمک‌درسی، همکاری در اعتباربخشی کتاب عربی هفتم، تدریس در همایش دبیران شهر تهران و داور جشنواره‌های استانی درس‌پژوهی و روش‌های تدریس برتر، و جشنوارهٔ نوجوان خوارزمی. ایشان سرگروه عربی متوسطهٔ ۱ شهر تهران، سرگروه دینی و عربی متوسطهٔ ۱ منطقهٔ ۹ و مدرس ضمن خدمت در سال‌های ۹۲-۱۳۹۱نیز بوده است.

سکینه مرادخانی (۱۳۴۸)، مشهد

کارشناسی‌ارشد زیست‌شناسی که از سال ۱۳۷۵ تاکنون به‌عنوان دبیر عربی و زیست‌شناسی مشغول خدمت بوده است. ایشان تألیف کتاب‌های آموزشی عربی متوسطهٔ ۱ و ۲، کتاب‌های داستانی و کتاب کار الکترونیکی را نیز در کارنامهٔ فرهنگی خود دارد و به‌عنوان سرگروه تألیف داستان، با انتشارات مدرسه همکاری کرده است.

بیانیهٔ گروه داوری زبان عربی

زبان عربی زبان قرآن اســـت و هر نوشته‌ای که ما را به قرآن رهنمون سازد، شایستهٔ تقدیر است. شانزدهمین جشـــنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشـــد در حوزهٔ زبان عربی از آن نظر اهمیتی دو چندان می‌یابد که در ســـالیان اخیر، برای اولین بـــار کتاب‌های زبان عربی را در گروه جداگانه‌ای مورد بررســـی قرار داده و در جهت آگاهی‌بخشـــی، آموزش و ارتقای کیفی برنامهٔ درس عربی و ارائهٔ الگوهای عینی، مناســـب و شایستهٔ آموزشی و تربیتی در حوزهٔ زبان عربی اقدام کرده اســـت. گروه داوری، ضمن تشکر ویژه از برنامه‌ریزان، این توجه را به فال نیک می‌گیرد و امید دارد در سال‌های آتی این بخش از جشنواره با استقبال بیشتر مخاطبان روبه‌رو شود.

گروه داوران از تلاش‌های همهٔ مؤلفان محترم کتاب‌های عربی حاضر در جشنواره قدردانی می‌کند و به اطلاع می‌رســـاند، آثار راه‌یافته به مرحلهٔ نهایی طی چند مرحله، مقایســـه و ارزیابی شدند. در مورد نقاط قوت کتاب‌ها تقویت رویکرد مشارکت‌جویانه و استفاده از ظرفیت‌های بومی در تألیف برخی از آثار، شایستهٔ سپاس است. لذا گـــروه داوری از مؤلفان که آگاهانه و با دقت علمـــی و نگاهی نو در جذب مخاطبان این حوزه با تقدم تربیت بر آموزش همت نهادند، تقدیر می‌کند و سپاس دارد؛ اما نگاه کنکورمدارانه برخی از کتاب‌ها سبب نوعی یکنواختی در شـــیوهٔ ارائهٔ مطالب و محتوای کتاب‌ها شده است. نبود نوآوری، ضعف انسجام در محتوا و روش ارائهٔ مطالب، و نداشتن جذابیت ظاهری از مهم‌ترین نقاط ضعف کتاب‌های مورد بررسی است.

واقعیت آن است که رویکرد آموزش زبان عربی در آموزش‌وپرورش بر مبنای «سند تحول بنیادین» و «برنامهٔ درسی ملی» تغییر کرده است و کتاب‌های درسی زبان عربی از «قاعده‌محوری» به ترجمه و درک و فهم متون تغییر یافته اســـت. در این رویکرد، هدف اصلی و مأموریت درس عربی، پرورش مهارت‌های چهارگانهٔ زبان عربی به‌منظور فهم بهتر قرآن کریم و زبان و ادب فارسی است. انتظار می‌رود در عرصهٔ پژوهش، تألیف و نشر به این موضوع توجه جدی مبذول دارند تا ان‌شاءالله در دوره‌های آینده شاهد حضور مجدانه‌تری از علاقه‌مندان به زبان قرآن باشیم.

گروه داوری زبان و ادبیات فارسی

مرجان سجودی (۱۳۵۱)، تهران

دانشجوی دکترای برنامه‌ریزی درسی، مدرس آموزش ضمن‌خدمت، و مؤلف کتاب‌های درسی از جمله: «نگارش پایهٔ یازدهم»، «نگارش پایهٔ ششم دبستان، فارسی‌آموزی مقدماتی» (ویژهٔ غیرفارسی‌زبانان)، و فارسی‌آموز (جلد چهارم از مجموعه‌ای چهارجلدی).

از میان سوابق اجرایی ایشان می‌توان به این موارد اشاره کرد: عضویت در شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های فارسی دوم و سوم راهنمایی (قدیم)؛ عضویت در شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های هفتم و هشتم، سرگروهی زبان و ادبیات فارسی وزارت آموزش‌وپرورش، داوری مسابقات پرسش مهر، مسئول پژوهش مجتمع بین‌المللی تهران، عضویت در هستهٔ مرکزی آموزش جهانی و مدرس دوره‌های تأمین مدرس دفتر تألیف کتب ابتدایی و متوسطه نظری(از سال ۸۹ تا کنون).

نصرالله کیا (۱۳۴۵)، نوشهر

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی با ۲۵ سال سابقهٔ تدریس در مناطق مختلف شهر تهران در دورهٔ متوسطه، ارزیاب دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، و نویسندهٔ مجموعه داستان «هیمه‌های نیم‌سوز» و مجموعه شعر «یاد و یار».

صدف گلمرادی (۱۳۵۵)، ایلام

دکترای زبان و ادبیات فارسی با ۲۰ سال سابقهٔ تدریس در آموزش‌وپرورش، تدریس درس‌های تخصصی ادبیات فارسی در دانشگاه پیام نور، تدریس در دانشگاه الزهرا (س)، همکاری با دانشگاه غیرانتفاعی آل‌طه و تدریس در دانشگاه فرهنگیان، و داوری مجلهٔ علمی ـ پژوهشی «ادب معاصر» پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگ. ایشان نویسندهٔ مقالهٔ «روایت پژوهی» است که در بخش پوستر دومین همایش تربیت‌معلم دانشگاه فرهنگیان ارائه شد و نیز «نقد ساختارگرایانه اشعار منوچهر آتشی در مجموعهٔ خاک» است که در نهمین همایش ملی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه بیرجند پذیرفته شد.

بیانیهٔ گروه داوری زبان و ادبیات فارسی

قسم به قلم و آنچه می‌نگارد.
گویند اگر در خویش میل نوشتن سراغ کردی، باید در تو سه چیز باشد: شناختی، هنری و سحری. «شناخت» موسیقی کلمات، «هنر» ساده و بی‌پیرایه‌نویسی، و «سحر» عشق و علاقه به آنانی است که نوشتهٔ تو را می‌خوانند.

هیئت داوری زبان و ادبیات فارسی شانزدهمین دورهٔ کتاب رشد، ضمن آرزوی موفقیت برای کلیهٔ نویسندگان، ناشـــران و دســـت اندرکاران شرکت کننده در جشنواره، امید واثق دارد که در دوره‌های بعدی با افزایش کمّی و کیفی آثار، جشنواره تداوم یافته و از این رهگذر، شاهد رشد و تعالی تولیدات ارزشمند باشد.

اهمیت حوزهٔ زبان و ادبیات فارســـی بر کســـی پوشیده نیست و در بیان شیوای رهبر معظم انقلاب اسلامی به روشـــنی جلوه نموده است: «زبان فارسی یک زبان زنده، شیرین، گســـترده و برخوردار از خصوصیات برجستهٔ زبان‌شناسی است که هیچ محدودیتی ندارد و تمام مفاهیم مهم و ظریف و دقیق و جدید را می‌توان با آن بیان کرد» (مجلهٔ پرسمان، شهریور ۹۱، ش ۱۱۶).

با توجه به اهمیت حوزهٔ زبان و ادبیات فارسی، شایسته است، ناشران و نویسندگان ارجمند در آثار خود بیش از پیش به مضامینی چون خودباوری، سبک زندگی، گویش، زبان و اقلیم توجه کنند. همچنین از آنجایی که یکی از مهم‌ترین رویکردهای کتاب‌های ادبیات و نگارش، «مهارت‌محوری» اســـت، به تولید آثاری با محتوای تقویت مهارت نگارش و شیوه‌های خلاق نوشتن توجه بیشتری مبذول دارند. توجه به عناصر بصری نیز از دیگر نکاتی است که بر اثربخشی و جذابیت کتاب‌ها می‌افزاید.

بررسی آثار این دوره حاکی از آن است که نویسندگان با بضاعت بیشتری در این حوزه قلم زده‌اند، از این رو، هیئت داوران خرســـندی خود را نسبت به رشد کیفی آثار دریافتی اعلام می‌دارد و برای تمامی عزیزانی که در این مسیر خطیر گام نهادند، آرزوی توفیق روزافزون دارد.

پیش از من و تو بسیار بودند و نقش بستند — دیوار زندگی را زین‌گونه یادگاران
وین نغمه محبت بعد از من و تو ماند — تا در زمانه باقی‌ست آواز باد و باران

گروه داوری زیست‌شناسی

محمد ابراهیمی (۱۳۴۵)، تهران

کارشناسی زیست‌شناسی، کارشناسی‌ارشد علوم گیاهی و دکترای زیست‌شناسی سلولی ـ تکوینی، مدرس ضمن خدمت زیست‌شناسی و آزمایشگاه ۲، مدرس دبیرستان‌ها، مراکز پیش‌دانشگاهی، مجتمع پیامبر اعظم(ص) و دانشگاه شهید شرافت، مؤلف همکار در تألیف کتاب‌های درسی زیست‌شناسی ۱ و آزمایشگاه، زیست‌شناسی ۲ و آزمایشگاه، و زیست‌شناسی سال‌های دهم، یازدهم، دوازدهم و پیش‌دانشگاهی، و مؤلف و مترجم کتاب‌های فتوسنتز، مونوترپن‌ها، میکوریزا و بیولوژی سولومون. وی همکاری با «شورای عالی آموزش‌وپرورش» و همکاری با شبکهٔ رشد به‌عنوان کارشناس محتوایی نرم‌افزار در بخش زیست‌شناسی را نیز در کارنامهٔ علمی و فرهنگی خود دارد.

سیدعلی آل‌محمد (۱۳۵۰)، تهران

کارشناسی‌ارشد ژنتیک، مدیر علمی «نشر نوشتار» و عضو هیئت تحریریهٔ مجلهٔ «رشد آموزش زیست‌شناسی»، مؤلف کتاب‌های درسی زیست‌شناسی ۱، ۲ و ۳، زیست‌شناسی پیش‌دانشگاهی ۱ و ۲، زیست‌شناسی و آزمایشگاه ۱ و ۲، راهنمای معلم زیست‌شناسی ۱ و ۲ و زیست‌شناسی و آزمایشگاه، و کتاب‌های «می‌دانی چرا مارها پوست می‌اندازند» برای «انتشارات مدرسه»، «زیست‌شناسی با رویکرد مولکولی» و «ویروس‌ها» برای «انتشارات فاطمی»، تعدادی کتاب‌های آموزشی و مقاله‌های تحلیلی و پژوهشی در مجلات رشد و کتاب ماه علوم و فنون، و ویراستار ۹ عنوان از مجموعهٔ ۲۹ جلدی مفاهیم پایه در علوم‌تجربی، لوح فشردهٔ چندرسانه‌ای راهنمای معلم علوم‌تجربی، و لوح فشردهٔ چندرسانه‌ای زیست‌شناسی پیش‌دانشگاهی. وی هم‌چنین کارشناس گروه زیست‌شناسی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، عضو شورای تحریریهٔ «انتشارات فاطمی»، عضو هیئت تحریریهٔ مجلهٔ علمی «گنجینه»، مدرس دوره‌های ضمن‌خدمت فرهنگیان و داور دوره‌های هشتم و نهم جشنوارهٔ کتاب رشد بوده است.

اعظم غلامی (۱۳۵۱)، ازنا

دکترای فیزیولوژی جانوری، با ۲۵ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر دبیرستان، مدرس مراکز آموزش عالی دانشگاه فرهنگیان، همکار طرح اعتباربخشی کتاب‌های علوم تازه تألیف شده، و مؤلف کتاب راهنمای معلم آزمایشگاه علوم پایهٔ یازدهم و کتاب زیست‌شناسی پایهٔ دوازدهم. از دیگر خدمات اجرایی ایشان می‌توان به این موارد اشاره کرد: مدیر گروه زیست‌شناسی پردیس نسیبه تهران، هدایت پایان‌نامه‌های دانشجویان رشتهٔ علوم‌تجربی و زیست‌شناسی، و داوری مقالات کنگره‌های علمی. تألیف مقاله‌های علمی و تخصصی، از جمله «بررسی دخالت گیرنده‌های دوپامینرژیکی هیپوکامپی در کسب و بیان ترجیح مکان شرطی‌شدهٔ ناشی از مورفین در موش بزرگ آزمایشگاهی نر، پانزدهمین کنگره فیزیولوژی و فارماکولوژی (ISC)» از جمله سوابق علمی ـ پژوهشی اوست.

بیانیهٔ گروه داوری زیست‌شناسی

آموزش در کشور متأثر از برنامهٔ دولتی است. تغییر نظام آموزشی نیازهای جدیدی را باعث شده است. آموزش رسمی در راستای تحقق این هدف‌هاست و کتاب درسی که یکی از اجزای آن به‌شمار می‌آید، نمی‌تواند به تنهایی باعث تحقق همه هدف‌های آن شود. کتاب‌های آموزشی یکی از ابزارهای لازم برای رسیدن به این هدف‌هاست.

زیست‌شناسی در دنیای امروز رویکردی کل‌نگر و تلفیقی دارد و می‌کوشد ضمن پی‌بردن به رازهای آفرینش، در بهبود زندگی انسان نقش داشته باشد. تلفیق علم و زندگی یکی از هدف‌هایی است که برنامهٔ درسی دنبال می‌کند و نیازمند تهیهٔ منابع مفید است. جای خالی چنین منابعی در میان کتاب‌های جشنواره بسیار پررنگ است. بیش از نیمی از کتاب‌های رسیده در حوزهٔ کمک‌درسی و با نگاه آزمون‌محور تهیه شده‌اند. همچنین کتاب‌های ارسالی قریب به اتفاق دارای ظاهر و کیفیت چاپ مطلوب هستند.

تقریباً همه کتاب‌های کمک‌درسی با نگاه آزمون‌محور تولید شده‌اند و نیازهای برخاسته از برنامهٔ درسی را پاسخ نمی‌دهند. بنابراین آن گروه از کتاب‌هایی که در چنین راستایی نوشته شده‌اند، حتی اگر با توجه به هدف کنکور کتاب خوبی باشند، در حوزهٔ دانش‌افزایی مدنظر برنامهٔ درسی حرف چندانی برای گفتن ندارند. ضمن اینکه تعداد کتاب‌ها و ناشران مشارکت‌کننده بسیار کم است. کتاب‌هایی هم که در حوزهٔ دانش‌افزایی کارکرده‌اند، بیشتر در گروه فرهنگ‌نامه‌ها قرار گرفته‌اند، در حالی‌که باید در فرایند علم‌ورزی و تفکر علمی وارد شوند.

امید است به همت اهالی قلم و آموزش، برای تقویت سواد و تفکر علمی و مهارت حل مسائل علمی در کنار دانش پایه و به‌روز و پرهیز از سطحی‌نگری و آزمون‌محوری، کتاب‌های مناسبی برای دانش‌آموزان فراهم شوند تا پاسدار ارزش‌ها و تعالیم فرهنگ والای ایرانی اسلامی باشند.

گروه داوری شعر، خاطره و نثر ادبی

افسانه موسوی گرمارودی (۱۳۴۷)، تهران

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی با ۲۰ سال سابقهٔ تدریس در «دبیرستان فرزانگان تهران» و ۱۰ سال سابقهٔ سردبیری مجلهٔ رشد نوآموز، نگارندهٔ آثار متعددی نظیر: «سی حکایت از زندگی امام رضا(ع)» برای انتشـــارات مدرسه، «گاهی پر آب گاهی کم آب» برای انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، «آقای آدم آقای پلنگ» برای انتشـــارات امیرکبیر، و «بوی خوش گل محمدی»، و برندهٔ جوایزی چون جایزه کتاب سال جشنواره شهید غنی‌پور، جایزه و دیپلم افتخار و لوح زرین جشنواره مطبوعات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان و جایزه کتاب سال رضوی شده است.

سیدامیر سادات‌موسوی (۱۳۶۹)، ملایر

کارشناسی فیزیک و کارشناسی‌ارشد تاریخ علم، نویسندهٔ مجله‌های رشد جوان، نوجوان و نوآموز، مدرس مدارس سمپاد و غیردولتی، عضو شورای سردبیری مجلات رشد، سردبیر مجلهٔ رشد جوان، دارندهٔ مدال طلای جهانی المپیاد نجوم که آثارش در چند دوره در بخش شـــعر جشـــنوارهٔ طنز مکتوب برگزیده شده است. دبیری کمیتهٔ دانشجویی المپیاد جهانی نجوم سال ۱۳۸۸ و سردبیری مجلهٔ دال در سال ۱۳۹۰، از سوابق اجرایی ایشان به‌شمار می‌رود.

کبری بابایی (۱۳۶۱)، تهران

دانشجوی کارشناسی‌ارشـــد ادبیات کودک‌ونوجوان، کارشناس دفتر تألیف کتاب‌های درسی دورهٔ پیش‌دبســـتانی، مدرس تربیت‌مربی پیش‌دبســـتان، داور جشـــنوارهٔ گام اول خانه کتاب، برگزیدهٔ جشـــنواره‌های شعر فجر، پروین اعتصامی، و شـــعر کودک اصفهان، و برگزیدهٔ دو دوره کتاب سال ســـلام بچه‌ها، با بیش از ۶۰ عنوان کتاب در حوزهٔ ادبیات کودک و نوجوان. از مهم‌ترین ســـوابق اجرایی او می‌توان برگزاری سه دوره جشنوارهٔ فیلم کوتاه در مرکز شمارهٔ ۲۲ کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، و مسئولیت روابط عمومی کانون را نام برد.

بیانیهٔ گروه داوری شعر، خاطره و نثر ادبی

اهمیت و ارزش کتاب‌خوانی برکسی پوشیده نیست. در این میان، شعر و ادبیات یکی از بهترین ابزارهای ایجاد تخیل و تفکر برتر و تقویت خوانش و زبان‌آموزی در مخاطبان اســـت و می‌تواند به کســـب تجربه‌های تازه و بالا بردن سرانهٔ مطالعه در کشور منجر شود.

با وجود این و با توجه به شمار مخاطبانی که می‌باید در سطح کشور از ادبیات مناسب گروه سنی خود بهره‌مند شـــوند و کتاب‌های مورد نیازشان را در دسترس داشته باشـــند، انتظار می‌رفت کتاب‌های بیشتری به دست ما برسد. اما آمار پایین و حجم کم کتاب‌های رسیده به دبیرخانهٔ جشنواره، گویای اتفاقی دیگر بود.

داوران گروه شـــعر و نثر ادبی، از کسانی که آثارشان را به این جشنواره رساندند، تشکر می‌کند و امیدوارند در ســـال‌های آینده شاعران و ناشران بیشـــتری کتاب‌های خود را برای شرکت در این جشنواره ارسال کنند. البته بیان این نکته ضروری است که در سال‌های اخیر، انتشار کتاب‌های شعر و نثر ادبی به‌خصوص در بخش نوجوان با مشـــکلات عدیده‌ای روبه‌روست که بیان این مشکلات در این مقال نمی‌گنجد. از میان کتاب‌های راه‌یافته به مرحلهٔ دوم، تعداد بسیار زیادی از کتاب‌ها تجدید چاپ بودند و به همین دلیل از چرخهٔ داوری کنار رفتند. اگر چه تجدید چاپ کتاب‌های ارزشـــمند گذشته باعث مســـرت است، اما هدف جشنواره بررسی کتاب‌های تألیفی جدید است.

داوران این دورهٔ جشنواره، با در نظر گرفتن مواردی همچون سلامت و درستی زبان و کلام یا نثر روان، لحظات ناب شاعرانه، هماهنگی قالب و محتوا، بیشتر به تأثیرگذاری، دید تازه و محتوای اثر توجه داشتند.

در مجموع پس از بررســـی کتاب‌های منتشر شده در سال گذشته می‌توان گفت، کمرنگ شدن شاعرانگی در برخی آثار، ضعف تألیف، و نداشـــتن نگاه تازه از موارد قابل توجه و قابل ذکر در آثار رسیده بود. به همین سبب تلاش و نظر داوران در بازخوانی‌های متعدد کتاب‌ها به این موضوع معطوف بود که از میان کتاب‌های رســـیده، دقت نظر مؤلف و شـــاعر در انتخاب موضوع و مضمون تـــازه، و برتری محتوا و القای آن به مخاطب مورد توجه بیشتر قرار گیرد و آثار به جای القای تفکر فردی دربردارندهٔ نکات مشترک و ارزنده انسانی باشند.

بر این اســـاس کوشیدیم در کتابی که برگزیده و معرفی شده است، محتوای مناسب برای گروه سنی نوجوان، زبان ســـالم و شیرین و مخاطب‌پسند، دید تازهٔ شاعر به موضوع‌ها و از همه مهم‌تر، کمرنگ نشدن شاعرانگی در برابر بیان احساسات و عواطف شخصی هویدا باشد.

گروه داوری شیمی

نعمت‌الله ارشدی (۱۳۴۶)، شیراز

دکترای شیمی، عضو هیئت‌علمی گروه شیمی دانشگاه زنجان، سردبیر «رشد آموزش شیمی»، مدرس دانشگاه‌های فرهنگیان و تربیت دبیر شهید رجایی، و مؤلف کتاب شیمی سال اول متوسطه با عنوان «شیمی برای زندگی» که موفق به دریافت جایزهٔ ملی محیط‌زیست شده است. ایشان در تألیف بخش شیمی «فرهنگ بزرگ سخن» با دکتر حسین انوری همکاری داشته و به مدت ۱۵ سال کارشناس مسئول گروه شیمی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی بوده است.

محبوبه زین‌الدین بیدمشکی (۱۳۴۸)، تهران

کارشناسی‌ارشد آموزش شیمی با ۲۸ سال سابقهٔ تدریس شیمی در دبیرستان‌های منطقه‌های ۱۵ و ۱۳ تهران، و یکی از مؤلفان سناریوی آموزشی برای مجموعه فیلم‌های آموزشی (آموزش مفهومی شیمی ۳) و راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی شیمی. وی در سه دوره موفق به کسب رتبه‌های اول تا سوم جشنواره تولید محتوای آموزشی شیمی شده است. همکاری با گروه شیمی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و داوری پانزدهمین جشنوارهٔ کتاب رشد از دیگر سوابق اجرایی او محسوب می‌شوند.

کیوان قدامی (۱۳۴۹)، تهران

کارشناسی‌ارشد شیمی معدنی از دانشگاه علم و صنعت با ۲۳ سال سابقهٔ تدریس در مناطق گوناگون شهر تهران، و مجری پروژه‌های تحقیقاتی بهینه‌سازی آسفالت (آسفالت اصلاح‌شده کم‌صدا)، استخراج مواد مؤثر تخم‌شربتی، و استخراج سیتریک اسید از لیموترش. همچنین ویراستاری کتاب‌های کمک‌درسی انتشارات «گاج» و «ساد» و همکاری در پروژه‌های دانشگاه علم و صنعت را در کارنامهٔ علمی و پژوهشی خود دارد.

بیانیهٔ گروه داوری شیمی

هیئت‌داوران ضمن ابراز خرسندی از برگزاری جشنوارهٔ کتاب رشد و قدردانی از عزم راسخ دست‌اندرکاران برای ادامهٔ این فعالیت ارزشمند و تأثیرگذار، لازم می‌داند که در زمینهٔ کتاب‌های آموزشی حاضر در جشنواره به موارد زیر اشاره کند:

● همهٔ کتاب‌های رسیده به مرحلهٔ نهایی جشنواره، از کم و کیف مطلوب و قابل قبولی برخوردار نبودند و برخی نیز از جمله کتاب‌هایی بودند که تا چندی پیش کارشناسان هم از بررسی آن‌ها پرهیز می‌کردند.

● در مقایسه با گذشته به نظر می‌رسد که گسترهٔ دید نویسندگان و ناشرانی که حوزهٔ آموزش را برای فعالیت‌های خود برگزیده‌اند، بسیار محدود شده است. اگرچه میزان فروش کتاب برای ادامهٔ کار ناشران بسیار ضروری است و درعین‌حال نمی‌توان نیاز دانش‌آموزان را به برخی از کتاب‌های بازارمحور نیز به‌طور مطلق نادیده گرفت، ولی صرف توجه به ضمانت فروش و تولید کتاب‌هایی عامه‌پسند، رویکرد مناسبی به‌ویژه در حوزهٔ آموزش نیست.

● حقوق معنوی نویسندگان منابعی که از آن‌ها برای نوشتن کتاب استفاده شده، غالباً رعایت نشده است. به‌عبارت دیگر، تألیف کتاب بدون بهره‌گیری از هیچ منبع علمی یا بدون استناد به منابعی که از آن‌ها بهره گرفته‌اند، صورت پذیرفته است؛ رویکرد ناخوشایندی که شایسته نیست از سکویی به نام جشنواره به گسترش آن دامن زد.

● در طراحی ساختار و محتوای کتاب‌ها نوآوری دیده نمی‌شود و بیشتر از قالب‌های تکراری و به نسبت موفق گذشته استفاده شده است.

● لازم است ناشران و نویسندگان کتاب‌ها به نقش چشم‌گیری که فناوری اطلاعات و ارتباطات در زندگی و عادت‌های روزمرهٔ نوجوانان و جوانان ایفا می‌کند و تأثیر غیرقابل‌انکاری که در فرایند یاددهی یادگیری و به‌ویژه انتخاب و سازمان‌دهی محتوای یک کتاب آموزشی دارد، توجه بیشتری کنند.

● باید از نگاه یک‌بعدی به نیازهای مخاطبان و بی‌توجهی به انواع سواد و مهارت‌هایی که شهروندان جامعهٔ امروز ایران باید در قرن بیست‌ویکم به آن‌ها مجهز باشند، پرهیز کرد؛ بخشی از بار آموزش‌هایی را که گنجاندن آن‌ها در کتاب‌های درسی به دلیل محدودیت‌های گوناگون امکان‌پذیر نیست، کتاب‌های آموزشی می‌توانند به دوش بکشند.

از این‌رو، هیئت‌داوران ضمن ابراز دوباره نگرانی و نارضایتی از کم و کیف تولید کتاب‌های علمی آموزشی اعلام می‌کند که از میان ۹ کتاب رسیده به مرحلهٔ نهایی جشنواره، به اتفاق آرا هیچ‌یک از کتاب‌های یادشده را شایسته انتخاب به‌عنوان کتاب برگزیده یا کتاب تقدیری نمی‌داند.

در مجموع این جشنواره نشان داد که در تولید کتاب‌های علمی آموزشی نه‌تنها پیشرفتی نکرده‌ایم، بلکه پسرفت داشته‌ایم. هیئت‌داوران امید دارد که نویسندگان و ناشران محترم بیشتر به نشر کتاب‌هایی همت گمارند که یاریگر تحقق هدف‌های برنامه‌های درسی باشند، دانش‌آموزان را به کاوشگری و آموختن برای زندگی بهتر تشویق کنند، یا دست‌کم باری بر دوش نظام آموزشی کشور نگذارند.

گروه داوری علوم تجربی

بهداد اصفهانی (۱۳۴۹)، تهران

کارشناسی علوم تجربی و کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی درسی با ۲۵ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر دورهٔ اول متوسطهٔ شهر تهران، همکار دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، سرگروه علوم تجربی شهر تهران، مسئول دبیرخانهٔ علوم تجربی شهر تهران، مسئول گروه درس‌پژوهی شهر تهران، کارشناس مسئول آموزش متوسطهٔ دورهٔ اول منطقه‌های ۱۹ و ۲ تهران، معاون آموزش متوسطهٔ منطقهٔ ۲، و داور جشنوارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد. وی مؤلف مجموعه کتاب‌های «آشتی با علوم» و طراح طرح نوین «ارزشیابی علوم تجربی» است.

فائزه فاضلی (۱۳۴۱)، تهران

دانش‌آموختهٔ فیزیولوژی گیاهی در دورهٔ دکترا، مدرس دبیرستان، مراکز تربیت‌معلم شهر تهران، دانشگاه فرهنگیان و دانشگاه شهید رجایی، مدیر گروه محیط‌زیست و معاون دانشکدهٔ آموزشی و پژوهشی دانشکده مهندسی مواد و فناوری‌های نوین دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، عضو گروه تألیف و شورای برنامه‌ریزی گروه زیست‌شناسی، محیط‌زیست و علوم تجربی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، و مؤلف کتاب‌های علوم تجربی، کتاب کار و راهنمای معلم سوم تا ششم ابتدایی، «روش تحقیق در علوم تجربی» و «روش آماری در علوم تجربی» انتشارات دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.

مرجان کلهر (۱۳۵۷)، تهران

کارشناسی دبیری علوم تجربی و کارشناسی‌ارشد مدیریت (گرایش تحول سازمانی)، با ۲۲ سال سابقهٔ تدریس در مدارس نمونهٔ دولتی، تیزهوشان، غیردولتی و فرزانگان، و معاون پژوهشی و آموزشی مدارس، مؤلف ۲ مقاله علمی‌ـپژوهشی، کتاب «اثر هوش هیجانی بر موفقیت و کارایی»، و بیش از ۱۵ کتاب آموزشی دیگر، مدرس سی‌دی آموزشی فیزیک، شیمی و زیست‌شناسی به مدت ۵ سال، عضو انجمن علمی رفتار سازمانی ایران، و ناظر علمی کتاب‌های تیزهوشان.

بیانیهٔ گروه داوری علوم تجربی

«انجام کار سخت زمان می‌برد، انجام کار غیرممکن کمی بیشتر زمان می‌برد.»

نانسن- کاشف نروژی

ما باور داریم که برای رسیدن به حداکثر استانداردهای کیفی در حوزهٔ نشر هیچ غیرممکنی وجود ندارد. در این فرایند ناشران نقش فعالی در غنابخشی به کتاب‌های علمی- آموزشی برعهده دارند که هدف آن‌ها ایجاد نگرش‌ها، شایستگی‌های پایه و مهارت‌های مدنظر در حوزهٔ تربیت و یادگیری علوم تجربی است.

گروه داوران حوزهٔ علوم تجربی، ضمن احترام به تلاش‌های فراوان ناشران، از میان ۳۳ عنوان کتاب راه‌یافته به مرحلهٔ نهایی، هیچ کدام را شایستهٔ دریافت عنوان برگزیده تشخیص نداد و در این مرحله از جشنواره، چهار عنوان کتاب را به‌عنوان نامزد معرفی و از میان آن‌ها یک کتاب را به‌عنوان کتاب شایستهٔ تقدیر معرفی کرد.

برخی نقاط قوت کتاب‌ها

- هماهنگی محتوا با عنوان و موضوع؛
- رعایت تنوع هنری در استفاده از عکس و تصویر؛
- پیوستگی و انسجام موضوعی در فصل‌ها؛
- ایجاد انگیزه در مخاطب برای تشویق و تحریک به افزایش دانش؛
- توجه به مسائل زیست‌محیطی و استفاده از کاغذهای بازیافتی.

برخی نقاط ضعف کتاب‌ها

- نداشتن توجه کافی به ضرورت برخورداری از منابع و مآخذ؛
- کم‌توجهی به مسائل اجتماعی، اخلاقی، فرهنگی و بومی‌سازی؛
- بی‌توجهی به ارائهٔ فعالیت‌های فکری و عملی که پایهٔ رشد تفکر علمی در مخاطب به حساب می‌آیند؛
- نداشتن ویراستار علمی و حتی ویراستار ادبی و اشتباه در برگردان دقیق واژه‌ها و اصطلاحات علمی؛
- کمبود آثار تألیفی در مقابل ترجمه‌ای.

با توجه به آنکه الگوهای رفتاری در هر گوشهٔ جهان با فرهنگ و مقتضیات محیطی و ویژگی‌های زمانی و مکانی آمیخته‌اند، پیشنهاد می‌کنیم در زمینهٔ تألیف کتاب‌های علمی، نیازسنجی مناسبی از خوانندگان صورت گیرد. این مهم فقط با حضور بین مخاطبان و آموزش‌دهندگان آن‌ها (معلمان و مربیان) میسر خواهد بود. بنابراین بهترین راه، تشکیل جلسه و ارتباط مؤثر بین ناشران، معلمان، گروه‌های آموزشی و مؤلفان خواهد بود. «به امید آن روز».

گروه داوری علوم تربیتی و مدیریت خانواده

محمدرضا حشمتی (۱۳۴۴)، تهران

کارشناسی‌ارشد آموزش‌وپرورش تطبیقی، دبیر درس تفکر و سبک زندگی، سردبیر مجلهٔ «رشد معلم»، و یکی از اعضای تیم نویسندگان کتاب «فرهنگ‌نامهٔ مشاغل» که در سال ۱۳۹۲ عنوان کتاب برگزیدهٔ جمهوری اسلامی ایران را به دست آورد. وی داوری چندین دورهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد را در کارنامهٔ اجرایی خود دارد.

فرحناز نژادی پیله‌ور (۱۳۵۰)، اردبیل

کارشناسی روان‌شناسی بالینی وکارشناسی‌ارشد روان‌شناسی تربیتی، مجری کارگاه‌های آموزشی و مهارت‌های زندگی در مدارس، ارزیاب کتاب‌های حوزهٔ علوم تربیتی و مدیریت خانواده، مدرس دانشگاه جامع علمی ـ کاربردی، مربی آموزش هنر درمانی، و کارشناس مسئول مراکز مشاورهٔ دولتی استان تهران و صدای مشاوره (۱۴۸) در دفتر معاونت پیشگیری سازمان بهزیستی. وی همچنین دارای مقالاتی در زمینهٔ هنر درمانی است و با ماهنامهٔ «کودک سالم» و برخی نشریات علمی ـ تخصصی همکاری دارد.

لیلی محمدحسین (۱۳۴۲)، تهران

کارشناسی‌ارشد زبان و ادبیات انگلیسی و معاون منابع انسانی «مؤسسهٔ منظومهٔ خرد» با ۲۷ سال سابقهٔ آموزش زبان انگلیسی، و طراحی و اجرای کارگاه‌های آموزشی برای معلمان، مدیران و کارشناسان آموزش‌وپرورش. در «برنامهٔ آموزشی تضمین کیفیت در مدارس اسکاتلند» و نیز «برنامهٔ آموزشی ستاد فرهنگی ژاپن برای مدیران و معلمان دورهٔ متوسطه» شرکت داشته و عضو شورای برنامه‌ریزی مجلهٔ «رشد آموزش راهنمایی» بوده است. از جمله آثار وی می‌توان «مغز و آموزش»، «بینایی سیستمی»، «بهبود مستمر در کلاس درس»، «یادگیری از طریق هم‌یاری»، «تفکر خلاق»، «حل مسئله» و نیز ترجمهٔ کتاب «خلق محیط یادگیرنده در کلاس، مدرسه و جامعه» را نام برد.

بیانیهٔ گروه داوری علوم تربیتی و مدیریت خانواده

یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های امروز بشـــر «تربیت» است. صاحب‌نظران علوم‌تربیتی تلاش می‌کنند با استفاده از دانش، روش و تجربه‌های زیســـته، زمینه‌هایی را ایجاد کنند که جنبه‌های متفاوت رشد انسان برای «شدن» مطلوب محقق شود. علوم‌تربیتی رشته‌ای است پویا که باید بتواند با توجه به مقتضیات زمان و مکان پاسخ‌گوی نیازهای انسان باشد. بر این اساس تلاش هیئت داوران گروه علوم‌تربیتی و مدیریت خانواده، شناسایی و معرفی کتاب‌هایی بوده است که بتوانند راهنمای گروه مخاطبان (معلمان، مدیران و اولیا) باشند.

در این دوره، از ۷۳ کتاب رســـیده به دبیرخانه، پس از بررســـی و مطالعهٔ اولیه، ۳۰ عنوان کتاب برای مطالعهٔ عمیق و دقیق انتخاب شدند. متأسفانه در کتاب‌های راه‌یافته به جشنواره، آگاهی نداشتن مؤلفان محترم از اسناد بالادستی کاملاً مشهود است. همچنین تأکید می‌کنیم که روال ارزیابی‌های اولیهٔ کتاب‌ها در دبیرخانهٔ جشنواره به بازبینی دقیق نیاز دارد. علی‌رغم تأکید جشنواره بر چگونگی تألیف کتاب یا ترجمه، شاهد کتاب‌هایی هستیم که منابع و مآخذ مشخصی ندارند و حتی فاقد مقدمه هستند.

نکتهٔ دیگر فراوانی کتاب‌های ترجمه شـــده انواع اشـــکال‌های تایپی و محتوایی است. متأسفانه چاپ کتاب به هر قیمت و شـــمارگان، بدون رعایت ساختار مشـــخص و صرفاً براساس انجام یک پایان‌نامه یا فعالیت پژوهشی دانشجویی، در این حوزه بسیار متداول است. شتاب‌زدگی بعضی از مؤلفان در تنظیم کتاب، و نام تألیف گذاشتن بر کتاب‌هایی که گردآوری بدون ســـاختار محسوب می‌شوند، از دیگر عیب‌های برخی کتاب‌هاست. شایان ذکر است، تلفیق دو گروه علوم‌تربیتی و مدیریت خانواده در این گروه داوری کار را برای هیئت‌داوران سنگین کرده اســـت. به این دلیل که حوزه‌های فوق قابل تلفیق نیستند. بنابراین سعی شد از کتاب‌های هر دو حوزه براساس امتیازهای کسب‌شده، کتاب‌هایی در گروه تقدیری قرار گیرند.

گروه داوری علوم و مطالعات اجتماعی

حوری قاهری (۱۳۵۱)، ساوه

کارشناسی‌ارشد ژئومورفولوژی با ۲۵ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان سرگروه جغرافیای شهر تهران، عضو شورای برنامه‌ریزی گروه جغرافیای دفتر تألیف، عضو هیئت‌تحریریهٔ مجلهٔ «رشد جغرافیا»، مدرس دوره‌های تأمین مدرس و تدریس در مدارس ایرانی کشور قطر. از جملهٔ آثار او می‌توان به مقالهٔ «بررسی پتانسیل‌های لرزه‌خیزی در تهران»، جزوهٔ آموزشی «جغرافیای قطر» (برای استفادهٔ دانش‌آموزان ایرانی ساکن قطر) و «راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی مطالعات اجتماعی» اشاره کرد.

فریبرز بیات (۱۳۴۲)، تویسرکان

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی، از جمله سوابق خدمت وی در آموزش‌وپرورش، دبیر مرکز مطالعات راهبردی دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی، و سردبیر «سال‌نامهٔ رشد» و نیز فصل‌نامهٔ «رشد آموزش علوم اجتماعی» است. وی عضو تیم تدوین «پرسش‌نامهٔ پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان در سال‌های ۱۳۷۹ و ۱۳۸۲ در تهران» و مجری آن، و مجری طرح‌های تحقیقاتی و «بررسی رابطهٔ عام‌گرایی و اخلاق در قرآن» «بررسی بحران اخلاقی» (پژوهشی بین شهروندان تهرانی)، و «اخلاق رسانه‌ای و تغییر ارزش‌ها بین شهروندان تهرانی» بوده است. از جمله سوابق اجرایی ایشان می‌توان به دبیری گروه اجتماعی مدرسهٔ همشهری، دبیری گروه اجتماعی روزنامهٔ همشهری، معاونت پژوهشی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیر سایت آموزش و پژوهش مدرسهٔ همشهری و سردبیری فصل‌نامهٔ «رسانه» اشاره کرد.

محسن صحرایی (۱۳۴۸)، شمیران

کارشناسی‌ارشد روان‌شناسی تربیتی، با ۲۰ سال سابقهٔ تدریس در دورهٔ دوم متوسطه. وی مدرس رسمی آموزش خانواده، عضو گروه‌های آموزشی مطالعات اجتماعی و ارزیاب محصولات آموزشی دفتر سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی نیز بوده است.

بیانیهٔ گروه داوری علوم و مطالعات اجتماعی

گروه داوری مطالعات اجتماعی سپاس ویژهٔ خود را از توجه «دفتر انتشارات و تکنولوژی آموزشی» به نقش کتاب‌های کمک‌آموزشی و کمک‌درسی در دستیابی آسان‌تر، عمیق‌تر و لذت‌بخش‌تر دانش‌آموزان و معلمان به هدف‌های برنامهٔ درسی ملی در حوزهٔ مطالعات اجتماعی اعلام می‌کند. وسیع بودن مفاهیم و موضوع‌های حوزهٔ مطالعات اجتماعی (تاریخ، جغرافیا، علوم اجتماعی، اقتصاد و...) از یک‌سو، و محدود بودن ساعت اختصاص داده شده در مدرسه‌ها به این عنوان‌ها، از سوی دیگر، سبب می‌شود منابع آموزشی غیردرسی در این حوزه اهمیت ویژه‌ای داشته باشد.

از ۲۳ عنوان کتاب درجهٔ ۱ دریافت شده، ۱۳ عنوان فقط به یک موضوع پرداخته‌اند. کتاب‌هایی که مخاطب آن‌ها معلمان بوده‌اند از کیفیت محتوایی مناسب‌تری برخوردارند. همچنین به موضوع‌های، روز مانند بحران آب، محیط‌زیست و حقوق شهروندی نیز توجه مناسبی صورت گرفته است.

از نقاط ضعف کتاب‌های این دوره می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- کتاب‌ها از تنوع بسیار کمی در مفاهیم و موضوع‌های حوزهٔ مطالعات اجتماعی برخوردارند.
- شیوهٔ ارائه محتوا در اغلب کتاب‌های دریافتی یکسان و یکنواخت است که با توجه به ویژگی‌های سنی مخاطبان، تمایلی به مطالعه در آن‌ها ایجاد نمی‌کند.
- عنوان‌ها و محتوای کتاب‌ها با یافته‌های جدید علمی و شیوه‌های جدید آموزش تناسب کمی دارند.
- در حوزهٔ تاریخ و جغرافیا عنوان‌ها بسیار کم و دارای محتوای تکراری هستند.

پیشنهادها

- تولید کتاب‌های دانش‌افزایی در راستای هدف‌های کتاب‌های درسی، کاوشگری و آموزش مهارت‌های جغرافیایی در دستور کار مؤلفان و ناشران محترم قرار گیرد.
- به تألیف کتاب‌هایی که مخاطب آن‌ها معلم است، اهتمام جدی‌تری صورت پذیرد.
- با توجه به گستردگی این حوزه و جذاب بودن مفاهیم آن برای مخاطبان، نیازها و علاقه‌های مخاطبان بررسی و فهرست‌بندی شود.
- در تألیف کتاب‌ها، شیوه‌های جدید آموزشی و پژوهشی در سطح جهانی مورد توجه قرار گیرند.

گروه داوری فرهنگ و هنر

علاءالدین کیا (۱۳۴۲)، نوشهر

کارشناسی پژوهش علوم اجتماعی وکارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی که دبیری دبیرستان‌ها و مراکز آموزش ضمن خدمت، همکاری با دفتر وزارتی حوزهٔ ستادی، رئیس گروه آموزش‌وپرورش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت پژوهشگاه مطالعات آموزش‌وپرورش و مدیریت کل فرهنگی دانشگاه فرهنگیان از جمله سوابق ایشان در آموزش‌وپرورش است. وی دارای مدرک خوش‌نویسی با درجهٔ ممتاز از «انجمن خوش‌نویسان ایران» است، بیش از ۳۰ پژوهش در حوزه‌های تعلیم‌وتربیت و امور فرهنگی و هنری انجام داده و راهنمای بیش از ۱۰۰ پایان‌نامه و پروژهٔ تحصیلی دانشجویی بوده است. همچنین، عضو گروه پژوهش هنر «پژوهشکدهٔ برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی»، عضو کمیتهٔ داوری «اقدام‌پژوهی‌های برتر معلمان»، عضو هیئت‌تحریریهٔ مجلهٔ «رشد آموزش هنر» و مدیر اجرایی جشنوارهٔ فرهنگی و هنری دانشجو ـ معلمان کشور بوده است.

مرضیه پناهیان‌پور (۱۳۴۸)، تهران

کارشناسی هنرهای تجسمی با ۲۳ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر هنر مدارس، عضو گروه‌های آموزشی، سرگروه هنر گروه‌های آموزشی استان تهران، همکار دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، و عضو شورای برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی فرهنگ و هنر. تاکنون مقالات متعددی نیز به چاپ رسانده که از جملهٔ آن‌هاست: «به‌کارگیری و تلفیق ریاضی و هنر در آموزش فراکتال‌ها در کلاس درس».

کاوه تیموری (۱۳۴۴)، تهران

کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی و دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی که از جمله سوابق خدمت او در آموزش‌وپرورش می‌توان به این موارد اشاره کرد: سردبیر مجلهٔ «رشد آموزش هنر»؛ سرگروه هنر در دانشگاه تربیت‌معلم هنر؛ تدریس در مراکز تربیت‌معلم؛ مشاور قائم‌مقام وزیر در انجمن اولیا و مربیان. نگارش ۹ عنوان کتاب هنری و دو عنوان کتاب در حوزهٔ علوم اجتماعی، انجام دو طرح پژوهشی در فرهنگستان هنر و ادارهٔ کل آموزش‌وپرورش شهر تهران، و ۱۲۰ عنوان مقاله، یادداشت و مصاحبه آثار او هستند.

بیانیهٔ گروه داوری فرهنگ و هنر

نکاتی دربارهٔ کتاب‌های آموزشی و تربیتی در حوزهٔ فرهنگ و هنر

● رویکرد تولید منابع، در مورد کتاب‌های فرهنگ و هنر، در اکثریت مطلق موارد، استفاده از ترجمه است. در حقیقت، نگاه به تولید بومی در حوزهٔ فرهنگ و هنر، به‌عنوان حاشیه نسبت به متن است. این نقصان در یکی دو سال آینده می‌تواند به فراگیری غیرقابل کنترلی بینجامد. بنابراین شایسته است با برگزاری جلسات توجیهی برای ناشران این حوزه، در این زمینه اهتمام جدی به عمل آید.

● تفکیک رده‌های سنی و در نظر داشتن نسبت مخاطبان با نیازهای هنری، از کاستی‌هایی است که در کتاب‌های حوزهٔ فرهنگ و هنر قابل ملاحظه و مشاهده است. شایسته است ناشران محترم از کارشناسان و مشاوران تربیتی در این بخش بهره بگیرند و تولیدات خود را براساس نیازهای مخاطبان تنظیم و منتشر کنند.

● در مواردی، گرافیک و صفحه‌آرایی و همچنین رنگ‌پردازی کتاب‌ها، با فضای شاد هنری در تناقض و تضاد است. تنظیم مبانی زیباشناختی و بصری تولیدات هنری براساس علاقه‌ها و سلیقه‌های مخاطبان، نسبت به نظر گرافیست این آثار رجحان دارد. بنابراین براساس تجربه و دانش شناخت مخاطب، در این مورد اهتمام لازم ضروری است.

● مباحث متنوع مطرح شده در کتاب‌های هنر پایه‌های هفتم، هشتم، نهم و کتاب‌های اختیاری هنر در پایه‌های دهم و یازدهم فرصتی بسیار مطلوب را برای تولیدکنندگان کتاب‌های هنری فراهم آورده‌اند. این تولیدکنندگان و ناشران می‌توانند بر اساس سرفصل‌های هنری و رشته‌های مندرج در این کتاب‌ها به سفارش برای تولید مباحث و مطالب آموزشی اهتمام کنند. طبعاً حرکت براساس نیاز دانش‌آموزان، به خرید آثار بهتر و مطلوب‌تر توسط آن‌ها منجر خواهد شد.

● در نظر داشتن این نکته ضروری است که در کتاب‌های فرهنگ و هنر، جای آثار ارزنده و فاخر در مورد موسیقی و نمایش خالی است.

گروه داوری فیزیک

دکتر منیژه رهبر (۱۳۲۴)، تهران

دکترای مهندسی هسته‌ای و همکار دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی به عنوان داور، مشاور و عضو هیئت‌تحریریه و سردبیر مجلهٔ «رشد آموزش فیزیک». از جمله سوابق اجرایی ایشان می‌توان به معاون آموزشی دانشگاه تهران، مسئول تحصیلات تکمیلی دانشکده فیزیک دانشگاه تهران، عضو و نایب‌رئیس هیئت‌رئیسهٔ انجمن فیزیک ایران و مسئول گروه فیزیک مرکز نشر دانشگاهی اشاره کرد. وی تدریس در دانشگاه‌های تهران و الزهرا، پژوهش در زمینهٔ فیزیک هسته‌ای و محاسبات راکتورهای هسته‌ای، ترجمهٔ کتاب‌های «فیزیک جدید» و «فیزیک مفهومی» (کتاب سال برگزیدهٔ جمهوری اسلامی)، کتاب «آشنایی با کیهان‌شناسی» (کتاب فصل برگزیدهٔ جمهوری اسلامی) و کتاب «فیزیک هسته‌ای» (کتاب برگزیده سال دانشگاه تهران) را در کارنامهٔ علمی و تحقیقاتی خود دارد.

سید هدایت سجادی (۱۳۵۶)، پاوه

دکترای فلسفهٔ علم و فناوری (فلسفهٔ فیزیک) با ۲۱ سال سابقهٔ خدمت به‌عنوان دبیر فیزیک، استاد دانشگاه‌های تربیت‌دبیر شهیدرجایی، فرهنگیان و صنعتی شریف، و عضو شورای برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی فیزیک. وی با مجله‌های «رشد آموزش فیزیک» و «رشد جوانه» همکاری دارد، مترجم کتاب «فلسفهٔ علم» است، و از پدیدآورندگان «راهنمای تولید کتاب‌های آموزشی فیزیک» به سفارش «دفتر سامان‌دهی منابع آموزشی» بوده است.

سمیرا بهرامی (۱۳۶۰)، خرم‌آباد

دانش‌آموختهٔ دکترای فیزیک و عضو هیئت‌علمی با مرتبهٔ استادیاری در دانشگاه فرهنگیان که به مدت ۱۰ سال در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر و مدیر پژوهش‌سرای دانش‌آموزی خدمت کرده است. ۹ مقالهٔ تخصصی ـ علمی، یک کتاب تألیفی و سه کتاب ترجمه‌ای دارد و داوری جشنواره‌هایی مانند جشنوارهٔ خوارزمی و جشنوارهٔ تحقیق و پژوهش وزارت آموزش‌وپرورش را بر عهده داشته است. مدیرگروه فیزیک پردیس شهید چمران تهران، دبیر علمی، داور و عضو کمیته علمی کنفرانس آموزش فیزیک در سه دوره، عضو کمیتهٔ علمی اولین همایش منطقه‌ای علوم پایه و فناوری دانشگاه فرهنگیان، و عضو هیئت‌تحریریهٔ فصلنامهٔ پویش در آموزش علوم پایه، از سوابق اجرایی وی است.

بیانیهٔ گروه داوری فیزیک

با توجه به اینکه هدف از برگزاری جشنوارهٔ کتاب رشد شناسایی و معرفی کتاب‌های آموزشی و تربیتی مناسب برای دســـتیابی به هدف‌های برنامهٔ درســـی ملی است، و بدون شـــک مهم‌ترین هدف هر نظام آموزشی تربیت افرادی است که مهارت و شایستگی‌های لازم را برای زندگی موفقیت‌آمیز در جهان پیچیدهٔ کنونی داشته باشند، کتاب‌های دانش‌افزایی باید به‌گونه‌ای تدوین شـــوند که ضمن دارا بودن جذابیت لازم برای تشـــویق خواننده به مطالعه، گام‌های مؤثری در این جهت بردارند.

امروز جامعهٔ ما ضمن برخورداری از امکانات مناســـب کافی برای پیشرفت و به‌دست آموردن جایگاه شایستهٔ خود در جهان، با چالش‌های فراوانی نیز روبه‌روست. کتاب‌هایی که برای رسیدن به هدف‌های پیشرفت و توسعهٔ پایدار جامعه تدوین می‌شـــوند، باید این نکات را در نظر بگیرند. آن‌ها در مســـائلی که مطرح می‌کنند، باید نگاه دقیقی به آنچه در دنیای واقعی می‌گذرد، داشـــته باشـــند. متأسفانه هنوز در بسیاری از کتاب‌های ما مسائل به صورت انتزاعی مطرح می‌شوند و دانش‌آموز کمتر می‌تواند بین آنچه که در کتاب می‌خواند و آنچه که در زندگی واقعی با آن روبه‌رو می‌شود، ارتباط لازم را برقرار کند. بنابراین مشاهده می‌شود در حالی‌که شاگرد صدها مسئله را در مدرسه حل کرده است، از حل ساده‌ترین مسئله در زندگی واقعی عاجز است.

بنابراین پیشـــنهاد می‌شود، افراد در تنظیم کتاب‌ها مســـائل دنیای واقعی را در نظر داشته باشند. نویسندگان کتاب، چه آن‌هایی که کتاب را تألیف می‌کنند و چه کســـانی که به ترجمهٔ کتاب‌های خارجی می‌پردازند، باید به موضوع اشـــراف کامل داشته باشـــند تا موضوع برای آن‌ها کاملاً روشن باشد و بتوانند آن را به‌صورت ساده و قابل فهم به خواننده منتقل کنند. همین‌طور اســـت استفاده از زبان فارسی روان، که خوش‌بختانه با تلاش‌هایی که اخیراً صورت گرفته، معادل‌ســـازی فارسی برای بسیاری واژه‌های علمی در دسترس است و می‌توان از آن‌ها استفاده کرد.

گروه داوری قرآن

سیدجواد بهشتی (۱۳۳۳)، کاشان

دارای تحصیلات حوزوی خارج فقه، معاون آموزشی نهضت سوادآموزی در دهۀ ۱۳۷۰، مشاور وزیر در امر نماز در دهۀ ۱۳۸۰، مدیرکل قرآن و عترت وزارت آموزش‌وپرورش، و داور جشنوارۀ کتاب رشد. تاکنون حدود ۲۰ عنوان کتاب و مقاله به چاپ رسانده و در تولید «فرهنگ‌نامۀ قرآن» و «فرهنگ‌نامۀ صحیفه» مشارکت کرده است.

مسعود تهرانی فرجاد (۱۳۴۹)، تهران

کارشناسی‌ارشد علوم ارتباطات اجتماعی، عضو شورای برنامه‌ریزی آموزشی مراکز دارالقرآن شهر تهران و عضو شورای برنامه‌ریزی گروه درسی قرآن سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی. وی همچنین مدرس کارگاه‌های تبیین انس با قرآن ویژۀ مربیان و کودکان، مشاور تربیتی و مدیر مراکز دارالقرآن و عضو شورای سردبیری مجلۀ «رشد آموزش پیش‌دبستانی» بوده است.

تألیف «راهنمای برنامۀ انس با قرآن کریم ویژۀ مربیان و تولیدکنندگان محتوا، اجرای پژوهشی دربارۀ آیات قرآن کریم از منظر ارتباطات اجتماعی، و نگارش بیش از ۲۰ مقاله در حوزۀ انس با قرآن و تربیت قرآنی، جزو سوابق علمی و پژوهشی او هستند.

سیدمحمد مهاجرانی (۱۳۸۴)، اراک

دارای تحصیلات حوزوی، کارشناسی فلسفه و مبلغ مذهبی که تاکنون بیش از ۱۰۰ اثر در حوزۀ ادبیات کودکان نوشته است. از آثار مهم وی می‌توان به مجموعۀ ۱۴ جلدی «پیامبر عزیز ما»، مجموعۀ ۱۵ جلدی «بهترین مادران» و کتاب «گل‌های باغ آسمان» (ویژۀ احکام کودکان)، اشاره کرد. انجام فعالیت‌های قرآن‌پژوهی، پژوهش در مورد نحوۀ انتقال مفاهیم دینی به کودکان، و پژوهش در مورد سیرۀ پیامبر گرامی اسلام و اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، تدریس عقاید و احکام در حوزۀ علمیۀ طلاب ایرانی و تدریس منطق در مدارس علمیۀ طلاب خارجی را نیز در کارنامۀ خود دارد.

بیانیهٔ گروه داوری قرآن

«انّ هذا القران یهدی للتی هی اقوم».

● با توجه به اینکه هدف از برگزاری این جشنواره ارتقای مهارت‌های فرهنگیان و دانش‌آموزان است، ضرورت دارد کتاب‌هایی در مراحل اولیه انتخاب شوند که مناسب و کاربردی باشند. در حالی‌که برخی از کتاب‌های ارائه شده این ویژگی را ندارند.

● با عنایت به حساسیت بالای تألیف‌های قرآنی، مؤلف باید از اعمال سلیقهٔ شخصی و ذوقی پرهیز کند. در برخی از کتاب‌ها این اعمال سلیقه‌ها مشاهده می‌شود.

● بنابر رسالت تربیتی قرآن کریم، ضروری است کتاب‌های آموزش قرآن نیز از جامعیت در آموزش (روخوانی، درک معنا، تفکر در آیات و نکات تربیتی) برخوردار باشند. در آثار ارائه شده به جامعیت آموزش توجه نشده است.

● در برخی از کتاب‌ها رده سنی مخاطب مشخص نشده است.

● در اغلب آثار ابتکار و نوآوری دیده نمی‌شود.

● دربارهٔ نقاط قوت این کتاب‌ها می‌توان گفت که برخی از آن‌ها از نظر قطع، رنگ‌آمیزی و تصویرگری مناسب هستند. همچنین سادگی و روان بودن در بعضی از کتاب‌ها دیده می‌شود.

پیشنهاد مهم گروه داوری این است که با توجه به اهمیت بهره‌مندی از قرآن کریم، ضروری است دبیرخانه از طریق ارتباط فعال با وزارت ارشاد و ناشران معتبر، بکوشد کتاب‌های بیشتری را شناسایی و به جشنواره ارائه دهد.

گروه داوری کار و فناوری

مژگان مولایی‌راد (۱۳۵۱)، تهران

کارشناسی حرفه‌وفن با ۲۶ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر مدارس دورهٔ اول متوسطه شهر تهران، عضو و سرگروه گروه‌های آموزشی وزارتخانه، و مدرس دوره‌های ضمن‌خدمت. تألیف بیش از ۳۰ جلد کتاب کمک‌آموزشی درس‌های کار و فناوری، حرفه‌وفن و آمادگی دفاعی، داوری جشنواره‌های کتاب رشد، معلم پژوهنده، نوجوان خوارزمی، و جشنوارهٔ ملی تولید محتوای الکترونیک سوده، ویراستاری انتشارات ورای دانش و رزمندگان اسلام، و همکاری با «پژوهشکدهٔ مطالعات آموزش‌وپرورش» در ارزیابی کتاب‌های کار و فناوری و راهنمای معلم، و تدوین و اجرای طرح پژوهشی «رویکرد برنامهٔ درسی مبتنی بر مدرسه»، از جمله سوابق علمی- پژوهشی اوست.

ناهید حسینعلی‌زاده (۱۳۵۱)، شهرری

فوق‌دیپلم حرفه‌وفن و کارشناسی علوم تربیتی با ۲۴ سال سابقهٔ تدریس در مدارس ابتدایی و متوسطهٔ اول شهر تهران، داوری سیزدهمین جشنوارهٔ کتاب رشد، داوری المپیاد درسی حرفه‌وفن، سرگروهی درس حرفه‌وفن در گروه‌های آموزشی و طراحی سؤالات امتحان نهایی، تیزهوشان و مدارس نمونهٔ دولتی، و تألیف شش جلد کتاب کمک‌درسی در حوزهٔ حرفه‌وفن. ایشان از مؤلفان کتاب کار و فناوری ششم و راهنمای معلم آن است.

مینا زند (۱۳۴۸)، تهران

کارشناسی‌ارشد برنامه‌ریزی درسی با ۲۸ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان معلم دورهٔ ابتدایی، همکار گروه‌های آموزشی منطقهٔ ۶، طراح سؤال‌های امتحان نهایی و آزمون ورودی مدارس، تدریس ارزشیابی توصیفی، و عضو کمیسیون برنامه‌ریزی و تألیف گروه کار و فناوری دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی. ایشان مؤلف کتاب‌های چهارم تا ششم ابتدایی کار و فناوری، ارزیاب کتاب‌های کار و فناوری در معاونت سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی، ارزیاب محتوای الکترونیکی آموزشی پایه‌های چهارم و ششم ابتدایی، و داور دوره‌های یازدهم و سیزدهم جشنوارهٔ کتاب رشد بوده است.

بیانیهٔ گروه داوری کار و فناوری

گروه داوری درس کار و فناوری، در مرحلهٔ نهایی داوری جشنواره، ۱۱ عنوان کتاب را مورد بررسی قرار دادند که ۹ عنوان از این کتاب‌ها در حوزهٔ کار با رایانه و ۲ کتاب در سایر حوزه‌ها بودند.

نقاط قوت کتاب‌ها:

- پرداختن به مباحث کار با رایانه از دورهٔ ابتدایی؛
- توجه به نیاز مخاطبان در حوزهٔ کار با رایانه در سنین متفاوت؛
- کاربردی بودن مطالب برخی از کتاب‌ها؛
- ارائهٔ مطالب همراه با فعالیت‌ها و تمرین‌های مناسب و آموزش گام‌به‌گام مراحل انجام کار در برخی کتاب‌ها.

نقاط ضعف کتاب‌ها:

- محدودیت در تنوع موضوع‌های ارائه شده؛
- دور بودن برخی از کتاب‌ها از هدف‌های برنامهٔ درسی کار و فناوری؛
- محدود بودن کتاب‌های تألیفی؛
- توجه ناکافی به رویکرد فرهنگی و بومی کشور در کتاب‌ها حتی در کتاب‌های تألیفی؛
- محدود بودن توجه به یادگیری مبتنی بر پروژه در این کتاب‌ها؛
- نامناسب بودن کیفیت تصویرها و صفحه‌آرایی در برخی کتاب‌ها.

به منظور بهبود کیفیت کتاب‌ها پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

- توجه و تلاش بیشتر ناشران و مؤلفان به تألیف کتاب در کنار ترجمه؛
- توجه بیشتر به رویکرد فرهنگی و بومی کشور؛
- توجه به هدف‌های درس کار و فناوری به‌خصوص معرفی شغل‌ها؛
- شناخت مخاطب و تألیف کتاب براساس نیازهای او؛
- تدوین و تألیف کتاب‌ها براساس مهارت‌های اجتماعی، کارگروهی، حل مسئله و ... ؛
- توجه بیشتر به جذابیت و کیفیت تصویرها، صفحه‌آرایی و نحوهٔ ارائهٔ مطالب؛
- توجه بیشتر به شیوه‌های متفاوت و فعال یادگیری و ارزشیابی؛
- در نظر گرفتن سطح‌های متفاوت یادگیری (مهارتی، دانشی و نگرشی) در تألیف کتاب‌ها.

امیدواریم در سال‌های آینده شاهد افزایش کمیت و کیفیت تولید کتاب‌های آموزشی در حوزهٔ کار و فناوری باشیم.

گروه داوری معماری

ویدا تقوایی (۱۳۳۹)، بهبهان

دکترای مهندسی معماری، استاد دانشگاه‌های الزهرا (س) و آزاد اسلامی، از مؤلفان کتاب‌های درسی نقشه‌کشی ۲، تاریخ معماری قبل از اسلام، تاریخ معماری کشورهای اسلامی و آشنایی با بناهای تاریخی، مجری طرح پژوهشی «نظم و بی‌نظمی در معماری قدیم و جدید» و مؤلف کتاب «از مبانی نظری تا مبانی نظری در هنر معماری». سردبیر فصلنامهٔ کارافن، استاد راهنما و مشاور پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد، مدیرکل برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای و عضو شورای دانشگاه فنی‌وحرفه‌ای از دیگر فعالیت‌های اجرایی ایشان محسوب می‌شود.

الهام‌السادات اعرجها (۱۳۵۰)، تهران

کارشناسی‌ارشد معماری با ۲۵ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان هنرآموز هنرستان، داور استانی جشنوارهٔ خوارزمی، داور استانی و کشوری جشنوارهٔ هنرهای تجسمی، طراح سؤال چند دوره از آزمون‌های نهایی کشوری و کنکور آزمایشی فنی‌وحرفه‌ای، طراح سؤال‌های علمی رشتهٔ معماری، و همکار دفتر تألیف فنی‌وحرفه‌ای. «کتاب متره و برآورد» رشتهٔ معماری و پنج جلد کتاب آموزشی (غیردرسی) از جمله تألیفات ایشان است.

شهناز پورناصری (۱۳۵۵)، تهران

دکترای معماری، استادیار و مدیرگروه دانشگاه مهندسی و معماری و شهرسازی دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی، و مدرس دانشگاه‌های محقق اردبیلی، آزاد اسلامی و پیام‌نور، مترجم کتاب «برنامه‌ریزی برای طراحی: از تئوری تا عمل»، مؤلف ۱۶ عنوان مقالهٔ علمی- پژوهشی در رشتهٔ معماری، و عضو هیئت علمی و کمیته داوری چند همایش و کنفرانس ملی پژوهشی.

بیانیهٔ گروه داوری معماری

تدوین و تألیف کتاب‌های کمک‌آموزشی، به‌عنوان بسته‌های آموزشی تکمیلی و تقویت‌کنندهٔ محتوای رشته‌های گوناگون درسی، موجب کیفیت‌بخشی و غنای روند یاددهی یادگیری در برنامه‌ریزی درسی دوره‌های آموزشی می‌شود. کتاب‌های معرفی‌شده در این دوره از جشنوارهٔ کتاب رشد در رشتهٔ معماری شامل پنج جلد کتاب تألیفی و دو جلد کتاب ترجمه‌ای و به لحاظ کمیت بسیار ضعیف بودند.

کتاب‌های انتخاب‌شده (برگزیده و تقدیری) دارای شکل و محتوای مناسبی برای هنرجویان و هنرآموزان بودند. کتاب برگزیده ضمن توجه به مصالح بوم‌آورد (در فرهنگ و سنت معماری پایدار کشورمان) از انسجام خوبی برخوردار بود. کتاب تقدیری نیز ضمن برخورداری از زبان بصری مناسب و محتوای غنی، به چگونگی فرایند یاددهی یادگیری در تدوین مطالب توجه کرده بود.

متأسفانه بعضی از کتاب‌های تألیفی بیشتر با توجه به محتوا و ساختار کتاب، ترجمه‌ای به نظر می‌رسند و به انتشارات یک دانشگاه محدودند که این موضوع نشان از نبود اطلاع‌رسانی مناسب در این زمینه دارد.

هیئت‌داوران رشتهٔ معماری، با تأکید بر اینکه تمام تلاش خود را به کار گرفت تا بدون هیچ‌گونه پیش‌فرضی به ارزیابی کتاب‌ها بپردازد، اعلام می‌دارد که بی‌شک این مجموعه معرف همهٔ بضاعت جامعهٔ علمی کشور در این رشته نیست. این هیئت ضمن تشکر و قدردانی از تمامی شرکت‌کنندگان در جشنواره و تبریک به برگزیدگان و سپاس‌گزاری از همهٔ دست‌اندرکاران برگزاری جشنواره، اعلام می‌دارد، هنوز در آغاز راهیم و با افق‌های پیش‌رو فاصله داریم. در خاتمه ضمن قدردانی از پیگیری، جدیت و استمرار عمل مسئولان سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی امید است در سال‌های آتی ثمرات بهتری را شاهد باشیم.

گروه داوری مهارت‌های زندگی، تفکر و سبک زندگی

مهناز قانعی (۱۳۴۱)، اصفهان

دکترای فلسفهٔ تطبیقی با ۲۸ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش به‌عنوان دبیر دبیرستان و مدرس دانشگاه فرهنگیان، عضو گروه الهیات و معارف مرکز شهید باهنر دانشگاه فرهنگیان، همکار «مرکز سنجش آموزش کشور» و سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی، و عضو شورای برنامه‌ریزی درس منطق پایهٔ دهم دفتر تألیف. تألیف کتاب «اخلاق در نگاه مولانا: چیستی و هستی»، تألیف مقالاتی متعدد از جمله «اسرار از زبان اسرار»، و «بازخوانی تفسیر سبزواری از تأویل نی با نظر به هفت لطیفهٔ انسانی»، و تدوین سرفصل‌های برنامهٔ درسی دورهٔ کارشناسی پیوسته رشتهٔ آموزش الهیات، از جمله خدمات پژوهشی و علمی ایشان است.

محمدحسن حسینی (۱۳۴۸)، تهران

مهندس متالوژی، محقق و مربی دوره‌های تفکر و یادگیری برای بچه‌ها، دبیر علمی مجموعهٔ ۱۰ جلدی «قصه‌های تفکر برای کودکان» برای «انتشارات مدرسه»، مشاوره علمی قصه‌های تفکر و یادگیری و نشر قصه‌های فکری در «مجلهٔ رشد کودک»، مشاور علمی و مسئول موضوع‌های مرتبط با تفکر و یادگیری از طریق بازی و قصه در «مجلهٔ رشد جوان»، داور کتاب‌های جشنوارهٔ رشد، و مشاور علمی قصه‌های تفکر و یادگیری و مهارت‌های زندگی انتشارات «محراب قلم».

علیرضا متولی (۱۳۴۴)، تهران

کارشناسی روان‌شناسی، تدریس در حوزه‌های هنری و نویسندگی، عضو هیئت‌تحریریهٔ «مجلهٔ کیهان بچه‌ها»، معاون بخش کودک و نوجوان «انتشارات امیرکبیر»، مدیرمسئول و سردبیر ماهنامهٔ «مهتاب»، مدیرمسئول «انتشارات رویش» در حوزهٔ کتاب کودک و نوجوان و در حال حاضر سردبیر رشد «آموزش ابتدایی»، با بیش از ۳۰ سال سابقهٔ نویسندگی برای کودکان و نوجوانان. از جمله آثار ایشان، رمان «گربهٔ گور به قیر شده»، «سفرنامهٔ باروت و بارون»، زندگی‌نامه‌های داستانی برخی مشاهیر، و شش جلد کتاب با موضوع «سبک زندگی» را می‌توان نام برد.

بیانیهٔ گروه داوری مهارت‌های زندگی، تفکر و سبک زندگی

باز شدن درهای ملل و فرهنگ‌ها بر روی یکدیگر، پدیده‌های نوظهور زندگی بشر در جهان معاصر، و مسائل و مشکلات روزافزون فراروی تربیت در جامعهٔ جهانی و کشور ما، زنگ‌هایی هستند که اهمیت و ضرورت پرورش قوهٔ اندیشه و آموزش مهارت‌های زندگی فردی و اجتماعی را در دنیای کنونی به ما گوشزد می‌کنند. تلاش‌هایی که در این راستا مدتی است آغاز شده‌اند، هرچند شایستهٔ تحسین‌اند، اما هنوز به نتیجهٔ مورد نظر نرسیده‌اند.

وجود رشته‌ای باعنوان مهارت‌های زندگی، تفکر و سبک زندگی در جشنوارهٔ کتاب رشد، تلاشی هرچند اندک، از این‌گونه تلاش‌هاست. امسال ۶۲ عنوان کتاب در این رشته، امتیاز شرکت در جشنواره را کسب کرده بودند که از آن میان، ۴۰ کتاب ترجمه‌ای و سایر آثار تألیفی بودند. موضوع سه عنوان از این کتاب‌ها فلسفه برای کودکان بود.

از نقاط قوتی که کم‌وبیش و به نحو پراکنده در کتاب‌های این دوره وجود دارد، نگاه و بیان تازه در مورد موضوع، گرافیک بسیار خوب، تنوع مهارت‌های مورد پوشش کتاب‌ها (مجموعه)، پرداختن به خود (خودشناسی و مباحث مرتبط) به‌عنوان نوعی تفکر و نوعی مهارت، توجه به اصول و مراحل تربیت فکری، یا آموزش مهارتی از مهارت‌ها توسط مربی، و تلاش برای آموزش مهارت‌های ارتباطی و اخلاقی به کودکان توسط داستان بود. هرچند هر یک از این نقاط قوت در بیش از یک کتاب دیده نمی‌شد.

کم بودن آثار تألیفی نسبت به کتاب‌های ترجمه‌ای، سطحی و بازاری بودن بسیاری از کتاب‌های ترجمه‌شده یا تألیفی، استفاده از عنوان‌های نادرست دهان‌پرکن برای جلب مشتری، نداشتن منابع و مآخذ، ناهم‌خوانی با فرهنگ بومی در برخی از کتاب‌های ترجمه‌ای، نبود انسجام یا فصل‌بندی منطقی و مرتب، حتی در مورد آثار شایسته و قابل‌توجه، کلیشه‌ای بودن سؤال‌های مطرح‌شده در برخی از کتاب‌های آموزش مهارت‌ها یا فلسفه برای کودکان از نقاط ضعف کتاب‌ها بودند.

پیشنهادهای گروه داوران برای رفع نقص‌ها به این شرح است:

- ناشران یا مترجمانی که دغدغهٔ پرورش نسل جوان را دارند، در انتخاب کتاب‌ها به هم‌خوانی با فرهنگ بومی توجه کنند؛
- داستان‌های کهن، حکایت‌ها، شعرها، اندرزنامه‌ها، حدیث‌ها و سایر مظاهر ادبی فکری و اخلاقی مهارتی موجود در فرهنگ غنی اسلامی ایرانی، به زبان و شیوه‌ای نوین، تلفیقی و مطابق با نیازهای امروز به‌کار گرفته و بازنویسی شوند؛
- شیوهٔ پرسش و پاسخ سقراطی نه شبه سقراطی در پرورش قوهٔ تفکر و تأمل بسیار مؤثر است و به‌جاست که مورد توجه ویژهٔ مؤلفان توانا در این زمینه قرار گیرد؛
- در عنوان‌های تألیفی یا ترجمه، امانتداری رعایت و منابع و مآخذ مورد استفادهٔ کتاب به‌طور کامل قید شوند؛
- راهنما یا پیشگفتار روشنگری که خواننده و مخاطب را از سردرگمی نسبت به کتاب، محتوا یا نحوهٔ کاربرد آن نجات دهد، در نظر گرفته شود.

گروه داوری مکانیک و مکاترونیک

محمدرضا نخعی امرودی (۱۳۶۵)، زرند

دکترای مکانیک با ۱۰ سال سابقهٔ تدریس در هنرستان، پژوهش‌سرا، دانشکدهٔ فنی‌وحرفه‌ای انقلاب اسلامی، دانشگاه غیرانتفاعی پارسیان و دانشگاه شهید رجایی، استاد راهنمای پروژه‌های خوارزمی و استاد مشاور پایان‌نامه‌های فوق‌لیسانس، مؤلف چهار کتاب درسی، از جمله «کاربرد فناوری نوین پایهٔ یازدهم»، «دانش فنی تخصصی مکانیک موتورهای دریایی» و «نگهداری و تعمیر سامانه‌های رانشی کشتی، رشتهٔ مکانیک موتورهای دریایی پایهٔ دوازدهم»، و کتاب تخصصی «جوشکاری مکانیکی و جوشکاری اصطکاکی اغتشاشی و مدل‌سازی ترمو». «بررسی تجربی نیروی ماشین‌کاری اینکونل ۷۳۸ در شرایط خشک و با سیال خنک‌کننده» عنوان یکی از مقالات ایشان است.

حسین گنجی (۱۳۶۳)، تهران

کارشناسی‌ارشد مهندسی مکانیک و معاون فنی هنرستان در منطقهٔ ۲، با ۱۳ سال سابقهٔ تدریس درس‌های تخصصی رشته‌های مکانیک خودرو، نقشه‌کشی صنعتی، و ساخت و تولید در هنرستان‌های تهران. ایشان چهار دوره داور جشنوارهٔ خوارزمی و دو دوره داور جشنوارهٔ ایده‌های برتر بوده است.

بهروز خطیبی (۱۳۵۴)، تهران

دانشجوی کارشناسی‌ارشد تبدیل انرژی، عضو گروه تألیف و برنامه‌ریزی درسی رشتهٔ مکانیک خودرو، و کارشناس دفتر تألیف رشتهٔ مکانیک خودرو با ۱۸ سال سابقهٔ هنرآموزی در هنرستان‌های تهران و هشت سال سرگروه آموزشی استان.

بیانیهٔ گروه داوری مکانیک و مکاترونیک

در دنیای کنونی که نام «دنیای صنعتی» را یدک می‌کشد، لزوم توجه به صنعت و رشته‌های فنی و مهارتی، به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه و همچنین ایران اسلامی که پیش‌بینی شده است در افق ۱۴۰۴ سرآمد کشورهای منطقه در حوزه‌های علمی و فناوری باشد، بیش از پیش احساس می‌شود.

حوزهٔ آموزش و به‌ویژه آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای، به علت جهش و پویایی همیشگی خود، نیازمند مشارکت همه‌جانبهٔ اصحاب قلم، متخصصان، معلمان و دیگر دست‌اندرکاران حوزه صنعت و تعلیم‌وتربیت است.

آموزش‌وپرورش نیز با تدوین و اجرای «سند تحول بنیادین» تلاش کرده است با رویکرد شایستگی‌محور، گامی مؤثر و هدفمند در این راه بردارد. در این راستا چند سالی است که رشته مکاترونیک در کنار رشته مکانیک، به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی گروه صنعت، برای پاسخ‌گویی به رشد فزاینده فناوری پدید آمده است. با توجه به تغییر رویکرد آموزش، بدیهی است که این عرصه نیازمند منابع مکتوب و غیرمکتوب آموزشی است.

گروه داوری مکانیک و مکاترونیک، در جشنواره کتاب‌های آموزشی تربیتی رشد، در تلاش است با نگاه به برنامه درسی ملی به به‌گزینی آثار و همچنین شفاف‌سازی خط مشی برای تدوین منابع کمک‌آموزشی جدید بپردازد.

اگر چه با توجه به گسترده بودن منابع و موضوع‌های مرتبط با برنامه درسی گروه مکانیک و مکاترونیک، انتظار مشارکت بیشتری از ناشران و مؤلفان می‌رفت. با این حال از میان کتاب‌های ارسال شده در طول سال گذشته، ۷ کتاب به مرحله نهایی راه یافتند (۵ اثر تألیفی و ۲ اثر ترجمه). شاخص‌های زیر از اصلی‌ترین محورهای داوری آثار بوده است:

- توجه به برنامه درسی، انسجام درونی و پوشش محتوایی کتاب درسی؛
- توجه به بارش فکری، پرورش خلاقیت، دست‌ورزی و دوری از محفوظات؛
- پرورش شایستگی‌های هدف، در سند تحول بنیادین آموزش‌وپرورش (مانند مسئولیت‌پذیری، مدیریت منابع، کسب حلال،کارآفرینی و ...)؛
- توجه به نقش معلم و تبیین نقش کتاب به‌عنوان راهبر و یا تسهیلگر آموزشی؛
- خلاقیت در ارائه و نوآوری در تألیف.

گروه داوران برخود واجب می‌داند تا به منظور کیفیت‌بخشی به منابع کمک‌آموزشی پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه دهد:

- گروه سنی مخاطبان در کتاب به روشنی مشخص شود (به‌خصوص در کتاب‌های ترجمه)؛
- خودآموز بودن یا همیار معلم بودن عموم کتاب‌ها به‌وضوح مشخص نیست (برخی کتاب‌ها برای سازمان‌دهی ذهنی مخاطب و ارتباط عمودی و افقی مطالب نیازمند معلم هستند) که باید مشخص شود؛
- در تألیف کتاب‌های فعالیت‌محور، به ظرفیت‌های سخت‌افزاری مدارس و محیط‌های اجرایی توجه شود (در صورت لزوم استفاده از ابزار خاص حتماً در ابتدای کتاب قید شود)؛
- با توجه به ماهیت درس‌های رشته‌های فنی- مهارتی در صورت امکان استفاده از ظرفیت‌های انتقال اطلاعات به صورت چندرسانه‌ای برای دستیابی به سطوح بالاتر یادگیری "بلوم" مد نظر قرار گیرد؛
- مثال‌ها، عناوین و تصاویر کتاب‌های ترجمه متناسب با فرهنگ و سبک زندگی ایرانی- اسلامی تغییر یابد.

گروه داوری نمایش، فیلم و سینما

منوچهر اکبرلو (۱۳۴۱)، تهران

دانش‌آموختهٔ رشتهٔ پژوهش هنر در دورهٔ کارشناسی‌ارشد و رشتهٔ کارگردانی در دورهٔ کارشناسی، معلم، مدیر و کارشناس وزارت آموزش‌وپرورش، و بازنشستهٔ این وزارتخانه. از مهم‌ترین سوابق اجرایی وی می‌توان به مدیریت مدرسهٔ فیلم‌نامه‌نویسی حوزهٔ هنری و مجری، نویسنده و کارشناس بیش از ۱۵ برنامهٔ رادیویی و تلویزیونی، و تدریس در مراکز دانشگاهی اشاره کرد. ۷۲ عنوان کتاب تألیفی و ترجمه‌ای در حوزهٔ ادبیات، تئاتر، سینما، دایرةالمعارف و نمایشنامه، سه دهه فعالیت مطبوعاتی، و ۱۰ مقالهٔ پژوهشی حاصل تلاش ایشان است.

مهدی حامد سقایان (۱۳۴۵)، تهران

دکترای تخصصی تئاتر، استادیار دانشگاه، داور همایش‌ها و جشنواره‌هایی چون «جشنوارهٔ تئاتر دفاع مقدس» و «جشنوارهٔ بین‌المللی تئاتر فجر»، دبیر همایش علمی ـ پژوهشی تئاتر، دبیر دومین «سمینار بین‌المللی نمایش و دین» و بخش هنر نخستین «جشنوارهٔ ربع قرن کتاب دفاع مقدس»، عضو هیئت‌تحریریهٔ مجلهٔ علمی ـ تخصصی «صحنه» (حوزهٔ هنری)، عضو هیئت‌تحریریهٔ مجلهٔ علمی ـ پژوهشی «هنرهای زیبا»، و مدیرگروه کارگردانی و بازیگری دانشگاه تربیت‌مدرس. برگزاری کارگاه‌های آموزشی و سمینارها، کارگردانی و اجرای چند نمایش، کارگردانی نمایش تلویزیونی «سقوط سایه‌ها» و اجرای طرح‌های پژوهشی از دیگر فعالیت‌های ایشان است.

وی بالغ بر ۲۹ مقالهٔ تخصصی و ۱۰ جلد کتاب در سوابق علمی ـ پژوهشی خود دارد که از جملهٔ آن‌ها می‌توان به بازنویسی و تجدید چاپ کتاب «ریختارهای نمایش ایرانی» و چهار جلد «فرهنگ جامع تئاتر دفاع مقدس» اشاره کرد.

جواد رضائیان طرقبه (۱۳۴۹)، مشهد

کارشناسی‌ارشد تئاتر (گرایش ادبیات نمایشی)، سرپرست بخش انیمیشن و هنرآموز نمایش و انیمیشن هنرستان کمال‌الملک، مدرس ضمن‌خدمت، عضو گروه‌های آموزشی منطقه و دبیر هنر مدرسه‌های دورهٔ اول متوسطه، داور شانزدهمین جشنوارهٔ نمایش عروسکی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، و نویسندهٔ مقالات علمی در زمینهٔ نمایش و برگزاری کارگاه آموزشی.

ایشان نویسندهٔ نمایش‌نامه‌های «بودن یا نبودن»، «اتل متل توتوله»، «پسرک فداکار»، «میهمان» و «سیب جادویی» است و کارگردانی نمایش‌نامهٔ «هفت شهر عشق» در فرهنگ‌سرای خاوران، و اجراهای دانش‌آموزی «پترس»، «لطفاً از روی چمن عبور نکنید»، «سیب جادویی» و «نوشته بر سنگ» را برعهده داشته است.

بیانیهٔ گروه داوری نمایش، فیلم و سینما

امروزه فیلم و تئاتر رسانه‌هایی مهم و تأثیرگذار در امر تعلیم‌وتربیت و فرهنگ‌سازی تلقی می‌شوند. به این سبب توجه به کتاب‌های این حوزه (چه نظری، چه آموزشی و چه متون نمایشی) الزامی به‌نظر می‌رسد.

در این دورهٔ زمانی، مانند چند سال گذشته، شاهد رشد انتشارات در این حوزه هستیم؛ گرچه وضعیت اقتصادی ناشران، مشکلاتی را برای انتشار هرچه بیشتر آثار موجود به‌ویژه آثار تألیفی ایجاد کرده است.

از جمله نقاط قوت کتاب‌ها توجه به نیاز جامعه و علاقه‌مندان و هنرمندان تئاتر و سینماست که این آثار را مفید و قابل استفاده می‌کند. اما کم‌توجهی به نثر ویژهٔ مخاطبان سنین پایین‌تر، کیفیت نامرغوب برخی کتاب‌ها و خلأ پژوهشی و آموزشی در برخی زیرشاخه‌های تئاتر و سینما، از جمله نقاط ضعف این آثار به شمار می‌روند.

به‌منظور برگزاری هرچه بهتر جشنواره موارد زیر را پیشنهاد می‌کنیم:

- اطلاع‌رسانی هرچه بیشتر و بهتر فراخوان جشنواره برای حضور کامل‌تر آثار منتشر شده در این حوزه؛
- ایجاد انگیزه در نویسندگان نمایشی برای انتشار بیشتر آثار خود؛
- تشکیل جلسات هم‌اندیشی با حضور آثار برتر و بررسی راه‌های ارتقای سطح کتاب‌های این حوزه.

گروه داوری هنرهای تجسمی و مباحث عمومی هنر

سیدهمایون موسوی (۱۳۵۰)، تویسرکان

کارشناسی‌ارشد نقاشی، عضو کمیسیون تخصصی تألیف ۱۰ عنوان کتاب درسی و راهنمای معلم دورهٔ فنی‌وحرفه‌ای گروه هنر، مجری چند پژوهش در دفتر تألیف فنی‌وحرفه‌ای، و نیز تألیف کتاب درسی «کارگاه چاپ دستی (۱)» فنی‌وحرفه‌ای متوسطه، سرگروه آموزشی استان تهران، داور جشنوارهٔ شرکت‌های آموزشی و تربیتی و داور جشنوارهٔ تجسمی و مسابقات علمی و عملی، با بیش از ۲۵ سال سابقهٔ خدمت در آموزش‌وپرورش.

رضا صفری (۱۳۵۳)، جلفا

دکترای فلسفهٔ هنر، عضو هیئت‌علمی دانشکدهٔ هنر دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، مدرس دانشگاه سوره و دانشکدهٔ هنر و معماری، مشاور رئیس پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی در نشست‌های تخصصی فرهنگی هنری و نشریات تخصصی فرهنگ و هنر، تهیه‌کننده و مجری برنامهٔ «نگاه بلند به فیلم کوتاه»، مدیر دفتر نشریات تخصصی پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی سال ۱۳۸۲، دبیر تحریریه و مدیرداخلی نشریهٔ فرهنگی ـ هنری «نیوار»، و معاون مرکز خلاقیت‌های هنری پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی. وی نویسنده و کارگردان چند فیلم، از جمله فیلم سینمایی «سهم گمشده»، مستند «نقاشان مسلمان آذربایجان» و مستند «گزارشی از شاعر معاصر، مفتون امینی» است.

سمیه نسیماصفت (۱۳۶۰)، قم

کارشناسی گرافیک وکارشناسی‌ارشد فلسفهٔ هنر، هنرآموز هنرستان‌ها و عضو کمیسیون تخصصی تألیف کتاب‌های درسی رشتهٔ گرافیک، مؤلف بخش اول کتاب «تصویرسازی آموزشی تایپوگرافی» برای رشتهٔ فتوگرافیک، تدوین و گردآوری مطالب تخصصی مربوط به رشتهٔ فتوگرافیک برای «کتاب همراه هنرجو»، گردآوری و تدوین فصل پنجم کتاب «دانش فنی» رشتهٔ فتوگرافیک، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکدهٔ فنی شریعتی، آموزشکدهٔ فنی دختران قم و دانشگاه علمی ـ کاربردی، و داور بخش گرافیک و عکاسی چند جشنواره در قم.

بیانیهٔ گروه داوری هنرهای تجسمی و مباحث عمومی هنر

امروزه رسالت هنر و آثار هنری بر هیچ‌کس پوشیده نیست. هنرگاه آگاهی‌دهنده است و گاه التیام‌بخش. وجه روشـــنگری آن زمانی بارز می‌شود که انسان را از جهل می‌رهاند و به سوی دانایی و آگاهی رهنمون می‌شود. از جنبهٔ دیگر نیز می‌تواند مشکلات و آلام و رنج‌های بشری را کاهش دهد و تسهیل‌کنندهٔ زندگی و مسائل بی‌شمار آن باشد. در این میان، سهم کتاب‌های هنری نیز در رسیدن به این هدف‌ها قابل‌توجه است.

با توجه به انتشار تعداد قابل ملاحظه‌ای کتاب هنری در هر سال، شرکت تعداد محدودی از ناشران کتاب‌های هنری در این جشـــنواره که اغلب از ناشـــران مطرح و برگزیده کتاب‌های هنری هم نیستند، موضوعی است که باید بررســـی شـــود. شـــرکت فقط ۱۷ عنوان کتاب که حدود ۳۵ درصد آن هم متعلق به یک ناشر است، آمار رضایت‌بخشی برای یک جشنواره در سطح کشوری نیست. با توجه به این مهم، بسیاری از کتاب‌های منتشرشده در زمینهٔ هنر از دید داوران این گروه پوشـــیده مانده‌انـــد و در نهایت انتخاب کتاب برگزیده را با چالش روبه‌رو خواهند کرد. زیرا بســـیاری از مدیران به‌منظور تهیهٔ بهترین کتاب‌های این حوزه برای مدرســـه‌ها به فهرســـت منتشرشده توسط این جشنواره رجوع خواهند کرد که نتیجهٔ آن خیلی کامل و دقیق نخواهد بود.

از یک طرف، میان کتاب‌های راه‌یافته به این جشنواره، بعضی کتاب‌های تألیفی از سطح قابل‌قبولی برخوردار بودند که دلیل آن در نظر گرفتن شرایط بومی و فرهنگی و همچنین متناسب بودن کتاب‌ها با سطح مخاطبان آن‌ها بوده اســـت. از طرف دیگر، بسیاری از کتاب‌ها ترجمهٔ کتاب‌های خارجی بودند که هر ساله شمار بسیاری از آن‌ها در زمینه‌هایی مانند عکاســـی و صفحه‌آرایی با تفاوت اندک از نظر ســـطح علمی و فنی، ترجمه و چاپ شده‌اند و تکرار مکررات محسوب می‌شوند.

لازم به ذکر اســـت، با بررسی‌های انجام شـــده نتیجه می‌گیریم، این دوره از جشنوارهٔ کتاب رشد پوشش‌دهی مناسب و کافی از نظر کمّی و کیفی (با توجه به کتاب‌های منتشرشده در بازار کتاب ایران) نداشته که دلیل آن ممکن اســـت بی‌اطلاعی ناشران و مؤلفان مطرح در زمینهٔ هنری یا رغبت نداشتن آن‌ها به شرکت در جشنواره باشد. پیشنهاد هیئت‌داوران گروه هنرهای تجسمی این است که دبیرخانهٔ جشنواره بررسی‌های لازم را به عمل آورد و در صورت امکان، زمینهٔ شـــرکت ناشـــران بیشـــتری را فراهم کند. همچنین پیشنهاد هیئت‌داوران برای ناشران و پدیدآورندگان کتاب‌ها، توجه بیشتر به سطح علمی و محتوایی کتاب‌ها و در نظر گرفتن ظاهر مناسب کتاب از نظر گرافیک، کیفیت چاپ و صحافی است.

در پایان این گروه مراتب تقدیر و تشـــکر خود را از دبیرخانهٔ جشـــنوارهٔ کتاب رشد اعلام می‌دارد و برای همهٔ عزیزان توفیق روزافزون خواستار است.

تا مرز برگزیدگی

شـــانزدهمین جشنواره کتاب رشد در واقع رقابتی اســـت بین ۴۹۰۵ کتاب که در سال ۱۳۹۶ به دبیرخانه ســـامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی ارسال شده است. از این تعداد ۲۴۵۷ عنوان از خان نخست گذشـــتند و عنوان کتاب مناسب را اخذ کردند؛ اما فقط ۱۰۹۹ عنوان کتاب امتیاز کافی را از ارزیابان برای ورود به رقابت‌های جشنواره شانزدهم کسب کردند و به گروه‌های داوری سی‌گانه راه یافتند.

در بین گروه‌های داوری، داســـتان کودک (دوره ابتدایی) همانند سال گذشته پرکارترین گروه داوری بـــود. داوران این گروه باید کتـــاب منتخب خود را از بین ۱۵۳ عنوان کتاب برمی‌گزیدند. گروه پیش‌دبستانی: کتاب‌های داستانی با ۱۳۱ عنوان، داستان نوجوان و بزرگسال (دوره متوسطه و معلمـــان) با ۷۷ عنوان و زبان و ادبیات فارســـی با ۷۳ عنوان کتـــاب گروه‌های داوری بعدی با بیش‌ترین تعداد کتاب بودند.

داوران محترم، بر اساس میانگین امتیاز به دست آمده و سهمیه در نظرگرفته شده از جوایز، در هر گروه تعدادی از کتاب‌ها را به عنوان نامزد معرفی کرده‌اند که طبعاً در مرحلهٔ پایانی کتاب یا کتاب‌های برتر خود را از میان آن‌ها برخواهند گزید.

به‌طور کلی در این دوره ۱۲۳ عنوان کتاب از ۶۰ ناشر نامزد دریافت جایزه شده‌اند که مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان با ۱۸، مؤسسه فرهنگی فاطمی با ۱۰ و دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی با ۵ نامزد در صدر قرار دارند و آوای نور و دفتر نشر فرهنگ اسلامی هر دو با ۴ نامزد در جایگاه بعدی قرار گرفته‌اند. در بین ناشران ۹ ناشر ۳ و ۹ ناشر ۲ عنوان نامزد دارند. ۳۷ ناشر نیز به یک عنوان نامزد بسنده کرده‌اند.

گفتنی است از آثار نامزد شده ۳۹ عنوان ترجمه و بقیه تألیفی‌اند.

در گروه داوران ریاضی و مکانیک و مکاترونیک به معرفی دو کتاب کفایت شـــده اســـت. گروه داوران شیمی نیز تنها گروهی است که در این دوره از جشنواره هیچ کتابی را برای دریافت جایزه نامزد نکرده است.

دبیرخانه شانزدهمین جشنواره کتاب‌های آموزشی و تربیتی رشد

تحریک حسی: فعالیت‌های متمرکز بر حواس برای افراد دچار معلولیت جسمی و چندمعلولیتی. سوزان فاولر. ترجمه: رضا متقیانی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

تئاتردرمانی در کودکان و نوجوانان مبتلا به اتیسم (راهنمای والدین و مربیان) و راهنمای عملی برنامه هنر برای خانواده‌های کودکان مبتلا به اختلال‌های طیف اوتیسم. کاوه مقدم. تهران: وانیا

راهنمای عملی روان‌درمانی مثبت‌نگر ویژه درمانگران و مشاوران. مهدی خانجانی. تهران: آوای نور

شناخت و توانبخشی مشکلات حرکتی کودکان با اختلال‌های رشدی دستورالعملی برای بهبود هماهنگی حرکتی. لیزا ای کورتز. ترجمه: سعید رضایی/ الهه مهرمنش. تهران: آوای نور

۱۰۱ بازی برای آرام‌سازی کودکان، یافتن صلح و آرامش در میان جمع. الیسون بارتل. ترجمه: سیدعلی دربانی/ مریم رنجبر. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

بازی‌های گروهی: **۱۰۱ بازی مهارت‌های زندگی.** برنی بیدگروبر. ترجمه: منوچهر اکبرلو. تهران: صابرین

مجموعه سه جلدی **بازی با ابزارهای ساده: بازی‌های چوب، بازی‌های سنگ و بازی‌های طناب.** معصومه پورطاهریان. تهران: شهر قلم

پیش‌دبستانی: کتاب‌های آموزشی

مجموعه کتاب‌های کودک، مربی: **از خانه تا مدرسه.** سیدداوود میرشفیعی لنگری/ کلثوم تیرگری/ طاهره کاظمیان/ خدیجه وفادار/ سیده‌مرضیه شجاعی لنگری. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

تربیت دینی کودکان پیش‌دبستانی: ارائه الگویی برای برنامه درسی تربیت دینی کودکان، برنامه فعالیت والدین و مربیان. مرضیه نوذری/ بابک شمشیری. تهران: آوای نور

راهنمای بسته آموزشی کارکردهای اجرایی توجه و تمرکز (ویژه مربیان). گروه روان‌شناسان سوفار/ علیرضا سبقتی/ سحر شریعتی. تهران: سوفار

کارگاه هنر برای کودکان: ۵۲ تمرین جذاب برای کودکان. سوزان شوایک. ترجمه: جمال‌الدین اکرمی/ مینا مانی‌قلم. تهران: شرکت انتشارات ویژه نشر

کاملیا آشپزی می‌کند و کاملیا می‌خواهد تلویزیون نگاه کند. الین دوپتینی. ترجمه: آمنه امیرخانی. اصفهان: نوشته

مجموعه سه جلدی: **ماجراهای ریحانه و پیشی کوچولو.** معصومه یزدانی. تهران: شرکت انتشارات فنی ایران

نخستین بازی‌های شاد و کودکانه: **۱۸۵ بازی و سرگرمی برای بچه‌های سه‌ماهه تا سه‌ساله به همراه روش‌ها و راهنمایی‌های مفید در ایجاد انگیزه برای خردسالان.** آلموت بارتل. ترجمه: لی‌لا لفظی. تهران: ذکر

پیش‌دبستانی: کتاب‌های داستانی

بفرما آب انار. مریم هاشم‌پور.
تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

صدای چی بود؟: **تَق‌وتَق‌وتَق رو چوبه نجّاره میخ می‌کوبه.** زهرا موسوی. تهران: افق

مجموعه پنج جلدی ترانه‌های نیایش. مصطفی رحماندوست. تهران: افق

مجموعه هفت جلدی دوست داری... باشی؟ لاله جعفری. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

مجموعه هفت جلدی گیلی گیلی. سوسن طاقدیس.
تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

مراقبم باش! لورنز پائولی. ترجمه: نگین کتال. تهران: مبتکران

امپراتوری عثمانی: عصر کلاسیک ۱۶۰۰م-۱۳۰۰م. خلیل اینالجیق. ترجمه: عبدالعلی اسپهبدی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

پرده‌نشینان عهد ناصری: نگاهی به حیات اجتماعی زنان در عهد قاجار. پریسا کدیور. تهران: گل آذین

تاریخ و تحول نشر: درآمدی به بررسی نشر کتاب در ایران از آغاز تا آستانه انقلاب. عبدالحسین آذرنگ. تهران: مؤسسه خانه کتاب

فجایع جنگ جهانی دوم. حمید عشقی. تهران: مؤسسه فرهنگی آرمان رشد/ ابر و باد

مجموعه هفت جلدی: **قطره و دریا.** ناصر نادری/ محمدرضا بایرامی/ بهناز بشیری/ حسین فتاحی/ محمدرضا یوسفی/ امیرحسین فردی/ محمدرضا شمس. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

تحلیل یاددهی و یادگیری در تربیت بدنی. ماری‌لو ویل / ویلیام‌جی اندرسون. ترجمه: جواد آزمون / محمود عیوضی. تهران: سمت

حیاط پویا: طراحی بازی‌ها و مهارت‌ها در حیاط مدرسه. سمانه قائدیان / ابراهیم نیکومنش. قم: سلسله

پول، خدا، بچه‌ها. غلامرضا حیدری ابهری. قم: جمال

مجموعه **دوست عزیزم خدا**. سید محمد مهاجرانی.
قم: کتابک

مجموعه **ستاره‌های دوست‌داشتنی**. محسن هجری.
تهران: شهر قلم

مجموعه **کودکان می‌پرسند**: ۱۹۶ پرسش و پاسخ.
غلامرضا حیدری ابهری. تهران: قدیانی

ما فرشته‌ها. غلامرضا حیدری ابهری. قم: جمال

همیار معلّم: روش‌های نوین تدریس. حمید قلندریان/
طیبه خواجه بیدختی. مشهد: چشمه سخن

حل و فصل اختلافات در محیط کار For Dummies.
ویویان اسکات. ترجمه: سارا یوسفی. تهران: آوند دانش

راهنمای استخدام و کار در پروژه‌های صنعتی.
احسان فرزین آبده‌گاه. تهران: مؤسسه فرهنگی هنری دیباگران تهران

کسب و کار طلایی. زهرا سادات حسینی. قم: جمال

مدیریت پول: اصول کاربردی برای تعادل وضعیت مالی. دیو رمزی. ترجمه: گیتی شهیدی. تهران: آرایان

اردوی بچه‌خرخون‌ها. الیسا برنت وایسمن. ترجمه: هدا نژادحسینیان. تهران: پرتقال

داستان لئو. مک بارنت. ترجمه: کیوان عبیدی آشتیانی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

سربالایی و سرپایینی. محمدرضا شمس. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

قصه‌پیرزنی که دلش می‌خواست تمیزترین خانه دنیا را داشته باشد. شکور لطفی. تهران: شهر قلم

من مترسکم ولی می‌ترسم. احمد اکبرپور. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

همه ما شگفت‌انگیزیم!. آر.جی پالاسیو. ترجمه: شبنم حیدری‌پور. تهران: پرتقال

باد و کاه. محمدرضا بایرامی. تهران: کتاب نیستان

ستاره. محدثه گودرزنیا. تهران: پیدایش

قنوت آخر. محمد محمودی نور آبادی. قم: کتاب جمکران

نجات الاغ. فاطمه دهقان نیری. تهران: محراب قلم

آموزش طراحی و تصویرسازی هنری با ادوبی ایلوستریتور ILLUSTRATOR CC **۲۰۱۸**. امید باوی/ سعید گودرز. تهران: نارک/ دانشگاهی کیان

مرجع کامل 3ds Max Autodesk **۲۰۱۸**. علی محمودی. تهران: دانشگاهی کیان

خودآموز تصویری Adobe Photoshop CC. علی محمودی. تهران: دانشگاهی کیان

انضباط بدون گریه: راهکارهایی ملایم برای تشویق رفتار خوب بدون نق‌زدن کج‌خلقی و گریه‌کردن. الیزابت پنتلی. ترجمه: اکرم کرمی. تهران: صابرین

روان‌شناسی اخلاق. سیدمهدی موسوی اصل / مسعود آذربایجانی / مهدی علیزاده / محمدرضا جهانگیرزاده / محمدتقی تبیک. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

تحلیل روان‌شناختی شادکامی: منابع، ساختارها، پیوست‌ها. ابوالقاسم خوش‌کنش / مژده جانه. تهران: آوای نور

هنر گوش‌دادن. مایکل پی نیکولز. ترجمه: روح‌الله میرزاآقاسی. تهران: دانش‌آفرین / رشد اندیشه

اگر... نگاهی متفاوت به عددها و اندازه‌های بسیار بزرگ. دیوید.جی اسمیت. ترجمه: فروغ فرجود. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

ریاضیات لعنتی: آلیس در سرزمین اعداد. کارلو فرابتی. ترجمه: لیلا مینایی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

تاریخ ادبیات ایران (۴) با رویکرد ژانری. سید مهدی زرقانی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

کودکان چگونه زبان می‌آموزند. ویلیام اوگریدی. ترجمه: معصومه نجفی پازکی / ویدا رحیمی‌نژاد. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

لذت خواندن، شوق جست‌وجو، ویژه دانش‌آموزان پایه‌های هفتم و هشتم. مرتضی مجدفر / مینو طاهری. تهران: مرآت

مدخل شعر معاصر فارسی (۱۳۹۲-۱۲۸۵). شهریار خسروی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

آموزش مبادی‌العربیه به روش دسته‌بندی و نمودار. مجتبی رحماندوست. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

عربی پایه کنکور. علی فقه کریمی / محمدامین شاصنم. تهران: بین‌المللی گاج

عربی پایه نهم پیام نسیم دوره متوسطه اول. حجت‌الله عباسی رشیدآبادی / آمنه آقایی / عصمت پارسائیان.: حجت‌الله عباسی

کار و تمرین عربی (۲) پایه یازدهم ریاضی و فیزیک، علوم تجربی. مهدی پرکاری. تهران: گل‌واژه

دانشنامه بدن انسان. ریچارد واکِر. ترجمه: امیر صالحی طالقانی. تهران: پیام آزادی

شگفتی‌های بدن انسان. فابین کاسان. ترجمه: فواد والی / امیر صالحی طالقانی. تهران: پیام آزادی

شگفتی‌های بدن: سفری شگفت‌انگیز به ساختمان بدن انسان. ریچارد واکِر. ترجمه: لادن خانلری. تهران: پیام بهاران

از فاطمه به فاطمه(س): ۲۰ شعر درباره معصوم سوم.
شکوه قاسم‌نیا. تهران: قدیانی

اشک درخت دراومد. مریم هاشم‌پور. تهران: شرکت انتشارات فنی ایران

خداحافظی در خیابان پاییز. مریم اسلامی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

سوغاتی. مهری ماهوتی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

لطیفه‌های ملس: لطیفه‌هایی از امثال‌وحکم دهخدا.
علی‌رضا لبش. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

مجموعه **یادداشت‌های یک نویسنده.** امیرحسین فردی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

اگر پاهای شما شبیه پاهای حیوانات بود!؟. ساندرا مارکل. ترجمه: ندا رضوان. تهران: تیمورزاده

آتش‌نشان‌ها. کتی فرانکو. ترجمه: مهناز عسگری. تهران: محراب قلم

آسان‌بر فضایی (آشنایی با فناوری نانو). سمانه علی‌رضازاده باقری. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

بالی، بروکلی باهوش: چرا باید غذای سالم بخوریم؟. یولیا فلمرت. ترجمه: لیلا علی اکبری. تهران: ابوعطا

دانشنامه آکسفورد علم و تکنولوژی. هیئت علمی دانشگاه آکسفورد. ترجمه: سیدحسین ایرایی. تهران: پیام بهاران

برنامه‌ریزی آموزشی: راهبردهای بهبود کیفیت در سطح واحد آموزشی (مدرسه، دانشگاه، آموزش مجازی). محمدرضا نیستانی. اصفهان: یار مانا

برنامه‌ریزی درسی کلاس‌های چندپایه. صمد صمدیان. تبریز: بوی جوی مولیان

پرواز پروانه‌های سنجاق‌شده. فاطمه صبری / نگار خسروی. تهران: اندیشه افرینش

روایت‌پژوهی: (راهنمای عمل، ویژه استادان، معلمان و دانشجو معلمان در پژوهش‌روایی). پوران خروشی. اصفهان: نوشته

مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چندپایه. سیدحشمت‌الله مرتضوی‌زاده. تهران: مؤسسه کورش چاپ

والدین، قطعا تأثیرگذارند: چگونه کودکانی تربیت کنیم که شخصیتی به خود متکی، مصمم و مهربان داشته باشند. میشل بربا. ترجمه: ستاره بابایی. تهران: صابرین

اصول و مبانی GIS. مهدی عربی / سارا حق‌بیان. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

پارسنز و هابرماس (رویکرد دیالکتیکی به نظام اجتماعی). عباس محمدی اصل. تهران: مؤسسه فرهنگی آرمان رشد

تبرزین نادر. ابوالقاسم فیض‌آبادی. تهران: نخستین

راهنمای حقوقی شهروندان (جلد اول و دوم). محسن اسماعیلی. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی

آب، کاغذ، رنگ: خلاقیت با آبرنگ و مواد ترکیبی.
هیثر اسمیت جونز. ترجمه: گلناز کشاورز. تهران: شرکت انتشارات ویژه نشر

لویی، برای من یک بشقاب‌پرنده نقاشی کن. یووس گات. ترجمه: آیدین عمیق. تهران: پیام آزادی

مجموعه خوش‌نویسی (اول، ئوم و سوم دبستان).
غلامرضا تنها. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

مجموعه دو جلدی: کتاب طراحی خلاق هنرمند کوچولو. فیلیپ وشتر / آنکل کوهل. ترجمه: غزل جاودانی. تهران: حوض نقره

مجموعه شنیدم می‌خواهی نقاشی کنی (۱-۳).
نیکلاس کتلو. ترجمه: باربد بکان. تهران: حوض نقره

۳۰۰ پدیده نجومی. جیمی ویلکینز / رابرت دان. ترجمه: محمدرضا افضلی. تهران: محراب قلم

المپیادهای نجوم ایران ۱۳۹۵- ۱۳۸۹. سیدامیر سادات موسوی / محمدهادی ستوده / محمدجواد شریعت‌زاده. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

کتاب آموزش و کار فیزیک ۲ یازدهم رشته تجربی. مصطفی کیانی / هدیه منوچهری. تهران: مهر و ماه نو

کتاب کار و تمرین فیزیک (۲) پایه یازدهم، ریاضی و تجربی. مهرناز طلوع شمس / مهدی سینائیان / حمید فدائی فرد. تهران: مرآت

آموزش روخوانی و روان‌خوانی قرآن کریم نور. محمد خواجوی/ احمد حاجی شریف. تهران: پیام بهاران

حضرت یوسف علیه‌السلام. ناصر نادری. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

سرزمین عددهای قرآنی. غلامرضا حیدری ابهری. تهران: کتاب نیستان

مجموعه هشت جلدی: یک داستان تخیلی با مفاهیم قرآنی. کلر ژوبرت. تهران: به‌نشر

مادر خلاق، کودک خلاق. معصومه نیکبخت. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

مجموعه رایانه (برای اول تا سوم دبستان). هما ملک. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

مجموعه معماهای ببراس: در مفاهیم علوم رایانه و تفکر رایانشی (گام اول تا گام سوم). ترجمه: امیرمحمد جذبی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

آجر در معماری، زیبایی‌ها و کارایی‌ها. سیدباقر حسینی/ سیده‌زهرا سیدین خراسانی. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

پایداری منظر در مجتمع‌های مسکونی: چک‌لیستی برای ارزیابی پایداری. کارل اسمیت. ترجمه: اسماعیل ضرغامی/ میلاد الفت. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

طراحی مدرسه موفق: سؤالاتی جذاب برای طراحی خلاقانه. صغری نیرومند شیشوان/ مهدیه نیرومند شیشوان. بناب: دانشگاه بناب

ویژگی فضاهای خاص خردسالان با رویکرد معماری و شهرسازی. مسعود علیمردانی/ حکمت امیری/ ریحانه آرام. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

خودروسازی از صفر تا صد در ایران و جهان. کاترین هنسی. ترجمه: حسین عسگری. تهران: طلایی

مبانی و کاربردهای انرژی زمین گرمایی. جاماسب پیرکندی/ علی میرمحمدی. تهران: دانشگاه تربیت دبیر شهید رجائی

اقتصاددان کوچک: راهنمای کاربردی آموزش به کودکان ۶ تا ۹ سال. زهره میرجابری. اصفهان: مفتاح حکیم

بازی و فراغت به مثابه خلاقیت و معنویت (چگونه جدی نباشیم!). عبدالعظیم کریمی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

راهنمای کلاسی فلسفه برای کودکان سال‌های اول دوره ابتدایی: فلسفه‌ورزی با کتاب‌های تصویری. فیلیپ کم. ترجمه: فرزانه شهرتاش. تهران: شهرتاش

شاید سیب باشد. شینسوکه یوشی‌تکه. ترجمه: رضی هیرمندی. تهران: افق

مجموعه کتاب‌های چهار جلدی ده فرمان. علی‌اصغر سوادکوهی. اصفهان: نوشته

آماده‌سازی استوری‌برد. نانسی بیمن. ترجمه: ناصر گل‌محمدی. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

خرگوش باهوش و دو قصّه نمایشی دیگر از کلیله‌ودمنه. حسین فدایی‌حسین. تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان

نمایش‌نامه‌های مدرسه: دومی‌ها. مسلم قاسمی. تهران: مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان

نماینده مرموز. مجید درخشانی. تهران: عابد

فرهنگ‌نامه هنر. محمد شمخانی. تهران: طلایی

کتاب کار و تمرین طراحی لباس. فاطمه آذرباش/ فاطمه نوریان کفشگری/ جمیله خدیوی بروجنی/ ماهرخ علی پناه‌لو. تهران: ویستاذر

مبادی مباحث کارشناسی طراحی گرافیک در ارتباط تصویری: طراحی پوستر. مصطفی اسدالهی. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

مبادی مباحث کارشناسی طراحی گرافیک در ارتباط تصویری: طراحی نشانه. مسعود سپهر. تهران: مؤسسه فرهنگی فاطمی

یادبود صادق صندوقی

(۱۳۹۷-۱۳۲۱)

به‌کوشش محبت‌الله همتی

آدم خودساخته‌ای بود

یادداشتی از دکتر حسین معصومی همدانی

صادق صندوقی همدانی بود. هم‌مدرسهٔ من بود. در دبیرستان ابن‌سینا که تا کلاس نهم بیشتر نداشت؛ و او که یک سال از ما جلوتر بود وقتی کلاس نهم را تمام کرد از آن مدرسه رفت. من هم سال نهم را در آن مدرسه نبودم، صندوقی اما از همان وقت نقاشی‌اش خوب بود. برای روزنامهٔ دیواری مدرسه نقاشی می‌کرد و حتی یک بار یک روزنامهٔ دیواری با گروهی از دوستان، که هر یک سرنوشت جداگانه‌ای پیدا کردند، درآوردیم که در شمارهٔ دوم توقیف شد. چون وارد سیاست شده بودیم و مطالبی راجع به نهضت روحانیت نوشته بودیم و خلاصه‌ای از غربزدگی آل‌احمد را آورده بودیم به همراه یک نقاشی که صندوقی از روی یک نقاشی دیگر کشیده بود و در شمارهٔ اول کتاب ماه آل‌احمد چاپ شده بود. نقاشی از سیکه‌روس نقاش مکزیکی بود که بعدها فهمیدیم بخشی از یک نقاشی بزرگ دیواری از اوست. صندوقی این نقاشی را نقطه‌چین کار کرده بود که سبک محبوب دبیر نقاشی آن زمان ما بود و ما را وادار می‌کرد که از روی کتاب‌های مؤیدپردازی و رسّام ارژنگی نقاشی کنیم. فقط نقطه‌چین را قبول داشت. خودش هم نقاشی نمی‌دانست.

بعدها من ردّ صندوقی را، مثل رد بسیاری از همکلاس‌هایم گم کردم تا بعدها که نقاشی‌هایش را توی کتاب‌های مدرسهٔ بچه‌هایم دیدم.

پدرش اولین فست فودی همدان بود. اما نه از این فست‌فودی‌های امروزی. یک بساط در سر خیابان سنگشیر همدان داشت و جیلیز ویلیز می‌فروخت. یعنی نوعی کباب که روی یک شبکهٔ سیمی درست می‌شد و هر تکه‌اش به اندازهٔ یک پنجم یک کباب کوبیده بود. بسیار هم چرب بود و خوشمزه. کباب «دامحرّم» را همهٔ همدان می‌شناختند و بچه‌ها عاشقش بودند. چاشنی آن هم پیازچهٔ خرد شده بود و دامحرّم این کباب و پیازچه را لای نان لواش مریانَج می‌پیچید و به یک قران به دست مشتری می‌داد. او که به نظر ما بسیار پیر می‌آمد خیلی هم خوشرو بود. می‌گفتند اصلاً همدانی نیست و مهاجر است و از بالای ارس آمده است. معلوم است که زندگی چنین آدمی خیلی راحت نمی‌گذرد. صندوقی فرزند او بود و هرچه شد کار خودش بود. آدم خودساخته‌ای بود که من با اینکه پنجاه و چند سالی از او بی‌خبر بودم با خواندن خبر درگذشتش حس کردم دوستی را از دست داده‌ام که آخرین بار همین دیروز او را دیده‌ام. نمی‌دانم در این هنگامهٔ مدرنیسم زندگی‌اش چگونه می‌گذشت. اما حتماً هر کس که یکی از کتاب‌های درسی یا غیردرسی را که او نقاشی کرده خوانده باشد باید حس کند که بخشی از زندگی‌اش با او رفته است. خدا رحمتش کند.

جمال‌الدین اکرمی

رازهای ماندگاری

سرگذشت هنری صادق صندوقی

صادق صندوقی (۱۳۹۷- ۱۳۲۱) نگارگر (مینیاتوریست) و تصویرگر کتاب‌های کودکان در همدان به دنیا آمد. دوره دبیرستان را در هنرستان هنرهای زیبا و آموزشکده (انستیتو) هنر به پایان رساند و پس از آن در آموزش‌وپرورش، به‌کار در زمینه گرافیک و تصویرگری کتاب‌های درسی پرداخت. وی در سال ۱۳۷۵ کار رسمی خود را در آموزش‌وپرورش به پایان رساند.

زمینه اصلی کارهای صندوقی در حوزه تصویرگری، به تدارک تصویر برای کتاب‌ها و متن‌های دینی اختصاص داشت، اما تلاش حرفه‌ای او را باید در نگارگری و توجه به زمینه‌های تشعیر و طراحی نقوش قالی جست‌وجو کرد. او برای برخی از آثار کلاسیک ادبی ایران، تصویرهایی پرکار و ارزشمند خلق کرد.

ویژگی‌های حرفه‌ای صندوقی در تصویرگری کتاب‌های کودکان گرایش او به ماجراهای دینی- تاریخی و توجه به نشانه‌های نگارگری ایرانی بود.

فعالیت‌های تصویرگری صادق صندوقی را می‌توان براساس دوره تاریخی و کیفیت پرداختن به تصویر، به سه بخش جدا از هم تقسیم کرد:

۱. دوره تصویرهای تجربی و نخستین

نخستین دوره تصویرگری صندوقی، ویژگی تجربی و اغلب غیر حرفه‌ای دارد. با آنکه تلاش‌های نخستین او در کتاب‌هایی چون: آزادی، تو نیکی می‌کن ... جرقه‌هایی گذرا دارد ولی از زمینه‌های حرفه‌ای دور است. ویژگی بومی پرداختن به تصویرگری در کتاب تو نیکی می‌کن و ... با شخصیت‌پردازی و فضاسازی‌های ایرانی همراه است و زندگی پرچالش خانواده ایرانی را مجسم می‌کند، اما دوری از تخیل، اهمیت دادن بیش از حد به عناصر فرعی تصویر و شلوغی فضا، آن را از عرصه‌های خیال‌انگیز دور کرده است. پرداختن به نشانه‌های واقع‌گرایانه در کتاب روباهی که فریب خورد، توانایی‌های طراحی فیگوراتیو و گاه قدرتمند صندوقی را نمایش می‌دهد؛ نشانه‌هایی که در دوره‌های بعدی آثار او، جای خود را به ویژگی‌های مسلط در پرداختن به زمینه‌های پرماجرا و پرتحرک تصویری می‌سپارد. وجود متن‌های غیرحرفه‌ای و زودگذر همراه با کتاب‌سازی‌های سهل‌انگارانه، بر فضای غیرادبی آثار صندوقی افزوده است و دوری از رنگ و پرداختن به صفحه‌آرایی‌های شتاب‌زده، تقریباً در همه آثار این دوره او به چشم می‌خورد.

۲. دوره تصویرگری متن‌های تاریخی

صندوقی، در دوره دوم تصویرگری خود، به خلق آثار دشواری در عرصه تصویرگری کتاب‌های دینی- تاریخی روی آورد. نزدیک به ۱۰ کتاب از آثار تصویری او به این دوره تعلق دارد. صندوقی در این دوره، با توجه به ویژگی توأمان گرایش به نگارگری و طراحی شخصیت‌ها و فضاهای تاریخی، به خلق آثاری دست زد که در ویژگی‌های حرفه‌ای آن، تنها به برخی از آثار **زمان زمانی** و **بهرام خائف** نزدیک می‌شود. ویژگی طراحی‌های صندوقی در این دوره تا حد شگفت‌انگیزی دوگانه است. همچنان که

در این آثار، رگه‌های درخشانی از حرکت‌های گروه انسانی در میانه جنگ‌ها، گردهم‌آیی‌ها و مهاجرت‌ها با طراحی‌های توانا، پیچیده و بدون رنگ همراه است، گاه نیز در کنار همین رگه‌ها، با نشانه‌هایی از شتاب‌زدگی برخورد می‌کنیم که به نظر می‌آید ادبیات نه‌چندان تخیلی و کم‌جان کتاب‌ها، در شکل‌گیری آن‌ها بی‌اثر نبوده است.

رگه‌های پرقدرت طراحی در آثار صندوقی نشان می‌دهد که او می‌توانست تا حد برجسته‌ترین تصویرگران فیگوراتیو، واقع‌گرا و تاریخ‌نگار حرکت کند. نشانه‌هایی که گاه در برخی از تصویرهای بعدی او برای کتاب‌های درسی به چشم می‌خورد. اما دوری از نشانه‌شناسی‌های تصویری در کتاب‌های کودکان، او را به نوعی پرکاری غیرضروری کشانده است. پرکاری‌هایی که امکان دارد در تصویرگری برخی حرکت‌های تاریخی، بسیار هم گویا و کارساز باشد. با وجود این، تردید صندوقی در اینکه در حوزه تصویرگری باقی بماند و به خلق تصویرهایی کاملاً حرفه‌ای در زمینه کتاب‌های تاریخی، دینی و روایی در حوزه ادبیات غیرتخیلی برای کودکان بپردازد، یا آنکه گمشده خود را در نگارگری برای بزرگسالان جست‌وجو کند، سرانجام به آنجا راه می‌یابد که رویکرد دوم را بپذیرد و تقریباً به تمامی خود را وقف آن کند و این راهکاری است که تصویرگری، بیشتر فعالیتی جنبی برای آن به شمار می‌رود. دوری صندوقی از فعالیت‌های جشنواره‌ای، نمایشگاهی و گفت‌وگوهای تصویرگری، این انگاره را قوی‌تر می‌کند.

تصویرگری کتاب‌های **عدی‌بن حاتم، غدیر خم، و سپاه فیل**، نمونه‌های تمام‌نمای ویژگی‌های دوره دوم آثار صندوقی به شمار می‌رود.

۳. تصویرگری برای کتاب‌های درسی

دوره سوم فعالیت‌های صندوقی در تصویرگری بیشتر به تدارک تصویر برای کتاب‌های درسی مربوط می‌شود. دوره‌ای که مرحله تکاملی دوره دوم اوست. ویژگی این دوره را باید بیشتر در استفاده از رنگ در تصویر، شلوغی و ازدحام در عناصر تصویری، افزایش شخصیت‌های موجود در یک تصویر، کنار گذاشتن تدریجی ضعف‌ها و شتاب‌زدگی‌های گذشته و قدرت بخشیدن به طراحی فیگوراتیو دانست. دامن زدن به نشانه‌های هیجان و حرکت با زاویه دیدی سینمایی و برش‌های تکنیکی، در این دوره افزایش می‌یابد. گرایش به ساختارگرایی، که یادگار علاقه او به نگارگری است، و توجه به عنصر ماجرا و کنش‌های پرماجرایی همچنان او را از توجه به تخیل و سادگی بازداشته و البته این ویژگی مسلطی است که در همه متن‌های داستانی کتاب‌های تصویری او وجود دارد. متن‌هایی که بیشتر به بازآفرینی حوادث تاریخی- مذهبی اختصاص دارد، بدون آنکه به حس‌های درونی، رفتارهای زبانی و عناصر توصیفی در متن‌های آن اهمیت داده شود.

از میان کتاب‌های داستانی و غیرتاریخی صندوقی در این دوره،

تنها می‌توان به کتاب **خاله گلدونه** ... اشاره کرد. در تصویرگری این کتـــاب، صندوقی به خلق تصویرهایی ســـاختارگرا و پرکار، خوش‌رنگ و بومی پرداخته اســـت. او در تصویرهای این کتاب، همان اندازه به طرح جزئیات لباس‌ها، طبیعت و معماری محیطی اهمیت داده است که به شخصیت‌های اصلی تصویر. ارزش‌گذاری هم‌ســـنگ به عناصر اصلی و فرعی، که از ویژگی‌های مسلط هنر نگارگری است، سبب شده تا صندوقی از حوزه تصویرگری فاصله بگیرد و از نگاه یک نقـــاش واقع‌گرا که به عناصر نگارگری کهن گرایش دارد، به کودک و تصویرگری نگاه کند. گرایش به جزئیات غیرضروری و دست و پاگیر در استفاده از نمادهای کاملاً واقعی و روزمره، دوگانگی غریبی است که نه صندوقی و نه هیچ تصویرگر دیگری نتوانسته است به آن زیبایی حرفه‌ای ببخشد.

ایرانی بودن و وفاداری به فضای ایرانی، ویژگی همیشـــگی آثار صندوقی است.

علاقه او به هنرهای ســـنتی ایـــران، در تصویرگری کتاب‌های تاریخی و دینی، گاه به خلق آثاری دشوار، پر ساخت‌وساز و حتی شگفت‌انگیز انجامیده است که سرشار از حرکت‌های ریز و درشت است، به‌گونه‌ای که حتی گاه می‌توان بخار دهان اسب‌های عرق کـــرده را در میدان‌های نبرد، از میان برق شمشـــیرهای آخته و چهره‌های خشمگین و گاه دردآلود احساس کرد. این ویژگی در یکی از تصویرهای صندوقی که برای متن درس آماده کرده، کاملاً آشکار و دیدنی است. چنین ساخت‌وسازهایی، در آثار تصویرگران موفـــق و پرکار در زمینه تصویرگـــری کتاب‌های غیرتخیلی، که

گاه چنین ویژگی‌هایی را طلب می‌کند، کمیاب و نایافتنی است، زیرا پرداختن به چنین ظرافت‌هایی، تجربه‌هایی دشوار و طولانی می‌طلبد که صندوقی از آن بی‌بهره نبوده است.

اگر چه صندوقی تردیدهای خود را ســـرانجام پس می‌زند و در گرماگرم دل سپردن به هنر نگارگری، تصویرگری را در سایه قرار می‌دهد، اما آثـــار پرکار او در تصویر کردن صحنه‌هایی از ادبیات کلاسیک ایران در زمینه‌نگارگری، ارزشمند و به یادماندنی است.

نخســـتین تجربه صـــادق صندوقی در زمینـــه تصویرگری، به تدارک تصویری از حماسه عاشـــورا در سال ۱۳۴۴ باز می‌گردد که برای روی جلد مجله صبح امروز کشید، اما کار حرفه‌ای را در این زمینه، در آخرین ســـال‌های دهۀ ۵۰ با تصویرگری قصه‌های قرآنی آغاز کرد.

صـــادق صندوقی را باید از نخســـتین تصویرگـــران معاصر در تصویرگـــری کتاب‌های دینـــی- تاریخی به‌شـــمار آورد. ره‌آورد تلاش‌های او فراهم‌سازی تصویر برای بیش از ۶۵ کتاب مخصوص کودکان و نوجوانان اســـت که در آن‌هـــا از ویژگی‌های هم‌زمان نگارگـــری و واقعیت‌گرایی تاریخی، به فراوانی بهره گرفته شـــده است.

دوره پایانـــی تلاش‌های صندوقی در تصویرگری، با توانایی‌های فراوانی در پرداختن به طراحی فیگوراتیو و روایت دینی- تاریخی همراه است که متأســـفانه هرگز فرصتی برای کامل کردن آن‌ها نیافت و لذا این آثار او باتوجه کافی به رنگ، بافت و کتاب‌ســـازی امروزی همراه نشد. با وجود این آثار او چشم‌انداز تأثیرگذاری در کارهای تصویرگرانی چون شادروان بهرام خائف پدید آورد.

بـــا آنکه تلاش‌های صندوقی در زمینـــۀ تصویرگری کتاب‌های کودکان، نیمه‌تمـــام ماند، با گرایش روزافـــزون و حرفه‌ای او به نگارگری و فراهم‌ســـازی آثاری پرساخت و ساز در مینیاتورهای ایرانـــی، این روند به نحـــو دیگری کامل گردیـــد. رویکردی که دنباله تلاش‌های هنرمندانی چون **محمود فرشـــچیان**، برای ارزش‌گذاری و احیای هنر نگارگری امروز به‌شمار می‌رود.

صادق صندوقی در داخل و خارج از کشـــور در زمینه نگارگری، نمایشـــگاه‌هایی برگزار کرد و در زمینـــه تصویرگری کتاب‌های درسی نیز پر کار و پر تلاش بود.

گفت‌وگو با صادق صندوقی

جشنواره بهترین بهانه برای خلاقیت و نوآوری است

اشاره

در اولین جشـــنواره تصویرسازی کتاب‌های درسی که در سال ۱۳۸۳ برگزار شـــد از دو تن از تصویرگران برجسته کتاب‌های درسی تقدیر شد؛ مرحوم پرویز کلانتری و صادق صندوقی. آنچه در پی می‌آید مصاحبه کوتاهی است که با مرحوم صادق صندوقی در همان ایام انجام شده است.

این تصویرگر برجســـته در مردادماه ۱۳۹۷ درگذشت. روانش شاد.

چه تفاوتی میان تصویرگری کتاب درســـی با غیردرسی قائل هستید؟

وقتـــی بحث آموزش پیش می‌آید، تصویرســـاز موظف اســـت در چارچوبـــی که مؤلف در نظـــر گرفته عمل کنـــد. البته این چارچوب در همه‌جا یکســـان نیســـت، مثلاً در کتاب علوم شاید تقریباً دست تصویرگر بسته است. اما در کتاب فارسی و ادبیات دســـت تصویرگر بازتر اســـت. این در حالی اســـت که تصویرگر در کتاب‌های غیردرســـی و غیرآموزشی عرصه وسیع‌تری برای فعالیت دارد.

به نظر شـــما در تصویرگری کتاب‌های درسی و آموزشی چطور می‌توان خلاقیت ایجاد کرد و نوآوری داشت؟

برپایی چشـــنواره بهترین بهانه برای خلاقیت و نوآوری است. کســـی که در جشـــنواره حضور پیدا می‌کند، با موضوع آشنایی دارد و از آن مهم‌تـــر، کار را در فرصت و زمان بیشـــتری انجام داده و ارائه می‌دهد. کارهایی که برای جشـــنواره انجام می‌شود، چون در قالب مســـابقه است، از تنوع و گوناگونی برخوردار بوده و خلاقیت در آن مشهود است. من معتقدم جشنواره جای بروز خلاقیت‌هاست. تصویرگر فرصت بیشتری برای فعالیت دارد. در

حالی‌که وقتی کار سفارشـــی می‌شـــود، تصویرگر با محدودیت زمان روبه‌روســـت. در عرصه هنر محدودیـــت معنا ندارد. وقتی کار به‌عنوان وظیفهٔ اداری ارائه شود و تصویرگر ناچار به تحویل اثر در مدت زمان کوتاه باشد، یکی از محورهای موفقیت در این حوزه ســـپردن کار به نسل جوان است، البته به شرط آنکه افراد مجرب هدایت و نظارت امور را به‌عهده داشـــته باشـــند. جوانی نیروی ارزشمندی برای خلاقیت به حساب می‌آید.

راز ماندگاری یک تصویر در ذهن افراد چیست؟

حضـــور طولانی‌مـــدت یک تصویـــر در کتاب درســـی، باعث ماندگاری آن می‌شـــود. اگر یک تصویـــر، هر قدر هم که جذاب باشـــد، تنها یک سال در کتاب درســـی باشد و بعد آن را حذف کنند، در ذهن باقی نمی‌ماند. همهٔ ما تصویر درس دهقان فداکار را در ذهـــن خود داریم. راز ماندگاری این تصویر به دلیل حضور طولانی‌مدت آن اســـت. نسل‌های مختلفی این تصویر را به‌خاطر دارند. دانش‌آموز تنها یک‌ســـال با یک کتاب درسی ارتباط دارد ولی حضور تصاویر را در ســـال‌های بعد هـــم می‌تواند در کتاب شاهد باشد.

تصویرگری برای کتاب‌های سال‌های اول دبستان چه تفاوتی با تصویرگری برای سال‌های بالاتر و مقاطع دیگر دارد؟

در ســـال‌های آغازین تحصیلی، تنوع رنگ در میان تصاویر باید بیشتر باشد. در این سال‌ها، تصویرگر می‌تواند از قوهٔ تخیل خود بهرهٔ بیشتری بگیرد و آن را بیش از سال‌های بالاتر به کتاب وارد کند. در دورهٔ ابتدایی گاهی لازم است با ترفندهای خاصی نمک کار افزود و در برخی کارها از چاشـــنی کاریکاتور هم بهره گرفت تا تصاویر برای کودکان جذاب‌تر و شاداب‌تر به نظر برسد. هرچه کلاس و سطح کار بالاتر می‌رود، کارها باید واقعی‌تر به نظر برسد.

چه زمانی تصویرگری در کتاب‌های درســـی می‌تواند به موفقیت نزدیک‌تر باشد؟

زمانـــی این مهم اتفاق می‌افتد کـــه تصویرگر و مؤلف کنار هم باشند. باید زمینه‌ای فراهم آورد تا مؤلف و تصویرگر همدیگر را بهتر درک کنند. هر عاملی که بتواند موجب تفاهم بیشتر میان مؤلف و تصویرگر شـــود، ارزشمند اســـت و باید به آن بها داد و زمینهٔ تقویتش را فراهم کرد. در این عرصه، برپایی جشـــنواره و نمایشگاه تصویرگری کتاب درسی یک گام مهم به شمار می‌آید و ثمره‌اش در ســـال‌های آتی در کتاب‌های درسی نمودار خواهد شد.

سه معلم شورانگیز

یادداشتی از زنده‌یاد صادق صندوقی

در مجلهٔ «رشد معلم» شماره ۱۴۶ (دی ۱۳۷۸ - ص ۴۳) مطلبی از صادق صندوقی درباره بهترین معلمانش منتشر شده است. او به گفته خودش، طی دوران تحصیل بیش از ۳۰ معلم داشته است که در این نوشته سه تن از آن‌ها را شایستهٔ ستایش می‌شمارد که باید بر دستانشان بوسه زد. این یادداشت کوتاه را از او بخوانید.

اوّلین بار بود که این دو کلمه به گوشم می‌خورد: «تشویق» و «ترغیب»؛ آن هم سال اوّل ابتدایی در دبستان شکیبای همدان و از زبان آقایی به نام «پورراد» که معلم پنجم ابتدایی بود و نقّاشی‌های مرا فقط بر در و دیوار کلاس‌ها و دفتر و راهروها دیده بود. لذّت و شیرینی این دو کلمه، با دادن یک جعبه آب‌رنگ و یک دفترچهٔ نقاشی اعلا، آن هم سر صف و جلوی چشم دانش‌آموزان دیگر که برایم کف می‌زدند و هورا می‌کشیدند، صدچندان شد.

نمی‌دانم چه قدرت و کششی در این کلمات بود که راه مرا از همان اوان کودکی مشخص کرد. البته آقای «پورراد» را با همان عینک دودی و لبخند همیشگی، ده‌ها سال بعد، در انستیتو تربیت مربیّان امور هنری و در کسوت معاونت آن مرکز دیدم و اظهار آشنایی و ارادت کردم که نشناخت؛ ولی با تواضعی آمیخته به شعف گفت نیمی از کسانی که در این‌جا رشتهٔ هنر را دنبال کرده‌اند و می‌کنند، از جملهٔ کسانی هستند که شهد شیرین تشویق را اول بار او به کامشان ریخته و به جانشان انگیخته است!

بخت یار من بود که بعدها، در سال‌های آخر دبستان نیز، نیک‌مردی پاک‌سرشت و شریف به نام «محمد شریفی» معلم ما شد که در ورزش نیز دستی و علاقه‌ای داشت و همو بود که لذّت درک ورزش و هنر را به ما شناساند. شگفت آنکه او طریق درست دیدن و انتقاد و تجزیه و تحلیل آثار هنری را، آن هم در کلاس چهارم دبستان و در محیط بسته و مهجور دهۀ سی همدان، به ما شناساند. چرا که علاوه بر اخذ تکالیف درسی، از ما می‌خواست فیلم‌هایی را که در تنها سینمای شهر می‌دیدیم، در زنگ انشا، به اصطلاح امروزی، نقد کنیم و چه‌قدر گرم و پرجوش و زنده بود ساعات درس آن معلّم عزیز در دبستان هاتف همدان که واقعا برازندهٔ نام «معلّم» بود.

این سرزندگی و جوشش در ساعات انشا، زمانی که سال سوم متوسطه بودم، با آمدن دبیری آگاه و متعهّد به اوج رسید. تا جایی که ساعات درس انشا و ادبیّات برای ما دریچه‌ای شد تا از آن به دنیای جدیدی نظر کنیم. او با طرح موضوعاتی بکر و تازه، ذهن ما را به جولان درآورد و گه‌گاه در فواید یا مضرات مظاهر تمدن مثلاً سینما، مناظراتی کتبی بین دانش‌آموزان ترتیب می‌داد و اغلب نیز در فواصل برنامه‌ها، علاوه بر تدریس دروس کلاسیک، با قرائت اشعاری از شعرای نوپرداز و معرّفی اجمالی آن‌ها، به ما که از دنیای کودکی به دوران نوجوانی و جوانی قدیم می‌گذاشتیم، شناختی درست و منطقی از حال‌وهوای زمانه به دست می‌داد و بدین صورت ما را با اشعار نو، افکار نو و هنر نو آشنا می‌کرد. او حتی ما را به خواندن نشریات وزین و مترقّی آن زمان، که خارج از درک و فهم هم‌سالانمان بود، تشویق می‌کرد و با تعریف مکاتب گوناگون هنری و سیاسی، دید سیاسی شاگردان را با تحلیل مسائل روز بالا می‌برد. ارزش و اهمیت کار او برای من، با آمدن به تهران و تحصیل در هنرستان هنرهای زیبای آن زمان، تشخّص و نمود بیشتری پیدا کرد؛ چرا که بی‌هیچ خودستایی، احساس می‌کردم افکار و اطّلاعات و معلومات عمومی و هنری من نوجوان شهرستانی خیلی‌خیلی بیشتر از شاگردانی است که در تهران زندگی و تحصیل کرده‌اند و این نبود جز نحوهٔ آموزش صحیح و عمل‌کرد فوق برنامهٔ دبیر دل‌سوز و انقلابی، جناب «علی اکبر بلالی» عزیز که هرکجا هست خدا او را به سلامت دارد.

معرّفی

«صادق صندوقی» در سال ۱۳۲۵ در همدان به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان‌های «شکیبا»، «پرورش» و «هاتف» به پایان برد. دورهٔ اول متوسطه (نظام قدیم) را در دبیرستان‌های «ادیب» تهران و «علویان» همدان به انجام رساند. در سال ۱۳۴۰ دوباره به تهران آمد و دنبالهٔ آموزش را در «هنرستان هنرهای زیبای پسران» طی کرد.

در سال ۱۳۴۴، پس از اخذ دیپلم هنر، در کسوت سپاهی دانش، به روستای فیروزآباد اسفراین رفت و همراه با تدریس به جست‌وجو در زمینهٔ هنرهای بومی و سنتی پرداخت. در سال ۱۳۴۸ به استخدام رسمی آموزش و پرورش درآمد و دو سال در روستاهای آذربایجان غربی به تدریس و تمرین هنر همت گماشت. سپس به استان مرکزی منتقل شد و معلمی را در روستاهای ساوه و نوبران ادامه داد.

در سال ۱۳۵۲ به تهران آمد و تحصیلاتش را در انستیتو مربیان امور هنری پی گرفت. در پایان دوره، نفر اوّل و برندهٔ بورس خارج از کشور شد که مقامات مسئول به دلیل کمبود بودجه از اعزام او به خارج سرباز زدند. سپس مسئول امور نمایشگاه‌ها در دفتر تحقیقات ملی و میهنی شد و در سال ۱۳۵۷ به همکاری با امور تربیتی پرداخت و در سال ۱۳۶۱ به دفتر امور کمک‌آموزشی آمد و با مجلات رشد همکاری کرد. در سال ۱۳۶۷ به ادارهٔ کل چاپ و توزیع کتاب‌های درسی رفت و تا تابستان ۱۳۷۷ که بازنشسته شد، با واحد طراحی و تصویرسازی آن اداره همکاری می‌کرد. این معلم هنرمند از آن پس در کنار وظایف اداری به کار آزاد در زمینهٔ نقاشی و گرافیک و با تصویرسازی برای متن و روی جلد بیش از ۲۰۰۰ کتاب، به ویژه کتاب‌های تاریخی و مذهبی کودکان و نوجوانان در سال‌های قبل از انقلاب، نامی آشنا در عرصهٔ هنر ایران شد.

من یک نقّاش مردمی هستم

صادق صندوقی تصویرگر کتابهای درسی از زندگی و هنر خود می‌گوید:

اشاره

صادق صندوقی نقاش و تصویرگر کتابهای درسی، سال ۱۳۲۵ در بهلان به دنیا آمد و دوره ابتدایی را در همان شهر به پایان رساند و دوره متوسطه را در هنرستان هنرهای زیبای پسران تهران و گچبری تابع التحصیل آموزشکده تربیت مربیان هنر سپری نمود. او از زمره شاگردان اولیه بنیانگذاران دی ماه سال ۱۳۴۸ به استخدام وزارت آموزش و پرورش درآمد و پس از سال تدریس در دبستان‌های مختلف ایران در نهایت، سال ۱۳۴۷ قرار داد کلی جایگاه توزیع کتابهای درسی پیوست. آنچه می‌خوانید گفت‌وگوی کوتاه با وی است، در نکات جالب توجه یادآوریان، بنا با خوش صحبت بودن، خوش خلقی، تعلق‌خاطر و البته ادامه فعالیت‌های هنری در عرصه ادبیات قابل تسلیم میباشد.

فعالیت‌های هنری در عرصه ادبیات قابل تسلیم میباشد.

آقای صندوقی از چه زمانی متوجه شدید که در نقاشی استعداد دارید؟

بنام خدا، در حقیقت جواب این کتابهای درسی باعث شد که من به نقاشی علاقه‌مند شوم چرا که برای بچه‌ها کم که در کلاس دوم ابتدایی درس می‌خواند تصاویر کتاب درسی برایش را که آن زمان بصورت سیاه و سفید چاپ میشد رنگ آمیزی میکرد و هم که هستند به من می‌گفتند و من را برای رنگی را در دست گرفته بمانند یک هنرمند طاقی علی، هر رنگی را که می‌خواست به او میدادم و به من می‌گفت تو که می‌شناختی رنگها، به نقاشی علاقه‌مند شدم. جالب اینکه من با تشکر که از طرف کتب درسی شروع به نقاشی کردم و همین دستمال، من بعنوان تصویرگر کتب درسی در دفتر چاپ و توزیع کتابهای درسی آنجا بازنشسته شدم.

در آغاز کار، از چه چیزهایی الگو می‌گرفتید؟

در آنزمان، یعنی اواخر دهه چهل، شهرها بدلیل فقر و بی‌سوادی مردم و برای مراکزی بود که کودکی بیشتر من بتواند در آنجا تعلق کرد و به سر میبرد

در حقیقت دیگر تصویری ما، در آن نگاه کردن به تابلوهای سردر مغازه‌ها و یا دیدن پلاکات شناسایی شهر خلاصه میشد که در بین مردم کوچه و بازار ما به نوعی صیقل میداده باعث ارتقای بسیار در جنبه‌های هنری میگردید.

آیا از آموزگاران و دوران تحصیل خاطراتی دارید؟

اتفاقاً شیرین خاطراتم حول محور آموزش و پرورش و استاد معلم می‌چرخد چرا که یاد دارم اولین روز رفتم، مدرسه، معلم ما که جلوست برای دانش آموزان کلاس ما گرم کند و ما طرفی جلوست بچه‌ها بیکار باشند، به تنظیف کرد و چرک از دفتر و دفتر و یک نقاشی بکشند که صبح خانه صدا خورشید و نقاشی کردم که نظر دانش آموزان علی سینی‌ام را جلب کرد که ناچار شدم ساعت جلوست آنان برای هر یک بچه‌ها جرگرشن را نقاشی کردم و به مرور شاید برای صف بچه‌های کلاس بنا نقاشی را کشیدم آنکه وضع قصه یا خبر باشم، اما بیشتر که ساعت دو ساله در کلاس اول را داشت تهدیدم که کسی این کار شاخص نقاشی دست و کشیدن نبینند معلم باشند کس باشند این حرف بنا داشتند و حرام باشد نرود تا آنها معلم، صدا مرا مرام و دنا رشدم، با دور و آمدن کار صبح آوری اولین نقاشی، سپس ارطی نقاشی که برای چند سال گذشت دوره پیدا کرده و گفت: این نقاشی باید کار بکشیدن باشد که سعید علی فی الحقیقت اتهام و اسم ابراز کرده مراسلان را، آموزگار غیر کرد علی اکبر علائی، ماندنت تو خوشه بیش بیاید این علاقت که بلند شوم آنگاه دوره پیدا کرده و گفت: برای تشویق تشویق این نقش آموزگار دست بزنید؟ یا دقت کنم که برای اولین بار بوکلد تشویق را می‌شنیدم و با نام و جوانه‌ای کردیم، در حقیقت حرکت آزاد معلم دیگر مسیر زندگی مرا عوض کرد زیرا دگر آن معلم نباشیم، بجای تشویق ترتیب، انشات و نصیب را جایگزین کرده و من چه بسا من برای جهت نقاشی را به سیره کتابی گرفتم، بسته در نامی طول تحصیل بدلیل همین درگیرهای هنری بارها و بارها از این مرحله همین لطف

[illegible]

گفت از جانب امام خمینی (ره) مأموریت دارد تا نوجوانان را با تعلیم قرآنی آشنا کند شروع به انجام یک سری کتب پیدا کردیم که محتوا بود قبه قرار گرفته به چاپهای متعدد رسید، بسته علاوه بر آن شاید تا بیش از هزار روی جلد برای کتب مثال‌های کلاسیک برای فرجوانان دارین انقلاب شورای ایران و شمار زیادی قصه‌های ایرانی برای کودکان نقاشی کرده‌ام آنکه در دفتر چاپ و توزیع کتابهای درسی آنجا مشغول کار مرد درسی برای مقاطع مختلف تحصیلی نقاشی کرده‌ام، به امضا اضافه کنید نقاشی‌های کلاسیک آموزش و صدا آموزش، کارتهای قرآنی، نقاشی‌های مختلف همچنین تذهیب جلسه آنچه نشیت که به ضرر قاطع و با آغاز میکردم خوشحال که در کنیت پرورش آموزش برای حد اقل یک نقاشی از من وجود دارد بنابراین آنکه نقاشی مردمی که از طرف صبحی دوستان من اطلاق شده را جزء افتخارات میدانم و به آن میبالم.

شیوه من در تصویرسازی کتب درسی، بیشتر آمیزه‌ای از نقاشی مختلف خاص با رعایت اصول صحیح آناتومی و پرسپکتیو میباشد.

[illegible]

که بسته در مورد تصویرسازی برای کتب غربی بکارگیری این شیوه مطلقاً جالب نداده مجبوم آنها را به سبک خاص کم. آیا با کمال از آثار خود نمایشگاهی داشته‌اید؟

در نمایشگاههای جمعی زیادی شرکت کرده‌ام اما اولین نمایشگاه انفرادی‌ام در سال ۱۳۸۳ در گالری بین‌المللی سن آگوستین تم و گالری قاب‌سیاف در شهر تورین ایتالیا بود که فوق‌العاده مورد استقبال قرار گرفت، موضوعات کارهایم در آنجا که شامل ۲۰ مورد با تکنیک نگارگری مجدد با الهام در اشعار حکیم عمر خیام کار شده بود، اوقات کم که در همان سال نیز از جانب وزارت آموزش و پرورش در جلسه برگزاری اولین دوسالانه تصویرسازی کتب درسی، از من دعوت شد از جمله جناب پرویز کلانتری، میزان پیکسوتان نقاشی کتابهای درسی تحلیل و بررسی گذشته شایسته به عمل آمد.

تجربه مختصر:

تجربه حرفه‌ای نخستین او به نقاشی تصویری از عاشورا در سال ۱۳۴۲ باز میگردد که برای روز جلد چاپ صبح بود به کار کرد، در سالهای پایانی دهه ۵۰ به تصویرگری قصص قرآنی پرداخت که زمینه اعلام کارهای بعدی بود.

ویژگی‌های تصویرگری

فعالیت‌های تصویرگری صندوقی را میتوان بر اساس دوره پرداختن به تصویر در سه بخش بررسی کرد:

۱- دوره تصویرهای تجریدی

۲- دوره تصویرهای تاریخی مذهبی و ۳- دوره تصاویر کتب درسی.

دوره اول بیشتر فضاسازی و مجسم کردن زندگی پیامبر است

دوره دوم نگارگری برای جلد دوازدهی شعرا و دوره سوم تصویرسازی برای کتابهای درسی در مقاطع مختلف تحصیلی.

تا پرده در نشیبان هنری در ادامه فرهنگ و اشاعه اسلامی به عنایت زمان در چه یک هنرگر معادل درک کمتر جیاتا تا گردیده است.

صندوقی از زبان صندوقی

صادق صندوقی در سال ۱۳۹۲ گفت‌وگویی با باشگاه خبرنگاران جوان انجام داده و در آن به نکات جالب توجهی از زندگی هنری خود اشاره کرده است. بخش‌هایی از این گزارش را که از زبان خود او روایت می‌شود، با اندکی ویرایش بخوانید.

روز اول مدرسه قبل از این‌که وارد دبستان شوم کتاب‌های برادرم را که تصاویری سیاه و سفید داشت، رنگ‌آمیزی می‌کردم. این علاقه کم‌کم در من ایجاد شد و شروع به نقاشی کردم. هیچ وقت خاطره روز اول مدرسه از یادم نمی‌رود اگر آن روز معلم برخورد تندی با من می‌کرد معلوم نبود که امروز سرنوشت چه تقدیری را برایم رقم می‌زد. روز اول مدرسه بود. بچه‌ها در کلاس شلوغ می‌کردند و معلم‌مان برای ساعتی کلاس را ترک کرد و به بچه‌ها گفت: «تا برمی‌گردم هر کدامتان یک نقاشی بکشید.» تصویری از یک خرگوش کشیدم و برای یکی از همکلاسی‌هایم همان تصویر را طراحی کردم. در دفتر چند نفر دیگر هم همین تصویر کشیده شد. مبصرمان که دو سال از بچه‌های کلاس بزرگ‌تر بود مرا تهدید کرد که به معلم می‌گوید، با چهره‌ای نگران منتظر آمدن معلم بودم.

وقتی در کلاس باز و معلم وارد شد، اضطراب داشتم. هر لحظه فکر می‌کردم معلم از کلاس اخراجم می‌کند؛ اما برخلاف تصورم وقتی معلم نقاشی‌ها را دید و متوجه شد که همهٔ نقاشی‌ها را من کشیده‌ام، به جای تنبیه، تشویقم کرد و بچه‌های کلاس برایم دست زدند. این نخستین بار بود که تشویق را با همهٔ وجود حس می‌کردم. تشویق در وجود هر انسانی از شیرخوارگی تا بزرگسالی، حس خوبی را القا می‌کند. با این کار کوچک مسیر زندگی‌ام به کلی تغییر پیدا کرد. اگر آن روز معلم‌مان مرا تشویق نمی‌کرد، ممکن بود راه دیگری را انتخاب کنم؛ از آنجا بود که به طور جدی همهٔ فکرم ورود به دنیای نقاشی شد. عشق به نقاشی و معلمی با اشتیاق به هنرستان هنرهای زیبای تهران آمده و درسم را ادامه دادم بعد از گرفتن مدرک دیپلم چون علاقه زیادی به رشته معلمی داشتم به استخدام آموزش و پرورش در آمده و به عنوان معلم روستا به آذربایجان غربی رفتم. در روستا که بودم فقط مطالعه می‌کردم و نقاشی از طبیعت بهترین سرگرمی‌ام شده بود. سه سال از بهترین روزهای عمرم

را کنار دانش‌آموزان روستا در آذربایجان غربی گذراندم. از پایه اول تا پنجم تدریس می‌کردم. زمانی که قصد بازگشت داشتم، تمام دانش‌آموزانم را با خطی خوش به آینده‌ای درخشان سپرده و راهی سفری دوباره شدم. دو سال در ساوه بودم و در این شهر در سال ۴۸ زمانی که جوانی ۲۳ ساله بودم ازدواج کردم.

بعد از آن به تهران آمده در انستیتو تربیت مربیان امور هنری که وابسته به آموزش و پرورش بود، مشغول به کار شدم. دانشجوی ممتاز بودم و زمانی که از هنرهای هفت‌گانه فارغ‌التحصیل شدم، به من وعده بورس مطالعاتی در فرانسه و ایتالیا دادند که متأسفانه محقق نشد. در تهران ماندگار شدم و چون برای هنر، نقاشی و قلم حرمت قائل بودم، دیگر هیچ تصویری را طراحی نمی‌کردم.

تصویرسازی به سفارش امام خمینی(ره)

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی کتاب قصه‌های قرآنی را به سفارش امام خمینی(ره) طراحی کردم و زمانی که از کارم استقبال شد به عنوان یک تصویرگر کتاب شناخته شدم. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، کارم وارد مرحلهٔ جدیدی شد و تقریباً تمام شخصیت‌های اسلامی و چهره‌های مذهبی را نقاشی کردم.

ورود به کتاب‌های درسی

از سال ۱۳۶۶ بود که وارد دفتر چاپ و توزیع کتاب‌های درسی شده، نقاشی کتاب‌های درسی را به عهده گرفتم. در کتاب‌های درسی ماندگارترین اثرم نقاشی معروف اصحاب فیل است. تقریباً همهٔ افراد مرا با تصویر چهره امیرکبیر می‌شناسند. خیلی از نویسنده‌های معاصر می‌گویند: «نخستین عشق و علاقه به کتاب و کتاب‌خوانی با دیدن نقاشی‌های من در آن‌ها به وجود آمده است.» وقتی می‌دیدم تمام نقاشی‌هایم در همهٔ نقاط ایران حتی در دنیا به عنوان کتاب درسی مورد استقبال قرار می‌گیرد، حس خوبی را تجربه می‌کردم؛ چون این نقاشی‌ها دست پروردهٔ خودم بود که به همهٔ نقاط دنیا سرک می‌کشید. در واقع نیمی از شخصیت من بود. به همین خاطر با عشق و علاقه کار می‌کردم.

علی رغم کار زیاد و وقت اندکی که داشتم، سعی می‌کردم بهترین کار را ارائه دهم. تمام توجهم را به سمت جوانان و نوجوانان جلب کردم و دوست داشتم اثری ماندگار و تأثیرگذار برایشان طراحی کنم. چون آن‌ها آینده‌سازان کشور هستند و به نوعی باید آینده‌نگری را در نقاشی‌هایم نشان می‌دادم. در جنگ شهرها و در موشک باران، پیشنهاد دادم در کتاب زبان انگلیسی تصاویری به صورت کاریکاتور نقاشی شود که در آن شرایط متشنج، جوانان را به ادامه تحصیل ترغیب کند. این طرح مورد توجه قرار گرفت و موجب شاد شدن روحیه جوانان زمان جنگ شد.

از مشکلات نهراسیم

گاهی در کار، نظرات مخالف موجب پیش آمدن مشکلاتی می‌شد. با اینکه اغلب آن‌ها (مخالفان) افرادی باسواد و آگاه بودند، اما سواد بصری نداشتند. در عصر جدید، تمام کارها با رایانه پیش می‌رود و با تکنولوژی جدید و دیجیتالی شدن وسایل، کار سریع‌تر و بهتر شده است؛ اما حال و هوای هنری ندارد و این موضوع کمی علاقه‌ها و انگیزه‌ها را کمرنگ کرده است. به هر حال دوره زندگی ماشینی است و باید مدرنیته را پذیرفت.

کار مدرن در جایگاه خود ارزشمند است، اما نه برای کتاب‌های درسی. این نوع طراحی‌ها (مدرن) برای کتاب‌های غیرآموزشی و تخیلی مناسب‌تر است. در کشورمان فکر و ایده‌های خوبی وجود دارد. از نظر فنی مثل چاپ و صحافی کشورهای دیگر بالاتر هستند؛ اما از نظر نقاشی و طراحی تقریباً برابری می‌کنیم. یک وقتی کارهایم را در نمایشگاهی در ایتالیا گذاشته بودم، بازدیدکنندگان تصور نمی‌کردند کار فردی است و خیال می‌کردند این تصاویر کار یک گروه باشد. تمام دل‌خوشی‌ام، نقاشی‌هایم هستند بزرگ‌ترین آرزوی یک هنرمند جاودانگی قبل از مرگ است. می‌خواهم تا زمانی که زنده هستم چند نمایشگاه برپا کنم و کتاب بنویسم تا ردپایی از خود باقی گذارم و کاری ماندگار ارائه دهم. تمام دلگرمی و دلخوشی‌ام همین نقاشی‌ها هستند. الان برای دل خودم نقاشی می‌کشم. در تصاویری که برای نوجوانان طراحی می‌کردم، سعی‌ام این بود که از رنگ‌های خالص استفاده کنم. همه رنگ‌ها زیبایی خاصی دارند، اما در میان آن‌ها رنگ فیروزه‌ای جلوه‌ای خاص دارد و بیانگر فرهنگ شرقی است.

رنگ زندگی

برای اثر خلقی نو و جاودانه باید در ابتدا طرح را مجسم کنم و با قوه تخیل و هنر تجسمی به آن بپردازم. آنجا که اوج داستان است و زمانی که به نقطه طلایی قصه می‌رسم، نقاشی را شروع می‌کنم تا تأثیرگذار باشد. نقاشی، صبور و با حوصله‌ام کرده است که این دو ویژگی نعمتی بزرگ است. نقاشی در روابط اجتماعی، تربیت فرزندان و ارتباطات خانوادگی‌ام نیز تأثیرگذاربوده و نکاتی را به من یاد داده است. ازدواج با همسرم را رنگ صورتی زده‌ام؛ کودکی‌هایم سبز و میان‌سالی را به رنگ زرد تجسم می‌کنم. تولد برایم رنگ قرمز و رنگ زندگی است و مفهوم مرگ را با رنگ خاکی بیان می‌کنم. از سوی طرفدارانم نقاش مردمی نام گرفته‌ام که از موهبت تولد تا حلاوت مرگ را به تصویر کشیده‌ام.

فرشته های زمین کاش ماندنی بودند

چه خوب می‌شد اگر خوب‌ها نمی‌رفتند
فرشته‌های گلی چون شما نمی‌رفتند

زمین بهشت برین بود با وجودت اگر
فرشته‌ها همه پیش خدا نمی‌رفتند

فرشته‌های زمین کاش ماندنی بودند
و بی مقدمه از بین ما نمی‌رفتند

چه خوب می‌شد اگر روح‌های ما بی ما
شبیه بادکنک‌ها هوا نمی‌رفتند

چه خوب می‌شد اگر خاک مهربان‌تر بود
که ساده این همه گُل زیر پا نمی‌رفتند

چه خوب می‌شد اَجل این‌قَدَر عجول نبود
که ناگهانی عزیزان ما نمی‌رفتند

چرا نماندی عزیزم تو خوب بودی که؟!
همیشه اهل وفا بی‌وفا نمی‌رفتند!

تو رفتی و منِ شادی به غم مبدل شد
که با تو شادی و شور و صفا نمی‌رفتند.